

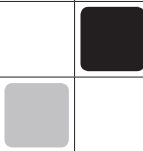
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس

نمینیریز

سال دوازدهم □ شماره چهل و چهارم □ بهار ۱۳۹۲

صاحب امتیاز	مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران
مدیر مسئول و سردبیر	دکتر حسین اردستانی
هیأت تحریریه	دکتر غلامعلی رشید - عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع)؛ دکتر حسین علایی - عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع)؛ دکتر محمود یزدان فام - عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی؛ سردار سرتیپ پاسدار حمید اصلانی
دبیر و مدیر اجرایی	حسن دری
صفحه آرایی	عباس درودیان
ویراستار	زهرا ناظری
ناظر چاپ	محمد بهروزی
نشانی	تهران، خیابان شریعتی، خیابان شهید وحید دستگردی (ظفر)، پلاک ۷۷
تلفن	داخلی ۲۴۵ - ۲۲۹۰۹۵۲۴
دورنگار	۲۲۹۰۹۵۳۸
پست الکترونیکی	neginiran@gmail.com
مرکز فروش	تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، مجتمع ناشران فخر رازی
	انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس
تلفن	۶۶۴۹۷۲۲۷ - ۶۶۴۹۵۵۷۲
قیمت	۶۰۰۰ تومان



مشاوران علمی

- دکتر محسن رضایی، دانشگاه امام حسین^(ع)
- امیر دریابان علی شمخانی
- دکتر رحیم صفوی، دانشگاه امام حسین^(ع)
- سردار سرتیپ پاسدار حسین سلامی
- دکتر علی اکبر کجباف، دانشگاه اصفهان
- سردار سرتیپ پاسدار جمال آبرومند
- سردار سرتیپ پاسدار محمد پاکپور
- سردار سرتیپ پاسدار مرتضی صفاری
- دکتر امیرمحمد حاجی یوسفی، دانشگاه شهید بهشتی
- محمد درودیان
- محسن رخصت طلب

مقاله‌ها و مطالب درج شده در فصلنامه نگین ایران بیانگر دیدگاه نویسندگان آنهاست.

هرگونه استفاده از گزارش عملیات‌ها، نوارهای پیاده‌شده و اسناد مندرج، منوط به مجوز از سردبیر می‌باشد.

بهره‌برداری از سایر مندرجات فصلنامه با ذکر مأخذ بلامانع است.



مقالات

یدالله ایزدی

۵

بمباران شیمیایی حلبچه؛ تکرار فاجعه هیروشیما

نادر زارع زاده

۳۹

لشکر ۱۷ علی ابن ابی طالب^(ع) در عملیات بدر

تنظیم‌کننده: حسن دری

۵۹

سخن‌رانی برادر علی شمشانی
در جمع نیروهای لشکر ۷ ولی عصر^(عج) (۶۴/۴/۹) و مسئولین تیپ سیدالشهدا^(ع) (۶۴/۵/۲۶)

عبدالوهاب خوجملی

۷۱

تبیین موقعیت ژئوپلیتیک ایران

سجاد جهانشیر

۸۷

انهدام پل جویبر در عملیات بدر

نویسنده: عباس النصراوی
ترجمه: سهراب گنجی‌مراد

۹۵

جنگ ایران و عراق و نقش آن در فروپاشی روند توسعه‌ی اقتصادی عراق

همایش

مریم اسدی جعفری

۱۲۱

گزارش جلسه رونمایی کتاب "روند جنگ ایران و عراق"

اسناد

حسن دری

۱۳۳

گزارش لحظه به لحظه (شرح وقایع) قرارگاه عملیاتی خاتم ۲ در عملیات بدر

معرفی کتاب

حسن دری

۱۵۶

"روند جنگ ایران و عراق" و

۱۵۷

گزارش‌های روزانه صحنه نبرد لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب در عملیات بدر

بررسی و نقد کتاب

زهرا ناظری

۱۵۸

گزارش نشست نقد و بررسی کتاب "نقش استان آذربایجان غربی در دفاع مقدس"

[illegible]



بمباران شیمیایی حلبچه؛ تکرار فاجعه هیروشیما

یدالله ایزدی*

یکی از حوادث مهم جنگ ایران و عراق که از آن به عنوان فاجعه انسانی و حادثه‌ای مشابه بمباران شیمیایی هیروشیما و ناکازاکی در جریان جنگ جهانی دوم نام برده شده، بمباران شیمیایی حلبچه و روستاهای اطراف آن توسط رژیم صدام حسین است. این اقدام که به تلافی همکاری معارضین کرد عراقی با رزمندگان جمهوری اسلامی انجام شد، منجر به شهادت و مصدومیت هزاران نفر از اهالی کرد منطقه و آواره شدن ده‌ها هزار نفر دیگر گردید. اخبار فاجعه کشتار مردم حلبچه تا مدت‌ها در صدر اخبار روز دنیا قرار گرفت و افکار عمومی را در سراسر جهان به شدت تحت‌تأثیر قرار داد. موفقیت جمهوری اسلامی در ایجاد فضای تبلیغاتی وسیع و مؤثر بر ضد حکومت عراق، محکومیت جهانی علیه این رژیم را در مجامع سیاسی، رسانه‌ای و مردمی در پی داشت و فشارهای سیاسی بر ضد ایران برای تحمیل قطع‌نامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل را تعدیل کرد. آنچه پیش روست مروی بر این فاجعه و مسائل پیرامونی آن است؛ حادثه‌ای که پس از ۲۵ سال آثار آن هم چنان وجود دارد.

کلیدواژه: بمباران شیمیایی - حلبچه - والفجر ۱۰

چکیده

مقدمه

از اجساد کودکان، زنان و مردانی شد که دقایقی قبل، بی‌خبر از آنچه به وقوع خواهد پیوست به امور عادی زندگی خود مشغول بودند. به محض رسیدن خبر بمباران شیمیایی و وقوع یک فاجعه انسانی، برای جلوگیری از کشتار بیشتر مردم، فرماندهان و مسئولین پشتیبانی عملیات امکانات موجود در منطقه را برای کمک‌رسانی به مصدومین حادثه و انتقال سایر اهالی به مناطق امن را به کار گرفتند. همچنین با فراخوانی تیم‌های پدافند شیمیایی و برپایی چندین اورژانس تعجیلی تا حدودی از افزایش تلفات مصدومین جلوگیری شد. با بهره‌گیری از امکانات ترابری سپاه پاسداران و بالگردهای هوانیروز و در روزهای بعد وسایل نقلیه استان‌های

در حالی که یگان‌های سپاه پاسداران سومین مرحله از عملیات بزرگ سالانه ایران موسوم به والفجر ۱۰ را در منطقه دشت حلبچه اجرا می‌کردند، رژیم بعث عراق که از رویارویی با رزمندگان باز مانده بود و بسیاری از نیروهایش به محاصره در آمده بودند، در اقدامی هولناک، حلبچه و مناطق آن را در ابعاد وسیعی بمباران شیمیایی کرد. این امر منجر به کشته و مجروح شدن چند ده‌هزار نفر از مردم این مناطق شد که از رزمندگان ایرانی و معارضین عراقی به گرمی استقبال کرده بودند.

در مدت کوتاهی، جای جای محوطه منازل، زیرزمین خانه‌ها، کوچه‌ها، خیابان‌ها، جاده‌های روستایی، شیارها و یال‌ها در ارتفاعات منطقه پر

* راوی و پژوهش‌گر مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

حلبچه را به مهم‌ترین خبر دنیا تبدیل کرد. چندین تیم پزشکی راهی ایران شدند و کمک‌های دارویی و تجهیزات پزشکی از سوی برخی نهادهای بین‌المللی از جمله صلیب سرخ جهانی، سازمان پزشکان بدون مرز و برخی کشورها به ایران ارسال گردید.

موفقیت جمهوری اسلامی در جلب توجه افکار عمومی جهان باعث شد برای اولین بار دبیرکل سازمان ملل متحد، پارلمان و جامعه اقتصادی اروپا و بسیاری از دولت‌ها، اقدام رژیم عراق را محکوم کنند و نمایندگان دبیرکل برای بررسی کاربرد سلاح‌های شیمیایی راهی ایران شدند.

هر چند اقدام مؤثر ایران در ارائه چهره زشت عراق در به کارگیری سلاح‌های شیمیایی به جهانیان، واکنش نهادهای بین‌المللی و اعتراضات مردمی را نسبت به استفاده مکرر عراق از این گونه سلاح‌ها به ویژه علیه مردم عادی به دنبال داشت و از فشارهای سیاسی علیه ایران در آن ایام برای پذیرش بدون قید و شرط قطع‌نامه ۵۹۸ تا حدی کاست، اما در این میان مقامات امریکایی با نام بردن از ایران در کنار نام عراق به عنوان استفاده کننده از سلاح‌های شیمیایی علیه نظامیان عراقی تلاش کردند از شدت انتقادهای روز افزون علیه رژیم صدام حسین کم کنند. فاجعه بمباران شیمیایی حلبچه هنوز آثار اجتماعی و سیاسی خود را پس از نزدیک به سه دهه در زندگی مردم این منطقه حفظ کرده است. عده‌ای کماکان از ضرورت افشای نقش حامیان رژیم صدام حسین در دستیابی به سلاح‌های شیمیایی سخن می‌گویند. امریکا به بهانه نابود کردن این سلاح‌ها به عراق حمله کرد و خانواده‌هایی در حلبچه همچنان چشم به راه فرزندان گم شده خود در این ماجرای تلخ و غم بار هستند.

همجوار، انتقال مردم به نقاط امن داخل مرزهای ایران آغاز شد و به صورت شبانه‌روزی ادامه یافت. سه روز پس از حمله عراق دفن جنازه‌ها شروع شد و حدود سه هفته به طول انجامید.

با دعوت جمهوری اسلامی اولین گروه خبرنگاران رسانه‌های خارجی چهار روز پس از بمباران حلبچه در منطقه حاضر شدند. اما مسئولین ایرانی از روز اول فروردین ۱۳۶۷ تلاش‌های

همه جانبه‌ای را برای جلب‌نظر مجامع جهانی و نهادهای بین‌المللی نسبت به فاجعه انسانی بزرگی که هنوز ابعاد آن پنهان مانده بود، آغاز کردند و دستگاه‌های اجرایی کشور در این زمینه فعال شدند. مکاتبات مسئولین ایرانی با همتایان خود در سایر کشورها و ارسال فیلم‌های تهیه شده از بمباران شیمیایی حلبچه برای آنان در انعکاس فاجعه مؤثر واقع شد و هم‌زمان ایران خواستار کمک جهانی برای مداوای مصدومین شیمیایی گردید.

پخش تصاویر صحنه‌های بمباران حلبچه و جنازه‌های

پراکنده مردم در شهرها، روستاها و شیارهای ارتفاعات منطقه از شبکه‌های مختلف تلویزیونی بسیاری از کشورها و چاپ عکس‌ها و گزارش‌های خبرنگارانی که در حلبچه حاضر شده بودند و همچنین اعزام تعدادی از مصدومین شیمیایی به چند کشور اروپایی، آسیایی و امریکا، در مدت کوتاهی کشتار مردم دشت

وقتی وارد شهر حلبچه شدیم کسی در خیابان‌ها نبود. بعد از مدتی پیر زنی را دیدیم به او گفتیم مردم در امان جمهوری اسلامی هستند و هیچ کس ترسی نداشته باشد. پیر زن هلهله کتان در خیابان‌های شهر به راه افتاد. مردم با شنیدن صدای او از خانه‌ها بیرون آمدند و کم‌کم کوچک و بزرگ، زن و مرد به صورت تظاهرات در خیابان‌ها راهپیمایی کردند.

حمله شیمیایی به حلبچه

چهارمین روز از عملیات والفجر ۱۰ - ۲۶ اسفند ۱۳۶۶ - در منطقه دشت زور* در استان سلیمانیه عراق، در حالی سپری می‌شد که رزمندگان لشکرها و تیپ‌های سپاه پاسداران با همراهی تعدادی از معارضین عرب و کُرد عراقی مرحله سوم عملیات را اجرا می‌کردند.

براساس طراحی عملیات، رزمندگان ایرانی پس از شکستن خطوط اولیه دشمن، تصرف ارتفاعات مشرف بر دشت حلبچه و سرانجام شدن از این ارتفاعات، در مبادی ورودی شهرهای خرمال، دوجیله و حلبچه قرار گرفته بودند. در آستانه ورود به شهرها، حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی نماینده امام در شورای عالی دفاع و فرمانده عالی جنگ و حجت‌الاسلام محمدی عراقی جانشین نمایندگی امام در سپاه پاسداران در پیام‌های جداگانه‌ای خطاب به رزمندگان، ضرورت بر خورد اسلامی توأم با رأفت و مهربانی نسبت به مردم شهرها و روستاهای این منطقه و حفظ جان و اموال آنان را یادآور شدند. در قسمتی از نامه آقای هاشمی آمده است:

برای اولین بار ده‌ها هزار نفر از مردم غیر نظامی عراق در منطقه در اختیار شما قرار می‌گیرند. از شما انتظار داریم که جلوه‌های انسانی‌تان، تبلور رأفت و رحمت الهی و سرمشق برای فاتحان آینده تاریخ شود. می‌دانید که مردم مظلوم عراق مخصوصاً مردم مسلمان کُرد و عرب کمرشان زیر بار ستم عقالفه** ستمگر خمیده و

* «دشت زور» - در اصل زهور به معنی گل‌ها منطقه‌ای وسیع در شرق دریاچه دربندی‌خان در استان سلیمانیه عراق به مساحت تقریبی ۱۲۰۰ کیلومتر مربع است. این منطقه تحت تأثیر دریاچه دربندی‌خان و ارتفاعات شرق و جنوب آن بسیار خوش آب و هوا، سرسبز و دارای آب و هوای معتدل و منطقه‌ای کشاورزی بوده و از دیرباز به عنوان منطقه‌ای زیبا و توریستی شهرت داشت.
** منسوب به میشل عفلق، بنیانگذار حزب بعث که در ادبیات رایج دوران جنگ، وابستگان به رژیم و حزب بعث عراق عفلقی خوانده می‌شدند.

سزاوار محبت و دلجویی‌اند و نباید آن‌ها را شریک جنایت بعثی‌های سفاک به حساب آوریم. آنان که می‌خواهند در عراق زندگی کنند، اجازه رفتن بدهید و آنان را که مایلند زیر پرچم جمهوری اسلامی در ایران زندگی کنند، با مهربانی به مراکز نگهداری مسلمانان و پناهندگان تحویل دهید و اگر مایلند در منطقه زندگی خودشان باشند، در مقابل تهاجمات ناجوانمردانه نظامیان بعثی از دفاعتان برخوردارشان سازید.^۱

شهر خرمال که توسط یگان‌های قرارگاه قدس محاصره شده بود، دقایقی قبل از روز چهارشنبه

۲۶ اسفند ۱۳۶۶ تصرف شد. پس از پاک‌سازی شهر تعدادی از مردم که با وجود درگیری‌ها در خانه‌های خود مانده بودند، به استقبال رزمندگان آمدند و شهر با باز شدن مغازه‌ها و... به وضعیت عادی بازگشت.^۲

در قسمت جنوب غربی شهر خرمال نیز رزمندگان قرارگاه قدس و قرارگاه فتح ساعت ۵ صبح در آستانه ورود به شهر دوجیله (سیروان) با یکدیگر الحاق کرده و پس از اسیر کردن

تعدادی از فرماندهان و نیروهای ارتش عراق به مرور وارد شهر شدند و مورد استقبال گرم مردم قرار گرفتند.^۳

در قسمت‌های جنوبی‌تر نیز نیروهای قرارگاه ثامن‌الائمه^(ع) که از روز گذشته در دروازه‌های شرقی شهر که حلبچه مستقر شده بودند، همراه با نیروهای قرارگاه فتح که در قسمت غربی

هوایم‌های عراقی شهر حلبچه و روستاهای اطراف آن را به مدت چند ساعت در ابعاد وسیعی بمباران شیمیایی کردند که بر اثر آن عده‌ی زیادی از مردم به سبب استنشاق گازهای شیمیایی شهید و تعداد دیگری مصدوم شدند و جمعیت زیادی نیز آواره‌ی کوه و بیابان شدند.

بودند. عده‌ای نیز مناطق حاشیه مرز در داخل خاک ایران را امن تشخیص داده و از مسیرهایی راهی این مناطق شده بودند.^۶

تنها راه اصلی دسترسی به دشت حلبچه یعنی جاده ارتباطی شهر سیدصادق به دوجیله و چند جاده محدود فرعی در حفاصل بین دریاچه دربندیخان و دامنه‌های غربی ارتفاعات مشرف بر شهر خرماال از دو روز گذشته به تصرف قرارگاه قدس در آمد و با تسلط رزمندگان بر این منطقه، تمامی دشت حلبچه از نظر نظامی در محاصره قرار گرفت. لذا تلاش چندباره ارتش عراق برای در اختیار گرفتن این منطقه و باز کردن حلقه‌ی محاصره نیروهایش با شکست مواجه شد.^۷ رزمندگان قرارگاه قدس پس از حضور در منطقه و تصرف «پل گردکو» روی رودخانه آوی‌زلم، در واقع گلوگاه منطقه عمومی حلبچه را در اختیار گرفته بودند و باقی مانده نظامیان عراقی نیز راهی برای فرار از این منطقه نمی‌یافتند. به ویژه در مناطق حاشیه شرقی دریاچه دربندیخان که در صد بودند به هر طریق خود را به آن سوی دریاچه برسانند.^۸

در چنین وضعیتی، ارتش عراق که از خارج کردن نیروهایش از حلقه محاصره نا امید شده بود، از حدود ساعت ۱۱ صبح، بمباران شهرهای حلبچه و دوجیله و مناطق اطراف آن را شروع کرد. بمباران در حالی آغاز شد که انبوه مردم دُجیله اعم از زن و مرد، پیر و جوان و کودکان از جاده منتهی به شهر حلبچه که امن‌تر به نظر می‌رسید عازم این شهر بودند. بمباران جاده‌ها و سپس شهرهای خرماال، حلبچه و دُجیله و روستاهای اطراف بدون وقفه تا ساعت ۱۵ ادامه پیدا کرد و در نتیجه آن تعدادی از مردم، شهید و مجروح شدند.^۹ از این ساعت به بعد هواپیماهای عراقی شهر

حلبچه بودند، در داخل شهر به هم ملحق شدند. در این ساعات شهر به حالت تعطیل در آمده بود. اما مردم گروه گروه از خانه‌ها خارج شده و به تماشای رزمندگانی نشسته بودند که مشغول پاکسازی مراکز و ادارات دولتی بودند و گاهی ضمن خوش‌آمدگویی، برای آن‌ها دست تکان می‌دادند.^۴ یکی از نیروهای تیپ ۷۵ ظفر درباره نحوه برخورد مردم با رزمندگان می‌گوید: «وقتی وارد شهر شدیم کسی در خیابان‌ها نبود. بعد از مدتی پیر زنی را دیدیم. به او گفتیم مردم در امان جمهوری اسلامی هستند

و هیچ کس ترسی نداشته باشد. پیر زن هلهله کنان در خیابان‌های شهر به راه افتاد. مردم با شنیدن صدای او از خانه‌ها بیرون آمدند و کم‌کم کوچک و بزرگ، زن و مرد به صورت تظاهرات در خیابان‌ها راهپیمایی کردند و هم صدا با نیروهای ما تکبیر می‌گفتند. محمد صالحی جانشین لشکر ۲۷ محمدرسول‌الله(ص) هم که ساعاتی بعد وارد شهر

حلبچه شده بود در این باره گفت: «وارد شهر که شدم مردم عادی رفت و آمد می‌کردند و با صدای تکبیر از رزمندگان استقبال می‌کردند. مغازه‌ها باز بود و مردم به خرید و فروش مشغول بودند.»^۵ این در حالی بود که عده‌ای از اهالی منطقه که برای در امان ماندن از درگیری‌های یکی دو روز گذشته از شهرها خارج شده بودند، در شیارها و مناطق اطراف به سر می‌بردند. این افراد پس از اطمینان از فروکش کردن درگیری‌ها و احساس امنیت در حال بازگشت به مناطق سکونت خود

در لحظاتی کوتاه بر اثر تنفس گازهای سمی، خانه‌ها، کوچه‌ها و خیابان‌های شهر حلبچه پر از جنازه‌هایی شد که همچون مجسمه در حالت‌های مختلف در جای خود خشک شده و صحنه‌های بسیار رقت‌باری را در جای جای شهر به وجود آوردند.



بازدید پزشکان و خبرنگاران خارجی از مصدومان بمباران شیمیایی حلبچه؛ اسفند ۱۳۶۶

بودند، به علت سنگینی گازهای سمی و نفوذ به این مکان‌ها، تمامی آن‌ها به صورت دسته جمعی شهید شدند.^{*} نبود دفاع ضد هوایی مناسب و کارآمد برای مقابله با هواپیماهای عراقی و حضور نداشتن فعال واحدهای خنثی‌کننده شیمیایی و از سوی دیگر بمباران‌های پی‌درپی دشمن، باعث شد تلفات بسیار بیشتر از حد تصور باشد. سرعت و گستردگی بمباران و حجم وسیع تلفات و آوارگی مردم موجب بهت و حیرت دست‌اندرکاران

* امام جمعه حلبچه چند روز بعد در گفت‌وگو با یک روزنامه ایتالیایی درباره مشاهدات خود از این اقدام عراق گفت: ابتدا پنج فروند جنگنده عراقی شهر را بمباران کردند و چند لحظه بعد شش جنگنده دیگر در آسمان ظاهر شده و آن را بمباران کردند. در این زمان دود سفیدی فضای شهر را در بر گرفت و شاهد بودم بسیاری از افرادی که برای اصاب نکردن ترکش بر روی زمین دراز کشیده بودند، دیگر از جای خود بلند نشدند. اوضاع شهر هنگام حمله عراق عادی بود. اهالی به امور روزمره خود مشغول بودند. هواپیماهای عراقی با استفاده از فضای بی‌دفاع شهر تا ارتفاع ۳۰۰ متری پایین آمده و بدون هیچ خطری، اهالی بی‌گناه حلبچه را قتل عام کردند. نیروهای صدام پس از آن که متوجه فرار اهالی شدند، جاده‌های خروجی و پل‌ها را هدف قرار دادند و ما تا مدت‌ها بدون آذوقه و دارو در جنگل‌های اطراف بودیم و من در جریان فرار اهالی، شخصاً شاهد شهادت حدود ۱۰۰ نفر از مصدومین بودم. (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۷/۱/۱۷، ص ۱۸)

(۳۸/۱۱۰۲)

حلبچه و روستاهای اطراف آن را به مدت چند ساعت در ابعاد وسیعی بمباران شیمیایی کردند که بر اثر آن عده زیادی از مردم به سبب استنشاق گازهای شیمیایی شهید و تعداد بیشتری مصدوم شدند و جمعیت زیادی نیز از مناطق سکونت خود راهی ارتفاعات منطقه گردیده و آواره کوه و بیابان شدند.^{۱۰}

بمباران شیمیایی وضعیت عادی شهر و روستاهای اطراف را یک‌باره و به طور کلی دگرگون نمود. پس از بمباران، تنها چند دقیقه بعد، چهره‌ای متفاوت از شهر و مردم در پیش روی همگان قرار گرفت.^{۱۱}

در لحظاتی کوتاه بر اثر تنفس گازهای سمی تعداد زیادی از مردم به شهادت رسیدند. خانه‌ها، کوچه‌ها و خیابان‌های شهر پر از جنازه‌هایی شد که همچون مجسمه در حالت‌های مختلف در جای خود خشک شده و صحنه‌های بسیار رقت‌باری را در جای جای شهر به وجود آوردند. با آغاز بمباران بسیاری از مردم که برای در امان ماندن از انفجارها به زیرزمین منازل خود پناه برده

منطقه حلبچه از صبح روز بعد، ساماندهی به چگونگی انتقال مردم و مجروحین، مهم‌ترین فعالیت فرماندهی بود. ساعت ۸:۱۵ صبح دکتر رجایی و دکتر خاتمی، دو تن از مسئولان بهداری سپاه به مقر فرماندهی کل سپاه، آمدند و گزارشی درباره آخرین وضعیت مصدومین بمباران شیمیایی ارائه کردند. گزارش‌ها حاکی از آن بود که استفاده وسیع از عوامل اعصاب و خردل، آمار مجروحین شیمیایی را در حلبچه به طور فزاینده‌ای افزایش داده است. نیروی هوایی عراق مناطقی از داخل خاک ایران را هم بمباران شیمیایی کرده است. بمباران شیمیایی بانه و مناطق بین سهراب حزب‌الله و سروآباد در محور دزلی (در مریوان) در محور قرارگاه قدس آمار مصدومین را بالا برده است. با توجه به باز شدن جاده نوسود و از سوی دیگر نامناسب بودن جاده در ارتفاعات ملخور بنا به دستور محسن رضایی، محور پاوه - نوسود که روز قبل آزاد شده بود، به عنوان جاده اصلی انتقال مجروحین در نظر گرفته شد. قرار شد، علاوه بر فعال کردن بیمارستان‌های شهرهای نزدیک به مناطق مرزی در خاک ایران، بیمارستان حلبچه نیز برای رسیدگی به مصدومین تجهیز و تدارک شود. فرماندهی کل سپاه پاسداران آخرین وضعیت بمباران‌های شیمیایی را به اطلاع حجت‌الاسلام محمدعلی انصاری از بیت امام و آقای هاشمی‌رفسنجانی رساند.^{۱۵} برای پاکسازی مناطق آلوده به عوامل شیمیایی هم یک گردان ش.م.ر از تیپ حُجربن عدی به منطقه احضار شد.^{۱۶}

از سوی دیگر با هدف ایجاد امنیت در مناطق بمباران شده و حفظ اموال مردم به پیشنهاد محمدباقر ذوالقدر فرمانده قرارگاه رمضان و با حکم محسن رضایی، محمد مقدم فرمانده تیپ ۷۵ ظفر به فرماندهی نظامی منطقه عمومی حلبچه شامل

و فرماندهان حاضر در منطقه عملیاتی والفجر ۱۰ شده بود. مع‌الوصف به دلیل نبود آمادگی‌های لازم کمک امدادی، تخلیه و مداوای مجروحین در ساعات اولیه به طور مؤثر صورت نگرفت. با رسیدن خبر حملات شیمیایی دشمن به مرکز فرماندهی عملیات، دستور داده شد به سرعت مردم به پشت جبهه انتقال داده شوند. از سوی فرمانده کل سپاه پاسداران، محسن رفیق‌دوست وزیر سپاه و اکبر غمخوار جانشین تدارکات سپاه برای بسیج امکانات، خودرو و... با هدف انتقال مردم به مناطق امن و سرهنگ انصاری فرمانده هوانیروز به منظور فعال نمودن بالگردها برای انتقال سریع مجروحین به اورژانس و بیمارستان‌ها مأموریت یافتند. اما نبود جاده‌های ارتباطی مناسب و برخی محدودیت‌های دیگر باعث شد تعدادی از مصدومین شیمیایی نیز به شهادت برسند.^{۱۲}

ساعتی پس از حادثه، با فراخوانی فرماندهان و بسیج امکانات ترابری سپاه سعی شد مصدومین سریعاً به اورژانس‌ها و بیمارستان‌های مناطق عقب‌تر منتقل و تا حد امکان از افزایش تلفات جلوگیری شود.^{۱۳} در محور قرارگاه فتح و ثامن‌الائمه^(ع) با توجه به اتمام مأموریت هجومی یگان‌های تحت امر این دو قرارگاه، تمرکز فعالیت یگان‌ها معطوف به کنترل وضعیت آشفته منطقه و کمک به تخلیه مردم از شهرهای حلبچه، دجیله و روستاهای اطراف و انتقال آن‌ها به مرزهای ایران شد.^{۱۴} با توجه به گستردگی بمباران شیمیایی

دو روز پس از بمباران، تعدادی اتوبوس و کامیون و چند فروند بالگرد برای تخلیه اهالی حلبچه و روستاهای اطراف بسیج شدند. چند اردوگاه نیز به صورت تعجیلی در استان‌های کُردستان و باختران بر پا و آماده اسکان و پذیرایی از مهاجرین شد.

آمده بود اوضاع نامناسب مردم و پراکنده شدن آنان را به اطلاع فرمانده کل سپاه رساند و برای انتقال مصدومین درخواست بالگرد کرد. محسن رضایی نیز از سرهنگ انصاری فرماندهی هوانیروز خواست که از تمامی ظرفیت هوانیروز برای انتقال مصدومین و مردم استفاده شود.^{۱۹}

از صبح روز سوم، یگان‌ها هم از حداکثر توان خود برای انتقال مردم استفاده کردند. لشکر ۸ نجف برای این کار حتی از امکانات زرهی خود استفاده کرد. احمد کاظمی فرمانده قرارگاه فتح و لشکر نجف به فرمانده نیروی زمینی می‌گوید:

احمد کاظمی: خانم‌ها داخل نفربر و مردان نیز روی نفربر سوار شده و به عقب منتقل شوند. به نیروها بگویید حتی با تانک مردم را انتقال بدهند.

«خانم‌ها داخل نفربر و مردان نیز روی نفربر سوار و به عقب منتقل شوند. به نیروها بگویید حتی با تانک مردم را انتقال بدهند.» از طرف دیگر علی شمخانی فرمانده نیروی زمینی سپاه و رحیم صفوی جانشین وی در تماس‌های مکرر با رابط هوانیروز بر انتقال مردم و به خصوص مصدومین با بالگردها تأکید کردند. با آمدن چند فروند

بالگرد شنوک، جابه‌جایی مجروحین شیمیایی به مناطق عقب‌تر سرعت بیشتری پیدا کرد و خلبانان نیز نهایت سعی و کوشش خود را برای کمک به مردم به کار گرفتند.^{۲۰}

به رغم این تلاش‌ها، عده زیادی از اهالی که کیلومترها راه ناهموار و سنگلاخ را پیاده طی کرده و به روستاهای اطراف و ارتفاعات و شیارها پناه برده بودند، کماکان در منطقه سرگردان بودند. عده‌ای که توان تحرک و پیاده‌روی را داشتند خود را به نیروهای خودی و محل استقرار بالگردها می‌رساندند و آن‌ها که به هر دلیل توان حرکت

شهرهای حلبچه، دجیله، خرمال، طویله و بیاره منصوب شد. فرمانده کل سپاه همچنین در نامه‌ای همه فرماندهان سپاه و ارتش و رزمندگان را به تبعیت از فرمانده تیپ ۷۵ ظفر درباره حفظ جان و اموال مردم و کمک به انتقال آنان با نهایت رعایت اخلاق و آداب اسلامی موظف و دعوت کرد.^{۱۷}

انتقال پناهجویان کرد عراقی به ایران و سازمان‌دهی امور

دور روز پس از بمباران، کار انتقال مردم منطقه سامان بهتری یافت و تعدادی اتوبوس و کامیون و همچنین چند فروند بالگرد برای تخلیه اهالی حلبچه و روستاهای اطراف بسیج شدند. چند اردوگاه نیز به صورت تعجیلی در استان‌های کردستان و باختران برپا و آماده اسکان و پذیرایی از این مهاجرین شد.^{۱۸}

وسعت و ابعاد حادثه آنقدر گسترده بود که آثار مثبت اقدامات انجام شده تا روز سوم چندان مشهود نبود. انتقال مردم از صبح روز ۲۸ اسفند از مسیر جاده نوسود- بیاره به صورت فعال آغاز شده و با فراهم شدن تعداد زیادی اتوبوس، کامیون و ورود بالگردهای هوانیروز سرعت کارها بیشتر شد. علاوه بر کمک‌های ارائه شده قرارگاه خاتم و یگان‌ها، اهالی منطقه نیز در دسته‌های مختلف به صورت پیاده و گاهی با خودروهای شخصی و هر وسیله دیگری مانند تراکتور و ... راهی مرز ایران شدند. لیکن پراکنده شدن مردم در داخل شیارها و ارتفاعات، دسترسی و جمع‌آوری آنان را با مشکل مواجه کرد، هر چند اطلاعات دقیقی از تعداد مردمی که در این منطقه وسیع پخش شده بودند در دست نبود، لیکن به نظر می‌رسید باید با برنامه‌ریزی و فراهم کردن امکانات بیشتر کار انتقال آن‌ها را سامان بهتری داد. محسن رفیق‌دوست وزیر سپاه که به شهر حلبچه



اردوگاه آوارگان بمباران شیمیایی حلبچه؛ اسفند ۱۳۶۶

صورت تعجیلی دایر شده است خود فاقد سرپناه می‌باشد ولی از نظر مداوا و پتو و غذا در حد توان به مردم رسیدگی کرده بودند. تقریباً همه افراد زیر و رویشان پتو بود ولی هوا سردتر از آن است که انسان بتواند خود را با یک یا دو پتو گرم نگه دارد. زن و بچه‌ها کنار هم دراز کشیده بودند. عده‌ای ناله می‌کردند و عده‌ای بی‌حال افتاده بودند و تعدادی نیز نسبتاً سرحال بودند. بعضی از مادران که رمقی در بدن داشتند کودکان شیرخوار خود را که شیمیایی شده بودند نوازش می‌کردند و بعضی از بچه‌ها نیز گریه می‌کردند. مرد جوانی که جزو همین افراد بود در حالی که از درد و سرما به خود می‌پیچید ناله کنان می‌گفت: دو روز در شهر بودیم خدایا صبح کی [فرا] می‌رسد»^{۲۲}

وضعیت شهر سه روز پس از بمباران از زبان برادر کلیشادی از مسئولین عملیات نیروی زمینی سپاه این گونه است: «شهر به صورت مخروبه‌ای در آمده است، کرکره همه مغازه‌ها از جا کنده شده و خانه‌ها و مغازه‌های زیادی نیز بر اثر بمباران‌ها ویران شده‌اند. به هر طرف که نگاه می‌کنی، از

نداشتند، جا می‌مانند. در این میان فعالیت اورژانس‌های تعجیلی که به سرعت احداث شدند در رسیدگی به مصدومین شایان توجه بود. در ابتدا قرار بود افراد شیمیایی شده به اورژانس‌ها و بیمارستان‌های عقب منتقل شوند. لیکن به علت کمبود وسیله نقلیه و تعداد زیاد مصدومین، چند پست اورژانس شیمیایی به صورت تعجیلی احداث شد که هر چند از نظر ساختمان مناسب نبود و حتی سقف نداشتند، اما کادر اورژانس‌ها به صورت شبانه‌روزی مجروحین شیمیایی و غیرشیمیایی از مردم بومی منطقه، رزمندگان و اسرای عراقی را مداوا و به آنان رسیدگی می‌کردند و توانستند تا روز سوم پس از حادثه تعداد قابل توجهی از آنان را از مرگ نجات دهند»^{۲۱}

روایت اسدالله احمدی راوی مرکز در قرارگاه نیروی زمینی سپاه که نیمه شب سومین روز پس از وقوع حادثه از اورژانس شیمیایی دیدن کرده، این گونه است: «حدود پانزده یا بیست خانوار همه شیمیایی شده و در شیارهای کنار اورژانس بی‌حال دراز کشیده بودند و ناله می‌کردند. اورژانس که به

دفن جنازه‌ها

با اینکه نجات مصدومین و انتقال مردم به مکان‌های امن در اولویت قرار داشت، سه روز پس از وقوع حادثه دفن جنازه‌های جان باختگان نیز آغاز شد. فعالیت رزمندگان در دو، سه روز اول، در حالی انجام شد که اجساد مردم در جای جای شهر، روستاها و جاده‌ها افتاده بودند. لیکن پس از فراهم شدن شرایط نسبی، اقدام برای دفن جنازه‌ها به مرور شروع شد. آلودگی اجساد به

مواد شیمیایی تا حدی کار را مشکل کرده بود. درباره چگونگی تدفین پیکر شهدا، بنا به این شد که از دفتر امام^(ع) و آیت‌الله منتظری در این باره استفتاء شود و با اخذ فتوا، قرار شد جنازه‌های شیمیایی را پس از شناسایی، تیمم و دفن کنند.^{۲۶}

همچنین تکلیف احشام مردم که در سطح منطقه پراکنده شده‌اند نیز از مسائل پیش رو بود که قرار شد درباره آنان نیز از دفتر امام^(ع) سؤال شود.^{۲۷} پاسخ امام خمینی^(ع) به دو سؤال فرماندهان درباره

اموال مردم و نحوه دفن اجساد زنان شهید تا حدودی رهگشای رزمندگان شد. امام خمینی^(ع) فتوی داد: برای دفن زنان شهید حلبچه در صورتی که محدودیت نیروی زن برای این کار وجود دارد می‌توان جنازه را با لباس دفن کرد. همچنین بر اساس اجازه آیت‌الله منتظری مقرر گردید برای جلوگیری از انتقال آلودگی شیمیایی جنازه شهدا،

کوچه و خیابان گرفته تا یال‌ها و شیارها پر از اجساد کودکان، زنان و مردان است. درست مثل صحنه فیلم‌های جنایت اسرائیل در اردوگاه‌های صبرا و شتیلا است. آن طور در خیابان‌ها و کوچه‌ها جنازه ریخته است.^{۲۳}

خبرهای پراکنده‌ای نیز به قرارگاه می‌رسد که هر چند در مقایسه با کل ماجرا کوچک و کم اهمیت به نظر می‌رسند. لیکن هر کدام به نوعی از عمق و ابعاد حادثه حکایت کرده و باعث آزرده‌گی خاطر همه می‌شود، یکی از نیروهای اطلاعات خبر می‌دهد که یکی از رزمندگان در نقطه‌ای از ارتفاعات بالامبو جنازه بیست زن و بچه را که به علت استنشاق گاز شیمیایی شهید شده‌اند، پیدا کرده است. دقایقی بعد یکی از نیروهای لشکر ۸ نجف اشاره می‌کند که عامل شیمیایی مورد استفاده عراق، عامل اعصاب و خون بوده است. وی اضافه می‌کند که عراق مقرر توپخانه‌ی ارتش را نیز بمباران شیمیایی کرده است. سرگرد فرمانده توپخانه متوجه می‌شود و بلافاصله ماسکش را بر می‌دارد ولی موفق به استفاده از آن نمی‌شود و به زمین می‌افتد. در جریان این حادثه بیست نفر از برادران ارتشی شهید شدند. یکی دیگر از عناصر اطلاعات نیز خبر داد که شش کودک و خردسال را که مادرانشان بر اثر بمباران شیمیایی شهید شده بودند و هنوز بچه‌ها در آغوش مادران خود بودند، از مادرانشان جدا کردیم. به آن‌ها آمپول آتروپین تزریق کردیم ولی کارساز نشد و سه نفرشان شهید شدند و سه نفر دیگر را عقب آوردیم.^{۲۴}

این وضعیت در حالی بود که بمباران‌های عراق به طور پراکنده ادامه داشت و هواپیماهای عراقی صبح روز ۲۸ اسفند روستای ابا ابیده در شرق حلبچه را بمباران شیمیایی کردند و هنوز تعدادی از اهالی در حلبچه بودند.^{۲۵}

دکتر دانیل دوفور پزشک اعزامی از سازمان صلیب سرخ جهانی: در طول مدت خدمت در صلیب سرخ جهانی، برای اولین بار می‌بینم که اردوگاهی به این شکل در مدت کمتر از پانزده روز بر پا می‌شود. حتی صلیب سرخ جهانی نیز تاکنون نتوانسته چنین کار مهمی را با این وسعت و در این مدت کم انجام دهد.

تقریباً به اتمام رسید. اما هنوز تعداد کمی از جنازه‌ها در زیرزمین بعضی منازل مانده بود که به طور طبیعی قابل دفن نبودند. برادر محمد مقدم فرمانده تیپ ظفر آخرین وضعیت را در جلسه‌ای به فرمانده کل سپاه این‌گونه گزارش می‌دهد:

«در مجموع بیش از ۱۱۰۰ جنازه جمع‌آوری شده که عمده جنازه‌ها دفن شده‌اند. تعداد خیلی کمی از جنازه‌ها مانده که اصلاً قابل دفن شدن نیستند. بنا به استفتایی که از آیت‌الله منتظری شده، ایشان جواب دادند که به هر شکل که ممکن است دفن کنید. سه، چهار جا هست که پانزده یا شانزده جنازه روی هم انباشته شده‌اند و هیچ امکانی نیست که آن‌ها را از زیرزمین بیرون بیاوریم. اگر آن‌ها را هم دفن کنیم، تقریباً کار جنازه‌ها تمام می‌شود و تعداد شهدا از ۱۵۰۰ نفر بیشتر نیست.»^{۳۲}

به تدریج با پایان گرفتن کار انتقال پناهجویان عراقی به اردوگاه‌های داخل ایران سی هزار نفر در استان‌های باختران و کردستان، شش هزار نفر در کرمان و تعدادی نیز در سایر شهرهای کشور اسکان یافتند.^{۳۳} اسکان این افراد در حالی صورت گرفت که در کمتر از یک‌ماه قبل از این حادثه، بالغ بر پنج هزار نفر از مردم کرد روستاهای منطقه اطراف شهر سلیمانیه و یا غسمر به علت بمباران‌های وسیع شیمیایی عراق، ناچار محل سکونت خود را رها کرده و از مرز سردشت و بانه وارد ایران شده و در اردوگاه‌های استان‌های کردستان و باختران اسکان یافته بودند.^{۳۴}

اردوگاه‌های محل اسکان پناهندگان عراقی در چند نوبت از سوی نمایندگان کمیسر عالی امور

پس از شناسایی و تعیین هویت، با رعایت موارد ایمنی و بهداشتی تیمم و دفن شوند. لذا قرار شد با همکاری واحد بهداشتی، تعاون و مهندسی این کار انجام شود.^{۳۵} امام خمینی (ره) همچنین درباره اموال پراکنده مردم اعلام کرد: «رزمندگان می‌توانند مواد فاسد شدنی متعلق به مردم را که در مناطق عملیاتی رها شده استفاده کنند و در صورتی که صاحب مال پیدا شد باید مثل آن را به وی عودت دهند.»^{۳۶}

فرماندهان همچنین از آقای هاشمی‌رفسنجانی در مورد استفاده از دام‌های بدون صاحب و رها شده اجازه گرفتند و بر اساس آن قرار شد قیمت دام‌ها در ایران و عراق گرفته شود و نرخ بالاتر را به صاحبان پرداخت کنند.^{۳۷}

با تلاش شبانه‌روزی همه افراد حاضر در این منطقه، کار انتقال مصدومین تا پایان اسفند ۱۳۶۶ به اتمام رسید و تعداد زیادی از آوارگان نیز در اردوگاه‌های داخل ایران اسکان یافتند. با حضور نخست‌وزیر و برخی استانداران و تعدادی از مدیران اجرائی کشور، امکانات خدماتی و درمانی بیشتری به مناطق شمال غربی کشور آورده شد و قرار شد افرادی که دچار آسیب کمتری هستند در نقاهتگاه‌های باختران و کردستان درمان شوند و کسانی که دچار آسیب بیشتری شده‌اند و نیاز به خدمات درمانی پیشرفته‌تری دارند به تهران و چند شهر بزرگ کشور منتقل شوند.^{۳۸}

پس از گذشت حدود سه هفته، دفن جنازه‌ها

از روز اول فرودین ۱۳۶۷ به دستور آقای هاشمی‌رفسنجانی قرار شد دستگاه‌ها و وزارتخانه‌های مرتبط برای جلب نظر مجامع جهانی و نهادهای بین‌المللی و همچنین افکار عمومی اطلاع‌رسانی‌های خود را به طور گسترده آغاز کنند.

* آمار اولیه کشته شدگان بمباران شیمیایی حلبچه و مناطق اطراف آن چهار تا پنج هزار نفر اعلام شد که این ارقام تاکنون در تمامی رسانه‌ها و متون اسناد مورد استناد قرار می‌گیرد. لیکن بر اساس گزارش تیپ ظفر که مأموریت ساماندهی کارها در حلبچه از جمله دفن اجساد را بر عهده داشت، تعداد کشته‌شدگان این حادثه حداکثر ۱۵۰۰ نفر است.

اطلاع جناب‌عالی می‌رسانم. بر اثر بمباران‌های شیمیایی عراق حدود چهار هزار نفر از ساکنین این مناطق کشته و هزاران نفر از جمله زنان و کودکان مجروح شدند. این مجروحان را نیروهای ایران به بیمارستان‌های خطوط پشت جبهه منتقل کردند.^{۳۶} روز ۳۰ اسفند ۱۳۶۶ با هماهنگی ستاد تبلیغات جبهه و جنگ و وزارت ارشاد اسلامی اولین گروه از خبرنگاران و فیلم‌برداران رسانه‌های خارجی در مناطق عملیاتی حاضر شده و پس از تهیه گزارش، از تعدادی مصدومین نیز دیدن کردند.^{۳۷} اما جلب نظر مجامع جهانی و نهادهای

بین‌المللی و همچنین افکار عمومی نسبت به فاجعه بزرگی که هنوز ابعاد آن روشن نشده بود، اقدام همه جانبه و گسترده‌تری را می‌طلبید. جمهوری اسلامی ایران از اولین روز فروردین ۱۳۶۷ تلاش‌های فشرده‌ای را در این جهت آغاز کرد. امام خمینی^(ع) نیز در پاسخ به پیام‌های تبریک نوروز رؤسای جمهور خلق چین، بلغارستان

و مجارستان و همچنین پیام تبریک رئیس دولت امارات، رئیس‌جمهور مالدیو به مناسبت ماه رمضان از سکوت برخی از کشورهای بزرگ و همچنین سکوت زمامداران کشورهای اسلامی در برابر این فاجعه انتقاد کرد.^{۳۸}

آیت‌الله خامنه‌ای، رئیس‌جمهور، نیز در منطقه دشت حلبچه حضور یافت و در گفت‌وگو با فرماندهان سپاه پاسداران در جریان جزئیات بمباران‌های شیمیایی قرار گرفت و سپس از برخی مناطق بمباران شده و همچنین از

پناهندگان سازمان ملل و سازمان صلیب سرخ جهانی قرار گرفت. پس از این بازدید دکتر دانیل دوفور پزشک اعزامی سازمان صلیب سرخ جهانی برپایی اردوگاه در این مدت کوتاه را بی‌مانند توصیف کرد و گفت: در طول مدت خدمتم در صلیب سرخ جهانی، برای اولین بار می‌بینم که اردوگاهی به این شکل در مدت کمتر از ۱۵ روز بر پا می‌شود و باید بگویم حتی صلیب سرخ جهانی نیز تاکنون نتوانسته چنین کار مهمی را با این وسعت و در این مدت کم انجام دهد و باید اذعان کنم که این کار بسیار مشکلی است. وی گفت: این اردوگاه از نظر بهداشتی، توزیع مواد غذایی، رساندن آب، برق و دیگر امکانات به خوبی اداره می‌شود و مطمئناً با گذشت زمان، وضع از این هم بهتر خواهد شد.^{۳۵}

فعالیت‌های تبلیغاتی ایران

دو روز پس از حادثه، جانشین نمایندگی ایران در سازمان ملل در نامه‌ای کاربرد سلاح‌های شیمیایی در حلبچه را به اطلاع مقامات سازمان ملل رساند و خواستار اعزام تیم کارشناسان تسلیحات شیمیایی به منطقه برای تحقیق و بررسی ابعاد این حادثه شد. در قسمتی از نامه که به عنوان سند شماره S/19647 شورای امنیت منتشر شد. درباره بمباران مناطق مسکونی دشت‌زور آمده است: «بنا به اطلاع دولت متبوعم و پیرو نامه مورخ ۱۷ مارس (S/19639) ۱۹۸۸ درباره استفاده عراق از تسلیحات شیمیایی که نقض پروتکل ۱۹۲۵ ژنو مبنی بر ممنوعیت استفاده از گازهای سمی، خفه‌کننده و سایر گازها در جنگ می‌باشد، جزئیات دردناک حملات شیمیایی عراق در تاریخ ۱۶ مارس ۱۹۸۸ (۲۶ اسفند ۱۳۶۶) علیه شهرستان محاصره شده حلبچه و نیز خرما و دجیله و سایر روستاهای مجاور منطقه عملیاتی والفجر ۱۰ را به

با هماهنگی سفارت‌خانه‌های جمهوری اسلامی، ۵۴ نفر از مصدومین شیمیایی برای ادامه‌ی معالجه به چند کشور اروپایی، آسیایی و امریکا اعزام شدند.

بسیج کند. وی همچنین گفت که ایران آماده پذیرفتن هدایا از هر کشوری برای مجروحان می‌باشد. زیرا به علت کثرت زیاد مصدومان ظرفیت‌های موجود در ایران برای مداوای آنان کافی نیست. محمد جعفر محلاتی همچنین طی نامه‌ای خطاب به دبیرکل، مقامات این سازمان را از بمباران شیمیایی روستاهای قلعه‌جی، مرگشارانی در حومه مریوان و سه راه حزب‌الله واقع در بزرگراه مریوان- سنندج که حداقل چهار شهید و بیش از صد مجروح بر جای گذاشته، مطلع نموده و از آنان درخواست نموده تا تیم کارشناسان تسلیحات شیمیایی را برای تحقیق و تهیه گزارشی از این اقدام عراق به منطقه اعزام کنند.^{۴۱} به علاوه، سازمان هلال احمر ایران از همه مجامع بین‌المللی و درمانی به ویژه صلیب سرخ جهانی خواستار کمک فوری جهانی برای نجات جان مصدومین شیمیایی حلبچه شد. دکتر مرندي وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ایران هم در پیامی به مدیر کل سازمان بهداشت جهانی خواستار اعزام کارشناسان این سازمان به ایران برای دیدار از مصدومین شیمیایی شد.^{۴۲} به گزارش رادیو بی.بی.سی. وحید دستگردی درباره‌ی نوع کمک‌های درخواستی ایران گفت: «معالجه مصدومین شیمیایی از نظر درمانی، فوق‌العاده کار مشکلی است و درمانشان درمان اختصاصی است. عمق فاجعه بسیار وسیع است و تعداد مجروح و مصدوم فوق‌العاده بالاست. ما قادر نیستیم کلیه مجروحین و مصدومین را در بیمارستان‌های خودمان معالجه کنیم و تعدادی از بیماران طبعاً با مشکلاتی برخورد می‌کنند و تعویق در درمانشان هم قطعاً خطرناک و یا عوارض غیر قابل جبران دارد. لذا استمداد ما این است که گروه‌های پزشکی متخصص به ایران بیایند یا داروهایی که ضرورت دارد با خود بیاورند و

اردوگاه‌های پناهجویان کرد عراقی در هرسین بازدید کرد.^{۴۳} رئیس‌جمهور همچنین در خطبه‌های نماز جمعه تهران از شورای امنیت سازمان ملل به دلیل محکوم نکردن عراق انتقاد کرد و بر تسلیم نشدن مردم و مسئولین ایران در مقابل فشارهای امریکا و لزوم تنبیه متجاوز تأکید کرد و گفت: «رژیم بعثی - عفری عراق به قدری ظالم و سفاک است که مردم کشور خود را که حتی در میان آن‌ها تعدادی از نظامیان ارتش عراق هم مخفی شده‌اند، بمباران شیمیایی می‌کند».^{۴۴} در این روز به دستور حجت‌الاسلام و المسلمین هاشمی‌رفسنجانی نماینده امام^(ع) در شورای عالی دفاع و فرمانده قرارگاه عملیاتی خاتم‌الانبیاء^(ص) قرار شد دستگاه‌ها و وزارتخانه‌های مرتبط فعالیت‌های خود را در این زمینه به طور گسترده آغاز کنند.*

پس از آن تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران در انعکاس ابعاد این فاجعه و درخواست کمک‌های جهانی برای درمان مصدومین به صورت گسترده‌تری آغاز شد و وزارتخانه‌های امور خارجه، ارشاد اسلامی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان هلال احمر، صدا و سیما و ستاد تبلیغات جنگ در این زمینه فعال شدند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه از نیویورک محمد جعفر محلاتی نماینده ایران در سازمان ملل در کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد که از دبیرکل سازمان ملل متحد خواسته است تمام جوامع بین‌المللی را برای رساندن کمک به مجروحین شیمیایی به ویژه قربانیان گاز فلج‌کننده اعصاب،

* آقای هاشمی رفسنجانی در یادداشت‌های امروز خود آورده است: امروز به ستاد تبلیغات جنگ و وزارت خارجه گفتم که درباره‌ی حمله شیمیایی عراق به مردم حلبچه سر و صدا راه بیندازند. با صدا و سیما و ستاد تبلیغات جنگ درباره سیاست تبلیغاتی حرف زد. {رفسنجانی، هاشمی، کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی، ۱۳۶۶؛ دفاع و سیاست، تهران: ۱۳۸۹، ص ۵۳۴}

حقوقی در سایر کشورهای جهان به همراه نوارهای ویدئویی مستند درباره بمباران شیمیایی حلبچه، با استناد به موارد حقوقی و مصوبات نهادهای بین‌المللی یادآور شد این جنایت از لحاظ حقوقی و قضایی مصداق بارز «کشتار دسته جمعی» و مورد مجازات می‌باشد. دکتر علیرضا مرندی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در پیام دیگری به مدیر منطقه یونیسف در خاورمیانه و شمال آفریقا با اشاره به تخریب چندین بیمارستان و کشته و مجروح شدن تعداد زیادی از مردم از جمله نوزادان، کودکان و مادران آن‌ها در این بیمارستان‌ها خواستار اعزام تیم‌های تخصصی این سازمان برای بررسی وضعیت مصدمان این حادثه به ایران شد.^{۴۶} دکتر منافعی معاون نخست‌وزیر و رئیس سازمان محیط زیست ایران نیز با ارسال نامه‌ای به دکتر مصطفی تولبا مدیر اجرایی برنامه محیط زیست ملل متحد از وی خواست تا اقدام رژیم عراق را در حلبچه که منجر به تخریب محیط زیست و تغییر اکوسیستم منطقه نیز شده محکوم کند.^{۴۷}

مهندس رضا امراللهی معاون نخست‌وزیر و

یا بیمارستان‌هایی در خارج تقبل کنند تعدادی از مصدومین را درمان کنند»^{۴۳} دو روز بعد رئیس مجلس نامه‌ای همراه با فیلمی که شهر حلبچه و روستاهای اطراف را پس از بمباران شیمیایی نشان می‌داد، برای کلیه رؤسای مجالس جهان ارسال کرد. آقای هاشمی در بخشی از نامه خود، کمک رزمندگان ایرانی به مردم این منطقه، دفن اجساد و کمک به انتقال مردم به مناطق امن و در اختیار قرار دادن امکانات و نجات آنان از معرض بمباران‌های مکرر هواپیماهای دشمن را از وظایف انسانی و اسلامی نیروهای جمهوری اسلامی خوانده است. رئیس مجلس شورای اسلامی در این نامه همچنین از رؤسای مجالس کشورها خواسته است قتل عام غیر نظامیان را محکوم کنند.^{۴۴}

نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران هم در نامه‌ای به بیست تن از همتایان خود در کشورهای مختلف و رئیس قوه قضائیه ایران هم در نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل خواستار محکومیت این اقدام عراق شدند.^{۴۵} آیت‌الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور همچنین در نامه‌هایی به همتایان خود در کشورها و جوامع



بمباران شیمیایی حلبچه؛ اسفند ۱۳۶۶

برپایی تظاهرات، اجتماعات در مقابل دفاتر مجامع بین‌المللی، اعزام مصدومین به کشورها مشخص شد.^{۴۹}

اعزام مصدومین به خارج از کشور

اقدام دیگر ایران، اعزام تعدادی از مصدومین شیمیایی عراقی و ایرانی به خارج از کشور است. پس از فعال شدن دستگاه‌های اجرایی، با هماهنگی سفارت‌خانه‌های جمهوری اسلامی در خارج از کشور و جلب موافقت برخی از دولت‌ها، در اولین نوبت سی زن و کودک کرد عراقی در روز نهم فرودین ۱۳۶۷ به کشورهای اتریش (هفت نفر)، آلمان غربی (شش نفر)، سوئیس (شش نفر)، انگلستان (شش نفر) و آمریکا (پنج نفر) اعزام شدند.^{۵۰} پنج نفر دیگر از مصدومین (دو عراقی و سه ایرانی) نیز روز ۱۵ فروردین به ژاپن اعزام شدند.^{۵۱} گروه بعدی شامل نوزده نفر از جمله دو کودک، دو زن و تعدادی پیرمرد با یک فروند هواپیمای اختصاصی به کشورهای بلژیک (هفت نفر)، سوئد (هفت نفر) و نروژ (پنج نفر) اعزام شدند.^{۵۲} در همین حال اسپانیا و برخی کشورهای دیگر اروپایی نیز برای پذیرش تعدادی از مصدومین شیمیایی اعلام آمادگی کردند.^{۵۳}

بازتاب رسانه‌ای این اقدام ایران در این کشورها و سایر کشورها بسیار وسیع بود و گزارش‌های متعددی از تلویزیون‌ها پخش شد و مطالب متعددی در نشریات کشورهای مختلف منتشر شد. از سوی دیگر رژیم عراق که به شدت از سوی افکار عمومی، رسانه‌ها و مقامات سیاسی برخی کشورها تحت فشار بود، برای برون رفت از این وضعیت و کاهش فشار افکار عمومی جهانی، بیست نفر از نظامیان این کشور را که به دروغ مدعی شدند در معرض عوامل شیمیایی توسط ایران مجروح شده‌اند با یک فروند هواپیمای ویژه

رئیس سازمان انرژی اتمی ایران هم در نامه‌ای به دبیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خواستار محکومیت رژیم عراق به خاطر کاربرد سلاح‌های شیمیایی در حلبچه از سوی این سازمان شد. مهندس امراللهی در بخشی از نامه خود با اشاره به این مطلب که بمب شیمیایی در حقیقت خواهر خوانده بمب‌های اتمی است که نه تنها انسان‌ها بلکه همه چیز را از بین می‌برد، از دبیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خواست تا متن نامه وی را برای کلیه اعضا عضو این آژانس و نیز دبیرکل سازمان ملل متحد ارسال نماید.^{۴۸}

پس از گذشت حدود یک ماه از این حادثه و تهدید مکرر رژیم عراق مبنی بر حمله شیمیایی به شهرهای ایران، یک بار دیگر لزوم سازمان‌دهی مناسب‌تر به فعالیت‌های جمهوری اسلامی در عرصه‌های اطلاع‌رسانی پیرامون این فاجعه به عنوان اقدامی بازدارنده در برابر تهدیدهای عراق، ستاد تبلیغات جنگ سیاست‌های

تبلیغاتی جمهوری اسلامی ایران را در این باره تعیین کرد.

در بخش فعالیت‌های سیاسی، اقداماتی از جمله مکاتبه با سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، شخصیت‌های سیاسی جهانی، ملاقات با مقامات کشورها و اعزام مبلغین به کنفرانس‌های مربوط به مسلمانان در برخی کشورها پیش‌بینی شد. در بخش فعالیت‌های تبلیغاتی، ارسال فیلم و عکس بمباران حلبچه، تهیه بروشورهای تصویری، مصاحبه با افسران و خلبانان عراقی، برپایی کنفرانس و... و در قسمت فعالیت‌های سازمانی،

دبیر کل سازمان ملل متحد
برای اولین بار با انتشار
بیانیه‌ای رژیم عراق را به علت
استفاده از سلاح‌های شیمیایی
در حلبچه محکوم کرد و از
اعزام یک هیئت کارشناسی
برای بررسی آثار و نتایج این
اقدام به ایران خبر داد.

عربستان سعودی به چهار کشور اروپایی اتریش، انگلستان، آلمان غربی و فرانسه اعزام کرد.^{۵۴}

بازتاب‌های رسانه‌ای - محکومیت عراق

یک هفته پس از حملات شیمیایی عراق به حلبچه و بعد از حضور گروه‌هایی از خبرنگاران رسانه‌های خارجی در این منطقه، اولین گزارش‌ها از بمباران شهر، وضعیت کشته‌شدگان و مصدومین حادثه در رسانه‌های خارجی انعکاس یافت و پس از مدت کوتاهی بسیاری از رسانه‌های معتبر دنیا به اخبار این حادثه پرداختند و نشریات بسیاری از کشورها عکس‌ها و گزارش‌های متعددی از فاجعه‌ای که رخ داده است، چاپ و منتشر کردند. تشریح منظره رقت‌بار شهر و مردم آن که با گازهای شیمیایی در حالات مختلف و بدون داشتن کوچک‌ترین زخمی بر بدن کشته شده بودند و اجسادشان در کنار لاشه‌های حیوانات خانگی در گوشه و کنار شهر افتاده بود، موضوع اصلی گزارش‌های مذکور را تشکیل می‌داد. دیلی تلگراف در گزارشی مفصل نوشت: «قبل از گرفتار شدن در نبردهای اخیر جنگ خلیج فارس، حلبچه شهری پر جنب و جوش با شصت هزار جمعیت بود. این شهر هدف بمب‌های گاز سیانور و خردل عراق قرار گرفت و به یک شهر ویران و متروک، مانند یک گورستان باز مبدل شده است. اجساد در حالت لحظه مرگ روی خیابان‌های خالی و یا در اتاق و حیاط منازل متروک افتاده‌اند. این صحنه فاجعه معاصر خاورمیانه است. فاجعه‌ای که به نابودی شهر پام‌پی در ایتالیا توسط فعالیت آتشفشانی شباهت دارد. پدری در حالت تلاش برای محفوظ نگه‌داشتن فرزندش از ابرهای سفید رنگ سمی گاز سیانور به خاک افتاده است. در نقطه‌ای دیگر مادری در کنار گهواره نوزادش جان داده است. مینی بوسی که در حال فرار از شهر هدف قرار

گرفته و در خیابان واژگون شده است. چند متر آن طرف‌تر پدر و مادر و دختری در کنار یکدیگر مرده‌اند. در زیرزمینی خانواده‌ای روی هم افتاده‌اند. در برابر منازل کفش‌ها و لباس‌ها پخش شده‌اند. لاشه گاوها که افسار آن‌ها هنوز به تیر چارچوب بسته شده بر زمین افتاده است. بی تردید بر اجساد که من مشاهده کردم هیچ نشانه‌ای از جراحت خارجی بر بدن آن‌ها دیده نمی‌شد. پزشکان اظهار می‌دارند شواهد روشنی وجود دارد که هواپیماهای عراقی بمب‌های حاوی سیانور و گاز خردل و عصبی انداخته‌اند.^{۵۵}

روزنامه تایمز هم از قول خبرنگاران خود نوشته است: «صدها کُرد در بدترین حمله شیمیایی علیه غیر نظامیان در جنگ ایران و عراق کشته شده‌اند. من خود جسد نود تن را در گوشه و کنار شهر دیده‌ام، به نظر می‌رسید آن‌ها به وسیله گازهای سیانور عصبی قربانی شده‌اند.» روزنامه گاردین هم با چاپ عکس بزرگی از

مجروحی شیمیایی برخی صحنه‌های مربوط به این حملات را به قلم خبرنگار خود این گونه تنظیم کرده است: «نه جراحی، نه خونی و نه اثری از انفجار روی اجساد دیده نمی‌شود. اجساد ده‌ها مرد، زن، کودک، دام و حیوانات اهلی که در منازل و خیابان‌های خاکی این بخش دور افتاده مورد بی مهری قرار گرفته، کُردستان عراق را پوشانده است. پوست این اجساد به طرز عجیبی تغییر رنگ داده، چشم‌هایشان باز و خیره، چرک خاکستری رنگی از دهان‌هایشان بیرون زده و انگشتانشان هنوز به طور عجیبی کج و کوله است. ظاهراً مرگ تقریباً نادانسته در

گروه‌هایی از پزشکان و متخصصین سلاح‌های شیمیایی از سوی دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی عازم ایران شدند که در انعکاس و تشریح ابعاد این فاجعه انسانی به مردم کشورهای مختلف بسیار مؤثر واقع شد.

خبرنگار نشریه ال جورنه ایتالیا که از حلبچه دیدن کرد، در گفت‌وگویی با این خبرگزاری گفت: «جنایاتی که رژیم عراق در حلبچه مرتکب شده واقعاً وحشیانه بود. من از نقاط مختلف جهان و حوادث گوناگون دیدار کرده‌ام، لیکن نظیر چنین حادثه‌ای را در عمر خود ندیده‌ام. وی افزود: پیر و جوان، زن و مرد و کودک و خردسال با بمب‌های شیمیایی کشته شدند و اجساد آن‌ها در خیابان‌های حلبچه و روستای انب روی هم انباشته شده بودند.»^{۵۸} سایر نشریات ایتالیا نیز اخبار حادثه حلبچه را به طور گسترده چاپ کردند. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی فرستادگان ویژه جراید پرتیراژ ایتالیا به ایران در مقالاتی به تشریح اوضاع حلبچه پس از قتل عام اهالی شهر پرداخته و تأکید کردند عملیات نیروی هوایی عراق در بمباران شیمیایی شهر حلبچه به نوعی تنظیم شده بود که تعداد قربانیان را به حداکثر برساند. خبرنگار «کوریه دل‌اسرا» پرتیراژترین روزنامه ایتالیا در گزارش خود تأکید کرد که آثار به جای مانده به روی اجساد قربانیان نشان‌گر آن است که اهالی شهر در اثر گازهای اپیریت و سیانور جان خود را از دست داده‌اند این روزنامه می‌نویسد؛ شهر مملو از جنازه زنان، کودکان و افراد مسن است و پزشکان خارجی معتقد هستند که قتل عام اهالی تنها در پانزده ثانیه به طول انجامیده است. فرستاده ویژه روزنامه «ایل جورنو» نیز متذکر شده است که جنگنده‌های عراقی قبل از بمباران شیمیایی شهر چند بمب تخریبی رها کردند تا زنان و کودکان را به پناهگاه کشانده و در آن جا قتل عام کنند. این خبرنگار در تشریح مشاهدات خود نوشته در کوچه‌های تنفر برانگیز حلبچه اجساد زنان و پیر مردان بیداد می‌کند و به روی اجساد کودکان هیچ اثری از جراحی دیده نمی‌شود. این روزنامه در خاتمه حلبچه را به یک شهر که با

وسط کارهای خانه سراغشان آمده و فقط بعضی از آن‌ها قدرت آن را داشته‌اند که خود را به در خانه برسانند تا چند متر آن طرف‌تر به زمین افتند. این طرف مادری بچه‌اش را برای آخرین بار در آغوش فشرده و آن طرف پیرمردی خود را سپر نوزادی از آن چه که نمی‌دانست چیست، کرده است. یازده قربانی در حیاطی کوچک دراز کشیده‌اند. دیگران با شنیدن هواپیماها باید به زیرزمین‌هایشان پناه برده باشند به تصور این که از انفجارها در امان خواهند بود. ولی آن چه عراقی‌ها ریختند به گفته ایرانیان سیانور بود.»^{۵۹}

رادیو امریکا گزارشی از مشاهدات خبرنگار خود از فیلم بمباران حلبچه را پخش کرد و گفت: «مقامات ایران فیلمی را که تلویزیون ایران از شهرک حلبچه گرفته و حاوی صحنه‌های تکان‌دهنده‌ای از قربانیان جنگ است برای خبرنگاران

در معرض نمایش قرار داد.» خبرنگار بخش فارسی صدای امریکا که در این جلسه حضور داشت درباره مشاهدات خود از این فیلم می‌گوید: در آغاز، ورود نیروهای جمهوری اسلامی را به شهر دیدیم و کودکان و زنان و مردان گرد که به آن‌ها خوش آمد می‌گفتند. صحنه‌های بعد مربوط به حوادث پس از بمباران شیمیایی شهر بود؛ تصاویر کودکان و زنان قربانی گاز شیمیایی بود تعداد بسیاری از زنان و مردان گرد را دیدیم که در صدد فرار از شهر بودند اما در گوشه و کنار شهر یا در کامیون‌ها جان خود را از دست داده بودند.^{۶۰} به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی

دکتر «دیرک داو» از بخش سم‌شناسی دانشگاه گنس بلژیک: «توصیف آن چه دیدم برایم غیر ممکن است. راجع به تأثیر گاز موسوم به اعصاب خیلی حرف‌ها گفته می‌شود اما دیدن آن، انسان را دچار وحشت می‌کند.»

سازمان ملل متحد از کشورهای بی‌طرف سه بار نشانه‌های روشن برای حملات شیمیایی علیه نیروهای ایران را بین سال‌های ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۶ (از ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۵) به اثبات رسانده‌اند ولی شیمیایی سکوت اختیار کرده‌اند و نامی از هیچ کشور نبرده‌اند.^{۶۳}

رادیو آمریکا به نقل از سخنگوی رئیس‌جمهور آمریکا گفت: «مقامات دولت آمریکا نیز نظیر

میلیون‌ها آمریکایی دیگر، گزارش‌های وحشتناک، خشم‌آور و دلخراش تلویزیونی در مورد عواقب ناشی از حمله گازهای سمی از سوی عراق در حلبچه را تماشا کردند. سخنگوی دولت آمریکا گفت این گزارش‌ها برای تمامی کشورهای جهان یادآور آن است که چرا استفاده از سلاح‌های

شیمیایی باید منع شود.»^{۶۴}

انعکاس جهانی حادثه باعث شد برخی رسانه‌ها با اشاره به استفاده قبلی عراق از سلاح‌های شیمیایی، نسبت به روند افزایش تولید و کاربرد این سلاح‌ها هشدار دهند.

واشنگتن‌پست در این باره نوشت: «آنتونی کوردزمن استاد دانشگاه جرج تاون در اشاره به استفاده روزافزون عراق از سلاح‌های شیمیایی علیه ایران می‌گوید؛ اگر این روند ادامه یابد سلاح‌های نابودکننده و فوق‌العاده مخرب در جهان سوم تولید خواهد شد... کارشناسان اسرائیل و آمریکایی می‌گویند ابتدا در سال ۱۹۸۲ عراق سلاح‌های شیمیایی را بر ضد ایران تجربه کرد

بمب نوترونی هدف قرار گرفته تشبیه کرد و تأکید نمود که حملات شیمیایی عراق علیه روستاهای گردنشین همچنان ادامه دارد.»^{۵۹}

روزنامه گاردین در گزارشی این اقدام عراق را «جنایت جنگی» خواند.^{۶۰} نشریه فرانسوی «اومانیته» نیز در مطلبی با نام کشتار با سلاح شیمیایی نوشت: «مادران در حالی که کودکان مرده خود را در آغوش داشتند در خیابان‌ها کشته شده‌اند. خانواده‌هایی که برای رهایی از بمب‌ها به دنبال پناهگاه بودند در مدخل خانه‌های خود جان سپرده‌اند و اجساد آن‌ها دیده می‌شود، تصویری که سه‌شنبه شب از تلویزیون پخش شد و کشتار سلاح شیمیایی در شهر حلبچه را نشان داد وحشتناک و غیر قابل تحمل بود.»^{۶۱} روزنامه اسپانیایی «ال پائیس» در مطلبی با عنوان «جنگ شیمیایی در کردستان عراق» نوشت: بینندگان تلویزیون در سراسر دنیا از دیدن تصاویر وحشتناک بمباران شیمیایی کردستان عراق که مسئولین ایرانی، بغداد را متهم به آن می‌نمایند، به خود لرزیدند. تصویری که تلویزیون ایران آن را ضبط کرده و واقعی بودن آن را خبرنگاران خارجی حاضر در منطقه تأیید می‌کنند، متعلق به شهر حلبچه می‌باشد. تصاویر، تعداد زیادی از اجساد مردمی را نشان می‌دهد که با لباس‌های محلی کُردی بدون آن که صدمه‌ای دیده و یا زخمی برداشته باشند به هلاکت رسیده‌اند و تمام شواهد نشان دهنده آن است که آن‌ها به وسیله بمب‌های شیمیایی کشته شده‌اند.»^{۶۲}

رادیو کلن آلمان در تفسیری با اشاره به این که بمباران شیمیایی حلبچه توجه افکار عمومی جهان را به سوی خود جلب کرده یادآور شد: «از زمان جنگ جهانی اول به بعد تا به حال در هیچ جایی از دنیا از سلاح‌های شیمیایی چنان بی‌ملاحظه و بی‌رحمانه استفاده نشد. ناظران

انتشار تصاویر و اخبار فاجعه حلبچه در نشریات خارجی و پخش فیلم‌هایی از حلبچه از شبکه‌های تلویزیونی کشورها، دولت‌ها را به واکنش واداشت و بسیاری از سیاستمداران از این ماجرا ابراز انزجار کردند.



بمباران شیمیایی حلبچه؛ اسفند ۱۳۶۶

وسیع و مؤثر بر ضد عراق دارد.^{*} تایلور خبرنگار خاورمیانه‌ای روزنامه امریکایی واشنگتن‌پست در مصاحبه با رادیو بی.بی.سی گفت: «ایران در جریان تبلیغات بر علیه عراق در مورد استفاده آن کشور از سلاح‌های شیمیایی در حلبچه در سطح بین‌المللی پیروز شده است. اما تحلیل‌گران مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک در لندن معتقدند انتقاد بین‌المللی ممکن است عراق را در مورد چگونگی استفاده کردن از این سلاح‌ها محتاط‌تر کند. اما در این که صدام حسین به محکومیت جهانی استفاده از این سلاح‌ها اعتنایی

ولی وزش باد مواد سمی را به سوی نیروهای عراق باز گرداند و ماجرا به جنگ مصیبت مبدل شد... روزنامه واشنگتن‌پست می‌افزاید عراق تلاش خود را در تولید مواد شیمیایی پر دوام چون گاز خردل متمرکز کرده است که می‌تواند بر خلاف گاز مهلک سیانور مدتی در هوا باقی بماند و از پیشروی نیروهای ایران جلوگیری کند. این روزنامه با اشاره به حمله شیمیایی رژیم بغداد به حلبچه و فاجعه عظیم ناشی از آن می‌افزاید تردیدی نیست که عراق قبلاً از تسلیحات شیمیایی استفاده کرده است. زیرا هیئت تحقیق سازمان ملل در سال‌های ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ به مناطق جنگی رفته و هر سه بار قاطعانه به این نتیجه رسیده که عراقی‌ها از تسلیحات شیمیایی استفاده کرده‌اند. هیأت مذکور در سال ۱۳۶۵ همچنین به این نتیجه رسید که این نوع تسلیحات نه تنها علیه سربازان بلکه علیه غیرنظامیان نیز کار گرفته است.^{۶۵}

نقطه مشترک گزارش‌هایی که از دو هفته پس از این حادثه در رسانه‌های جهان منتشر شد، تأکید بر موفقیت ایران در ایجاد فضای تبلیغاتی

* آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در یادداشت‌های خود در کتاب کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۷ درباره ایجاد شدن فضای تبلیغاتی علیه عراق درباره استفاده از سلاح‌های شیمیایی در حلبچه آورده است: موج محکومیت عراق به خاطر قتل عام مردم حلبچه اوج گرفته است. محافل خبری جهان، حلبچه را هیروشیما دوم خواندند. دولت کانادا به خاطر بمباران شیمیایی حلبچه، به عراق اعتراض کرد. آقای خاویر پرزدکوئیار دبیر کل سازمان ملل متحد از انتقاد عراق نسبت به سازمان ملل ابراز تأسف نمود. اتحاد جماهیر شوروی نیز استفاده از سلاح‌های شیمیایی را محکوم کرد. تلویزیون دولتی ایتالیا کشتار مردم حلبچه را جنایتی دیوانه‌وار خواند و تأکید کرد این جنایت بی‌سابقه، تنها به منظور جبران شکست نیروهای عراقی انجام شده است. (کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی، پایان دفاع آغاز بازسازی، ص ۵۹، پاورقی)

برده و مسئولیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی را بر عهده دولت بغداد قرار داده است. سوم، استفاده از سلاح شیمیایی را محکوم کرده است.^{۶۷} اعلام موضع رسمی دبیر کل این سازمان در محکوم کردن عراق برای اولین بار و نیمه افراشته شدن پرچم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد به نشانه عزای عمومی، فضای سازمان ملل را به سمت انتقاد از عملکرد عراق سوق داد.^{۶۸}

موضع دبیر کل عراق، را به واکنش واداشت و رژیم این کشور اظهارات خاویر پرز د کوئیار را در محکوم کردن عراق و تصمیم به اعزام تیم کارشناسان برای کاربرد سلاح‌های شیمیایی را مورد انتقاد شدید قرار داد.^{۶۹}

مقامات سیاسی رژیم عراق و مطبوعات این کشور در اقدامی هماهنگ سعی در

راه انداختن جریانی به عنوان اعتراض به این اقدام دبیر کل کردند.^{۷۰} طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق با طرح ادعای استفاده ایران از سلاح‌های شیمیایی اعلام کرد، عراق با کلیه ابزار موجود از خود دفاع خواهد کرد.^{۷۱} لطیف نظیف جاسم وزیر اطلاعات عراق هم گفت: «دبیر کل سازمان ملل دیگر قابل اطمینان نیست و مقاصد دبیر کل برای اعزام هیئت تحقیق در مورد استفاده از سلاح‌های شیمیایی از سوی عراق در حلبچه نامعلوم است.»^{۷۲} رسانه‌های عراق نیز در اقدامی دست‌جمعی بدون اشاره به استفاده رژیم حاکم بر این کشور از

* دبیر کل سازمان ملل با انتشار اطلاعیه‌ای از انتقادهای شدید مقامات عراقی نسبت به خود و سازمان ملل ابراز تأسف کرد و خاطر نشان ساخت هدف وی و سازمان ملل پایان دادن به جنگ است.

کند، شک دارند. این کارشناسان نظامی فکر می‌کنند که قتل عامل شیمیایی رژیم بغداد در حلبچه اقدامی نومیدانه بوده ولی هیچ کمکی به مشکلات رژیم بغداد در شمال عراق نخواهد کرد و در طولانی مدت به زیان عراق خواهد بود. از سوی دیگر فیلیپ ونیورسور استاد دانشگاه اقتصاد لندن در گفت‌وگو با رادیو بی.بی.سی گفت: معتقد است که حمله شیمیایی به حلبچه چیزی است که محتاج اقدام شدید بین‌المللی برای متوقف کردن ازدیاد وحشت‌انگیز آن است. وی افزود: عراقی‌ها حرمت استفاده نکردن از سلاح‌های شیمیایی در جنگ معمولی را شکسته‌اند و باید برای حفظ ممنوعیت استفاده از آن‌ها کاری کرد.^{۶۶}

واکنش سازمان ملل - انفعال عراق

ساعاتی پس از آن که نخست‌وزیر دولت جمهوری اسلامی ایران در مصاحبه با تلویزیون ترکیه و همچنین محمد جعفر محلاتی جانشین نماینده ایران در سازمان ملل از مشروط کردن شرکت ایران در ادامه مذاکرات صلح به اعزام کارشناسان تسلیحاتی این سازمان برای بررسی آثار کاربرد سلاح‌های شیمیایی در حلبچه و مناطق مرزی ایران سخن گفتند، خاویر پرز د کوئیار دبیر کل سازمان ملل متحد برای اولین بار با انتشار بیانیه‌ای رژیم عراق را به علت استفاده از سلاح‌های شیمیایی در حلبچه محکوم کرد و از اعزام هیئت کارشناسی برای بررسی آثار و نتایج این اقدام به ایران خبر داد. منابع دیپلماتیک گفتند بیانیه دبیر کل سازمان ملل متحد حاوی سه محور مهم است؛ اول این که دبیر کل برای اولین بار مسئله استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی را به عنوان موضعی مستقل و جدا از مسائل دیگر مطرح کرده است. دوم، این اولین بار است که دبیر کل از عراق صریحاً نام

وزارت خارجه امریکا به منظور تعدیل فشار افکار عمومی علیه عراق ادعا کرد شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد ایران نیز احتمالاً از سلاح‌های شیمیایی در جنگ استفاده کرده است.

شیمیایی شده بود، بازدید کردند.^{۷۴*} با وجود درخواست ایران برای بازدید هیئت از حلبچه از انجام آن خودداری کردند.^{***} رسانه‌ها دلیل آن را اعتراض مقامات عراقی اعلام کردند.^{۷۵}

علاوه بر اعزام نمایندگان، دبیر کل سازمان ملل در دیدار با جانشین نماینده ایران در این سازمان، برای مداوای مصدومین حلبچه اعلام همکاری کرد. اما رئیس شورای امنیت با اشاره به عملیات والفجر ۱۰ و عبور نیروهای ایرانی از مرز و تصرف حلبچه به طور غیر مستقیم ایران را عامل به کارگیری سلاح‌های شیمیایی توسط عراق دانست.^{۷۶}

در پی موفقیت جمهوری اسلامی ایران در ایجاد فضای تبلیغاتی وسیع و مؤثر علیه عراق به خاطر کاربرد سلاح‌های شیمیایی، رژیم بغداد در اقدامی انفجالی ادعاهای امریکا درباره استفاده ایران از گلوله‌های شیمیایی علیه نظامیان این کشور در جریان عملیات والفجر ۱۰ را تکرار کرد و خواهان اعزام نمایندگانی از سوی دبیر کل سازمان ملل به بغداد برای بررسی آن شد. عصمت کتانی نماینده عراق در سازمان ملل روز پانزده فروردین ۱۳۶۷ متن نامه وزیر خارجه این کشور را که در آن ادعا شده بود ایران در تاریخ ۱۰ و ۱۱ فروردین نیروهای عراقی مستقر در منطقه حلبچه هدف حملات شیمیایی قرار داده است، تسلیم سازمان ملل کرد. در این نامه گفته شد که این اقدام باعث جراحت ۸۸ نظامی عراقی شده که اکنون

سلاح‌های شیمیایی در حلبچه سازمان ملل را مورد هجمه قرار دادند.

در پی موافقت دبیر کل سازمان ملل، هیئتی متشکل از دکتر مانوئل دومینگوئز* و جیمز هالگر از سوی دبیر کل این سازمان برای بررسی کاربرد سلاح‌های شیمیایی در حلبچه، روز هشتم فروردین ۱۳۶۷ وارد تهران شدند. هیئت مذکور ۲۵ نفر را در بیمارستان لبافی‌نژاد و پانزده نفر را در بیمارستان بقیه‌الله تحت معاینات دقیق قرار داده و از وضعیت جسمی هر یک از آنان گزارش پزشکی جداگانه‌ای تهیه کردند. پس از اتمام معاینات، فیلم مستندی از شهر حلبچه قبل و بعد از بمباران شیمیایی، در هتل محل اقامت هیئت نمایش داده شد که عمیقاً مورد توجه آنان قرار گرفت.^{۷۲} این افراد در دومین روز اقامت خود پانزده مصدوم را در نقاهتگاه مفتوح که ۱۵۰ نفر

از مصدومین شیمیایی در آن بستری بودند و ۲۵ نفر دیگر را در بیمارستان لقمان حکیم معاینه کردند و پس از مطالعه پرونده پزشکی آنان، گزارش‌های جداگانه‌ای از وضعیت افراد بستری شده تهیه نمودند.^{۷۳} هیئت اعزامی سپس از روستاهای نودشه و نژمار در مریوان که در چند نوبت بمباران

پارلمان اروپا متشکل از کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا به اتفاق آرا با تصویب قطع‌نامه شدید‌اللحنی عراق را به دلیل استفاده از سلاح‌های شیمیایی در جنگ محکوم کرد.

* روستای نودشه روز ۱۵ اسفند ۱۳۶۶ و روستای نژمار در روزهای ۲ و ۳ فروردین ۱۳۶۷ بمباران شیمیایی شد.
*** سخن‌گوی سازمان ملل ساعاتی قبل از اعلام خبر تصمیم دبیر کل برای اعزام کارشناسان تسلیحات شیمیایی به ایران به خبرنگاران گفت: برای دبیر کل این نکته بسیار دشوار است که هیئتی را به درخواست یک دولت به خاک یک دولت دیگر بفرستد. تحقیق در مورد تقاضای تهران مربوط به حوادثی می‌شود که در منطقه‌ای از خاک کردستان عراق که هم اکنون در اشغال نیروهای ایرانی می‌باشد، رخ داده است. (خ.ج. نشریه ویژه، شماره ۶ (۱۳۶۷/۱/۶)، صص ۱۱-۱۲، نیویورک، خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۷/۱/۵)

* دکتر دومینگوئز دارای درجه سرهنگی در ارتش اسپانیا و متخصص جراحات‌های ناشی از سلاح‌های اتمی، میکروبی و شیمیایی و همچنین متخصص طب پیشگیری در دانشگاه "کمپلوتنس" مادرید است. وی در کلیه هیئت‌های اعزامی قبلی دبیر کل به جمهوری اسلامی ایران و عراق برای بررسی آثار به جا مانده از کاربرد سلاح‌های شیمیایی حضور داشته است. جیمز هالگر افسر عالی رتبه و کارشناس ارشد دبیرخانه سازمان ملل است که برای هماهنگی در امور اجرایی این مأموریت، دکتر دومینگوئز را در مأموریتش به ایران همراهی می‌کند. (کتاب جنگ ایران و عراق در اسناد سازمان ملل متحد، ج ۸، صص ۲۰۷-۲۰۶)

نسبت به تحقیقات قبلی* بیشتر است. در عراق نیز ۳۹ نفر در بیمارستان الرشید معاینه شده‌اند که همه آن‌ها نظامی هستند و در معرض گاز خردل قرار گرفته‌اند.

با وجود اصرار ایران مبنی بر لزوم حضور حداقل یک کارشناس سلاح‌های شیمیایی در میان کارشناسان سازمان ملل برای تکمیل شدن ترکیب هیئت، این نقض باعث شد هیئت در ارائه گزارش به جنبه‌هایی که مربوط به کاربرد عوامل متعدد شیمیایی از سوی عراق می‌گردید، سکوت بماند. با پیگیری‌ها و انتقادهای جمهوری اسلامی درباره ترکیب هیئت و اصرار جمهوری اسلامی درباره محکوم کردن رژیم عراق به خاطر کشتار حلبچه و ... دبیر کل پس از انتشار متن گزارش هیأت کارشناسان سازمان ملل گفت: متخصصین در موضعی نبودند که هیچ یک از دو طرف را سرزنش کنند و او نیز در موقعیتی نیست که گزارش هیئت را تغییر دهد.^{۸۱}

به نظر می‌رسید دبیر کل پس از محکوم کردن رسمی عراق به خاطر بمباران شیمیایی حلبچه، تحت فشار زیادی قرار گرفته است. به علت همین فشارها با وجود گذشت یک هفته از تسلیم گزارش بازدید کارشناسان از ایران به دبیرخانه این سازمان در ژنو سوئیس، این گزارش عمداً منتشر نشد و پس از طرح ادعای عراق و رفتن کارشناسان به بغداد، تنها یک روز پس از خروج این هیئت از عراق نتایج بازدید از هر دو کشور در قالب یک گزارش انتشار یافت. هر چند در گزارش کارشناسان درباره طرف استفاده از سلاح‌های شیمیایی سکوت اختیار شده و در نحوه

در بیمارستانی در بغداد بستری هستند.^{۷۷} ایران ادعاهای مقامات امریکایی و عراقی را رد کرد و خبرگزاری آسوشیتدپرس ادعای عراق را مبهم خواند و در این باره گفت: «گروهی از سازمان ملل که سال گذشته از عراق دیدن کردند هیچ مدرکی دال بر استفاده ایران از سلاح‌های شیمیایی پیدا نکرد و گزارش این گروه بر این دلالت داشت که سربازان عراقی تصادفاً به هنگام کار با سلاح‌های شیمیایی خود مسموم شده‌اند. اما تیم‌های دیگر سازمان ملل که از ایران دیدن کردند بارها مدارکی یافته‌اند که حکایت از استفاده عراق از گاز خردل و اعصاب علیه دشمن خود در این جنگ ۷/۵ ساله دارد.»^{۷۸}

پس از طرح این ادعا که در پی فضا سازی امریکایی‌ها عنوان شد، منابع دبیرخانه سازمان ملل در روز ۱۶ اسفند ۱۳۶۷ اعلام کردند. دبیرکل سازمان ملل عصر امروز تصمیم گرفت همان تیم دو نفره‌ای را که به تقاضای دولت ایران برای بررسی استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی به ایران فرستاد، برای تحقیق درباره ادعای عراق به بغداد بفرستد.^{۷۹} این هیئت روز ۱۸ فروردین وارد بغداد شد و تعدادی از نظامیان عراقی را در بیمارستان الرشید بغداد معاینه کرد. عراق از هیئت اعزامی نخواست که از منطقه حلبچه دیدن کند.^{۸۰} یک روز پس از بازگشت نمایندگان دبیرکل از بغداد، آنان نتیجه بازدیدهای خود از ایران و عراق را در قالب گزارشی تسلیم دبیرکل سازمان ملل کردند. نمایندگان دبیر کل در گزارش خود تأکید کردند که ۶۶ نفری را در ایران معاینه کرده‌اند، در حلبچه [عراق]، مریوان، نودشه و سنندج [ایران] مصدوم شده‌اند و این اشخاص در معرض گاز خردل و عامل مختل‌کننده اعصاب قرار گرفته‌اند. همچنین نسبت غیر نظامیانی که آسیب دیده‌اند

* هیئت تحقیق سازمان ملل در سال‌های ۱۳۶۳، ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ به ایران سفر کردند و در بازدید از مناطقی که از سوی عراق مورد حمله شیمیایی قرار گرفتند تصریح کردند که عراقی‌ها در این مناطق از تسلیحات شیمیایی استفاده کرده‌اند. (خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۱۹، صص ۲۹-۳۰، واشنگتن، ۱۳۶۷/۱/۱۸)

۵۹۸ و پایان جنگ تأکید کردند.^{۸۵} همچنین پس از گسترش یافتن اعتراضات مردمی در بسیاری از کشورها روز ۹ فروردین کشورهای آلمان، انگلستان و شوروی نیز از کاربرد تسلیحات شیمیایی در جنگ ابراز نگرانی کرده و بر منع استفاده از این سلاح‌ها تأکید کردند. مارگارت تاچر نخست‌وزیر انگلیس بدون اشاره به استفاده‌های قبلی عراق از سلاح‌های شیمیایی گفت: آن چه رخ داده کاملاً متناقض با کنوانسیون سال ۱۹۲۵ ژنو است و مسئله بسیار وخیمی می‌باشد و در واقع از جنگ اول جهانی به بعد این نخستین بار است که از سلاح‌های شیمیایی استفاده شده است.^{۸۶} یک مقام وزارت خارجه شوروی در کنفرانس مطبوعاتی کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ را موجب نگرانی جدی خواند.^{۸۷} نخست‌وزیر یونان هم در دیدار با وزیر خارجه ایران کاربرد سلاح شیمیایی در جنگ را محکوم کرد.^{۸۸} در ادامه روند محکومیت رژیم عراق، دولت نروژ و وزیر خارجه نیوزیلند نیز اقدام عراق را محکوم کردند. صلیب سرخ نروژ هم مقادیری دارو به ایران فرستاد.

در بیانیه وزیر خارجه نیوزیلند در محکومیت اقدام عراق آمده است: «گزارش‌های اخیر در خصوص استفاده از سلاح‌های شیمیایی در شهر گردنشین حلبچه که موجب تلفات انسانی وحشتناکی شده است خشم کلیه اعضای جامعه بین‌المللی را برانگیخت. جنگ شیمیایی، تخلفی آشکار از کنوانسیون سال ۱۹۲۵ ژنو می‌باشد که استفاده از سلاح شیمیایی در جنگ را کاملاً مردود دانسته است. ما صریحاً استفاده از بمب‌های شیمیایی را محکوم می‌نماییم.»^{۸۹} وزارت خارجه چین و ژاپن هم بدون نام بردن از رژیم بغداد از کاربرد سلاح‌های شیمیایی نیز ابراز تأسف و نگرانی کرده و خواهان همکاری ایران و عراق با دبیر کل برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ شدند.^{۹۰} وزیر

تنظیم و انتشار آن سعی شد تا حدودی بین دو طرف موازنه‌ای برقرار شود و انتقاد قبلی دبیر کل که در قالب بیانیه‌ی رسمی منتشر شده و مواضع صلیب سرخ و شواهد مورد اطمینانی که عراق را به عنوان به کار برنده سلاح‌های شیمیایی محکوم کرده بودند با این گزارش تا حدی تعدیل و به نوعی اصلاح شود.^{۸۲}

محکوم کردن بمباران حلبچه از سوی کشورها

انتشار تصاویر و اخبار فاجعه حلبچه در نشریات خارجی و پخش فیلم‌هایی از حلبچه از شبکه‌های تلویزیونی کشورها، دولت‌ها را به واکنش واداشت و بسیاری از سیاستمداران از این ماجرا ابراز انزجار کردند.

وزارت خارجه استرالیا با انتشار بیانیه شدیدالحنی اعلام کرد که از خبر بمباران وسیع شیمیایی حلبچه و تلفات سنگین و ضایعات این واقعه تکان خورده است. این بدترین حادثه کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه مردم عادی و بی‌دفاع بعد از جنگ جهانی اول به شمار می‌رود و استرالیایی‌ها از شنیدن خبر این حادثه وحشت زده شده‌اند.^{۸۳} معاون صدراعظم و وزیر خارجه اتریش نیز در اطلاعیه‌ای با محکوم کردن کاربرد سلاح شیمیایی، از ایران و عراق خواست جنگ را متوقف کنند.^{۸۴}

در پی وسعت یافتن دامنه تبلیغات جمهوری اسلامی و آشکار شدن ابعاد بیشتری از فاجعه بمباران شیمیایی حلبچه در روز ۵ فروردین مقامات و شخصیت‌های کشورهای کانادا، یوگسلاوی، جامعه اقتصادی اروپا، انگلستان و لبنان کاربرد این‌گونه سلاح‌ها را محکوم کردند. هر چند بعضی از آن‌ها به صراحت از عراق نام نبردند. لیکن هر کدام به نوعی بر لزوم اجرای قطعنامه

سلاح‌های شیمیایی که تهدید نسبت به تمدن و بشریت است، بردارند.^{۹۳} اما روزنامه واشنگتن پست نوشت: «مقامات پنتاگون اصرار می‌ورزند ایران نیز در نبرد حلبچه از گلوله‌های حاوی مواد شیمیایی استفاده کرده است ولی خبرنگارانی که چند روز بعد از نبرد از منطقه بازدید کردند نشانی از توسل ایران به این گونه سلاح‌ها ندیدند.»^{۹۴}

رادیو امریکا نیز در راستای سیاست‌های دولت امریکا با متهم کردن ایران به استفاده از سلاح‌های شیمیایی در جبهه‌ها تلاش کرد شدت فشار افکار عمومی علیه رژیم عراق را کاهش دهد. این رادیو گفت: «دولت عراق بارها به خاطر استفاده از سلاح‌های شیمیایی در این جنگ محکوم شده و اینک شواهد فزاینده‌ای حکایت از آن دارد که نیروهای ایرانی نیز در جنگ خلیج فارس به سلاح‌های شیمیایی متوسل می‌شوند. سازمان ملل متحد از سال ۱۹۸۴ چهار بار دولت عراق را به خاطر استفاده از سلاح‌های شیمیایی محکوم کرده است. اما ایران مورد نکوهش این سازمان جهانی قرار نگرفته است. منابع دیپلماتیک آسیایی و غربی در بغداد می‌گویند هیچ گونه

امور خارجه دولت دانمارک و وزیر امور خارجه بلژیک نیز کاربرد هر گونه سلاح‌های شیمیایی علیه مناطق مسکونی از سوی رژیم عراق را محکوم کردند.^{۹۱} علاوه بر این‌ها، کشورهای نروژ، لهستان و رومانی هم به جمع کشورهای که کاربرد سلاح‌های شیمیایی از سوی عراق را محکوم کردند، پیوستند.^{۹۲}

در این میان فقط موضع دولت امریکا متفاوت از سایرین بود. وزارت خارجه امریکا بر خلاف اظهارات صریح دبیر کل سازمان ملل و بسیاری از دولت‌ها و اغلب رسانه‌های دنیا مبنی بر استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی، برای تعدیل فشار افکار عمومی علیه عراق ادعا کرد شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد ایران نیز احتمالاً از سلاح‌های شیمیایی در جنگ استفاده کرده است. سخنگوی وزارت خارجه امریکا در محکوم کردن این حادثه نام ایران را در کنار عراق به عنوان کشور استفاده کننده از سلاح‌های شیمیایی به کار برد و گفت: «هر دو کشور در تلاش برای انبار کردن گازها و سلاح‌های شیمیایی هستند و ما از ایران و عراق می‌خواهیم بلافاصله دست از کاربرد هر گونه



بمباران شیمیایی حلبچه؛ اسفند ۱۳۶۶

ادامه می‌دهد: «این ظاهراً اولین بار است که پارلمان اروپا مشخصاً عراق را مسئول استفاده از سلاح‌های شیمیایی می‌شناسد و قطع‌نامه ضربه دیگری به موقعیت و مقبولیت بین‌المللی عراق است. رعایت قطع‌نامه پارلمان اروپا برای دولت‌های عضو جامعه اروپا الزامی نیست»^{۹۶}

سازمان صلیب سرخ جهانی نیز از جمله نهادهای بین‌المللی است که با انتشار بیانیه‌ای مطبوعاتی شدیداً کاربرد سلاح‌های شیمیایی را محکوم کرد و کمک‌های دارویی و تجهیزات پزشکی به ایران ارسال کرد.^{۹۷}

حضور نهادهای بین‌المللی در ایران

در پی درخواست جمهوری اسلامی از جامعه جهانی برای کمک به مصدومین شیمیایی حلبچه و منعکس کردن ابعاد این فاجعه به افکار عمومی دنیا، گروه‌هایی از پزشکان و متخصصین سلاح‌های شیمیایی از سوی دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی عازم ایران شدند که این خود در انعکاس و تشریح ابعاد این فاجعه انسانی به مردم کشورهای مختلف بسیار مؤثر واقع شد.

گروهی از پزشکان ایتالیایی عضو سازمان پزشکان بدون مرز پس از ورود به ایران روز ۵ فروردین ۱۳۶۷ با حضور در حلبچه از آثار به جا مانده از بمباران شیمیایی این شهر و مناطق اطراف آن نمونه‌برداری کردند و در یکی از بیمارستان‌های باختران با تعدادی از مصدومین که تعدادی از آن‌ها نظامیان عراقی بودند، ملاقات و گفت‌وگو کردند.^{۹۸} روز ۶ فروردین نیز گروه دیگری از سازمان بدون مرز از بلژیک به سرپرستی پرفسور هندریکس از این مناطق بازدید کردند. این فرد که یک سم‌شناس معروف بلژیکی است و چهار دستیارش تأکید کردند در بمباران حلبچه از طیف وسیعی از گازهای شیمیایی از جمله گاز

تردید وجود ندارد که ایران در مناطق جنگی گاز خردل و دیگر سلاح‌های شیمیایی به کار می‌برد. یکی از دیپلمات‌های غربی گفت، حقیقت آن است که ایرانیان نیز در جنگ خلیج فارس سلاح‌های شیمیایی به کار می‌برند. اما نه به میزانی که عراق به کار می‌برد و با این تفاوت که تاکنون مشتشان باز نشده است اما اکنون ظاهراً وضع در حال تغییر است»^{۹۵}

در این میان هیچ یک از کشورهای عربی و اسلامی حامی عراق، از عراق به خاطر استفاده از سلاح‌های شیمیایی انتقاد نکردند.

علاوه بر دولت‌ها،

نهادهای بین‌المللی نیز این اقدام عراق را محکوم کردند. پارلمان اروپا متشکل از کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا به اتفاق آرا با تصویب قطع‌نامه شدید اللحنی عراق را به دلیل استفاده از سلاح‌های شیمیایی در جنگ محکوم کرد. به گزارش رادیو بی.بی.سی

قطع‌نامه پارلمان اروپا می‌گوید: «نشانه‌هایی در دست است که عراق دست به سیاستی زده است که نتیجه آن جنگی برای نابودی کردهای عراق است. در این قطع‌نامه، پارلمان اروپا به شدیدترین لحن ممکن استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی را محکوم می‌کند و از عراق می‌خواهد که فوراً به استفاده از سلاح‌های شیمیایی خاتمه دهد. در این قطع‌نامه از ایران نیز خواسته شده که در مقابل هر نوع استفاده از سلاح شیمیایی چه به عنوان مقابله به مثل و چه به عناوین دیگر از خود خویش‌تن‌داری نشان دهد» رادیو بی.بی.سی

نمایش تصاویر حادثه در تلویزیون‌های امریکا و اروپا خشم بسیاری از مردم را برانگیخت و موجی از اعتراض به صورت تظاهرات در شهرهای مختلف جهان به راه افتاد.

به سرپرستی پروفیسور نیوبوزنیکو استاد رشته آسیب‌شناسی رُم وارد تهران شدند. بعد از ظهر این روز هم هیئتی از کمیته بین‌المللی صلیب سرخ جهانی از رُمو وارد تهران شدند و پس از معاینه مجروحین حادثه در بیمارستانی در تهران، از اردوگاه‌های پناهندگان کُرد عراقی در باختران هم بازدید کردند.^{۱۰۴} فردای آن نیز با هماهنگی ستاد تبلیغات جنگ شورای عالی دفاع گروهی بیست نفری از پزشکان سوئیسی، ایتالیایی و بلژیکی وارد باختران شده و پس از بازدید از اردوگاه پناهجویان کُرد عراقی و گفت‌وگو با آنان از آثار به جا مانده

از بمباران‌های شیمیایی شهر حلبچه و روستای اَنَب نمونه‌برداری کردند.^{۱۰۵} علاوه بر حضور گروه‌های پزشکی متعدد در ایران، برخی افراد علمی و دانشگاهی و متخصصین مواد شیمیایی نیز در این باره اظهار نظر کردند از جمله دکتر الیترهای استاد آسیب‌شناسی شیمیایی دانشگاه لیدز لندن گفت: «عراقی‌ها در سه سال

گذشته به طور وسیعی از سلاح‌های شیمیایی علیه ایران استفاده کرده‌اند و تا زمانی که فروش مواد شیمیایی به عراق تحریم نشود و دولت‌ها و جوامع بین‌المللی برای قطع حملات شیمیایی به این رژیم فشار نیاورند این حملات ادامه خواهند یافت» اظهارات این کارشناس شیمیایی در برنامه ویژه سرویس جهانی رادیو بی‌بی‌سی در مورد بمباران شیمیایی حلبچه پخش شد.^{۱۰۶}

اعتراضات مردمی به بمباران شیمیایی حلبچه

انتشار اخبار مربوط به بمباران شیمیایی

سیانور و گاز خردل و عوامل اعصاب استفاده شده است.^{۹۹} پرفیسور هندریکس گفت: «اوضاع خیلی دشوارتر از وقوع یک زلزله است. زیرا گاز ایپریت از قدرت مقاومت زیادی برخوردار است و آثار آن ۲۰ تا ۳۰ سال در خاک می‌ماند.» دکتر «دیرک داوون» از بخش سم‌شناسی دانشگاه گنس بلژیک هم که از اعضای این تیم است می‌گوید: «توصیف آن چه دیدم برایم غیر ممکن است. راجع به تأثیر گاز موسوم به اعصاب خیلی حرف‌ها گفته می‌شود اما دیدن آن انسان را دچار وحشت می‌کند.»^{۱۰۰} همچنین در پی درخواست هلال احمر ایران، یک تیم چهار نفره سوئیسی متشکل از مدیر کل امور همکاری و توسعه وزارت امور خارجه این کشور و سه پزشک به صورت داوطلب از شرکت «کمک‌های خاص فجایع» با همراه داشتن چهارصد کیلو دارو و هفتصد کیلو تجهیزات پزشکی به ارزش تقریبی پانصد هزار فرانک سوئیس (معادل ۳۵۹ هزار دلار) به ایران آمدند. این افراد در مدت یک هفته اقامت در شهرهای تهران، تبریز و اصفهان برخی کارکنان بیمارستان‌های این شهرها را که محل نگهداری مصدومین شیمیایی هستند آموزش دادند.^{۱۰۱}

صلیب سرخ کشور نروژ نیز معادل ۱/۵ میلیون کرون نروژ دارو برای درمان مجروحین شیمیایی به تهران ارسال کرد.^{۱۰۲} یک هیئت پزشکی کانادائی هم به تهران آمد و به همراه هیئت پزشکی سوئیسی تعدادی از مصدومین از جمله جمعی از کودکان کُرد اهل حلبچه در بیمارستان لقمان حکیم تهران را معاینه کردند.^{۱۰۳} با گذشت بیش از سه هفته از این حادثه کماکان تهران محل رفت و آمد گروه‌های مختلف از پزشکان و متخصصان خارجی برای معاینه و ارائه کمک‌های پزشکی به مصدومین حادثه حلبچه بود. صبح روز ۲۱ فروردین ۱۳۶۷، پنج تن از پزشکان ایتالیایی

خبرنگار نشریه‌ی ال‌جورنه ایتالیا: «جنایاتی که رژیم عراق در حلبچه مرتکب شده واقعاً وحشیانه بود. من از نقاط مختلف جهان و حوادث گوناگون دیدار کرده‌ام، لیکن نظیر چنین حادثه‌ای را در عمر خود ندیده‌ام.»

بیمباران شیمیایی، حلبچه؛ تکرار فاجعه هیروشیما

حلبچه به ویژه پس از نمایش تصاویر حادثه در تلویزیونی آمریکا و اروپا خشم بسیاری از مردم را برانگیخت و موجی از اعتراض از طرف عراقی‌های خارج از این کشور، برخی نهادهای غیر دولتی و مردم در برخی کشورها به صورت تظاهرات در شهرهای مختلف به راه افتاد. راهپیمایی روز پنجم فروردین در لندن، پاریس، استکهلم، بروکسل، وین و اسلو از جمله آن‌هاست. به گزارش خبرگزاری‌ها صدها تن از کردهای عراقی به همراه سایر مردم در حالی که عکس‌هایی از کشته شدگان و مصدومین شیمیایی حلبچه را در دست داشتند در مقابل ساختمان برخی مکان‌ها و نهادهای بین‌المللی از جمله دفتر سازمان ملل متحد، صلیب سرخ و یونسکو تجمع کردند. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از فرانسه صدها تن از کردهای عراقی به منظور ابراز خشم نسبت به حمایت واشنگتن از رژیم بغداد، ساعاتی قبل از طلوع آفتاب با روشن کردن شمع در مقابل سفارت آمریکا در لندن تحصن کرده و آمریکا را به دادن کمک به عراق در زمینه تولید سلاح‌های شیمیایی متهم کردند.^{۱۰۷} همچنین تظاهراتی در مقابل دفتر سازمان ملل در لندن برگزار شد. به گزارش بی.بی.سی بسیاری از این افراد پلاکاردهایی در دست دارند که در آن خواستار توقف اعطای تسلیحات نظامی به عراق شده بودند؛ استفاده از تسلیحات شیمیایی در جنگ را متوقف کنید»^{۱۰۸} رادیو آمریکا نیز در گزارشی از تظاهرات دیگری که روز ششم فروردین در مقابل مقر سازمان یونسکو برگزار شد، اعلام کرد؛ عصر امروز، ساعت ۱۸ به وقت پاریس صدها تن ایرانی و فرانسوی در تظاهراتی آرام در برابر مقر سازمان بین‌المللی یونسکو خواستار قطع فوری جنگ شهرها، توقف فروش و صدور تجهیزات جنگی به ایران و عراق، قطع بمباران‌های شیمیایی و

آسیایی در محکوم کردن اقدام عراق در بمباران شیمیایی حلبچه برگزار شد. برپایی راهپیمایی و تظاهرات در توکیو، واشنگتن، رم، استکهلم، لبنان، مادرید و آمستردام از جمله آن‌هاست که با حضور تعداد زیادی از مردم این کشورها و گروه‌های عراقی و مسلمانان سایر کشورها برگزار شد.^{۱۱۷}

یک ماه پس از بمباران شیمیایی حلبچه و کشتار بسیاری از مردم این منطقه و اهالی مناطق مرزی ایران موج اعتراض‌های مردم و بعضی سازمان‌های خصوصی نسبت به این حادثه در شهرهای امریکا و اروپا کماکان ادامه یافت. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، دانشجویان مسلمان ایرانی، لبنانی

و عراقی مقیم ایتالیا مراسم جداگانه‌ای در نقاط مختلف این کشور برگزار کردند و مستندات کشتار اهالی شهر حلبچه با بمب‌های شیمیایی رژیم عراق را به نمایش گذاشتند.^{۱۱۸} همچنین گروهی از گروه‌های مقیم آلمان نیز در بن در محل میدان مرکزی مونستر تجمع کرده و با نمایش عکس‌هایی از جنایات حلبچه، علیه رژیم عراق

دست به تظاهرات زدند.^{۱۱۹} در اعلامیه و شعارهای تظاهرکنندگان آمده بود «حلبچه هیروشیما دومی است که به دست صدام ایجاد شده است و معاملات سلاح‌های شیمیایی با عراق باید متوقف شود».^{۱۲۰}

در لندن هم راهپیمایی اعتراض‌آمیزی علیه رژیم عراق به خاطر کاربرد سلاح شیمیایی علیه مردم حلبچه برگزار شد. این تظاهرات از سوی گروه‌های عراقی سازمان داده شده بود.^{۱۲۱} در دانمارک هم گروه‌های مقیم این کشور در تظاهراتی

از تظاهرکنندگان دستگیر شدند. به گزارش واحد مرکزی خبر در اسلو پایتخت نروژ نیز گروهی از عراقی‌ها و گروه‌های عراقی مقیم نروژ به عنوان اعتراض به جنایات اخیر رژیم حاکم بر عراق در حمله شیمیایی به شهر حلبچه، دفتر صلیب سرخ نروژ در اسلو را اشغال کردند.^{۱۲۲} روز ۶ فروردین هم در چند شهر از جمله واشنگتن، استکهلم، لاهور و چند شهر دیگر پاکستان در مقابل سفارت عراق تظاهرات بر پا شد. به گزارش خبرگزاری فرانسه تظاهرکنندگان در مقابل سفارت عراق در واشنگتن در اعتراض به بمباران‌های شیمیایی اخیر عراق اقدام به پرتاب سنگ و بطری به سوی سفارت کردند.^{۱۲۳} نمایندگان همه احزاب سیاسی سوئد که در میان آن‌ها بسیاری از گروه‌های ساکن این کشور دیده می‌شدند، در تظاهرات گسترده‌ای در سوئد حلبچه را هیروشیمای دیگر خواندند و خواستار جلوگیری از تکرار این فاجعه شدند.^{۱۲۴} همچنین تظاهرات مشابهی در چند شهر مختلف پاکستان برگزار شد. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، پس از اعلام عزای عمومی در پاکستان از سوی علامه رهبر نهضت اجرای فقه جعفری پاکستان، بسیاری از مردم در شهرهای این کشور از جمله لاهور تظاهرات کردند و خواستار واکنش شدید مجامع مسئول جهانی در برابر این اقدام عراق شدند.^{۱۲۵} در روز دهم فروردین تعدادی از گروه‌های مقیم انگلستان همزمان با ورود شش تن از مصدومین شیمیایی حلبچه در فرودگاه لندن تظاهرات کردند. تظاهرکنندگان دست نوشته‌هایی با مضامین؛ «ارسال اسلحه به عراق را متوقف سازید»، «از حمله‌های شیمیایی عراق جلوگیری کنید» و «جلوی ویران شدن روستاهای کردستان را بگیرید» در دست داشتند.^{۱۲۶}

گزارش‌ها همچنین حاکی است روز ۱۹ فرودین چندین تظاهرات در شهرهای مختلف اروپایی و

نشریه کوریره دل‌اسرا: شهر حلبچه مملو از جنازه زنان، کودکان و افراد مسن است و پزشکان خارجی معتقد هستند که قتل عام اهالی تنها در ۱۵ ثانیه به طول انجامیده است.



بمباران شیمیایی حلبچه؛ اسفند ۱۳۶۶

عراق برای دفاع از خاک خود قاطعانه به هر وسیله‌ای متوسل خواهد شد.^{۱۲۴}

در جریان مذاکرات دبیر کل سازمان ملل با نمایندگان ایران و عراق، ورسام‌الزهاوی معاون وزیر خارجه عراق رسماً به استفاده از سلاح‌های شیمیایی توسط این رژیم اعتراف کرد. اما با انگ زدن به ایران مدعی شد کشورش آماده است چنانچه جمهوری اسلامی با توقف استفاده از سلاح‌های شیمیایی موافقت کند، عراق نیز استفاده از سلاح‌های مزبور را خاتمه دهد. وی گفت: ایران نیز از سلاح‌های سمی استفاده کرده است و ما پیشنهاد کرده‌ایم که معاهده‌ای را به امضاء برسانیم که دو طرف پای‌بندی خود به تمامی توافق نامه‌های بین‌المللی و کنوانسیون‌ها را مورد تأکید قرار دهند.^{۱۲۵} در همین حال مسئولین رژیم عراق که از مقابله با فضای ایجاد شده در جامعه جهانی علیه رژیم عراق به خاطر استفاده از سلاح‌های شیمیایی درمانده شده بودند، جمهوری اسلامی را به استفاده از این گونه سلاح‌ها در حمله

چند صد نفری در خیابان کپنهاک با محکوم کردن جنایت شیمیایی عراق در شهر حلبچه عکس‌های صدام را به آتش کشیدند. همچنین به عنوان اعتراض به این جنایات دفتر هواپیمایی عراق در کپنهاک را اشغال کردند.^{۱۲۶} به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی کمیته همبستگی با مردم عراق در پیامی برای نماینده سازمان ملل متحد در کلمبو، جنایات رژیم عراق در قتل عام بی‌سابقه مردم حلبچه را محکوم کرد.^{۱۲۷}

تهدید بمباران شیمیایی شهرهای ایران

در حالی که اعتراضات شدید به رژیم عراق برای بمباران شیمیایی حلبچه از سوی مجامع جهانی، نهادهای بین‌المللی و افکار عمومی کشورها موج می‌زد، رژیم عراق پس از تشکیل جلسه حزب بعث به ریاست صدام حسین در ۶ فروردین ۱۳۶۷، با انتشار بیانیه‌ای ضمن پذیرش تلویحی استفاده از سلاح شیمیایی در جنگ و با انتقاد از محکومیت عراق توسط مراجع بین‌المللی و کشورهای خارجی به خاطر کاربرد این سلاح‌ها، خاطر نشان کردند

به شهرها تهدید کردند.*

هفته‌نامه نیوزویک در شماره روز ۱۶ فروردین به موضوع تهدید عراق مبنی بر حمله شیمیایی به شهرهای ایران پرداخته و از قول سفیر یک کشور غربی در تهران نوشت: «استفاده عراقی‌ها از سلاح‌های شیمیایی علیه غیر نظامیان در حلبچه، نشان می‌دهد که آن‌ها آماده‌اند از این سلاح‌ها در هر کجای دیگر از جمله تهران استفاده کنند. نیوزویک می‌افزاید: برای عراق آسان خواهد بود که موشک‌های دور بُرد خود را به کلاهک‌های شیمیایی مجهز کند.»^{۱۳۶}

در واکنش به این تهدید رژیم عراق، وزیر امور خارجه ایران که برای شرکت در اجلاس خلع سلاح یک روزه به ژنو سفر کرده است، در سخنرانی خود در این اجلاس در روز یازدهم فروردین ۱۳۶۷ اظهار داشت: «حلبچه اولین شهری نبود که آماج حملات شیمیایی عراق قرار گرفت ولی با پنج هزار شهید و ده هزار مصدوم که ۷۵ درصد آنان را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند، جنایت‌بارترین آن‌ها بود. آقای ولایتی با اشاره به تهدید رسمی عراق دال بر توسعه به کارگیری سلاح‌های شیمیایی علیه شهرهای ایران، اتخاذ مواضع ملایم و حتی شدیدالحن را غیرکافی دانست و تأکید کرد که در چنین شرایطی تنها با اقدامات گسترده عملی می‌توان به دست کشیدن عراق از

* در این ایام آخرین دوره حملات وسیع و گسترده عراق به شهرها، روستاها و مراکز جمعیتی ایران و حملات تلافی‌جویانه و بازدارنده ایران ادامه داشت. این حملات که به جنگ شهرها موسوم شده بود روز هشتم اسفند ۱۳۶۸ با حمله هواپیماهای عراقی به پالایشگاه تهران و سپس روز دهم اسفند با حملات موشکی به تهران آغاز شد تا پایان فروردین ۱۳۶۷ ادامه یافت. در این ۵۴ روز، عراق ۱۸۹ موشک به شهرهای تهران، کرج، قم، اصفهان، شیراز و تبریز پرتاب کرد و تعداد زیادی شهر و روستا توسط هواپیماهای عراقی بمباران شد. در جریان این حملات ۱۷۴۶ نفر شهید و بالغ بر ۸۱۸۳ نفر مجروح شدند و خسارات مالی فراوانی بر جای ماند. ایران نیز در اقداماتی تلافی‌جویانه و باز دارنده ۲۷ موشک به سوی اهداف نظامی و اقتصادی بغداد و تعداد بیشتری موشک با بُرد کوتاه به اهدافی در چند منطقه دیگر عراق شلیک کرد.

ادامه این جنایت امید داشت. وزیر امور خارجه سپس با اشاره به کاربرد سلاح شیمیایی علیه ایران متذکر شد که علی‌رغم تمامی هشدارهای ایران تاکنون حرکت مفیدی برای اجبار عراق به قطع حملات صورت نگرفته است و در نتیجه حکام بغداد با دست هر چه بازتر حلبچه را آماج حملات شیمیایی خود قرار دادند.» در هنگام سخنرانی وزیر امور خارجه ایران در اجلاس، آلبوم عکس و بروشور و یک نوار ویدئویی از آثار بمباران شیمیایی حلبچه و روستاهای اطراف در بین افراد حاضر توزیع شد که حاضرین را تحت تأثیر قرار داد.^{۱۳۷}

حلبچه، فاجعه‌ای با آثار ماندگار در چند نسل

کاربرد وسیع عوامل سمی خطرناک بمباران شیمیایی حلبچه علاوه بر آن‌که در کوتاه مدت آثار دهشتناکی از خود بر جای گذارد و باعث کشته و مصدوم شدن بسیاری از ساکنان، آواره شدن آنان از محل سکونت خود شد،

آثار اجتماعی عمیق، وسیع و دراز مدت از خود بر جای گذاشت. بسیاری از مردم این منطقه به ویژه ساکنان روستاهای دشت‌زور به زندگی در طبیعت عادت داشته و گاهی نیز وابسته به ایل و طوایفی بودند که از قدیم در نقاط مرزی ایران یا عراق به راحتی رفت و آمد می‌کردند و تعلقات طایفه‌ای آنان بر این‌که تبعه کدام یک از دو کشور ایران یا عراق باشند، ارجحیت داشت. از گذشته‌ها به راحتی در دو سوی مرز تردد و زندگی می‌کردند و دام‌ها و زندگی خود را بر حسب شرایط آب و هوایی در این مناطق جابه‌جا می‌کردند. لذا زندگی در اردوگاه‌هایی که

نشریه فرانسوی اومانیته: تصاویری که سه‌شنبه شب از تلویزیون پخش شد و کشتار سلاح شیمیایی در شهر حلبچه را نشان داد وحشتناک و غیر قابل تحمل بود.

را پس از ۲۳ سال نشان داد. در قسمتی از پیام مردم حلبچه آمده است: «حلبچه یکی از شهرهای کردستان عراق است که در سال ۱۹۸۸ میلادی به دست رژیم بعث عراق بمباران شیمیایی شد و در جریان آن پنج هزار نفر از مردم بی‌دفاع، شهید و ده هزار نفر مجروح شدند. در این فاجعه عظیم، مردم آواره و بی‌پناه به سوی مرزهای ایران گریختند که خوشبختانه مورد استقبال مردم و دولت جمهوری اسلامی ایران واقع شدند و طی آن چندین اردوگاه برای حفاظت از جانمان بر پا شد و مجروحان شیمیایی هم به بیمارستان‌ها انتقال داده شدند و مورد معالجه و تحت درمان قرار گرفتند و کسانی که در آن جا جان سپردند و شهید شدند و در بهشت‌زها در کنار مزار شهیدان فجر در آرامگاه ابدی به خاک سپرده شدند. ما هرگز حرکت انسان دوستانه‌ای که مردم ایران در حق ما روا داشتند را از یاد نبرده و نخواهیم برد و تاریخ خود گواه بر آن است. در جریان این نسل کشی با بمباران شیمیایی شهر حلبچه، بسیاری از مادران از فرزندان خود جدا شده و آن‌ها را گم کردند و بسیاری از کودکان هم از خانواده و والدین خود جدا شدند و هرگز آن‌ها را پیدا نکردند و با گذشت ۲۳ سال از این فاجعه عظیم این پدران و مادران همچنان چشم به راه بازگشت دوباره فرزندان خود هستند و هر لحظه منتظرند تا خبری یا نشانی از آن‌ها بیابند و کودکانی هم هستند که منتظرند تا به آغوش گرم خانواده باز گردند. ما همچون جمعی از پدران، مادران، برادران و خواهران داغ دیده از تمام ایرانیان انسان دوست می‌خواهیم اگر خبری یا نشانی از زنده بودن فرزندانمان دارند ما را در جریان بگذارند و پدران و مادران داغ دیده را از چشم انتظاری در آورند. با این کار نه تنها وظیفه شرعی و دینی خود را به جای می‌آورید بلکه همچون حرکتی

از سرناچاری در آن سکنی گزیده بودند آنان را دچار مشکلات عدیده‌ای ساخت.* مهاجرت این افراد به مرزهای ایران علاوه بر مشکلات عاطفی و روانی ناشی از کوچ اجباری، به دلیل از دست دادن بسیاری از اعضای خانواده، فامیل و هموطنان دارای آثار و نتایج منفی دراز مدت نیز بود که از جمله پراکنده شدن و جدا افتادن بسیاری از افراد خانواده‌ها از یکدیگر بود که تا مدت‌ها ادامه پیدا کرد تا جایی که تعدادی از آنان تا سال‌ها بعد از حادثه از سرنوشت یکدیگر مطلع نشدند. پیام منتشر شده در رسانه‌های ایران در سال ۱۳۹۰ با عنوان «پیامی از طرف پدران و مادران حلبچه برای مردم ایران» که در آن جمعی از اهالی این منطقه با اعلام شماره تلفن و ایمیل خواستار کمک از مردم ایران برای شناسایی بستگان خود شدند، یک بار دیگر آثار و نتایج تمام ناشدنی این حادثه

* اسکان پناهجویان کرد عراقی در اردوگاه‌های داخل خاک ایران به ضرورت و با هدف حفظ جان آنان صورت گرفت. حضور اهالی منطقه دشت حلبچه در اردوگاه با روحیات آن‌ها که به زندگی در طبیعت خو کرده‌اند سازگاری نداشت. از ابتدا بنا بر این بود که اقامت این افراد در اردوگاه‌ها به صورت موقت انجام شده و با فراهم شدن نسبی شرایط پناهندگان به محل‌های سکونت خود برگردانده شوند. محمد مقدم فرمانده تیپ ۷۵ ظفر در تاریخ ۱۵ فروردین ۱۳۶۷ در گزارشی به محسن رضایی فرمانده کل سپاه درباره مشکلات زندگی این افراد در اردوگاه می‌گوید: الان اردوگاه‌ها مشکل آب و نان و غذا و امکانات دارند و فوری هم نمی‌توانند حل کنند و مردم این منطقه، با مردم منطقه مجاور آن‌ها که در مرزهای خودمان هستند، نوعاً از یک عشیره با نام‌های نوگلی، امامی، ایناخی و هورامی هستند. این‌ها با هم در یک عشیره بودند. مرزی هم که کشیدند، انگلیسی‌ها کشیدند که مرز معتبری نیست. این‌ها نوعاً فامیل دارند، آشنا دارند و عشیره دارند. ما این‌ها را به هر روستا و منطقه‌ای که فامیل دارند بفرستیم. مثلاً به هر روستا ۲۰-۳۰ خانوار بفرستیم. مقداری ابزار اولیه مثل سنگ و چوب و سیمان هم به آن‌ها بدهیم و خودشان شروع به ساختن خانه کنند. کشاورزی می‌کنند، دامداری می‌کنند. هم از بیسکاری در می‌آیند، هم در خانه ساختن خودشان کمک می‌کنند، ضمن این که مسئله مهم‌تر از همه این‌ها این است که این‌ها وقتی وارد اردوگاه می‌شوند، نکته مهم سیم خاردارهایی است که دورشان می‌باشد. این‌ها فکر می‌کنند که به زندان آمده‌اند. اردوگاه‌های صدام برایشان تداعی می‌شود و از نظر روحی خیلی رنج می‌برند. (پیاپی ۲۸۳۱۳، شرح عملیات قرارگاه نیروی زمینی، عملیات والفجر ۱۰ و بیت‌المقدس ۴، صص ۲۳-۱۹)

مردم حلبچه با وجود آنکه افکار عمومی جهانیان را علیه این اقدام تهییج کرد لکن اطمینان رژیم صدام حسین به انجام نشدن هیچگونه اقدام عملی از سوی نهادهای مسئول بین‌المللی و قدرت‌های بزرگ باعث شد تا مقامات این رژیم با صراحت اعلام کنند که از هر سلاحی در جنگ استفاده خواهند کرد و حتی در زمانی که حادثه حلبچه در صدر اخبار رسانه‌های جهانی قرار داشت و هر روزه دولت‌ها، نهادهای بین‌المللی درباره محکوم کردن این اقدام موضوع‌گیری می‌کردند و حتی برخی از مقامات کشورهای حامی عراق از نقض معاهدات و کنوانسیون‌های جهانی گفتند و از احتمال فراگیر

شدن ساخت آن ابراز نگرانی کردند و در شهرهای مختلف راه‌پیمایی انجام می‌شد، عراق به صراحت و جرئت از حمله شیمیایی به شهرهای بزرگ ایران سخن به میان آورد.

حمایت آشکار و پنهان قدرت‌های بزرگ از رژیم عراق در این ماجرا تا جایی جلو رفت که علی‌رغم اعتراف صریح رژیم عراق به حمله شیمیایی به حلبچه و وجود شواهد

انکارناپذیر و اذعان شخص دبیر کل سازمان ملل و بسیاری از دولت‌ها به استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی، در گزارش رسمی نمایندگان دبیرکل که برای بررسی کاربرد این گونه سلاح‌ها در حلبچه به ایران و عراق سفر کردند، از بردن نام طرف استفاده‌کننده از سلاح‌های شیمیایی خودداری شد و یک بار دیگر ترجیح منافع و مصالح قدرت‌های بزرگ بر جان انسان‌ها چهره خود را نشان داد و میزان نفوذ این قدرت‌ها بر نهادهای بین‌المللی را به رخ کشید.

انسان دوستانه در حافظه تاریخی یک ملت باقی خواهید ماند. از تمامی رسانه‌ها اعم از شبکه‌های تلویزیونی، روزنامه‌ها و سایت‌های خبری و ... می‌خواهیم در این راه ما را یاری کنند تا بتوانیم با همکاری هم، بار دیگر فرزندان گم شده شهر حلبچه را که تاکنون از طرف انسان‌های خیرخواه تحت سرپرستی قرار گرفته‌اند به آغوش گرم خانواده‌های چشم‌انتظاری بازگردانیم.^{۱۲۸}

نتیجه‌گیری

فاجعه بمباران شیمیایی حلبچه که به منجر به کشته و مجروح شدن بالغ بر ده هزار انسان تنها ظرف چند دقیقه شد، به عنوان یکی از مصادیق بارز جنایت جنگی و کشتار جمعی است که هزینه‌های انسانی و اقتصادی زیادی را به مردم عراق و ایران تحمیل کرد و یکبار دیگر جهانیان را متوجه خطر بالقوه ناشی از کاربرد این گونه سلاح‌ها کرد.

هر چند پی‌گیری‌های جمهوری اسلامی واکنش کم سابقه و متفاوت از گذشته نهادهای بین‌المللی دولت‌ها را در پی داشت. لکن بسیاری از قدرت‌های جهانی که خود در دستیابی رژیم صدام حسین به این سلاح‌ها مشارکت داشتند، با نوعی رو درباستی سیاسی و برای اقناع افکار عمومی بدون نام بردن از عراق در قالب الفاظ و تعبیر کلی استفاده از سلاح‌های شیمیایی را محکوم کردند و حتی برخی از آنان مانند دولت آمریکا با نام بردن ایران در کنار نام عراق به عنوان استفاده‌کننده از سلاح‌های شیمیایی و رئیس شورای امنیت سازمان ملل با اشاره به عملیات نظامی ایران در حلبچه درصدد توجیه اقدام عراق به عنوان عکس‌العمل طبیعی در برابر حمله زمینی ایران برآمدند.

نکته قابل توجه در این میان آن است که کشتار

روزنامه‌ی اسپانیایی ال پانیس:
«تماشاگران تلویزیون در سراسر
دنیا از دیدن تصاویر وحشتناک
بمباران شیمیایی کُردستان
عراق به خود لرزیدند».

بیمباران شیمیایی، حلبچہ؛ تکرار فاجعہ ہیروشیما

دریابای سپاه، ۱۳۶۶/۱۲/۲۷ سند تک برگی (۵/۳۱۵).

۱۷. س.ش. ۲۶۱۶۳۰، از فرماندهی کل سپاه به فرماندهی تیپ ۷۵ ظفر، ۱۳۶۶/۱۲/۲۷ و- س.ش. ۳۰۳۰۷، ۱۳۶۷/۱۲/۲۷.

۱۸. مأخذ ۱۱، صص ۷۵-۷۴، ۱۳۶۶/۱۲/۲۷.

۱۹. مأخذ ۱۱، ص ۸۶.

۲۰. مأخذ، ص ۱۱۰.

۲۱. مأخذ، ص ۱۱۱.

۲۲. مأخذ، صص ۱۵-۱۴.

۲۳. مأخذ، ص ۱۳.

۲۴. مأخذ، ص ۱۲۶.

۲۵. مأخذ، ص ۹، ۱۳۶۶/۱۲/۲۸.

۲۶. پیاده نوار ۲۸۲۹۰، م.ات.د، شرح عملیات نیروی زمینی سپاه پاسداران در عملیات‌های بیت‌المقدس ۳، والفجر ۱۰ و بیت‌المقدس ۴.

۲۷. س.ش. ۱۶۴۷، م.ات.د، دفترچه‌ی راوی قرارگاه ثامن‌الائمه در عملیات والفجر ۱۰، سیدعلی خاتمی، ص ۷۹.

۲۸. مأخذ ۱۱، ص ۱۱۶ و دستنویس پیاده نوار ۲۸۲۴۹، م.ات.د، شرح عملیات قرارگاه خاتم‌الانبیاء سپاه پاسداران در عملیات والفجر ۱۰، صص ۳۹-۴۱.

۲۹. پیاده نوار ۲۸۲۴۹، م.ات.د، شرح عملیات قرارگاه خاتم‌الانبیاء سپاه پاسداران در عملیات والفجر ۱۰، صص. ۳۹-۴۱.

۳۰. س.ش. ۱۶۴۱، م.ات.د، دفترچه‌ی راوی قرارگاه نیروی زمینی- سپاه پاسداران در عملیات والفجر ۱۰، اسدالله احمدی، ص ۱۲۹.

۳۱. مأخذ ۵، صص ۶۶-۱۱۶ و س.ش. ۱۶۳۶، م.ات.د، دفترچه‌ی راوی قرارگاه خاتم‌الانبیاء (ص) در عملیات والفجر ۱۰، داود رنجبر، صص ۱۱۹-۱۱۶ و روزنامه اطلاعات- ۱۳۶۷/۱/۶، ص ۱۰.

۳۲. پیاده نوار ۲۸۳۱۳، شرح عملیات قرارگاه نیروی زمینی در عملیات والفجر ۱۰ و بیت‌المقدس ۴، صص ۲۸-۲۳ و دفترچه‌ی ۱۶۴۲ قرارگاه خاتم، عملیات والفجر ۱۰ و بیت‌المقدس ۴، اسدالله احمدی، ۱۳۶۷/۱/۱۱، صص ۶۷-۶۲.

۳۳. س.ش. ۱۷۶۱۵۵، از نیروی زمینی سپاه به دفتر نمایندگی امام در سپاه، ۱۳۶۷/۱/۲۱، سند تک برگی و- خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۱۸ (۱۳۶۷/۱/۱۸)، ص ۴۸، باختران، ۱۳۶۷/۱/۱۷ و نشریه‌ی ۲۲ (۱۳۶۷/۱/۲۲)، صص ۲۴-۲۳، کرمان، ۱۳۶۷/۱/۲۱.

۳۴. وزارت اطلاعات، بولتن خبرها و نظرها، ش ۷۱۲، ۱۳۶۷/۱/۲۳، ص ۱.

۳۵. س.ش. ۱۱۶۲۶۴، از فرمانداری مریوان به استانداری کردستان، ۱۳۶۷/۱/۱۵، سند تک برگی و- س.ش. ۷۷۶۷۶، از ستاد تبلیغات جنگ شورای عالی دفاع به سماجا، مرکز فرماندهی- رابط اداره چهارم، ۱۳۶۷/۱/۲۰ و روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۷/۲۳.

۳۶. خرمی، محمدعلی، جنگ ایران و عراق در اسناد سازمان ملل، تهران: مرکز اسناد و دفاع مقدس، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۱۲۲.
۳۷. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۷/۱/۶، ص ۱۰.
۳۸. خمینی، روح الله، صحیفه امام مجموعه آثار امام خمینی (ره)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۷۸، ج ۲۱، صص ۲۱ و ۲۵ و ۲۹.
۳۹. سندهای ۱۶۴۰-۱۶۴۱، م.د.م، دفترچه‌های راوی مرکز در قرارگاه خاتم‌الانبیاء (ص) سپاه پاسداران، اسدالله احمدی، صص ۱۳۲ و ۱۵-۱، ۱۳۶۷/۱/۱۰.
۴۰. مأخذ ۳۷، ص ۱۱.
۴۱. مأخذ ۳۶، ص ۱۳۳.
۴۲. مأخذ ۳۷، ص ۷.
۴۳. خ.ج.ا. گزارش‌های ویژه، ش ۹ (۱۳۶۷/۱/۹)، صص ۳۶-۳۴، بخش فارسی رادیو بی.بی.سی، ۱۳۶۷/۱/۸.
۴۴. روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۱/۷، ص ۲ و روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۱/۷، ص ۱۲.
۴۵. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۷/۱/۹ و مأخذ ۳۶، صص ۱۴۹-۱۴۸.
۴۶. روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۱/۱۰، ص ۱.
۴۷. مأخذ ۴۴، ص ۱.
۴۸. روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۱/۱۵، ص ۲.
۴۹. ش.ش. ۴۳۸۷۱۹، از معاونت اطلاعات ستاد کل به فرماندهی کل سپاه، ۱۳۶۷/۱/۲۰، صص ۵-۱.
۵۰. خ.ج.ا. نشریه‌ی ویژه، ش ۱۰ (۱۳۶۷/۱/۱۰)، ص ۱۹، کپنهاک، خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۷/۱/۹ و - خ.ج.ا. نشریه‌ی ویژه، شماره ۱۱ (۱۳۶۷/۱/۱۱)، صص ۳۴-۳۵، رادیو امریکا، ۱۳۶۷/۱/۱۰ و ص ۳۱، لندن، ۱۳۶۷/۱/۱۰.
۵۱. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۷/۱/۱۶، ص ۱۸.
۵۲. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۷/۱/۲۰، ص ۱۰.
۵۳. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۷/۱/۲۲، ص ۱۳.
۵۴. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۲۴ (۱۳۶۷/۱/۲۴)، ص ۱۳، وین، خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۷/۱/۲۲.
۵۵. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۳ (۱۳۶۷/۱/۳)، صص ۴۱-۳۸، لندن، ۱۳۶۷/۱/۲.
۵۶. خ.ج.ا. نشریه ویژه، ش ۵ (۱۳۶۷/۱/۵)، صص ۲۱-۲۰.
۵۷. واحد مرکزی خبر جمهوری اسلامی ایران، بولتن رادیوهای بیگانه، ۱۳۶۷/۱/۱۵، ص ۷.
۵۸. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۷/۱/۷، ص ۱۰.
۵۹. ش.ش. ۶۰۷۲۵، رم، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۱/۸، صص ۲-۱.
۶۰. مأخذ ۵۴، صص ۲۶-۲۵، لندن، ۱۳۶۷/۱/۴.
۶۱. وزارت ارشاد اسلامی، اداره کل مطبوعات و رسانه‌های خارجی، بررسی مطبوعات جهان، نشریه ۱۳۱۰، (۱۳۶۷/۱/۳۱).
- صص ۱۲-۱۱.
۶۲. مأخذ ۵۹، ص ۱۴.
۶۳. خ.ج.ا. گزارش‌های ویژه، ش ۱۰ (۱۳۶۷/۱/۱۰)، ص ۱۸، رادیو کلن، ۱۳۶۷/۱/۱۹ و وزارت ارشاد، بولتن بررسی مطبوعات جهان، نشریه ۱۳۰۹، صص ۱۶-۱۵.
۶۴. خ.ج.ا. گزارش‌های ویژه، ش ۸ (۱۳۶۷/۱/۸)، ص ۱۶، رادیو امریکا، ۱۳۶۷/۱/۷.
۶۵. خ.ج.ا. نشریه‌ی ویژه، ش ۱۹ (۱۳۶۷/۱/۱۹)، صص ۳۰-۲۹، واشنگتن، ۱۳۶۷/۱/۱۸.
۶۶. خ.ج.ا. گزارش‌های ویژه، ش ۱۱ (۱۳۶۷/۱/۱۱)، صص ۲۷-۲۶، تهران، ۱۳۶۷/۱/۱۰.
۶۷. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۷/۱/۶، ص ۱۶ و خ.ج.ا. نشریه ویژه، شماره ۷ (۱۳۶۷/۱/۷)، صص ۳۰-۲۹، نیویورک، سازمان ملل، خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۷/۱/۶ و روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۷/۱/۷، ص ۲.
۶۸. مأخذ ۳۶، ص ۱۴۰.
۶۹. مأخذ ۶۲، صص ۱۰-۷، بغداد، خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۷/۱/۷.
۷۰. مأخذ ۶۴، صص ۸-۴، رادیو بغداد، ۱۳۶۷/۱/۱۰.
۷۱. مأخذ ۶۴، ص ۱۰، رادیو بغداد، ۱۳۶۷/۱/۱۰.
۷۲. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۷/۱/۸، ص ۳ و - ش.ش. ۲۱۲۸۰۰، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، بولتن روزانه‌ی سیاسی، نشریه‌ی ۳، ۱۳۶۷/۱/۱۰، صص ۱۰-۹.
۷۳. ش.ش. ۲۱۸۰۰، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، بولتن روزانه‌ی سیاسی، نشریه‌ی ۶/۳ (۱۳۶۷/۱/۱۰)، صص ۱۰-۹.
۷۴. ش.ش. ۲۸۱۰۰۴، از فرماندار شهرستان مریوان به استانداری کردستان، ۱۳۶۷/۱/۱۰، ص ۱ و - ش.ش. ۲۱۲۸۰۱، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، بولتن روزانه‌ی سیاسی، نشریه‌ی ۶/۴، ۱۳۶۷/۱/۵، صص ۱۸-۱۷.
۷۵. خ.ج.ا. نشریه‌ی ویژه، ش ۱۷ (۱۳۶۷/۱/۱۷)، صص ۲۹-۲۸، تهران، ۱۳۶۷/۱/۱۶.
۷۶. خ.ج.ا. نشریه‌ی ویژه، ش ۱۲ (۱۳۶۷/۱/۱۲)، صص ۲۳-۲۲، نیویورک، ۱۳۶۷/۱/۱۱.
۷۷. مأخذ ۳۶، صص ۱۵۹-۱۶۵ و ۱۶۳-۱۶۴، خ.ج.ا. نشریه‌ی ویژه، ش ۱۶ (۱۳۶۷/۱/۱۶)، صص ۴-۳، تهران، ۱۳۶۷/۱/۱۵ و روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۷/۱/۱۶، ص ۱۷.
۷۸. مأخذ ۷۳، ص ۱۱، تهران، ۱۳۶۷/۱/۱۶.
۷۹. خ.ج.ا. نشریه‌ی ویژه، ش ۱۸ (۱۳۶۷/۱/۱۸)، ص ۱۸، سازمان ملل، خبرگزاری کویت، ۱۳۶۷/۱/۱۷.
۸۰. مأخذ ۶۳، صص ۲۴-۲۳، تهران، ۱۳۶۷/۱/۱۸.
۸۱. ش.ش. ۲۱۲۸۱۸، بولتن وزارت خارجه، ش ۶/۲۱ (۱۳۶۷/۲/۱۲)، صص ۵-۱، ضمیمه.

بیمباران شیمیایی، حلبجہ؛ تکرار فاجعہ ہیروشیما

- سال دوازدھم □ شماره چهل و چھارم □ بهار ۱۳۹۲



لشکر ۱۷ علی ابن ابی طالب (ع) در عملیات بدر

نادر زارعزاده*

چکیده		

مهم‌ترین ویژگی عملیات بدر، توانایی و جسارت رزمندگان اسلام در بهره‌گیری از تدابیر و راهکارهای جدید برای درهم‌شکستن خطوط دفاعی دشمن در خط و عمق بود و این ویژگی در طراحی و اجرای مأموریت واگذار شده به لشکر ۱۷ علی‌ابن‌ابی‌طالب (ع) به وضوح دیده می‌شود. نوشته حاضر برگرفته از روایت لحظه به لحظه عملیات لشکر توسط راوی، شهید حسین الله‌داد است که در آن به مقاومت رزمندگان لشکر و عملکرد یگان‌ها در مقابل پاتک‌های پی‌درپی و سنگین دشمن، برجسته‌تر پرداخته شده است. کلیدواژگان: جنگ - لشکر ۱۷ - عملیات بدر - هورالهیوز - تیپ قمر بنی‌هاشم

مقدمه

منطقه مورد نظر به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم شد. محور شمالی به قرارگاه نجف و محور جنوبی به قرارگاه کربلا واگذار شد و قرارگاه نوح نیز مأموریت شکافتن کانال سوئیب و انداختن آب به سمت بصره را بر عهده داشت. در مجموع چهار لشکر و یک تیپ از ارتش و نه لشکر و نه تیپ از سپاه در عملیات شرکت داشتند.^(۱) عملیات در ساعت ۲۳ روز ۱۹ اسفند ۱۳۶۳ با رمز یا فاطمه الزهراء (س) آغاز شد. در محور قرارگاه کربلا در همان ساعات اولیه مهم‌ترین

عملیات بدر با هدف قطع جاده بصره-العماره و تهدید بصره از شمال طراحی شد. منطقه عملیاتی با وسعت بیش از ۸۰۰ کیلومتر مربع در شرق رودخانه دجله با نام هورالهیوز و حد فاصل بین قلعه صالح و القرنه قرار داشت.^(۲) عملیات بدر از دو محور عمده در حد فاصل العزیر تا القرنه طراحی شد و در کنار آن یک تلاش کمکی از سمت شمال و دو حرکت فریب در شلمچه و غرب اروند (جنوب) و گیسکه در غرب کشور در نظر گرفته شد.^(۳) در طراحی این عملیات

* مدیر گروه جغرافیای نظامی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

مهیا سازد. همچنین مسئولیت پدافند از پد ۷ و قسمتی از پد ۸ واقع در ضلع غربی جزیره مجنون شمالی به این لشکر واگذار شد. به تدریج نیروهای پشتیبانی و خدمات رزم وارد منطقه شده و در محدوده واگذاری مستقر گردیدند. این نیروها ضمن انجام فعالیت‌های ویژه خود برای آماده‌سازی منطقه عملیاتی، پدافند از مواضع استقرار را هم به صورت پاسگاهی اجرا می‌کردند.^(۷) در تابستان ۱۳۶۳ به اطلاعات لشکر ابلاغ شد تعدادی از عناصر خود را به قرارگاه اطلاعاتی نصرت که تحت امر قرارگاه کربلا بود اعزام نماید. متعاقب این دستور ۴ نفر از نیروهای اطلاعاتی لشکر به منطقه تبور واقع در ساحل شرقی هورالهوریزه عزیمت کردند. پس از گذراندن دوره آموزشی یک ماهه، نیروها بلافاصله به جزیره شمالی اعزام و مأموریت شناسایی آبراه‌های منطقه غربی هورالهوریزه را با نظارت مسئولین قرارگاه نصرت آغاز نمودند. پس از مشخص شدن خط حد لشکر ۱۷، به لشکر برگشته و ۶۰ نفر از نیروهای اطلاعات عملیات را برای شناسایی برگزیدند آنان ابتدا به چند دسته کوچک تقسیم و سازمان‌دهی شدند. سپس کار شناسایی آبراه‌های اصلی و فرعی منطقه را با استفاده از بلم آغاز نمودند. فاز اول شناسایی تا فاصله ۴۰۰ الی ۵۰۰ متری خطوط اول دشمن طی چندین روز و ساعت‌ها تلاش تقریباً بدون بروز حوادث ناگواری انجام شد. در فاز دوم، شناسایی کاملی از آبراه‌های مختار، جمل، علق و طور که به عنوان سه پل و راه‌کارهای مهم تلقی می‌شدند، صورت گرفت. در مجموع واحد اطلاعات لشکر در این منطقه حدود ۶۰ نوبت به شناسایی مواضع و استعداد دشمن در آبراه‌های منطقه پرداخت و کار شناسایی را با موفقیت به پایان رساند.^(۸)

سازمان‌دهی واحدها و گردان‌ها

یگان‌های پیاده سپاه از جمله لشکر ۱۷ علی‌ابن‌ابی‌طالب^(ع) متناسب با هر نوع مأموریتی که

مسئله یعنی شکستن خط که موجب نگرانی بود، به وقوع پیوست. فقط نیروهای تیپ قمر بنی‌هاشم که مسیر را گم کرده بودند، نتوانستند در ساعت اول خط را بشکنند که در ساعت ۵۰ دقیقه نیمه شب خبر داده شد تیپ قمر بنی‌هاشم نیز خط را شکسته است. با شکسته شدن خط اول یگان‌ها خیلی سریع به سوی خط دوم پیشروی و آن را تصرف کردند.^(۴) به طور کلی عملیات بدر پس از هشت روز جنگ و مقاومت با آزادسازی روستا و پاسگاه ترابه و کوک و نهروان و فجیره و نیز تصرف بیش از ۸۰۰ کیلومتر مربع از اراضی هور و تصرف جاده خندق به طول ۱۳ کیلومتر و تثبیت موقعیت در ۶ کیلومتری جاده عماره-بصره به پایان رسید.^(۵) لشکر ۱۷ علی‌ابن‌ابی‌طالب^(ع) با ۸ گردان و ۲ گروهان مستقل در قالب ۳ تیپ تحت امر قرارگاه کربلا با هدف شکستن خط دشمن در ۴ کیلومتر محدوده خط فجر* و تأمین جناح شمالی قرارگاه کربلا با هماهنگی قرارگاه نجف و تثبیت دشمن در محدوده واگذاری در عملیات شرکت کرد.^(۶)

دریافت مأموریت و شناسایی منطقه

لشکر ۱۷ علی‌ابن‌ابی‌طالب^(ع) پس از شهادت سردار رشید اسلام، مهدی زین‌الدین، در آبان ۱۳۶۳ و منتفی شدن مأموریت لشکر در شمال غرب کشور به عنوان یکی از یگان‌های قرارگاه کربلا به منطقه خوزستان منتقل شد تا خود را برای عملیات آینده

* خط فجر را با استفاده از سیل‌بند شرقی رودخانه دجله تعیین کرده بودند که به شکل یک خط سراسری به کلیه یگان‌های تحت امر قرارگاه کربلا و نجف از القرنه در جنوب تا الغدیر از شمال امتداد داشت.

شکستن خط در عملیات بدر در مدت کوتاه و با تلفات کم به قدری سریع بود که صبح روز بعد جانشین قرارگاه کربلا برادر پاسدار عزیز جعفری در کنار رود دجله خطاب به فرمانده لشکر ۱۷ غلامرضا جعفری گفت: چه کسی فکر می‌کرد خط این طور شکسته شود. خدا می‌خواهد که ما پیروز شویم.

دستگاه موتورسیکلت تریل ۱۲۵ با خورجین‌های آهنی وظیفه تأمین نیازهای ضروری نیروهای عملیاتی را بر عهده داشتند.^(۹)

سازمان رزم یگان^(۱۰) آموزش

متعاقب دستور فرماندهی لشکر مبنی بر آمادگی هر چه بیشتر برای عملیات، واحد آموزش نظامی کار برنامه‌ریزی شده را پیرامون آموزش نیروها به اجرا گذاشت که در جدول پیوست به عنوان آن پرداخته شده است. علاوه بر این مهم‌ترین مأموریت این واحد، اجرای برنامه آموزشی برای گردان ویژه حضرت رسول^(ص) بود که مأموریت مهم خطشکنی لشکر را بر عهده داشت. نیروهای این گردان پس از گذراندن ۲ ماه آموزش‌های سنگین و طاقت‌فرسا در نقاط مختلف و تمرین‌های مداوم در حضور فرماندهان، آمادگی لازم را برای اجرای عملیات کسب نمودند. با نزدیک شدن عملیات و انتقال نیروها به منطقه عملیاتی، ضرورت مانور آموزشی از نظر فرماندهی بسیار با اهمیت بود. لذا در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۶۳ در حضور فرمانده لشکر و در روز ۱۹ اسفند ۱۳۶۳ در حضور جانشین فرمانده قرارگاه کربلا برادر عزیز جعفری مانور به نمایش در آمد. در این مانور از هر ۳ گروهان خطشکن (شهید رجایی، شهید باهنر، شهید بهشتی) یک دسته سوار شناور در حالی که پیشاپیش آن‌ها نیروهای نفوذی و غواص در آب شنا می‌کردند، آهسته آهسته خود را به مواضع فرضی دشمن نزدیک می‌کردند. آنان مطابق اصول و فنون آموخته، با بریدن سیم‌های خاردار و عبور از موانع مصنوعی خود را به زیر سیل‌بند رسانده و در یک تهاجم غافل‌گیرانه، سنگرهای فرضی دشمن را ساقط و نفرات آن را معدوم یا به اسارت در می‌آوردند. پس از پایان مانور در حالیکه فرماندهی لشکر رضایت خود را اعلان نمود، تذکرات لازم را به مسئولین گردان‌ها و گروهان‌ها گوشزد نمودند.^(۱۱)

به آنها واگذار می‌شد، اقدام به سازماندهی نیروهای تحت امر می‌نمودند. وجود انعطاف در امر سازماندهی و ابتکار و خلاقیت فرماندهان و مسئولین لشکر، زمینه‌هایی را فراهم می‌کرد تا یگان را برای قبول و اجرای مأموریت‌های خطیر آماده نماید. یکی از مهم‌ترین نکات در امر سازمان‌دهی مسئله جایگزینی است. چرا که در هر عملیاتی خواه ناخواه تلفات و ضایعاتی به یگان وارد می‌شد که عملیات بعدی باید جایگزین و جبران می‌شد. برای رفع این مشکل در سال‌های گذشته دو کادری گردان‌های رزمی و گاهی جا به جایی مسئولان بین واحدهای لشکر و سپاه منطقه یک و نواحی پشتیبانی کننده در دستور کار قرار گرفته بود. لشکر ۱۷ در عملیات خیبر بیش از ۱۰ نفر از بهترین و مجرب‌ترین فرماندهان خود را، از جانشین لشکر گرفته تا فرماندهان گردان و مسئولان واحد را از دست داده بود. علاوه بر این در اواخر آبان ۱۳۶۳ فرمانده شجاع و شایسته خود، مهدی زین‌الدین را نیز تقدیم انقلاب اسلامی کرده بود. این ضایعات برای لشکر سنگین بود و مضاف بر این جدا شدن نیروهای استان زنجان و بخشی از نیروهای قزوین موجب کاهش توان رزم لشکر شد. با تمام این مشکلات، مسئولان لشکر در امر سازماندهی دست به ابتکارات ویژه‌ای زدند که عبارتند از:

الف) سازمان‌دهی گردان مستقل حضرت رسول^(ص): این گردان با سازمان مستقل و آموزش‌دیده تحت هدایت و کنترل مستقیم فرمانده لشکر برای شکستن خط دشمن ایجاد شد.

ب) سازمان‌دهی گردان دریایی: یگان دریایی لشکر در خرداد ماه ۶۳ با ۳۰ نفر کادر تشکیل و با ۸۲۰ نفر پاسدار و ۳۰ نفر بسیجی و تعدادی پاسدار وظیفه، مأموریت نقل و انتقالات لشکر را در عملیات بر عهده داشتند.

گروهان ویژه موتورسوار ذوالجناح: در عملیات بدر برای اولین بار گروه موتورسوار تشکیل و با ۱۰

نوع آموزش	مکان	مدت	عوامل شرکت کننده
قایقرانی-بلمرانی-شنا	اطراف شادگان	۲ ماه	گردان‌های عمل کننده
شنا-غواصی	تبریز-مشهد-قزوین	۲ ماه	گردان‌های عمل کننده
ادوات	انرژی اتمی	-	گردان‌های پیاده
سلاح-تخریب-قایقرانی-امداد بهداشت-مخابرات	سد دز	۱ ماه	گردان‌های پیاده
ش.م.ر-نقشه خوانی-قطب نما	اندیمشک پایگاه بدر	۲ ماه	گردان‌های پیاده
اجرای میدان تیر و رزمایش آبی-خاکی	سد دز اندیمشک انرژی اتمی	در طول آموزش	گردان‌های پیاده
توپخانه	طلایه	۴۵ روز	واحدهای تخصصی
دیدهبانی و هدایت آتش و قبضه	طلایه	۴۵ روز	واحدهای تخصصی
ادوات	جاده آبادان-اهواز	۴۵ روز	نیروهای ادوات
پدافند	انرژی اتمی-پادگان شهید صدوقی	۴۵ روز	عوامل پدافند
احداث خاکریز-پل سازی- سنگر سازی	-	۷۵ روز	گردان مهندسی
غواصی ویژه	انزلی	۴۵ روز	۳۰ نفر یگان غواصی
تخریب	اندیمشک	۲ ماه	۲۷ نفر یگان تخریب
سکنداری ویژه	سد دز	۲ ماه	۲۰۰ نفر عوامل یگان دریایی
تعمیر موتور قایق و نگهداری	پادگان سفینه النجاة ق نوح	۲ ماه	واحد پشتیبانی

آماده سازی منطقه تجمع و استقرار واحدها و گردان‌ها در مواضع آماده شده

مسئولین لشکر تدابیری را برای آماده سازی منطقه تجمع اتخاذ کردند که از سوی مهندسی لشکر به اجرا در آمد. واحد مهندسی رزمی لشکر، برای آماده سازی منطقه تجمع، دست به دو اقدام متفاوت زد. یک اقدام در خشکی بود که با نصب تعدادی سنگر سوله ای بر روی پد هشت جزیره شمالی و احداث تأسیسات، خاکریز، جاده، سنگر و سوله های تدارکاتی و اجتماعی در منطقه مرکزی جزیره شمالی، امکان استقرار حمام، آشپزخانه، بنه تدارکاتی، اورژانس و بهداری و واحدهای مختلف را فراهم نمود. اقدام دیگر مهندسی احداث ۳ کیلومتر پل شناور بر روی هور بود که با اتصال قطعاتی به طول ۲/۵ و عرض ۱ متر به یکدیگر صورت پذیرفت.

این پل عمود بر پد هشت و در آبراه خیبر و غدیر احداث گردید و نام مبارک علی ابن ابی طالب^(ع) بر روی آن نهاده شد. همچنین در امتداد پل، تعدادی پد فرعی منشعب شد که از وصل کردن قطعات به یکدیگر ایجاد می شد. هدف از احداث این پل، علاوه بر ایجاد منطقه تجمع خارج از دید دشمن برای استقرار یگان های رزم و رها شدن نیروهای خط شکن، کم کردن فاصله نیروهای عمل کننده به مواضع دشمن در ساحل غربی هور بود. زیرا پیمودن فاصله ۱۳ کیلومتری بر روی آب، توان نیروها را تقلیل داده و زمان بیشتری را می طلبید. پس از آماده سازی منطقه تجمع و نزدیک شدن زمان عملیات، واحد تدارکات به منظور تسهیل در امر پشتیبانی سریع نیروها با احداث بنه های تدارکاتی در جزیره شمالی و بنه های شناور در آبراه ها نسبت به

و با توجه به استعداد رزمی و پشتیبانی و گزارش‌های تیم‌های شناسایی فرمانده لشکر با هم‌فکری مسئولین اطلاعات طرح و عملیات ستاد فرماندهان محورها و گردان‌ها طرح مانوری را با عنوان طرح عملیاتی ذوالفقار طراحی و برنامه‌ریزی کردند. در این طرح که به شماره ۱۰۲۴-ط ۱۷ مورخ ۱۷ اسفند ۱۳۶۳ به رده‌های تحت امر ابلاغ شد، مأموریت لشکر به سه بخش تقسیم می‌شد:

در بخش اول مأموریت شکستن خط به گردان حضرت رسول^(ص) واگذار شد که مستقیماً با هدایت و کنترل فرماندهی لشکر عمل می‌کرد و مقرر شد طبق برنامه زمان‌بندی شده گروهان‌های این گردان (شهید رجایی، شهید بهشتی و شهید باهنر) ساعت ۱۵:۳۰ روز ۱۹ اسفند ۱۳۶۳ به ترتیب از خط تماس آبراه‌های جمل^۳، مختار و طور رها شده و ضمن عبور از موانع و رخنه در مواضع دشمن درگیری را شروع و با تصرف سنگرهای خط اول راه را برای عبور آسان گردان‌های موج دوم و استقرار آنان بر روی سیل‌بند مهیا سازد.

در بخش دوم مأموریت، پاکسازی سیل‌بند اول و پیش‌روی به سوی سیل‌بند دوم و پاکسازی آن از عناصر دشمن به تیپ یکم واگذار شد. این تیپ مأموریت داشت تا با به کارگیری گردان‌های سیدالشهداء^(ع)، روح‌الله و امام رضا^(ع) با عبور از آبراه‌های نینوا یا مختار و جمل^۲ و طور با استفاده از سر پل به دست آمده، ضمن پاکسازی سنگرهای دشمن در محدوده‌ای به وسعت ۴ کیلومتر بر روی سیل‌بند دوم گسترش یافته و در ادامه با گردش به راست بر روی سیل‌بند و جاده النهر (خط ذوالفقار) پدافند نمایند.

بخش سوم مأموریت شامل پاکسازی و پیش‌روی به سوی دجله (تأمین خط فجر) می‌شد که به تیپ دوم واگذار شد. این تیپ با به کارگیری گردان‌های علی‌ابن‌ابی‌طالب^(ع) و کربلا و موسی‌ابن‌جعفر^(ع) تلاش می‌کرد تا ضمن پاکسازی مواضع متفرقه با عبور از جاده و کانال خود را به ساحل دجله رسانده و خط پدافندی

ذخیره‌سازی مهمات و آذوقه به مقدار کافی اقدام نمود. بخشی از یگان دریایی در آماده‌سازی منطقه تجمع به خصوص نصب پل به کمک برادران مهندسی شتافتند. واحد بهداری لشکر نیز تمامی استعداد خود شامل گروه بهداشت، پشتیبانی، گروهان ش.م.ر، گروهان ویژه امداد و انتقال را به مرکز تجمع منتقل نمود و با احداث اورژانس و تعدادی پست امداد در نقاط مختلف منطقه عملیاتی آماده‌ی مداوا و امدادسانی به نیروهای لشکر در عملیات شد. گردان پدافند هوایی نیز با اعزام و استقرار آتشبارهای خود، پوشش هوایی منطقه تجمع و منطقه عملیاتی لشکر را به عهده گرفت. واحد توپ‌خانه تعدادی از قبضه‌های خود را از منطقه طلایه به منطقه عملیاتی بدر منتقل کرد و به همراه دیگر قبضه‌هایی که از قبل در جزیره شمالی داشت، آماده‌ی پشتیبانی از نیروهای عمل‌کننده در عملیات شد. گردان ادوات هم با استقرار ۲ قبضه مینی کاتیوشا بر روی پل‌های شناور و ۵ قبضه تیربارهای سنگین دوشکا بر روی قایق‌های عساکره در منطقه عملیاتی استقرار یافت تا رزمندگان لشکر را از نزدیک پشتیبانی نماید.^(۱۲)

طرح‌ریزی عملیات

در روزهای آغازین اسفند ۱۳۶۳ مأموریت لشکر در قالب طرح عملیاتی حیدر قرارگاه کربلا به شماره ۳۰۰۱/۱۳/۳۰/۳۱ مورخ ۳ اسفند ۱۳۶۳ در سه مرحله به صورت کتبی ابلاغ گردید:

مرحله ۱: پس از اجرای عملیات نفوذی، تک نموده، خط فجر را در منطقه محوله تأمین نمایید، جناح شمالی قرارگاه کربلا را حفاظت نمایید و با قرارگاه نجف هماهنگی به عمل آورید.

مرحله ۲: بنا به دستور، تک را برای تأمین خط سبز* در منطقه محوله ادامه دهید.

مرحله ۳: به تثبیت دشمن ادامه دهید. به دنبال مشخص شدن خط حد لشکر از رده بالاتر

* خط سبز را با استفاده از سیل بند شرقی هورالعظیم در غرب رودخانه دجله تعیین کرده بودند.

و تلاش خستگی‌ناپذیر کار آماده نمودن گردان‌ها و واحدها را تعقیب و پیگیری می‌نمود. سرانجام با نزدیک شدن روز عملیات دستور انتقال نیروها را از عقبه (دارخوین) به محور عملیاتی صادر کرد.

فرماندهان گردان‌ها به دنبال وصول پیام، یک یک آماده اعزام به منطقه شدند. در فاز اول گردان حضرت رسول الله(ص) در ساعت ۱۲ نیمه شب ۱۶ اسفند ۱۳۶۳ با اتوبوس از دارخوین حرکت کرد و پس از ۵ ساعت در پد شماره ۸ جزیره شمالی استقرار یافت. سپس با استفاده از تاریکی سحرگاهی به سرعت به روی پل‌های شناور که توسط واحد مهندسی از قبل در آبراه‌های هور احداث شده بود منتقل شدند.

سه روز بعد در تاریخ ۱۹ اسفند ۱۳۶۳ سه گردان محور دوم در مرحله اول در وضعیت مشابه وارد منطقه شدند. درحالی‌که دو گردان امام موسی‌ابن‌جعفر^(ع) و کربلا در روز روشن وارد منطقه عملیاتی شدند. با پایان یافتن کار نقل و انتقال گردان‌ها، برادر جعفری ضمن فراخوانی همه‌ی مسئولین گردان‌ها و واحدها و کسب آخرین وضعیت آن‌ها زمان عملیات را ۲۰ اسفند ۱۳۶۳ ابلاغ کرد.^(۱۵)

در آستانه عملیات

تشکیل دهند (تأمین خط فجر) و در فاز بعد چنان‌چه شرایط مساعد بود گردان کربلا بنا به دستور از رودخانه عبور کرده و در آن سوی دجله موضع پدافندی اتخاذ نماید.^(۱۳)

توجیه مسئولین

با ابلاغ طرح عملیاتی ذوالفقار، فرمانده لشکر بر آن شد تا در فرصت باقیمانده (۱۵ اسفند ۱۳۶۳ تا ۱۹ اسفند ۱۳۶۳) فرماندهان و مسئولین واحدها و گردان‌ها را نسبت به جزئیات طرح توجیه نماید. این جلسات با تمام مسئولین واحدها و محورها و گردان‌ها برگزار و مأموریت‌ها یک‌بار دیگر مرور شد.

آخرین جلسه در روز ۱۹ اسفند ۱۳۶۳ قبل از حرکت نیروها برگزار شد و در آن آخرین هماهنگی‌ها برای زمان‌بندی حرکت گردان خط‌شکن و گردان‌های موج دوم صورت گرفت و افراد حاضر در جلسه پس از انجام آخرین هماهنگی و دریافت دستورات لازم به همراه نیروهای تحت امر خود آماده حرکت به سمت مواضع دشمن برای شروع عملیات شدند.^(۱۴)

انتقال نیروها و ابلاغ زمان عملیات

فرماندهی لشکر که در تلاطم آمادگی یگان، لحظه‌ای آرام و قرار نداشت، با سرکشی‌های مداوم



از چپ غلامرضا جعفری، عزیز جعفری، نصرت‌الله کاشانی، میرجانی، شهیدعابدی، شهیدروحانی؛ در عملیات بدر؛ اسفند ۱۳۶۳

یک فروند و برای فرماندهی گردان‌ها دو فروند، جمعاً ۲۳ فروند قایق برای عبور گردان‌ها از منتهی الیه جزیره مجنون شمالی در هورالهویزه (پل علی ابن ابی طالب^(ع)) تا سیل‌بند غربی هور (خط اول دشمن) در نظر گرفته شده بود. وقتی که گردان‌های موج اول آماده حرکت شدند عناصری از دیده‌بانان توپخانه برای درخواست آتش پشتیبانی و اطلاعات برای هدایت گردان‌ها تا مواضع دشمن و تخریب برای باز کردن معبر و پاکسازی موانع به آنها ملحق شدند. با فرمان فرماندهی، گردان‌ها بر مبنای طرح عملیاتی قایق‌ها به حرکت درآمدند. فاصله بین خط تماس خودی و دشمن حدود ۱۰ کیلومتر بود. پوشش گیاهی این فاصله در ابتدا نیزار و سپس بردی و بعد چولان بود و هر چه به منطقه دشمن نزدیک می‌گردید از این پوشش‌ها کاسته می‌شد، به طوری که در آب‌های ساحلی دشمن هیچ اثری از پوشش گیاهی نبود. در خط حد هر لشکری آبراه‌هایی برای عبور و مرور در نظر گرفته شده و برای هر آبراهی اسمی انتخاب کرده بودند. ابتدا گردان‌های روح الله و سیدالشهدا^(ع) و گروهان یکم گردان امام رضا^(ع) به حرکت درآمدند. به دنبال آن‌ها گردان‌های موسی ابن جعفر^(ع) و کربلا نیز به راه افتادند. این گردان‌ها در فاصله زمانی ۱۷:۳۰ تا ۱۸:۳۰ در کنار نیزارهای آبراه جمل و غدیر اقدام به انجام فریضه نماز و صرف شام نمودند. فرمانده لشکر برای نظارت بهتر بر نحوه حرکت نیروها و نیز کنترل و هدایت عملیات به همراه مسئولین اطلاعات و عملیات، دو نفر پیک و دو نفر بیسیم‌چی سوار بر یک قایق موتوری ریچندر شده و پس از گذر از آبراه غدیر وارد آبراه جمل شده و در کنار یک سنگر شناور پهلوی گرفتند. گردان‌های مستقر در کنار نیزارها با دستور فرماندهی لشکر و با خاموش کردن موتور قایق‌ها پاروزنان به حرکت خود ادامه داده و در ساعت ۱۹:۳۰ به نقطه‌رهایی در فاصله ۲ کیلومتری خط اول دشمن رسیدند. غواصان و نیروهای گروهان خط‌شکن با کمک غواصان اطلاعات و خط‌شکن‌ها در حال گذراندن موانع

ساعت ۹:۲۰ صبح اوضاع منطقه همانند روزهای قبل آرام ولی بی‌قرار به نظر می‌رسد. در شرایطی که در منطقه خودی یگان‌های رزمی در پوشش نیزارها بر روی پل‌های شناور مشغول آماده‌سازی خود می‌باشند، مسئولین واحدها و گردان‌ها در حال برآورد آخرین نیازها و رفع مشکلات و کمبودها هستند. از جبهه دشمن یک فروند بالگرد کمی بالاتر از آبراه انفاق به پرواز درآمده و مشغول شناسایی آبراه هجرت است و نیروهای پدافند طبق روال معمول به سوی او شلیک می‌کنند. آتش توپخانه دشمن نسبت به روز قبل کاهش محسوسی داشته است. به نحوی که منطقه را سکوتی سؤال برانگیز در بر گرفته بود.

ساعاتی بعد حوالی ظهر، هواپیماهای جنگی دشمن سکوت را در هم شکستند و جاده‌های منتهی به جزیره و اطراف بنه‌های تدارکاتی را بمباران کردند. لیکن این سلسله اقدامات در اندیشه فرماندهان عادی تلقی شده و آن‌ها را ناشی از حساسیت و یا احتمال هوشیاری دشمن نمی‌پنداشتند.

بعد از ظهر روز دوشنبه نوزدهم اسفند ۱۳۶۳ فرماندهان گردان خط‌شکن حضرت رسول^(ص) دستور حرکت به طرف مواضع دشمن را دریافت کردند. سفارش اکید برادر محسن رضایی فرمانده وقت کل سپاه این بود که فرماندهان موظفند به هنگام حرکت نیروهای خط‌شکن، سوره مبارکه فتح را قرائت کرده و آنها را از زیر قرآن رد کنند که این عمل توسط جانشین فرماندهی لشکر انجام می‌گرفت. این نیروها با سرعت و ذوق و شوق خاصی سوار بر بلم‌ها شده و رأس ساعت ۱۵:۳۰ حرکت خود را به سمت مواضع دشمن آغاز کردند. پس از عزیمت گردان خط‌شکن، گردان‌های روح‌الله و سیدالشهدا^(ع) و گروهان یکم گردان امام رضا^(ع) از محور یکم و گردان‌های موسی ابن جعفر^(ع) و کربلا از محور دوم طبق برنامه زمان‌بندی و با همان حال و هوای گردان قبلی سوار بر قایق‌ها شدند. برای هر دسته دو فروند قایق، برای فرماندهی هر گروهان

جنوبی آبراه را بر عهده داشت به شهادت رسید. فرمانده گروهان هم مجروح شد و تعدادی از نیروهایش هم به شهادت رسیده یا زخمی شدند. با پیدایی این وضعیت سازمان گروهان از هم پاشید و خط دشمن در مقابل آبراه مختار شکسته نشد. با این حال فرمانده لشکر به کریمی دستور داد که به هر طریق ممکن نیروهایت را جمع‌آوری کرده و از طریق آبراه‌های دیگر به کمک گروهان‌های اول و دوم بفرست. خودت هم با مراقبت کامل به عقب بیا. در این حال گروهان‌های اول و دوم خود را به خشکی رسانده و سنگرهای اجتماعی و تیربارهای دشمن را منهدم کردند. حدود نیم ساعت طول کشید تا خط دشمن شکسته و سنگرهای اجتماعی و تیربارهای دشمن بر روی سیل‌بند اول منهدم شود. وقتی نیروهای خط‌شکن سقوط مواضع دشمن را به فرماندهی اعلام کردند ابتدا فرماندهی لشکر، غلامرضا جعفری، تردید داشت که نیروها با این سرعت خط را شکسته و مواضع مربوط

و نزدیک شدن به خط اول دشمن بودند که فرمانده لشکر در ساعت ۲۲ برای اولین بار توسط بیسیم با فرمانده گردان تماس گرفت و وضعیت گروهان یکم را جویا شد. فرمانده گروهان برادر میرقیصری در حالی که فاصله زیادی با سنگرهای خط اول دشمن نداشت به آرامی وضعیت خودش و نیروهایش را رضایت‌بخش توصیف کرد. پس از این تماس فرمانده لشکر غلامرضا جعفری از طریق تماس بیسیمی آمادگی سایر گردان‌ها را نیز خواستار شد. در همین حال ناگهان اوضاع منطقه دگرگون شد و آرامش و سکوت شبانه جای خود را به شلیک ناگهانی و یکپارچه تیربارهای دشمن داد و فضای تاریک منطقه به واسطه منوره‌های شلیک شده از سوی دشمن روشن شد. دشمن متوجه تحرکاتی در ورودی یکی از آبراه‌ها شده بود. حدود ۲۰ دقیقه این آتشباری ادامه یافت. با فروکش کردن آتش معلوم شد که دشمن افرادی از نیروهای ما را دیده و تصور کرده که نیروهای گشتی شناسایی هستند. آن‌گاه با زیر آتش گرفتن منطقه مطمئن شد که آن‌ها را کشته یا فراری داده است. با برطرف شدن این مشکل نیروها به آرامی به پیشروی خود ادامه داده و خود را به سیل‌بند اول که سنگرهای دشمن بر روی آن قرار داشت چسبانند. با اعلام رمز عملیات و شروع درگیری در حدود ساعت ۲۳ گروهان‌های اول و دوم خط‌شکن وارد عمل شدند. بلم‌ها را پشت سیم خاردارها رها کرده و داخل آب پریدند و با اتکا به خداوند متعال و به لحاظ اینکه آماده شهادت بودند هرچه در توان داشتند به کار گرفتند و با شنا کردن و حرکت به سمت مواضع دشمن ضمن عبور از موانع با استفاده از تمام سلاح‌های موجود اعم از تیربار، آرپی‌جی و کلاشینکف به سمت دشمن تیراندازی می‌کردند.

اما گروهان سوم به دلیل پوشش آبراه مختار که با فاصله زیادی از دشمن تمام می‌شد در دید و تیر دشمن قرار گرفته و با آتشباری دشمن در همان لحظات اولیه برادر غلامحسین عسگری که هدایت نیروها در سمت

سفارش اکید برادر محسن رضایی فرمانده کل سپاه این بود که فرماندهان موظفند به هنگام حرکت نیروهای خط‌شکن، سوره مبارکه فتح را قرائت کرده و آنها را از زیر قرآن رد کنند که این عمل توسط جانشین لشکر انجام گرفت.

به خودشان را تصرف کرده باشند. با اعلام مشخصات زمین منطقه فرمانده لشکر مطمئن شد که رزمندگان به اهداف خود دست یافته و قسمت‌هایی از خط اول دشمن سقوط کرده است. موضوع شکستن خط در این عملیات به قدری مهم بود که توجه فرماندهان لشکرها و حتی قرارگاه‌ها را تا حد زیادی به خود معطوف کرده بود. اهمیت شکستن خط در عملیات بدر در مدت کوتاه و با تلفات کم به قدری زیاد بود که صبح روز بعد جانشین قرارگاه کربلا برادر پاسدار عزیز جعفری در کنار رود دجله خطاب به فرمانده لشکر ۱۷ غلامرضا جعفری گفت: چه کسی فکر می‌کرد خط این‌طور شکسته شود. خدا می‌خواهد که ما پیروز شویم.^(۱۶)



— جمعی از نیروهای لشکر ۱۷ علی ابن ابی طالب^(ع) در منطقه عملیاتی؛ عملیات بدر؛ اسفند ۱۳۶۳

پاکسازی گسترش و الحاق با یگان‌های همجوار

با گذشت ۴۰ دقیقه از درگیری‌ها، فرمانده لشکر غلامرضا جعفری به فرمانده محور یکم عبدالله عراقی دستور داد به سرعت گردان روح‌الله به فرماندهی مرتضی آهنگران برای پاکسازی خط اول دشمن به سمت اهداف از پیش تعیین شده پیشروی نماید. در همین حین فرمانده گردان حضرت رسول^(ص) سید محمد میرقیصری با فرمانده لشکر تماس گرفت و اظهار داشت لشکر همجوار ما با مشکل مواجه شده و موفق به الحاق به ما نشده است. فرمانده لشکر که می‌دانست تسامح در رفع مشکل وضع را بحرانی‌تر خواهد کرد فوراً به فرمانده گردان سیدالشهداء^(ع) مصطفی کلهری دستور داد تا به کمک گردان‌های حضرت رسول^(ص) و روح‌الله بشتابد. سپس طی تماس با فرمانده گردان امام رضا^(ع) به فرماندهی احمد الله‌یاری از وی خواست تا مطابق طرح مانور به سوی سیل‌بند دشمن حرکت کرده و ضمن پاکسازی سنگرهای دشمن مبادرت به پیشروی تا جاده اول نموده و در آن‌جا خط پدافندی مطمئنی تشکیل دهد.

ساعت حدود ۱۲ شب یکی از گروهان‌های گردان روح‌الله به قسمت شرقی پد دشمن بر روی سیل‌بند

اول رسیدند. نیروهای گروهان دوم به فرماندهی برادر فتح‌الله ذاکری گرفتار کمین جمل ۲ و گشتی‌های دشمن که هوشیار شده بودند شده و قایق‌هایشان مورد اصابت گلوله‌های دشمن قرار گرفت به طوری که سازمان گروهان از هم پاشید. عده‌ای از نیروها شهید و مجروح شده و تعدادی هم بر روی آب سرگردان مانده و روز بعد به سیل‌بند دشمن رسیدند.

نیروها به پیشروی بر روی جاده آسفالت دشمن که به خط اول منتهی می‌شد، ادامه داده و با مختصر درگیری از طریق این جاده به یک پارک موتوری نیروهای عراقی رسیده و مشغول انهدام خودروهای مستقر در آن شدند.

هم‌زمان با شکسته شدن خط توسط نیروهای گردان حضرت رسول^(ص)، رزمندگان گروهان یکم از گردان امام رضا^(ع) از طریق آبراه طور در منتهی الیه سمت چپ خط حد لشکر وارد عمل شده و بر روی سیل بند اول با عناصر باقیمانده دشمن درگیر شدند. این نیروها موفق گردیدند ضمن پاکسازی سیل بند اول، با تیپ ۴۴ قمربنی‌هاشم^(ع) که در جناح چپ لشکر وارد عمل شده بود الحاق نمایند. پس از گسترش گردان‌های روح‌الله و سیدالشهداء^(ع) و امام رضا^(ع) بر روی سیل بند دشمن

مهدوی نژاد وارد عمل شدند تا عملیات در عمق را با هدف رسیدن به رود دجله و تشکیل خط پدافندی فجر ادامه دهند.^(۱۸)

روز اول (۲۰ ادریبهشت ۱۳۶۳)

صبح روز اول عملیات حجه الاسلام بشر دوست فرمانده قرارگاه کربلا در تماسی با فرمانده لشکر ۱۷ برادر غلامرضا جعفری بر ادامه پیشروی هر چه سریع تر نیروها به سمت اهداف از پیش تعیین شده تأکید کرد. فرمانده لشکر نیز بلافاصله در ساعت ۰۶:۰۵ بامداد طی تماسی با فرمانده محور دوم، برادر محمود اخلاقی دستور داد با اعزام سریع گردان های موسی بن جعفر^(۱۹) و کربلا و گسترش آنها در منطقه، زمینه الحاق با تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم^(۲۰) را فراهم سازد و تأکید می کند که تماس بعدی شما باید ساعت ۸ صبح از روستای النهیر در کنار رود دجله باشد. فرمانده گردان موسی بن جعفر^(۲۱) می گوید: «فرمانده لشکر ضمن دستور به مسئول محور دوم، مجدداً با من و فرمانده گردان کربلا تماس گرفت و از ما خواست که حرکت در عمق را برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده ادامه دهیم. به ایشان گفتم نیروهایم شهید و مجروح و پراکنده شده اند. وی تأکید کرد هر طور شده باید خود را به سیل بند لب دجله برسانید. لذا نیروهای خود را جمع آوری و مجدداً سازماندهی کردم. یکی از گروهان ها را به فرماندهی علی رضایی جلو فرستاده و به دو گروهان دیگر دستور دادم تا با آتش خود آنها را پشتیبانی نمایند. علی رضایی نیز در مانور گروهانی که برای نیروهایش طراحی کرده بود دو دسته را برای پیشروی به سوی دجله در نظر گرفت و یکی از دسته هایش را مأمور کرد تا به مقر عراقی هایی که بر سر نیروها آتش می ریختند حمله برده و ضمن انهدام آنها به سمت دجله حرکت کند. هنگامی که این نیروها به مقر عراقی ها حمله کردند تعدادی از نیروهای گردان سیدالشهدا^(۲۲) که از آتشباری نیروهای عراقی به خشم آمده بودند به طور خود جوش به این مقر حمله کرده و به اتفاق این دسته عراقی ها

و پاکسازی آن، فرماندهی لشکر برادر غلامرضا جعفری متوجه شد که نیروهای گردان روح الله به دلیل ناامن بودن جناح چپ از پیشروی در عمق باز مانده اند. لذا مشغول پی گیری اوضاع شد و ضمن تأکید به فرمانده گردان روح الله، از وی می خواست که به سمت اهداف خود بر روی جاده پیش روی نماید. در ساعت ۲:۴۵ بامداد در حالی که عملیات شدت بیشتری گرفته بود بر احساس نگرانی فرماندهی از مشکل عدم الحاق در جناحین افزوده می شد. وی ضمن تماس های مکرر، به فرمانده گردان روح الله، مرتضی آهنگران، تأکید کرد که مأموریت گردان روی سیل بند خط اول نیست و باید به عمق برود. با تأکیدات صورت گرفته نیروهای این گردان با دمیدن فجر صبحگاهی بر روی سیل بند دوم دشمن با یکدیگر هماهنگ شده و حرکت خود را از طریق جاده به طرف دجله ادامه دادند و با رسیدن به رودخانه دجله در حاشیه جاده آسفالت و سیل بند شرقی رود، پدافند نمودند. گردان سیدالشهدا^(۲۳) نیز هم زمان با توسعه رخنه و پاکسازی خط اول دشمن، با به کارگیری گروهان سوم خود، عملیات در عمق را شروع کرده و خط دوم دشمن را از رو به رو و از جناح راست مورد حمله قرار داد و دشمن را وادار به شکست و عقب نشینی نمود و به این ترتیب خط دوم هم سقوط کرد و رزمندگان گردان پس از دو ساعت و نیم رزم بی امان در ساعت ۴:۳۰ بامداد به اهداف تعیین شده برای گردان رسیده و به اعمال تحکیم و تثبیت و هدف پرداختند. گردان سیدالشهدا^(۲۴) می باید در سیل بند دوم از جناح راست با گردان روح الله و از جناح چپ با تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم^(۲۵) الحاق می نمود. الحاق با گردان روح الله در همان لحظات اولیه به راحتی انجام شد و پس از مدت زمان کوتاهی الحاق با تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم^(۲۶) در خط دوم هم صورت پذیرفت. با الحاق نیروها در خط دوم زمینه برای ادامه عملیات فراهم آمد. با فراهم شدن زمینه ادامه عملیات، گردان های کربلا به فرماندهی علی معروف خانی و موسی بن جعفر^(۲۷) به فرماندهی مهدی

گذشته و عدم تحرک جدی از سوی دشمن که ناشی از تحلیل قوا و توان او بود، مقرر شد رزمندگان لشکر به منظور تحکیم و تثبیت خط پدافندی، یک حمله ایذایی تدارک ببینند تا ضمن به هم ریختگی بیشتر آرایش و سازمان رزم دشمن، تأمین مناسبی را برای خط حد لشکر فراهم سازند. به همین منظور براساس طرح تنظیمی مقرر شد لشکر ۱۷ حمله برق آسایی را در مقابل خط النهر به منظور انهدام نفرات و تجهیزات عراقی‌ها و نزدیک‌تر کردن خط خودی به مواضع دشمن انجام داده و با بهره‌گیری از تجهیزات مهندسی (یک دستگاه لودر و یک دستگاه کانال کن) خط تأمینی دیگری را به موازات کانال صفین برای جلوگیری از پانک دشمن احداث نماید. در همین راستا، فرماندهی پس از برآورد آخرین وضعیت، گردان‌های سیدالشهدا^(ع) و روح‌الله و گردان امام رضا^(ع) را برای انجام این تک ایذایی در نظر گرفت. همچنین مقرر شد واحد تخریب لشکر با پشتیبانی گردان امام رضا^(ع) پل روی نهر عمود بر کانال صفین را که خودروهای دشمن از روی آن عبور کرده و خود را به خط مقدم می‌رساندند منهدم نماید. با فرارسیدن تاریکی شبانه نیروهای گردان سیدالشهدا^(ع) به ستون یک به طرف خط ذوالفقار حرکت کرده و در آن استقرار یافتند تا در عملیاتی که برایشان طرح‌ریزی شده بود شرکت کنند. در حالی که زمان چندانی به نیمه‌های شب باقی نمانده بود نیروها تک خود را آغاز کردند. گردان‌های سیدالشهدا^(ع) و روح‌الله در یک هجوم سراسری و برق‌آسا موفق شدند ضمن رخنه به مواضع دشمن، تلفاتی را بر نیروی انسانی دشمن وارد نمایند. در این فرآیند آنان ۲۵ تانک را منهدم کردند و به سرعت به مواضع قبلی خود بازگشتند. تنها حادثه غیرمترقبه، شهید و مجروح شدن تعدادی از نیروهای گردان امام رضا^(ع) بود که به دلیل نبود اطلاع‌رسانی و شناسایی نکردن سنگر کمین دشمن، مورد تهاجم غافل‌گیرانه نیروهای آنان قرار گرفتند. در مجموع لشکر ۱۷ توانست به جز انهدام نکردن پل، به اهداف

را به هلاکت رسانده یا فراری دادند. برادران گردان‌های کربلا و سیدالشهدا^(ع) نیز با آتش پشتیبانی خود، این نیروها را حمایت کردند. با سقوط این مقرر که به سرعت انجام شد گردان‌های کربلا و موسی بن جعفر^(ع) با سرعت هر چه تمام‌تر خود را به سیل‌بند شرقی رود دجله و روستای النهر در کنار این رود رساندند.»

روز دوم (۲۱ اسفند ۱۳۶۳)

برادر جواد عابدی که پس از مجروحیت برادر عراقی مسئولیت محور یکم را عهده‌دار شده بود طی تماس‌های مکرر با فرماندهی لشکر و اعلام نگرانی از مشکل الحاق نشدن یگان عمل‌کننده در جناح راست لشکر و در نتیجه تهدید از این جناح خواستار تقویت این محور شد. از سویی، مسئولین قرارگاه هم نگران این موضوع بودند و مصمم شدند تا با اجرای عملیاتی، خطر را دفع نمایند. لذا با هماهنگی فرماندهان لشکرهای ۱۷ و ۷ مقرر شد، ۲ گروهان از لشکر ۱۷ وارد عمل گشته و الحاق بین دو لشکر را تأمین نمایند. بدین ترتیب گروهان‌ها در تاریکی شب با پشتیبانی آتش توپخانه تک خود را بر علیه مواضع نیروهای عراقی آغاز کرده و موفق شدند با انهدام بخشی از تجهیزات آن‌ها، دشمن را وادار به عقب‌نشینی کنند. با گسترش نیروهای لشکر در این جناح، موضع پدافندی ضعیفی بر روی جاده منتهی به روستای النهر که در جناح راست خط حد قرارگاه کربلا و در جهت شرقی غربی بود تشکیل شد و بدین ترتیب خط ذوالفقار که به خط النهر هم معروف شد به وجود آمد. ضمن این که الحاق کامل با لشکر ۷ ولی عصر^(عج) حاصل شد.

روز سوم (۲۲ اسفند ۱۳۶۳)

پس از موفقیت نیروهای خودی طی دو شب

برادر فتوحی جانشین لشکر می‌گوید: براساس اسنادی که بعدها از عراقی‌ها به دستمان رسید حدود هزار دستگاه تانک و نفر بر از سپاهای سوم و چهارم عراق به منطقه‌ی عملیاتی بدر حمله کرده بودند.

شمال شرقی و میانی خط صفین مستقر شدند. نیمی از نیروهای گردان جایگزین گردان روح‌الله در محدوده میانی خط شدند و مابقی نیروها هم در قسمت شمال شرقی خط صفین مستقر شدند. اهمیت این قسمت از خط به این علت بود که اگر سقوط می‌کرد اکثر یگان‌هایی که در منطقه درگیری بودند به محاصره نیروهای عراقی در می‌آمدند. نیروهای گردان این موضوع را به خوبی درک کرده و می‌دانستند که با سقوط این خط اتفاقات ناگواری خواهد افتاد. لذا آماده دفاع از محدوده استقرار خود شدند. پس از گذشت یکی، دو ساعت از روز مشخص شد که دشمن با استفاده از یگان‌های زرهی قصد تهاجم به مواضع رزمندگان را دارد. تانک‌ها با جا به جایی‌های مکرر و گرفتن آرایش‌های متفاوت آشکارا قصد خود را عیان می‌ساختند. ساعت به ساعت بر تعداد تانک‌ها افزوده می‌شد. شواهد و قرائن حاکی از این بود که دشمن بعد از ظهر امروز یا صبح فردا قصد تهاجم به مواضع رزمندگان اسلام را دارد. تعداد تانک‌ها و نفربرها به حدی زیاد شد که در عرض ۳/۵ تا ۴ کیلومتر از منطقه، ۴ تا ۵ ردیف تانک با فاصله نزدیک به ۵۰ متر از یکدیگر به صورت زیگزاگ مستقر شده بودند. ادوات زرهی دشمن را بیشتر تانک‌های T-۷۲ تشکیل می‌داد که از بهترین نوع تانک‌های بلوک شرق و پیشرفته‌ترین تانک شوروی سابق به حساب می‌آمد. سرانجام تانک‌ها و نفربرها درحالی که نیروهای پیاده را در پناه خود داشتند پاتک خود را در حدود ساعت ۱۳ روز پنجم با پشتیبانی حجم سنگین آتش توپخانه، موشک، بالگرد و هواپیما شروع کردند. دشمن سرا پا مسلح، ابتدا بیشترین تلاش خود را در قسمت شمال غربی خط صفین و بر روی مواضع گردان امام رضا^(ع) در نزدیکی رود دجله متمرکز نمود و این در حالی بود که تعداد زیادی از نیروهای داوطلب گردان روح‌الله که روز قبل به عقب رفته بودند پس از سازمان‌دهی مجدد و استماع سخن‌رانی اسماعیل صادقی فرمانده ستاد مبنی

خود دست‌رسی پیدا کرده و خاکریز بریده بریده‌ای به صورت ناقص در حاشیه کانال صفین (حدود ۲ کیلومتر جلوتر از خط ذوالفقار که به خط النهر معروف بود) احداث کند و نیروهای لشکر را برای پدافند مطمئن‌تر در مقابل دشمن به آن‌جا منتقل نماید. خط ذوالفقار که در طراحی اولیه منطبق بر جاده النهر بود با دو کیلومتر پیشروی به کناره جنوبی کانال صفین انتقال یافت.

روز چهارم (۲۳ اسفند ۱۳۶۳)

در این روز روند عملیات از سوی گردان روح‌الله ادامه پیدا کرد. نیروهای این گردان به نبرد شدید با نیروهای عراقی که وارد محدوده استقرار آن‌ها می‌شدند پرداخته و ضمن وارد کردن تلفات زیادی به آن‌ها مواضع خود را تثبیت کردند. گردان امام رضا^(ع) هم در محدوده شمال غربی خط صفین و نزدیک به رود دجله مستقر و گردان‌های سیدالشهدا^(ع) و عناصری از گردان حضرت رسول^(ص) هم در قسمت میانی خط مستقر شدند.

در این روز گردان علی‌ابن‌ابی‌طالب^(ع) از حاشیه جاده ساحلی هور به طرف منطقه مورد نظر حرکت نمود و پس از حدود ۴ کیلومتر پیاده روی به منطقه مأموریتی خود رسید و پشت خاکریز خط النهر مستقر شد. در این روز گردان ولیعصر^(عج) به فرماندهی مهدی ناصری که در جفیر مستقر بود نیز به منطقه عملیاتی وارد شدند.

روز پنجم (۲۴ اسفند ۱۳۶۳)

با نزدیک شدن سحر، صدای غرش تانک‌های دشمن که در آن سوی دجله در حال تردد و جا به جایی بودند توجه نیروها را به خود جلب کرد. رزمندگان لشکر ۱۷ با مشاهده وضع فوق نسبت به کسب آمادگی جبهه خودی اهتمام بیشتری ورزیده و با دقت تحرکات دشمن را زیر نظر گرفتند.

در این وضعیت نیروهای گردان علی‌ابن‌ابی‌طالب^(ع) بنا به دستور یک گام به جلو برداشته و در قسمت‌های

علی ابن ابی طالب^(ع)* در مقابل دشمن تا دندان مسلح موضع گرفته و با پایمردی و رشادت نیروهای فداکار، در برابر حملات تانک‌ها و نیروهای عراقی مقاومت می‌کردند. دشمن پس از ریختن آتش توپ‌خانه بر روی مواضع گردان علی ابن ابی طالب^(ع) و کوتاه کردن ارتفاع خاکریز توسط آتش تانک‌ها، یورش خود را آغاز کرد. تانک‌ها در حالی که در چند ردیف آرایش گرفته بودند به همراه نیروهای پیاده و هدایت بالگردهای فرماندهی در بالای سر، حرکت به سمت خاکریز را ادامه دادند. لکن وقتی به نزدیکی‌های خاکریز رسیدند با مقاومت شدید رزمندگان گردان روبرو شدند. درگیری بسیار شدید شد. تانک‌ها به کانال صفین رسیده و با لوله‌های خود از بالای خاکریز شلیک می‌کردند. حتی دو دستگاه نفربر پی.ام.پی دشمن از خاکریز عبور کردند که بلافاصله توسط رزمندگان اسلام منهدم شدند. با ادامه‌ی نبرد و مقاومت جانانه دلیر مردان گردان علی ابن ابی طالب^(ع)، تانک‌ها و نیروهای دشمن مجبور به عقب‌نشینی شده و پس از آرایش مجدد حملات خود را آغاز می‌کردند. این جنگ و گریز تا نزدیکی‌های غروب آفتاب ادامه پیدا کرد و سرانجام با فرا رسیدن تاریکی تانک‌های دشمن عقب‌نشینی کرده و به مواضع قبلی خود بازگشتند. هم‌زمان تانک‌های دشمن تمامی مواضع رزمندگان لشکر را در طول خط صفین هدف تهاجم سنگین و بی‌امان قرار دادند. در منطقه میانی خط صفین هم رزمندگان گردان‌های روح‌الله و حضرت رسول^(ص) دوش به دوش رزمندگان گردان سیدالشهدا^(ع) به دفاع جانانه در مقابل دشمن پرداختند. بچه‌های گردان حضرت رسول^(ص) که با ایمان و رشادت، در شب اول عملیات خط دشمن را شکسته بودند در مقابل حملات تانک‌ها به خط ذوالفقار نیز جوانمردانه جنگیدند. به طور کلی از جان گذشتگی نیروها و رغبت و تلاش آنان در عقب

بر نیاز به نیرو در خط مقدم، مجدداً به پشت خاکریز خط صفین رفته و آماده مقابله با پاتک دشمن شدند. خاکریزی که گردان امام رضا^(ع) پشت آن مستقر بود ناتمام مانده و نیروهای مهاجم با سنجش صحیح از این نقطه ضعف سعی نمودند با جناح‌گیری از آن، رخنه‌ای را در مواضع خودی ایجاد نمایند. از طرفی گردان در نبردهای چند روز گذشته متحمل تلفاتی شده و نیروی کافی برای پدافند از مواضعی که به طور تعجیلی اشغال کرده بود نداشت. فرمانده گردان نیز مجروح گشته و به عقب منتقل شده بود. با این حال نیروهای این گردان به مقابله با نیروها و تانک‌های دشمن پرداختند تا این‌که ماشین جنگی دشمن از نقاطی که آسیب‌پذیرتر بود خود را به مواضع رزمندگان رساند و نیروها را در پشت خاکریز مورد هدف تیربار قرار داد. از سوی دیگر حوادث خط مقدم که لحظه به لحظه توسط فرمانده محور یکم به رده بالاتر منعکس می‌شد، فرمانده لشکر را بر آن داشت تا بی‌درنگ با اتخاذ تدابیری مانع از سقوط خط شود. لذا از طریق بی‌سیم به فرمانده محور دوم محمود اخلاقی دستور داد تا باقی‌مانده گردان‌های زخم خورده کربلا و موسی بن جعفر^(ع) را که در کنار روستای النهیر مستقر بودند به کمک گردان امام رضا^(ع) بفرستد. محمود اخلاقی می‌گوید: «متعاقب این دستور باقی‌مانده نیروهای گردان کربلا و موسی بن جعفر^(ع) را که حدود ۲۷۰ نفر می‌شدند به سمت مواضع گردان امام رضا^(ع) روانه کردم. لکن به دلیل این‌که هیچ‌چیز پناهی نداشت و باید برای رسیدن به دشمن و مقابله با او در دشت باز حرکت می‌کردند، تعداد زیادی از نیروها شهید و مجروح شدند. اما حضور به موقع و رزم و مقاومت چشم‌گیر این دو گردان باعث شد دشمن در تحقق اهداف خود ناکام مانده و از مواضع متصرفه عقب‌نشینی کند.»

تهاجم دشمن تمامی خط ذوالفقار (صفین) را در بر گرفته بود. در قسمت شمال‌شرقی خط صفین و نزدیک به منطقه میانی صحنه نبرد، رزمندگان گردان

* نگارنده‌ی مقاله در مقام نیروی تکاور در گردان علی ابن ابی طالب شاهد لحظه به لحظه این مقاومت جانانه و نبرد تن به تن با تانک در مقابل دشمن بود.



— رزمندگان لشکر ۱۷ علی ابن ابیطالب در آستانه آغاز عملیات بدر؛ اسفند ۱۳۶۳

همین منظور قبل از به ثمر رسیدن تحرکات عراق، جلسه‌ای متشکل از فرماندهان قرارگاه‌های خاتم، نجف و کربلا در جزیره مجنون شمالی تشکیل شد. در این جلسه تشکیل قرارگاه ظفر اعلام شد و لشکر علی‌بن‌ابیطالب^(ع) به همراه لشکر ولی عصر^(عج) (این لشکر از روز سوم عملیات تحت امر قرارگاه کربلا در آمده بود) و تیپ المهدی و تیپ ۵۵ هوایر ارتش از قرارگاه کربلا جدا شده و زیر امر قرارگاه ظفر قرار گرفتند تا به همراه یگان‌های دیگر این قرارگاه در شب ششم تک را از خط صفین تا جاده خندق ادامه داده و این جاده را تصرف نمایند.

طرح کلی مانور قرارگاه ظفر در تاریخ ۲۴ اسفند ۱۳۶۳ طی چند جلسه مشترک با حضور فرماندهان قرارگاه‌های خاتم، کربلا و نجف تهیه شد. در صفحه‌ی ۱۸۳ گزارش عملیاتی بدر به شماره سند ۶۲۵ مرکز اسناد دفاع مقدس یگان‌های تحت امر قرارگاه ظفر برای اجرای عملیات به این شرح معرفی شده‌اند: تیپ‌های المهدی، ویژه شهدا، ۵۵ هوایر و ۲۳ نوه‌هر کدام به استعداد ۳ گردان، لشکرهای علی‌بن‌ابیطالب^(ع) و ولی عصر^(عج) به ترتیب با ۲ و ۳ گردان.

راندن دشمن به اندازه‌ای کارساز بود که نیروهای عراقی تعدادی از تانک‌ها و نفربرهای خود را در حالی که روشن بود جا گذاشته و فرار کردند. رزمندگان اسلام هم از فرصت استفاده کرده و با کسب تکلیف از فرماندهی آن‌ها را منهدم نمودند. هنوز ساعتی از فراغت نیروها پس از نبرد سنگین در روز جاری نگذشته بود که دشمن با سازمان‌دهی مجدد واحدهای زرهی و به پرواز در آوردن بالگردهای خود و نیز شلیک منورهای رنگی تظاهر به پاتک نمود. لیکن این سلسله اقدامات و تحرکات دشمن با توجه به زمان انجام آن به نظر مسئولین لشکر چیزی جز یک مانور به حساب نیامد. چون معتقد بودند که دشمن به هنگام شب مبادرت به انجام عملیات علیه نیروهای ما نخواهد کرد که همین طور هم شد.^(۱۹)

تغییر مأموریت لشکر ۱۷ و انتقال به قرارگاه ظفر به عنوان یگان احتیاط

آسیب‌پذیری خط صفین، تظاهر دشمن به پاتک و جایگزینی نیرو و تقویت منطقه عملیاتی از سوی دشمن باعث شد مسئولین قرارگاه کربلا و قرارگاه خاتم طرح تأمینی برای حفظ مواضع خود تهیه نمایند. به

تلاش خود را متوجه تصرف خط مذکور نموده و تا اندازه‌ای هم موفق به رخنه در آن شده بود، که به همت و مقاومت نیروها به عقب بازگردانده شد. اما احتمال بروز پاتک‌های مجدد دشمن از همین محور بسیار قوی بود. به ویژه این که فرماندهان لشکر ۱۷ و تی ۲۳ نوه‌د با توجه به آرایش دشمن، ضریب درصد حمله دشمن را بسیار بالا و قطعی بیان می‌داشتند. برادر رحیم صفوی پس از استماع گزارش فرماندهان یگان‌ها، از آن جهت که آسیب‌پذیری خط و حد سابق لشکر ۱۷ را جدی‌تر تلقی می‌کرد، خطاب به سرهنگ صیادشیرازی (فرمانده وقت نزاجا) پیشنهاد کرد که از امشب حداقل یک گردان از تیپ ۵۵ هوارد به خط لشکر ۱۷ برود. لیکن این امر به دلیل مخاطره‌آمیز بودن و وارد آمدن تلفات نیروی انسانی و خدشه‌دار شدن آمادگی رزمی گردان مذکور پذیرفته نشد. دشمن با پشت سر گذاشتن روز پنجم که حوادث تلخ و ناگواری را برای نیروهای ما به همراه داشت توانست ضمن تحمیل تلفاتی بر نیروهای خودی، رخنه‌ای جدید در صفوف رزمندگان خط صفین ایجاد نماید که به همت رزمندگان لشکر تا حدودی ترمیم شد. تصرف مجدد فرو رفتگی دجله (کیسه‌ای) از سوی دشمن در محور لشکر عاشورا و اقدام به ایجاد رخنه در

خط و حد قرارگاه ظفر نیز از مقابل پل الصدیقیه* به سمت شمال تا جاده خندق تعیین شد که بعد از رسیدن به جاده، ادامه‌ی مأموریت به طرف العزیر را قرارگاه نجف انجام می‌داد. بر اساس طرح عملیاتی قرار بود تیپ المهدی با ۳ گردان، ۲/۵ کیلومتر از دجله به سمت شرق را پاکسازی کرده و ضمن انفجار پل خندق پشت این جاده پدافند نماید. تیپ ویژه شهدا نیز با عبور از رود دجله در غرب این رود از نهر الهمداه تا نهر الصدیقیه را تصرف و بر روی سیل‌بند هورالعظیم در غرب دجله پدافند نماید. مقرر شده بود تیپ ۵۵ هوارد هم از سیل‌بند اول به سمت غرب در حد فاصل تیپ المهدی، تا جاده خندق عمل کرده و در پشت جاده پدافند نماید. لشکر ۷ ولی عصر^(عج) و لشکر ۱۷ علی ابن ابیطالب^(ع) هم در احتیاط قرارگاه ظفر قرار داشتند. به طور کلی در این جلسات دو موضوع مهم مورد بحث و بررسی قرار گرفت. یکی تدبیر برای حفظ و نگه‌داری خط صفین و دوم طرح مانور شب ششم. نگه‌داری و تثبیت خط صفین اساساً از این جهت دارای اهمیت بود که دشمن در هر دوره از پاتک‌هایش عمده

* این پل در مقابل روستای النهیر و بر روی نهری که از هورالحمار به رود دجله وصل می‌شد احداث شده بود و جاده ارتباطی بغداد - بصره از روی آن عبور می‌کرد.



شهید حسین الله‌داد راوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ در لشکر ۱۷ علی ابن ابی طالب و جمعی از راویان مرکز در عملیات بدر؛ اسفند ۱۳۶۳

حاکمی از تصمیم قطعی دشمن برای از بین بردن هر چه سریع‌تر خط ذوالفقار و پس از آن برچیدن بساط کامل نیروهای ایران در منطقه شرق دجله در روز ششم عملیات بود. در چنین وضعیتی نیروهای تیپ ۵۵ هوارد ارتش و تیپ ۳۳ المهدی سپاه وارد منطقه شده و در غرب خط صفین به طرف رود دجله مستقر شدند. با استقرار این نیروها باقی‌مانده گردان‌های کربلا، موسی بن جعفر^(ع)، امام رضا^(ع) و گروهان امام حسین^(ع) از لشکر علی بن ابی طالب^(ع) به منطقه النهر و منتقل شده و پس از آن از طریق اسکله پد النهر و پل ارتباطی منطقه عملیاتی با جزیره شمالی به عقب رفتند. تانک‌های دشمن قصد داشتند خاکریزی را که رزمندگان اسلام در پشت آن مستقر شده و در پناه آن از مواضع خود دفاع می‌کردند، با شلیک گلوله از بین ببرند. هم‌زمان، آتش پشتیبانی دشمن که از سوی توپخانه‌ها، هواپیماها، بالگردها و سکوها پرتاب موشک‌های تاکتیکی و کوتاه برد اجرا می‌شد تمامی عقبه‌هایی که رزمندگان در خط را پشتیبانی می‌کردند هدف گرفته بود. دشمن برای قطع کامل پشتیبانی‌ها، توانی چند برابر روز قبل را در اجرای آتش‌ها به کار گرفت. نیروها و تانک‌های دشمن پس از چند ساعت اجرای آتش پرحجم و سنگین و در حالی که ارتفاع خاکریز را تا حد زیادی کاهش داده بودند پاتک شدید خود را بر روی خط صفین آغاز کردند. ضمن این که با آتش و مانور خود یک‌دیگر را به شدت پشتیبانی می‌نمودند. سرانجام دشمن توانست رخنه‌ای به طول ۳۰۰ الی ۴۰۰ متر در این محور ایجاد نموده و موقعیت بسیار مثبتی را برای پیشروی گام به گام در مواضع نیروهای خود فراهم آورد. ضمن این که نیروهای مستقر در خط صفین را در پشت خاکریز مورد اصابت قرار می‌داد. با توجه به نفوذ دشمن بر روی سیل‌بند شرقی رود دجله و حد غربی خط صفین رزمندگان اسلام مجبور بودند بدون داشتن جان پناه با تانک‌های عراقی

پاتک اشاره شده است.»

خط صفین می‌رفت که موقعیت محور عملیاتی را برای پدافند متزلزل نماید. لذا با توجه به وضعیت پیش آمده آن‌چه بیشتر مورد توجه طراحان عملیاتی قرار گرفت، به کارگیری تمهیداتی به منظور تثبیت و حفظ وضع موجود بود. مطابق تصمیمات فرماندهان قرارگاه که در آخرین ساعات شب ششم اتخاذ شد، مقرر شد یگان‌های رزمی نسبت به ترمیم رخنه دشمن در خط صفین و پاکسازی منطقه از لوٹ نیروهای نفوذی دشمن تا اجرای کامل طرح اهتمام ورزند. در این راستا بنا شد برای کاهش آسیب‌پذیری لشکر ۱۷، تیپ‌های ۵۵ هوارد ارتش و ۳۳ المهدی سپاه جایگزین شوند. نیروهای تخریب لشکر هم موظف شدند به منظور جلوگیری از تعرض احتمالی دشمن، در منطقه‌ای که رخنه ایجاد شده بود جلوتر از خاکریز را مین‌گذاری کنند. بدین ترتیب با جایگزینی نیروهای ارتش و تحویل خط از لشکر ۱۷ مأموریت این یگان تمام شده تلقی می‌شد.^(۲۰)

روز ششم (۲۵ اسفند ۱۳۶۳) جنگ تانک در خط صفین

سپیده دم روز ششم عملیات، هم‌زمان با روشن شدن هوا تانک‌های دشمن آتش پر حجم و دقیق خود را بر روی خاکریز خط ذوالفقار (صفین) متمرکز کردند. تجربه ارزشمند پاتک روز قبل این فرصت را به دشمن داد که تا حد زیادی با توان و روحیه نیروهای خودی آشنا شده و به این نتیجه برسد که اگر بخواهد، خط صفین را شکسته و تصرف و تأمین نماید باید زمان نبرد را طولانی‌تر کرده و توان مضاعفی را به کار گیرد. تا این زمان، دشمن قریب به هزار دستگاه تانک و نفربر را به صورت چند لایه در منطقه مقابل خط ذوالفقار مستقر کرده بود.* تجمع این حجم از ادوات زرهی،

* برادر فتوحی جانشین وقت لشکر می‌گوید: «براساس اسنادی که بعدها از عراقی‌ها به دستمان رسید، حدود هزار دستگاه تانک و نفربر از سپاه‌های سوم و چهارم عراق به این منطقه حمله کردند. این تانک‌ها از طلوع فجر چنان خاکریزها را هدف آتش قرار دادند که ساعت ۱۰ صبح به صورت خمیده هم نمی‌شد در پشت خاکریز حرکت کرد. همچنین در جزوه‌ای از دشمن با نام جنگ تانک با خاکریز به عنوان یک تجربه موفق به این

بی‌سیمی اغلب گردان‌ها در بعضی مواضع مختل و هیچ کس برای برقرار نمودن ارتباط حضوری و پشتیبانی و هدایت نیروها بیش از ده متر قادر به حرکت نبود و در این مسافت حتماً مجروح یا شهید شد. گردان‌ها از هر سو در مخمصه و فشار بودند و هر کدام از این مشکلات برایشان جنبه حیاتی داشت، خصوصاً اینکه لحظه به لحظه این فشارها بیشتر می‌شد و این سیاهی فراگیر، فراگیرتر و ظلمانی‌تر می‌گشت. انهدام کامل از هر سو گردان‌ها را فراگرفته بود. برای دشمن غیرقابل باور بود که آن همه فشار نتواند عده‌ای قلیل را که با آتش محدود پشتیبانی می‌شدند و بیشتر سلاح و تجهیزات خود را از دست داده بودند از پای در آورد. هر چند یقین داشت که شکست رزمندگان اسلام آسان نبوده و باید برای آن سرمایه‌گذاری زیادی نماید. به همین دلیل با هزار تانک در میدان نبرد حضور پیدا کرد. ولی باز هم در برآوردهایش دچار اشتباه شده و در رویارویی با نیروی مقابل خود محدود فکر کرده بود، لذا توانایی تصرف و اشغال خط ذوالفقار را به آسانی پیدا نمی‌کرد. ساعت ۱۰ صبح روز ۲۵ اسفند ۱۳۶۳ فرا رسید. به نظر می‌آمد که همه چیز تمام شده است. فشار بی‌سابقه دشمن گردان‌ها را به صورت کامل منهدم می‌کرد. هر چند که گردان‌ها در مقابل دشمنی با ده‌ها برابر توان خود قرار گرفته بودند. نبرد تن با تانک از سوی نیروها شروع شد. دشمن در نبرد شرق دجله و در سمت راست خط صفین واقعاً از یک طرح ریزی و هدایت برجسته‌ای برخوردار بود ولی برای مقابله با نبردی که تا به حال نه مطالعه و نه تجربه کرده بود فاقد ابتکار بود. یکی از گردان‌هایی که در نبرد روز ششم به دفعات مورد هدف سنگین‌ترین پاتک‌های دشمن قرار گرفت و متحمل تلفات زیادی از جمله شهادت فرمانده جدید گردان شد گردان سیدالشهدا^(ع) بود. نیروهای این گردان همانند دیگر گردان‌ها دست به مقاومت کم‌نظیری در برابر دشمن زده و تا آخر ایستادگی نمودند. نیروهای عراقی را متحمل تلفات و خسارات زیادی نموده و آن‌ها را به

بجنگند. رزمندگان لشکر در حالی که دشمن از طریق بلندگو به جنگ روانی پرداخته و از آنان می‌خواست تا خود را تسلیم کنند به مبارزه بی‌امان خود ادامه داده و با تقدیم شهدا و مجروحین زیادی توانستند مانع از پیشروی قطعی دشمن بشوند.

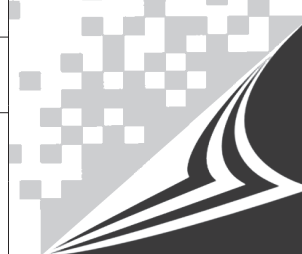
در حد وسط خط صفین نیز دشمن فشار زیادی بر روی گردان‌های مستقر در این خط، از جمله گردان‌های علی ابن ابی طالب، سیدالشهدا^(ع) و عناصر گردان حضرت رسول^(ص) وارد می‌کرد. هنگامی که نبرد روز ششم به اوج رسید یک تغییر بسیار فاحش و اساسی در طرفین پیدا شد. وضعیت گردان‌ها به صورت یک وضعیت کاملاً ویژه در آمده بود. آتش دشمن به دلیل حجم بیش از حد مؤثر افتاد و تمامی مواضع دفاعی و غیر دفاعی گردان‌ها را تخریب کرد. به جز پشتیبانی آتش دور برد و سنگین که تا آخرین لحظات و در هر نوع شرایط نبرد ادامه پیدا کرد، سایر پشتیبانی‌های گردان‌ها به حداقل رسید. نیروهای پشتیبانی کننده به علت این که گردان‌ها در سخت‌ترین شرایط نبرد قرار گرفته بودند، از امکان پشتیبانی نیروها مأیوس شدند. حتی اقداماتی که به دفعات از سوی لشکر برای پشتیبانی نیروهای مستقر در خط مقدم صورت می‌گرفت قبل از رسیدن به خط، با شهادت نیروهای پشتیبانی کننده یا انهدام وسایل نقلیه مانند خودروها و موتورسیکلت‌ها به نتیجه نرسید. لذا ذخائر مهمات در حال اتمام بود و سلاح‌ها به دلیل نبودن مهمات کافی ارزش خود را از دست داده بودند. تعدادی از سلاح‌ها نیز خسارت دیده و قابل استفاده نبودند. نیروها در حالی که گرسنه بودند، نه فرصتی برای غذا خوردن داشتند و نه آذوقه‌ای برای آن‌ها مانده بود تا استفاده کنند. به دلیل گرمای شدید منطقه و فعالیت فوق‌العاده نیروها و نبود آب، تشنگی طاقت‌فرسایی همه را فرا گرفته بود. شهدای گردان‌ها بر زمین مانده و مجروحین نقطه امنی برای استقرار تا زمان تخلیه را نداشتند و تعدادی از آن‌ها به دلیل تیر و ترکش‌های مجدد به شهادت می‌رسیدند. ارتباط

جز عقب‌نشینی وجود نداشت. پایان مأموریت لشکر ۱۷ از همان روز پنجم اعلام شده بود، ولی فرماندهان و رزمندگان لشکر به دلیل احساس مسئولیت تا آخر در منطقه عملیاتی بدر مانده و دیگر یگان‌های درگیر را با حداکثر توان یاری کردند. از ساعت ۹ صبح به فرماندهان واحدهای پشتیبان رزم و پشتیبان خدمات رزم دستور دادند که حتی المقدور نیروهایی را که کارایی کمتری دارند به طرف اسکله هدایت نمایند. از حدود ظهر به بعد نیز عناصر گردان‌های مستقر در پشت خاکریز در محدوده سمت راست دجله در حالی که به مقاومت در برابر دشمن ادامه می‌دادند موظف شدند تا به مرور زمان و به صورت تک به تک عقب آمده و به سوی اسکله بروند. نیروهای واحد ادوات نیز تا آخرین لحظات بر روی مواضع و نیروها و تانک‌های دشمن اجرای آتش نموده و سپس با انهدام و از کار انداختن قبضه‌ها به طرف اسکله رفتند. به همین ترتیب همه‌ی نیروها تا قبل از تاریک شدن هوا ضمن ادامه مقاومت در برابر دشمن به عقب آمده و امکان محاصره نیروها را از دشمن گرفتند.^(۳۱)

پایان عملیات

پس از تاریک شدن هوا، همه‌ی نیروهای لشکر ۱۷ و یگان‌های همجوار وارد جزیره شده بودند و ازدحام و به هم ریختگی زیادی به چشم می‌خورد و لذا فرماندهان لشکر بر آن شدند تا از فرصت تاریکی شب استفاده کرده و با در امان ماندن از هجوم هواپیماهای دشمن عمده نیرو را از جزیره خارج کنند. افرادی هم مأمور شدند در جزیره شمالی و آب‌های غربی آن مستقر و از تهاجم احتمالی دشمن به مواضع خودی جلوگیری نمایند. فرماندهان لشکر و مسئولین ستاد با هماهنگی‌هایی که به عمل آوردند اتوبوس‌ها و خودروها را از طریق جاده سیدالشهدا به داخل جزیره هدایت و نیروها را تا قبل از روشن شدن هوا از جزیره خارج و به مقر لشکر در انرژی اتمی منتقل کردند.^(۳۲)

عقب‌نشینی وا می‌داشتند. قبول این‌گونه نبرد از سوی دشمن که تمام لحظات رزمش به همراه طرح‌هایی دقیق، صحیح و از پیش تهیه شده بود، دلیل بر وجود روحیه‌ای خارق‌العاده در نیروهای مقابلش بود که با همه فشارها نتوانست مواضع آن‌ها را منهدم و خاکریز را تصرف نماید. هجوم حدود هزار تانک و نفربر دشمن تنها به قسمت‌های میانی و شمال غربی خط صفین محدود نمی‌شد. این تانک‌ها و نفربرها سرتاسر خط تقریباً چهار کیلومتری صفین را مورد تهاجمات سهمگین خود قرار می‌دادند تا از هر جا که بتوانند به مواضع رزمندگان لشکر و سپس به عمق منطقه عملیاتی نفوذ کرده و تمامی نیروهای جمهوری اسلامی را به محاصره درآورند. رزمندگان لشکر هم این نکته را به خوبی دریافته و دست به مقاومت جانانه‌ای زدند. در قسمت شمال شرقی نیز نیروهای گردان ولی عصر (عج) که از روز قبل در آن‌جا مستقر گردیده و متحمل تلفاتی هم شده بودند در مقابل دشمن ایستادگی کرده و به کمک نیروهای گردان علی‌ابن‌ابی‌طالب (ع) که در سمت چپ آن‌ها و نزدیک به منطقه میانی نبرد مستقر بودند تهاجمات تانک‌ها و نیروهای عراقی را دفع و سرکوب می‌کردند. نبرد تن با تانک تا عصر روز ۲۵ اسفند ۱۳۶۳ ادامه پیدا کرد و دشمن قبرستانی از تانک‌ها و خودروها و نفرات تلف شده خود را به جای گذاشته و به مواضع خود برگشت، تعداد تانک‌ها و خودروهای به جامانده از دشمن به حدی زیاد بود که تشخیص سالم یا ناسالم بودن آن‌ها بسیار مشکل بود. پاتک دشمن در روز ۲۵ اسفند ۱۳۶۳ در حالی به اتمام رسید که از گردان‌ها به جز نزدیک به دو یا سه دسته نیرو، توان دیگری باقی نمانده بود. امکانات گردان‌ها از کار افتاده و یا منهدم شده و یا به دلیل نبودن مهمات، سوخت، باتری و امثال آن قابل استفاده نبودند. هر چند فرماندهان و نیروهای رزمنده از چنان روحیه‌ای برخوردار بودند که با عده قلیلی حاضر بودند به نبرد با دشمن ادامه دهند، اما به دلیل این‌که بیش از بیست درصد از توان گردان‌ها باقی نمانده بود چاره‌ای



سخنرانی برادر علی شمخانی

در جمع نیروهای لشکر ۷ ولی عصر (عج) (۶۴/۴/۹)

مسئولین تیپ سیدالشهدا (ع) (۶۴/۵/۲۶)

حسن دری

فرماندهان عالی رتبه سپاه پاسداران در دوران هشت سال دفاع مقدس علاوه بر فرماندهی و مدیریت در ابعاد مختلف جنگ از جمله راهبردی، تاکتیکی و... با حضور و سخنرانی در جمع رزمندگان و فرماندهان یگانهای رزم، همواره نقش مهمی در آگاه سازی و هدایت آنان در ابعاد گوناگون جنگ ایفا می کردند.	چکیده		
علی شمخانی قائم مقام فرماندهی کل سپاه در دوران هشت سال دفاع مقدس از جمله فرماندهانی بود که در جمع رزمندگان در این زمینه سخنرانی می کردند.			
متن پیش روی حاصل دو سخنرانی از برادر شمخانی است، سخنرانی اول در جمع رزمندگان لشکر ۷ ولی عصر (عج) در ۹ تیر ۱۳۶۴ در پادگان کرخه انجام شده که به همت راوی مرکز برادر داود رنجبر ثبت و ضبط شده و به شماره نوار ۱۶۶۲۴ در مرکز آرشیو شده است.			
سخنرانی بعدی ایشان در جمع رزمندگان تیپ ۱۰ سیدالشهدا (ع) در ۲۶ مرداد ۱۳۶۴ در قرارگاه خاتم الانبیا (ص) انجام شده که با تلاش راوی مرکز برادر محسن رخصت طلب ثبت و ضبط و به شماره نوار ۱۶۷۱۹ در مرکز آرشیو شده است.			
شمخانی در جمع رزمندگان لشکر ۷ ولی عصر (عج) به بیان ابعاد مختلف اسلام انقلابی، ویژگی های حرکت های اسلامی و جایگاه جنگ در حفظ انقلاب و در جمع رزمندگان تیپ سیدالشهدا (ع) به جایگاه خاص تیپ ۱۰ در جنگ، راهبرد عملیات محدود و ... پرداخته است.			
کلید واژگان: انقلاب اسلامی - عملیات محدود - لشکر ۷ ولی عصر (عج) - تیپ سیدالشهدا (ع)			

سخنرانی در جمع نیروهای لشکر ۷

ولی عصر (عج)

۱۳۶۴/۴/۹

صل علی محمد و آل محمد.) و علی آله الطیبین

الطاهرین و لعن الدائم علی اعدائهم اجمعین.

برادران می توانند بنشینند تا خسته هم نشوند.

قال علی بن ابیطالب علیه الصلوه و السلام: «ان الله

فرض الجهاد و عظمه و جعل نصره و ناصره و الله

ما صلحت الدنيا و لا دین الا به»

دو رکن اصلی حیات انقلاب ها در جوامع

بشری

برادر علی شمخانی: بسم الله الرحمن

الرحیم. سلام علیکم و رحمه الله. الحمد لله الذی

هدنا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا ان هدانا الله و

الحمد و صلوه علی سید الانبیاء و المرسلین

المصطفی الامجد ابوالقاسم محمد (حضار: اللهم

سخن رانی برادر علی شمشخانی در جمع نیروهای لشکر ۷
ولم عصر (عج) و مسئولین تب سیدالشهدا (ع)

با درود بر شما مؤمنان، مهاجران و مجاهدان
خط‌شکنان و صابران فاتح بدر. امروزه هر
نظامی، هر انقلابی، هر حکومتی هم برای
پیدایش و هم برای ادامه حیات متکی به دو
رکن است که فقدان هر یک دیگری را مخدوش
و مخدوش شدن این دو رکن، سقوط نظام را
به ارمغان می‌آورد. یکی اعتبار و مرجعیت و
حیثیت و دیگری قدرت. هیچ انقلابی بدون
داشتن اعتبار مشخص و قدرت لازم برای دفاع از
آن اعتبار، نه به وجود می‌آید و نه توان استمرار
دارد و امروز هیچ نظامی در دنیا وجود ندارد
مگر اینکه حتماً متکی بر اعتبار خاص و قدرت
ویژه‌ای است. صرف‌نظر از حق و باطل بودن این
اعتبار و قدرت اما تمامی انقلاب‌ها و نظام‌ها و
حکومت‌ها حتماً متکی بر اعتبار و قدرتند. اگر
ما نظام ستم‌شاهی را مرور کنیم می‌بینیم که
اعتبار خودش را از قبرستان‌های تاریخ کوروش،
داریوش و تاریخ ۰۰۵۲ ساله بر گرفته است.
قدرتش را هم با توان رزمی به عنوان ژاندارم
منطقه از ابرقدرت‌ها در خاورمیانه کسب کرد.
امروز حکام مارکسیست شوروی اعتبار خودشان
را روی ارزش‌های انقلاب سال ۷۱۹۱ لنین متکی
کردند و قدرت لازم برای دفاع از این اعتبار را هم
به وجود آوردند. در غرب هم به همین شکل.
امروز حکام فرانسه خودشان را ادامه دهندگان
انقلاب ۷۹۸۱ کبیر فرانسه می‌دانند و قدرت لازم
برای دفاع از این اعتبار به دست آوردند. هیچ
نظامی وجود خارجی ندارد مگر اینکه قطعاً این
دو اعتبار را به ارمغان بیاورد و داشته باشد و در
خدمت بگیرد. زمانی که یکی از این اعتبارها
ساقط بشود اعتبار دوم هم جذب و هضم و نابود
می‌شود و آن نظام هم از بین می‌رود، توی یک
مبارزه مستمری که از ۵۱ خرداد تا ۲۲ بهمن
۷۵ علیه رژیم شاه سازماندهی شد. اولین چیزی

جلو خودتان پهن می‌کنید. ما یک میلیارد مسلمان در دنیا داریم، ۰۵۷ میلیون نفر از این یک میلیارد توی ۰۵ کشور زندگی می‌کنند و ۰۵۲ میلیون دیگر توی ۳۶ کشور و توی آن ۰۵ کشور ۰۵ درصد و بالاتر از آن جمعیت آن کشور مسلمانند وقتی نگاهی به اروپا می‌اندازیم، آسیا می‌اندازیم، خاور دور می‌اندازیم، خاورمیانه می‌اندازیم، آفریقا می‌اندازیم. می‌بینید که یک حرکت‌هایی رسمی و یک حرکت‌هایی در خفا مشغول نضج گرفتن مشغول رشد هستند. این حرکت‌ها را ما توی اروپا می‌بینیم، توی یوگسلاوی، توی مجارستان، توی بلغارستان، توی آفریقا. می‌بینیم توی مصر، سودان، مراکش، تونس توی خاورمیانه می‌بینیم همه کشورهای که تحت پوشش شورای همکاری خلیج فارس علیه انقلاب مشغول توطئه‌چینی هستند یا کمک می‌کنند به توطئه‌گر در خاور دور مالزی، اندونزی در تمامی این کشورها یک‌سری حرکت‌هایی

تشکیل داده. این اعتبار ضمن اینکه اعتبار فطری است، اعتباری است که مردم خداجوی این کشور را از ابتدای گرایش به اسلام یعنی حدود ۰۰۴۱ سال همواره به طور دائم بعد از هر نماز و در هر نماز خواهان اقامه او بودند. این اعتبار به این اساسی و فطری و محکم به راحتی قابل خدشه‌دار شدن نیست. به همین دلیل امروز استکبار در برخورد با اعتبار نظام جمهوری اسلامی به منظور متلاشی کردنش، برنامه ویژه‌ای برایش چیده، یعنی دیگر انهدام جمهوری اسلامی همچون حکومت آلنده نیست یا همچون سرنگونی انقلاب‌ها دیگر در کل دنیا از کوبا گرفته تا به اتیوپی نیست که جذب قطب‌های مختلف قدرت در دنیا شدند بلکه از آنجا که این اعتبار، اعتبار مبنایی و فطری است برنامه ویژه‌ای برایش تدارک دیدند. این اعتبار از بدو پیدایش خودش و گرفتن قدرت در دستش تنش‌هایی را در دنیا ایجاد کرد.

تفاوت اسلام فطری و اسلام شکلی

همین امروز شما وقتی نقشه دنیا را



علی شمخانی، غلامرضا جعفری، ابوالفضل شکارچی

دارد نضج می‌گیرند که این حرکت‌ها قبل از ۷۵ نبود این حرکت‌ها را کارشناسان سیاسی مطبوعاتی‌ها اسم‌های مختلفی برایش گذاشتند ضمن اینکه این حرکت‌ها را دو شق کردند با دو اسم متفاوت هم نام‌گذاری کردند. اسلام بنیادگر یا اسلام سنتی، مقابلش اسلام انقلابی - اسلام غیرانقلابی، اسلام حاکم - اسلام محکوم، اسلام مردمی - اسلام غیرمردمی، اسلام از پایین، اسلام از بالا. این مجموعه اسم‌هایی است که امروز تحركات اسلامی را در سراسر جهان با آنها نام‌گذاری می‌کنند. یکی از این حرکت‌ها، حرکت جوهره‌دار و ریشه‌دار و اساسی و ریشه‌ای و فطری است و یکی از حرکت‌ها حرکت‌های تصنعی است که می‌خواهد با حرکت مذهبی خودش به عنوان یک حربه مؤثر. مذهب را علیه مذهب به کار بگیرد و تمام تحركات مذهبی‌اش فقط لعاب و شکل و رو ظاهری از مذهب دارند هرگز دارای عمق اعتقادی و عمق ایمانی مذهب نیستند. نگاه کنید امروز شما اگر آمار کارهای اسلامی را در همین منطقه خودمان ارزیابی کنید یا تحركات اسلامی که حکام به اصطلاح مسلمان دارند انجام می‌دهند حکایت از یک گرایش وسیع به مذهب می‌کنند، بعضی‌ها فطری و بعضی‌ها جبری و این تماماً مبتنی بر اعتباری است که نظام جمهوری اسلامی درون جهان و کشورهای اسلامی دمیده، شما امروز وقتی آمار مساجدی را که از بعد از پیروزی انقلاب در خاورمیانه ساخته شده بررسی می‌کنید می‌بینید که تعداد مساجدی که ساخته شده ۰۱ برابر آمار همین مدت زمان در قبل از پیروزی انقلاب است. همین سال گذشته وزیر اوقاف عربستان سعودی

از آن وقتی که تمام عکس‌هایش را ارزیابی می‌کنید می‌بینید که تمام عکس‌هایش با لباس نظامی است و درجات مختلفی که از غرب و شرق عالم به رذالت گرفته اما وقتی جریان مذهبی در کشورش شکل می‌گیرد یک مرتبه می‌بینید که جعفر نُمیری عبا و عمامه زده و با لباس مذهبی سنتی در محافل سیاسی حاضر می‌شود. آیا مردم قبول می‌کنند که جعفر نُمیری مسلمان شده؟

کما اینکه قبول نکردند آنها تا حد سقوط نهضت‌شان را ادامه دادند هر چند که در انتها دیگران بهره‌برداری کردند. اما این حرکت توقف‌پذیر نیست. مردم چطوری می‌توانند قبول بکنند که جعفر نُمیری مسلمان شده و حال آنکه عامل انتقال یهود اتیوپی به اسرائیل بود. مردم چطوری می‌توانند قبول بکنند که ملک فهد مسلمان است و این اقدامات اساسی که دارد می‌کند در ارتباط با ایجاد مساجد، تکثیر کتابخانه‌های قرآن و نمی‌دانم تکثیر نوارهای ویدئو برای ترویج قرآن، این اساسی و اسلامی و

ایمانی است؟ در حالی که امریکا به عنوان متحد اساسی و استراتژیک اسرائیل بزرگترین پایگاه را در عربستان دارد و این پایگاه را ملک فهد در اختیارش قرار داده. این حرکتی که

می‌کنند و اینکه امام می‌فرمایند بعضی‌ها می‌خواهند بر عروۀ الوثقی حاشیه بزنند با توجه به این حرکت مذهبی که هست بعید نیست که ریگان هم صاحب رساله بشود. کما اینکه امروز صدام، ملک‌فهد و مبارک و امثال اینها خود را زبان اسلام و سیف اسلام توی منطقه می‌دانند این حرکت‌ها یک حرکت‌های حکومتی است آیا به نظر شما مبارک مسلمان شده؟ مگر می‌شود آدم سفارت اسرائیل را توی قاهره و پرچم اسرائیل را در قاهره اجازه بدهد در اهتزاز باشد در حالی که مسلمانان جنوب لبنان، مسلمانان نوار غزه، مسلمانان رانده شده فلسطینی یا در زندان انصار است یا در زندان عتلیت است یا در زندان‌های مخوف اسرائیل باشد و مبارک هم اعلام اسلامیت بکند مردم می‌پذیرند؟ همپای با این حرکت‌های شکلی دینی که قطعاً مکر خدا در این خواسته نهفته است و تمامی این اقدامات مذهبی چیزی جز بالا بردن هیجان اسلامی و رجعت به اسلام عظیم در بین توده‌ها نخواهد داشت. همپای با این حرکت‌های دولتی، یک‌سری حرکت‌های مردمی هست. شما یک دفعه می‌بینید در مراکش و تونس شلوغ می‌شود هر چند رئیس‌جمهور مراکش اعلام می‌کند که اینها به خاطر نان اعتراض کردند. همان‌طوری که زمان شاه، شاه اعلام کرد که اینها به خاطر انقلاب سیاه سرخ و تحریک شوروی قیام کردند. در مصر این حرکت‌هایی که امروز مشغول سازماندهی در عمق توده‌های مردم هستند که حداقل اقدامش که ما او را لمس کردیم ترور سادات بود آیا این با اسلام‌گرایی مبارک رکود پیدا می‌کند؟ در سودان جعفر نُمیری قبل از اینکه ساقط بشود تا پیش

برادر علی شمخانی:

آیا جمهوری اسلامی اعتبار

خودش را از شعارهای

رسیدگی به مستضعفین پیدا

کرده؟ آیا جمهوری اسلامی

اعتبارش در ارتباط با خط

ضدسلطه‌گری خارجی است؟

آیا اعتبار جمهوری اسلامی در

ارتباط مسائل دیگری است؟

یا همه اینها هست. اما تنها اینها

نیستند. اعتبار نظام جمهوری

اسلامی را اسلام با یک ریشه

فطری قوی برای جمهوری

اسلامی تشکیل داده است.



علی شمشانی و غلامعلی رشید؛ داخل بالگرد؛ ۱۳۶۲/۷/۴

قابل لمس و درک است. حرکت‌های اساسی دارای این خصوصیات هستند که حرکت‌های شکلی حکام این خصوصیات را ندارند یکی اینکه حرکت‌های اساسی خواهان رجعت تمام عیار به سنت حضرت رسول صل علی و آله و سلم هستند (حضار: اللهم صل علی محمد و آل محمد). حرکت‌های اساسی اسلامی ضدسلطه‌اند، ضداستثمارند و حال آن که اینها در کشورهای خودشان لانه‌های فساد وسیع برای غرب و شرق فراهم کردند. حرکت‌های اساسی اسلامی ضد فسادند و حال آن که امروز دستگاه تبلیغاتی اعم از تلویزیون کشورهای که ادعای اسلام می‌کنند مرکز صدور فساد و فحشا در درون جوامع اسلامی هستند تا پیش از این کشورهای عربی هر کدام برای خودش فرستنده و گیرنده خاص و ویژه تلویزیونی و رادیویی داشت. اما امروز آن را کافی ندانستند برای ترویج سریعتر فساد به دلیل رشد فزاینده‌ای که اسلامی توی منطقه دارد ماهواره عرب رسالتش تزریق مستمر و دائم فساد در درون توده‌های مسلمان عرب است. حرکت‌های

امروز در همه کشورهای خاورمیانه موجود است شما آمار دانشجویانی که امروز گرایش پیدا کردند به خواندن و تحصیل در علوم دینی ارزیابی کنید چهار برابر وضعیت قبل از پیروزی انقلاب ماست. اینها حکایت از یک جوشش مذهبی در درون مردم ما می‌کند. اقداماتی که رژیم‌های حاکم در ارتباط با ترویج اسلام می‌کنند برای ترویج اسلام نیست بلکه برای فرار از این برچسب است که مردم به آنها لقب ضد اسلام ندهند. اما قطعاً این مجموعه اقداماتی که رژیم‌های حاکم دارند انجام می‌دهند. آنها را نمی‌تواند به عنوان کشور اسلامی در نظر توده‌های مردم جلوه بدهد چرا؟

ویژگی‌های حرکت‌های اسلامی

چون بین یک حرکت اساسی اسلامی و یک حرکت شکلی و ظاهری اسلامی نقاط برجسته تمایز و تفاوت وجود دارد که به راحتی برای هر مردمی و هر انسان مسلمان حتی ساده

سرنیزه نزدیک بشود قرآن‌ها را به نیزه می‌کنند. کما اینکه امروز صدام این کار را کرده، امروز اطلاعاتیه‌ها، واژه‌هایی که کشورها و دولت‌های اسلامی استفاده می‌کنند تماماً واژه‌های اسلامی است. اینها ضمن اینکه تزویر و توطئه و فریباند اما همشان رحمتند. همه اینها ضمن اینکه خاصیت بازدارنده‌ای برای حرکت اسلامی ندارد قطعاً در خدمت کشورهای اسلامی و در خدمت حرکت توده‌ای اسلامی در خواهند آمد و ان‌شاءالله موج بنیان‌کنی را با هر چه قوی‌تر شدن انقلاب اسلامی اینها خواهند ساخت و بر سر حکام خودشان خواهند کوفت. کما اینکه بر سر نُمیری کوبیدند، بر سر سادات کوبیدند و بر سر صدام هم خواهند کوفت.

اهداف دشمنان در مبارزه علیه انقلاب اسلامی

این اعتبار که امروز در دنیا توزیع شده تنها و تنها منبع صادر کننده‌اش انقلاب اسلامی ایران است. این اعتبار باید مخدوش بشود. نظام ایران نظام آینده نیست، نظام اعتقادی است که به راحتی اعتبارش قابل خدشه‌دار شدن نیست. به همین دلیل تمامی توطئه‌هایی که از ابتدای پیروزی انقلاب تا به امروز علیه انقلاب اسلامی سازمان‌دهی شد و اجرا شد سلسله‌وار، تمام اینها در وهله اول هدفشان خدشه‌دار کردن اعتبار و حیثیت انقلاب بود و بعد در هم کوبیدن قدرت انقلاب بسیار سعی کردند انقلاب ما را انقلاب ایران معرفی کنند و یک انقلاب فارسی. بسیار سعی کردند انقلاب ایران را انقلاب شیعی معرفی کنند و شیعه هم به نظر دستگاه تبلیغاتی که بخورد توده‌های مسلمان تبلیغات اسلامی غالب می‌کنند شیعه هم یک حزب سیاسی است نه یک جریان اعتقادی. بسیار سعی کردند که در خیلی از موارد هم ناموفق شاید نبودند، سعی

اساسی اسلامی خواهان مساوات و برابری است. اما آیا حکام با حرکت‌های شکلی مذهبی که انجام دادند همپای با آن توانسته‌اند فقر را در جامعه خودشان با این همه ثروتی که دارند و با این همه فراغت بالی که دارند ریشه‌کن کنند؟ مردم می‌بینند که کاخ‌های ملک فهد با خانه‌های پلیتی که در خود جده و اطراف جده وجود دارد هرگز قابل مقایسه نیست. این چهار تا فاکتور و چهار تا ملاک، ملاک تشخیص یک حرکت اساسی و صحیح و اسلوب ایمانی است از یک حرکت شکلی و ظاهری و اسلوب تزویری و امروز همه این اقدامات ضمن اینکه باید پرسید چرا از بعد از سال ۷۵۳۱ این حرکت‌های مذهبی روشن را شروع کرده‌اند؟ همه این اقداماتی که امروز دولت‌ها انجام می‌دهند برای این است که از حرکت ملت‌ها عقب نیفتند. تا به حال اصلاً توی کشورهای اسلامی شما بررسی بکنید برای عید فطر اینها برای همدیگر اصلاً این قدر دولت‌های اسلامی خود را ذلیل و خوار و زبون کرده بود که حتی برای حلول عید فطر برای همدیگر پیام نمی‌فرستادند بررسی کنید سال ۶۵ آیا پیامی بین کشورهای اسلامی برای حلول عید فطر رد و بدل شده؟ این روزها اسلام‌گرایی این قدر وسیع شده که ضمن اینکه عید فطر برای همدیگر پیام می‌فرستند برای حلول ماه رمضان هم برای همدیگر پیام می‌فرستند. تمام برنامه‌های رادیویی تلویزیونی که امروز نظام‌های اسلامی وقتی که می‌خواهند شروع بکنند تماماً با آیه قرآن شروع می‌کنند. شما اولین اطلاعاتیه‌های ستاد مشترک رژیم عراق را بررسی بکنید. بسم الله الرحمن الرحيم ندارد، اما همین الان ضمن اینکه بسم الله الرحمن الرحيم دارد آیه قرآن هم دارد. اینها تماماً توی کلاس معاویه و یزید درس خواندند. هر زمان بهشان فشار و

بدین دلیل است که می‌دانند با تحمیل صلح جمهوری اسلامی اعتبار قدرتمند خودش را در میان توده‌های مسلمان از دست می‌دهد و این حرکت فزاینده رو به رشد اسلام سرکوب خواهد شد و اینکه امام می‌فرمایند صلح با صدام دفن اسلام است دقیقاً منبعث بر همین اعتقاد است که اینها قصد دارند قدرت قوی و رو به رشد جمهوری اسلامی را با صلح تحمیلی بعد از پذیرفتن صلح با تبلیغات به درون توده‌های مردم تزریق کنند که نظام جمهوری اسلامی با خفت صلح را پذیرفت.

جایگاه جنگ در حفظ انقلاب اسلامی

نظام بی‌قدرت، فاقد اعتبار لازم برای گشودن و فتح مرزهای جدید و رسیدگی به یا للمسلمین (امت اسلامی است. جنگ امروز به عنوان یکی از آخرین تجربه‌های انقلاب اسلامی که می‌تواند او را از این اقیانوس آزمایش معتبرتر و قدرتمندتر یا بی‌اعتبار و فاقد قدرتی که قادر به ادامه حیات خودش بعد از پذیرش یک صلح تحمیلی نیست یا باید اصول را کنار بگذارد یا اگر حفظ اصول می‌خواهند بکند باید انهدام را در نظر داشته باشد. این جنگ چنین وسیله‌ای در ید قدرت ما و چنین وسیله‌ای در ید قدرت دشمنان ماست. کیست که باید بجنگد؟ اگر جنگ امروز تنها ضامن اعتبار و قدرت نظام جمهوری اسلامی است. چه کسی باید بجنگد؟ چه کسی باید از این اعتبار و از این قدرت دفاع کند؟ آیا این اعتبار و قدرت در مجامع بین‌المللی قابل حفظ‌اند؟ هرگز نیستند. اگر مجامع بین‌المللی می‌توانستند حفظ کنند مجامع بین‌المللی به شاه بیشتر اعتقاد داشتند شاه را حفظ می‌کردند. خروش مردم در روز قدس قدرت جدیدی به مردم و انقلاب و مسئولین انقلاب داد

کردند تصویر زشت و خشن و خونباری از انقلاب ایران ترسیم بکنند. در کردستان عنصر مسلم مزدور ساختند که هدفش براندازی نظام بود اگر ما برخورد می‌کردیم خوب در نظر آنها این بود که ما انقلاب خشن و جنایتکاری را حاکم کردیم، برخورد نمی‌کردیم ... قدرت ما را به دهان هم ضد انقلاب و هم تمام کسانی که احساس می‌کنند تحلیل‌های ضد انقلاب تحلیل‌های منطقی و اصولی است. حال این اعتبار و این قدرت اگر قرار است خسته بشود و اگر قرار [است] ببرد و اگر قرار [است] شکست بخورد از تمامی سیر زنجیره‌ای توطئه‌ها تا به حال گذشته و یک توطئه عظیم دیگری باقی مانده و آن جنگ تحمیلی است. یک صلوات عنایت بکنید .

حضار: اللهم صل علی محمد و آل محمد.

این جنگ هم به عنوان یک توطئه هدفش هم براندازی قدرت و هم خدشه‌دار کردن این اعتبار بوده است. امروز آن حرکت درون مردمی در جهان اسلام. همان‌طوری که گفتم وقتی منبعش انقلاب اسلامی ایران باشد. جهشش منوط به این است که ما در جنگ ایران و عراق جهش وسیعی پیدا بکنیم. امروز اگر تمامی رادیوهای ضد انقلاب و رادیوهای کشورهای تحت امر استکبار جمهوری اسلامی را تحت فشار صلح قرار می‌دهند تنها

برادر علی شمشانی:

به همین دلیل تمامی توطئه‌هایی که از ابتدای پیروزی انقلاب تا به امروز علیه انقلاب اسلامی سازمان‌دهی شد و اجرا شد سلسله‌وار، تمام اینها در وهله اول هدفشان خدشه‌دار کردن اعتبار و حیثیت انقلاب بود و بعد در هم کوبیدن قدرت انقلاب بسیار سعی کردند انقلاب ما را انقلاب ایران معرفی کنند و یک انقلاب فارسی. بسیار سعی کردند انقلاب ایران را انقلاب شیعی معرفی کنند

قرار است منادی اسلام راستین باشیم باید ما دستمان را به صحن اباعبدالله برسانیم چاره‌ای غیر از این نداریم. رسیدن دست ما به صحن اباعبدالله هم هرگز با تحرکات سیاسی حاصل نمی‌شود بلکه تنها و تنها صدای غرش توپ‌ها و صدای رگبار مسلسل‌هاست که می‌تواند فتح کربلا و فتح قدس را برای ما به ارمغان بیاورد و این تفنگ‌ها و توپ‌ها را امروز اسلام به دست ماها پاسداران انقلاب داده. بر ما هیچ حقی نیست که بگوییم خسته شده‌ایم بر ما هیچ حقی نیست که خانه بسازیم بر ما هیچ حقی نیست که نفس راحتی بکشیم تا زمانی که نفس را بر دشمن تنگ نکردیم. هر زمان که نفس را بر دشمن تنگ کردیم و اسلام را پیروزی اسلام را تضمین کردیم آن زمان زمانی است که تمامی خیر و برکات بر همه ما نازل خواهد شد. کما اینکه در انقلاب به ایران نازل شد. امیدوارم که با حفظ آمادگی رزمی خودمان در درون خودمان هم هر روز بیش از روز قبلش از درون خودمان از اعمال با شرط کردن، با مراقبت کردن، با حساب کشیدن، با عتاب کردن، طهارت نفس را هم به دست بیاوریم. تفنگ بدون طهارت فاقد ارزش و اعتبار است. تفنگ‌های دشمنان ما که فاقد طهارتند قوی‌تر از تفنگ‌های ماست. علت برتری تفنگ‌های ما تنها در این است که عنصر مسلح ما عنصر مطهری است. همان‌طوری که کلام خداست که می‌فرماید: «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» قطعاً هم ما نواقصی در خود داریم. که امروز لیاقت لمس صحن اباعبدالله را نداریم. باید برویم طاهرت‌تر بشویم قطعاً راه کربلا گشوده خواهد شد. به حول و قوه الهی و با استعانت از درگاه آقا امام زمان ان‌شاءالله باید ضمن آغاز یک جوشش درونی برای مهیا شدن برای پذیرش مشکلات بیشتر تفنگ‌های خودمان

که ما در میدان جنگ حاضریم. شعار حضرت امام مبنی بر «جنگ، جنگ تا رفع فتنه» راه و مسیر ما را در ارتباط با جنگ روشن کرده، حجت بر ما تمام است. هم امام تکلیف را روشن کرده، هم امت با جان حاضر شده. چه کسی باید برای پیاده کردن آن اعتقاد و آن ایده‌ای که امام مطرح کرد با استفاده از این قدرت کمر همت ببندد؟ ما منتظر چه کسی هستیم؟ بایست فاتحان بدر، خط‌شکنان بدر، صابران در زیر آتش شدید دشمن در عملیات بدر، باید پاسداران و بسیجیان و پاسداران وظیفه لشکر ولی‌عصر جزیی از این دفاع مقدس باشند و به همین دلیل به حول و قوه الهی لشکر ولی‌عصر همچون سایر سازمان‌های رزمی انقلاب بایست خودش را مهیای این بکند که در هیچ خطی از خطوط جنگ تحمیلی اجازه استراحت به دشمن ندهد.

و امروز عملیات‌های قدس و عملیات‌های ظفر و عملیات‌های دیگر برای این است که خواب را بر چشم دشمن حرام بکند شما باید در این نقش و در این خط نقش اساسی پیدا بکنید. هماهنگ با این به حول قوه الهی باید مهیا بشویم که یک ضربه اساسی دیگری بر دشمن زبون بزنیم. ما دریچه پیروزی و آن مردمی که عرض کردم این همه تحرکات اسلامی در دنیا دارند تنها و تنها با منفذ انقلاب اسلامی تنفس می‌کنند. جنگ تحمیلی تبدیل منفذ روزه‌ای تنفس توده‌های مسلمان به دریچه‌های وسیع تنفس است. اگر ما پیروز بشویم و پذیرش صلح تحمیلی، تعطیل کردن حتی این روزه‌های تنفسی است. بر ما حجت و بر شما حجت و بر ملت ایران حجت را خدا تمام کرده یا باید صلح ذلت بار را بپذیریم و ما منادی آرمان‌های شرق و غرب بشویم یا اگر

توی این استراتژی کجا جای می‌گیرد. ان شاء الله با نشاط‌تر به عملیات خودشان ادامه خواهند داد.

ارزش و اهمیت عملیات محدود

اما ایامی که برادرها در آن عملیات انجام دادند و وضعیتی که خود تیپ داشت و از این به بعد خواهد داشت خوب است که با هم یک بررسی بکنیم. ما مترصد این بودیم که روزهای انتخابات، جو جنگ را زنده نگه بداریم، این هم البته به عنوان جزیی از آن استراتژی که خدمت برادران عرض کردم، ان شاء الله می‌آییم و می‌گوییم دشمن تمام توان خودش را متمرکز کرده بود که در ایام انتخابات به یک نحوی اختلال ایجاد بکند به همین دلیل تمام توان خودش را هم بسیج کرده بود یعنی عراق نیروی هوایی خودش را با تمام توان بسیج کرده بود، دستگاه تبلیغاتی جهانی تمام توان خودش را متمرکز روی این کرده بود با تحلیل‌های مختلف، تزیین‌های فکری متفاوت، بی‌تفاوتی مردم را به نمایش بگذارد و بازوها یا اهرم‌های فشار ابرقدرت‌ها، گروهک‌های مختلف چپ و راست و التقاط هم به اصطلاح هفته‌های عجز خودشان را به نام هفته مقاومت نامگذاری کرده بودند و توی آن می‌خواستند چنانچه انتخاباتی هم صورت بگیرد و شور و نشاطی هم از مردم ملاحظه بکنند این را تحت‌الشعاع یک خبر غیر از انتخابات قرار بدهند و به این شکل پایه‌های جمهوری اسلامی را باز هم متزلزل ارائه بدهند به دنیا. در این رابطه بیشترین مأموریت داخلی را غرب یا شرق یا مجموعه مشترک اینها به منافقین داده بود و منافقین هم تمام تیم‌های عملیاتی مهیای خودشان را که در کردستان تدارک دیده بودند، که چیزی حدود ۲۰ تیم عملیاتی بود به ایران فرستاده بودند، بعد اشکال

را هم تنظیف کنیم جبهه‌های قتال منتظر حضورمان و همه مسلمانان جهان منتظر شنیدن فریادهای الله اکبر در شکستن مرزهای بغداد و بصره و کربلا و سرتاسر مرز میهن اسلامی است. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.
حضار: اللهم صل علی محمد و آل محمد.

سخنرانی در جمع مسئولین تیپ سیدالشهدا (ع) ۱۳۶۴/۵/۲۶

برادر علی شمشانی: بسم الله الرحمن الرحیم. رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي، وَاحْلِلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي، يَفْقَهُوا قَوْلِي. و کان حقاً علينا نصر المؤمنین. عملیات محدود که در یک تقسیم‌بندی وضع فعلی جنگمان، اشکال مختلفی به خودش گرفته علت انتخاب این وضعیت را ما نمی‌توانیم جدای از وضعیت سیاسی ما و جهان اطرافمان، توان رزمی ما و دشمن مستقیم‌مان و روش تحقق جنگ، جنگ تا رفع فتنه‌مان، ما نمی‌توانیم اینها را یعنی این تاکتیک و این روش را از آن مبانی جدا کنیم و ما یک بحثی می‌توانیم خدمت برادران داشته باشیم که چرا ما در این مقطع عملیات محدود را انتخاب کردیم و با این به کجا می‌خواهیم برویم؟ اهداف واسط و مرحله‌ای ما چیست؟ و ان شاء الله چطوری می‌توان با این تحرکات به آن مراحل اصلی جنگ دسترسی پیدا کرد؟ که این را ان شاء الله برادرها وقتی که از مرخصی تشریف آوردند و آماده شدند در حداقل مدت زمان برای عملیات بعد ما می‌آییم خدمت برادران توی تیپ و همان‌جا یک بحث مفصلی راجع به چگونگی و علت و روش‌ها و غایت انتخاب عملیات محدود صحبت خواهیم کرد و ان شاء الله با حفظ این شور و نشاط برادرها بعد از آن باز هم مشخص می‌شود که جایگاه عملیات‌های تیپ سیدالشهدا

رزمی مثبت و با روحیه در تیپ سیدالشهدا بود و این سابقه در یک مقطع ناخواسته مخدوش شد و تیپ سیدالشهدا در وضعیتی قرار گرفت که هیچ یک از برادرها از هیچ جناحی که اصلاً در سپاه این حرف‌ها نیست و نخواهد بود ان شاء الله هیچ گونه تمایلی به این نداشتند که این تیپ از ید رزمی حضرت امام و انقلاب اسلامی و اسلام خارج بشود. مدتی وقفه درش ایجاد شد اما الحمدلله اگر آن موقعی سوخت و سازی هم بود

این سوخت و ساز همچون عود است. عود اگر قرار است بوی خوشی ازش صادر بشود تا زمانی که با آتش آمیخته نشود هرگز بوی خوشی ازش صادر نمی‌شود اگر قرار است دانه گندمی هفتاد دانه به ثمر بیاورد تا زمانی که به زیر خاک نرود هرگز هفتاد دانه حضور و بروز پیدا نمی‌کند و این شاید و مشکلاتی که هم بر سپاه گذشت و هم بر ما گذشت الحمدلله امروز رایحه خوشبوی خودش را توی عاشورا ۳ نشان داد هر چند این رایحه عودوار بود و این گندم بذر خودش را خوب توانسته بود جوانه

بیندازد، هر چند که محدود بود اما ان شاء الله با این مبانی باید برویم با کمک همدیگر با حول و قوه الهی زلزله اساسی توی دل دشمن ایجاد بکنیم به نحوی که هیچ بوی معطری نتواند بر

مختلف عملیات انجام بدهند و عراق درست شب انتخابات ریاست جمهوری آمد خارک را بمباران کرد و مبانی اصلی تیتز خبری دنیا را یا اقدامات منافقین و یا عدم حضور مردم بنا به دعوت مثلاً پهلوی دوم یا تظاهرات بختیاری‌ها و یا بمباران جزیره خارک که توسط عراق تشکل می‌داد. ما همپای با این حرکت که از قبل برای ما مسلم بودند که عراق دست به این کارها خواهد زد، چند تا عملیات عاشورا تدارک دیده بودیم که اینها پنج تا بودند که سه تای آن را توانستیم تا به حال انجام بدهیم، یکی‌اش روی حزب دمکرات و کومله بود که بسیار موفقیت‌آمیز بود، دومی روی عراقی‌ها بود، سومی هم روی عراقی‌ها بود، سومی هم عملیاتی بود درست شب انتخابات ریاست جمهوری یعنی پنج‌شنبه شب انجام شد. البته ما نتوانستیم آنچه که مورد نظرمان بود در ارتباط با اینکه مسئله جنگ را محور اساسی توی انعکاس اخبار قرار بدهیم اما توانستیم توطئه‌ای که دشمن داشت حداقل مسئله ضدانقلاب را تیتز خبری‌اش را بگیریم و توانستیم همپای با این انتخابات مسئله ریاست جمهوری به عنوان یک جوّ به اینها تحمیل بکنیم و غلظت اخبار دنیا را که بیشتر حول این دور می‌زد که خارک را بمباران کردند و جمهوری اسلامی دیگر متلاشی شد و نفت آن تمام شد و در داخل هم امنیت نیست اینها را به حداقل ممکن برسانیم. که این یک‌سری‌اش زاییده کار برادرها است، توی کردستان، یک‌سری‌اش هم زاییده یک‌سری برادران لشکر علی‌بن ابیطالب است، یک‌سری هم زاییده کار برادران تیپ سیدالشهداست.

جایگاه خاص تیپ سیدالشهدا^(ع) در جنگ

تیپ سیدالشهدا توی همه اینها جایگاه خاص‌تری را دارد. یک سابقه بسیار خوب و

برادر علی شمشانی:

ما نمی‌توانیم با تکیه بر تحرکات دیپلماتیک کاری بکنیم تا زمانی که محکم توی دهن دشمن نزنیم و نمی‌توانیم با استفاده از جوامع بین‌المللی یا حالا اسلامی، غیر اسلامی، متعهدها یا غیر متعهدها کاری بکنیم و نمی‌توانیم به مسائل داخلی عراق خودمان را دلخوش بکنیم تا زمانی که با دست خودمان به قلب دشمن نزنیم تمام راه‌های دیگر راه‌های محدود، بسته و غیر قابل قبول هست که این را هم با دلایل متقن می‌شود گفت

دلخوش بکنیم تا زمانی که با دست خودمان به قلب دشمن نزنیم تمام راه‌های دیگر راه‌های محدود، بسته و غیرقابل قبول هست که این را هم با دلایل متقن می‌شود گفت و هم این که ان شاء الله با عمل خودمان باید این را به اثبات برسانیم که ما هیچ راهی غیر از این راه نمی‌توانیم انتخاب بکنیم و به حول و قوه الهی ان شاء الله خداوند هم این را برای ما مقرر خواهد کرد که یا کربلا را با دست‌های خودمان آزاد بکنیم یا اینکه خود کربلایی بشویم. البته این طبیعی است وقتی قرآن را آدم باز می‌کند باید دارای شرایط طهارت باشد، دست به ضریح اباعبدالله کشیدن هم نیاز به شرایط طهارت دارد. ما حتی نقص‌هایی داریم ما باید برویم دنبال کسب آن لیاقت‌هایی که ما را رهنمون شود به مسح ضریح اباعبدالله توی این کوران جنگ و نبرد و ادامه متداوم و مستمر نبرد، به حول و قوه الهی می‌رویم که پیدا بکنیم شرایط لازمه طهارت و ان شاء الله که این شرایط را پیدا کردیم خداوند هرگز نه توپ و نه تانک و نه موشک و نه سلاح‌های پیچیده‌تر عراق را قطعاً بر ما مستولی نخواهد کرد و ما با همین توان مختصر با همین توان اندک به حول و قوه الهی بر توان نظامی دشمن چیره خواهیم شد و ان شاء الله من باز هم از برادران نهایت تشکر را به عمل می‌آوریم و ان شاء الله بعد از آمدن از مرخصی خدمت برادران توی تیپ می‌رسیم که با همه برادرها دیداری داشته باشیم و آن زمانی است که استارت مجدد یک عملیات دیگر زده خواهد شد هر چند که امروز نقش تیپ سیدالشهدا توی عملیات مهم آینده هم روشن است و به فرماندهی یگان موضوع ابلاغ شده است. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.

بوی تیپ سیدالشهدا و کلیه کسانی که امروز کمر همت را تا به انتهای شعار جنگ جنگ تا رفع فتنه بسته‌اند ان شاء الله هیچ عطری نتواند جلوی این عطر و این شامه را بگیرد و ما به عنوان خدمتگزاران سپاه از همه برادرها نهایت تشکر را داریم، ان شاء الله خداوند که حتماً راضی است یعنی رعب و وحشت و ترس که ناشی از همین عملیات‌های محدود و مختصری است که صورت گرفته و شما هم در آن نقشی دارید در دل دشمن وقتی ایجاد می‌شود قطعاً خداوند راضی است نشاط و شور اعتقادی که با همین عملیات‌ها در درون جامعه ما تزریق می‌شود و مؤمنین را شاد می‌کند.

کربلا ساختن یا کربلا گرفتن

به حول و قوه الهی ان شاء الله مورد رضایت خدا هم هست و ان شاء الله همان‌طوری که خدا وعده داده است و من در ابتدای عرایض عرض کردم و کان حقاً علینا نصر المؤمنین به حول و قوه الهی برویم به سمت اینکه با تمام توان یا کربلا بسازیم، هیچ چاره‌ای هم غیر از این نداریم یا کربلا بسازیم یا کربلا بگیریم. به هر شکل ممکن ما هیچ انتهایی به جز یا شهادت یا زیارت که شعار عادی روزمره همه رزمندگان و مردم ما هست هیچ چاره‌ای، هیچ راهی، هیچ گریزگاهی غیر از این انقلاب اسلامی جلوی خودش نمی‌بیند و اگر کسانی امیدوار به چیزی غیر از این هستند، قطعاً اینها هم به این نتیجه می‌رسند که ما نمی‌توانیم با تکیه بر تحرکات دیپلماتیک کاری بکنیم تا زمانی که محکم توی دهن دشمن نزنیم و نمی‌توانیم با استفاده از جوامع بین‌المللی یا حالا اسلامی، غیراسلامی، متعهدها یا غیرمتعهدها کاری بکنیم و نمی‌توانیم به مسائل داخلی عراق خودمان را



تبیین موقعیت ژئوپلیتیک ایران

عبدالوهاب خوجم لی*

چکیده	موقعیت ژئوپلیتیک کشورها در طول زمان و تحت تاثیر عوامل مختلفی همچون جنگ‌ها، انقلاب‌ها، تحولات نظام بین‌المللی و نظام جهانی و تغییر در موازنه‌های قدرت همواره در حال تغییر و تحول می‌باشد. ایران یکی از کشورهایی بوده است که ژئوپلیتیک آن در طول چهار دهه گذشته دچار تغییر و تحولات زیادی شده است که علل آن را می‌توان در طیف مختلفی از عوامل ژئوپلیتیک داخلی و خارجی جستجو کرد. این مقاله با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای به دنبال بررسی روند تغییر و تحولات موقعیت ژئوپلیتیک ایران در دوره‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی بوده است تا چگونگی و علل این روند را مورد واکاوی و بررسی ژرف‌تر قرار دهیم. استدلال منتج از مقاله حاضر این است که روند تحولات ژئوپلیتیک ایران بسیار سریع و در دهه‌های اخیر بیشتر متأثر از روند تغییر و تحولات درونی جامعه ایران و پتانسیل‌های قدرت‌زایی درونی بوده است و عوامل برون ملی و بین‌المللی نقش ثانویه را در این روند داشته‌اند.		
	کلید واژه‌ها:	موقعیت ژئوپلیتیک، تحول ژئوپلیتیک، انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی.	

مقدمه:

جمهوری اسلامی ایران، قلب این پیکره‌ی جهانی محسوب می‌شود. در مقابل، امریکا طی نیم قرن تلاش نموده است تا به مغز جهان تبدیل شود. همچنین هم‌زمان با وقوع انقلاب اسلامی و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و با پدید آمدن نظام دوقطبی خداگرا-بشرگرا، موقعیت ژئوپارادایم ایران به عنوان مرکز جهان خداگرا، مقوم رویکرد انقلاب اسلامی در جهان اسلام، به ویژه در حوزه‌ی الهام‌بخشی برای رهایی از

ژئوپلیتیک، در دیدگاه اندیشمندان علوم سیاسی و جغرافیای سیاسی، همواره از مفاهیم ناپایدار و با تحول‌پذیری زیاد به شمار می‌رفته است که به واسطه‌ی آن موقعیت ژئوپلیتیک متحول کشورها در سطوح مختلف نظام بین‌المللی، جهانی و منطقه‌ای مورد ارزیابی علمی قرار می‌گیرد. امروزه، از نظر موقعیت ژئوپلیتیک جهانی، اگر نظام جهانی یک پیکر واحد در نظر گرفته شود،

* دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

تغییرات و تبعات ژئواستراتژیک بر جای می‌گذارد. همچنین، گذشته از این موارد، ملت ایران نیز با سابقه‌ی ۲۵۰۰ ساله‌ی حضور در فلات ایران و دارا بودن ذهنیت تاریخی پر رنگ از حکومت-ملت بودن، همیشه در تکاپوی ارتقای منزلت و جایگاه خود در سلسله مراتب ساختار ژئوپلیتیک جهانی و منطقه‌ای بوده است. به طوری که اولین تلاش‌های ایجاد ساختار دموکراتیک نظام سیاسی را در اوایل قرن بیستم (۱۹۰۶م.) در قالب انقلاب مشروطه و اولین انقلاب‌های اسلام خواهی را در قالب انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹م.، خیلی جلوتر از دیگر ملت‌های منطقه به ثمر رسانده است که نتیجه‌ی آن بروز تغییر و تحولات اساسی در ساختار و موقعیت ژئوپلیتیک کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه بوده است.

با توجه به این عوامل و اهمیت موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در نظام جهانی و بین کشورهای منطقه و تغییر و تحولات زیادی که موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در طول دهه‌های گذشته با آن رو به رو بوده است، در این مقاله سعی شده است، ضمن تشریح و بررسی روند تحولات ژئوپلیتیکی کشور ایران، عوامل مؤثر در این تغییر و تحولات را بیان کنیم.

روش تحقیق

در این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع مورد بررسی، روش تحقیق به کار رفته، توصیفی-تحلیلی می‌باشد که در آن سعی شده است با استفاده از منابع کتابخانه‌ای برای استدلال‌های پژوهش، دنبال توجیه قانع کننده باشیم.

مباحث نظری

موقعیت ژئوپلیتیک ایران

در سیاست جغرافیایی یا ژئوپلیتیک، نقش

سلطه‌ی بیگانگان بوده است که نشانگر موقعیت ژئوپلیتیک ایران در بین کشورهای منطقه به ویژه خاورمیانه می‌باشد.

باید خاطر نشان کرد که هر حوزه‌ی منطقه‌ای دارای قواعد رفتاری ویژه‌ای می‌باشد. بنابراین کشورهای منطقه‌ای، قدرت‌های بزرگ و همچنین جمهوری اسلامی ایران نقش‌های منطقه‌ای منحصر به فردی را در هر سیستم تابع منطقه‌ای ایفا می‌کنند (محمدی، متقی، ۱۳۸۹: ص. ۱۳۹). همچنین، محیط امنیتی هر جامعه‌ای، تابع و برآیندی از تعامل و تقابل متغیرهای محیط داخلی و محیط خارجی آن است. بر این اساس، محیط امنیتی ایران به اقتضای طبیعت و هویت انقلابی-ایدئولوژیکی‌اش و از جهت تاریخی، فرهنگی و قومی به سبب موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیکی‌اش محیطی آسیب‌پذیر و حساس بوده است. (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۵: ص. ۲۱)

موقعیت ژئوپلیتیکی ایران، در ساختار فضائی ژئوپلیتیک جهانی همراه با دارا بودن کدهای ژئوپلیتیک مؤثر و خیلی قوی در داخل کشورهای همسایه و منطقه‌ی خاورمیانه، به گونه‌ای است که قدرت‌های جهانی و نیز کشورهای هم منطقه با ایران را نسبت به تغییر در وزن ژئوپلیتیکی و تحولات داخلی و خارجی خود بسیار حساس کرده است. زیرا در بسیاری از موارد منافع ملی کشورهای منطقه و منافع بازیگران داخلی کشورهای منطقه در رابطه‌ی مستقیم با شرایط ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران و تصمیمات رأس نظام سیاسی ایران قرار دارد. در سطح جهانی اهمیت موقعیت ژئوپلیتیکی ایران به گونه‌ای تشریح شده است که آن را هارتلند ژئوپلیتیک قرن بیست و یکم و در قلب منطقه‌ی بیضی شکل انرژی استراتژیک، قرار داده است. به طوری که هرگونه تغییری در وضعیت ژئوپلیتیک ایران، شرایط ژئوپلیتیکی کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه را بر هم زده و در سطح جهانی

است که در ترکیب با عوامل و عناصر ژئوپلیتیک مهم دیگری چون ژئوپلیتیک انرژی، ژئوپلیتیک دسترسی و ژئوپلیتیک سلطه‌ی موقعیت ژئوپلیتیک بسیار حساس را در خود می‌بیند. این موقعیت باعث شده است تا تحولات ایران در مرکز توجهات قدرت‌های جهانی و کشورهای منطقه باشد که در ترکیب با سابقه‌ی تاریخی ملت ایران و پتانسیل‌های ملی، چرخه و سیکل تغییرات، موقعیت ژئوپلیتیک بسیار سریعی را برای آن به دنبال داشته است.

از دیدگاه جغرافیدانان سیاسی، قدرت هر کشور به شدت از ژئوپلیتیک و موقعیت آن تأثیر می‌پذیرد. ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی آن، وضعیت ژئوپلیتیک منحصر به فردی دارد که به کشوری بین‌المللی تبدیل شده است.

جمهوری اسلامی ایران از سه بعد «ژئوپلیتیک»، «انرژی» و «فرهنگی-ایدئولوژیک» ظرفیت و توانایی تأثیرگذاری بر نظام بین‌المللی را دارد. افزون بر آن، ایران، خود زمانی تشکیل دهنده‌ی نظم بین‌المللی بوده است. از نظر ژئوپلیتیک، موقعیت جغرافیایی ایران به نحوی است که در همسایگی قدرت‌های مهمی چون روسیه و حوزه‌ی نفوذ

امریکا (جنوب خلیج فارس) قرار دارد. قرار گرفتن در مناطقی که قدرت‌های بزرگ، منافع حیاتی برای خود قائل‌اند، به طور طبیعی، جایگاه کشور را در تعامل میان قدرت‌های بزرگ افزایش می‌دهد. از نظر اقتصادی شاهراه‌های بزرگ تجاری جهان در دریا و خشکی یا از ایران یا از نزدیکی ایران می‌گذرند و بر این اساس، ایران با پانزده کشور همسایه دارای مرز آبی و خاکی است، ضمن این‌که با برخورداری از بخش قابل توجهی از انرژی جهان، داشتن تسلط ژئوپلیتیک بر بیش از نیمی از ذخایر انرژی دنیا در منطقه‌ی خلیج فارس جایگاه مهم در میان کشورهای صادرکننده نفت (اپک) و نهایتاً، نقش بالقوه ایران

عوامل محیط جغرافیایی بر روابط کشورها در نظر گرفته می‌شود. بدون تردید یکی از متغیرهای مؤثر در شکل‌گیری خط‌مشی سیاست خارجی و همچنین مباحث استراتژیک و سیاست دفاعی هر کشور، محیط منطقه‌ای و ابعاد مختلف آن است. امروزه نقش هر کشور در سیاست جهانی تحت تأثیر عوامل ژئوپلیتیک آن است. به گونه‌ای که از دیدگاه جغرافیدانان سیاسی، قدرت هر کشور به شدت از ژئوپلیتیک و موقعیت جغرافیایی آن تأثیر می‌پذیرد. ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی آن، وضعیت ژئوپلیتیک منحصر به فردی را داراست. این موقعیت، ایران را تبدیل به کشوری بین‌المللی کرده است که همواره در معادلات جهانی نقش برجسته‌ای به آن می‌دهد. موقعیت ژئوپلیتیک ایران با انزوای گرای سازگار نیست و نوعی سیاست خارجی برون‌گرا و فعال را به سیاست‌گذاران توصیه می‌کند. (خلیلی، منشادی و آزموه، ۱۳۹۰: ۸۹-۹۰) موقعیت خاص ایران، همواره بستر مناسبی را برای ایجاد تنش‌های سیاسی و نظامی و به مخاطره افتادن امنیت ملی آن فراهم آورده است. در گذشته، ژئوپلیتیک ایران به سبب عواملی، مانند منابع خام یا موقعیت گذرگاهی، مورد توجه قرار می‌گرفت، اما با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط شاه، ایران که یکی از متحدین امریکا و غرب در منطقه بود به نیرومندترین دشمن آن‌ها در منطقه تبدیل شد و منافع آن‌ها را آماج حملات تبلیغی خود قرار داد. از این‌رو، غرب از جانب ابعاد جدیدی از ژئوپلیتیک ایران احساس خطر می‌کند. (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۱) یکی از مهم‌ترین این موارد، عوامل اعتقادی و ایدئولوژیک و در رأس آن ژئوپلیتیک اسلامی-شیعی می‌باشد. ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی در مرکز جهان اسلام و در قلب جهان تشیع، واقع شده

خود بهره برده است و متقابلاً از همین عوامل نیز تأثیر پذیرفته است.

اگر صفحات تاریخ دو هزار پانصد ساله‌ی ایران را ورق بزنیم، به زودی متوجه خواهیم شد که سرچشمه‌ی بسیاری از گرفتاری‌ها، جنگ‌ها و حتی تحمیلات سیاسی وارد شده به این مملکت مربوط به موقعیت جغرافیایی ایران بوده که در بسیاری از مواقع به علت اهمیت سوق‌الجیشی (ژئوپلیتیک) آن مورد تجاوز ممالک همسایه واقع می‌شده است. البته این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که سرعت راه‌یابی تمدن جدید در زندگی مردم ایران و توسعه و پیشرفت امور تجاری هم معلول موقعیت جغرافیایی این مملکت بوده است. (میر حیدر، ۱۳۸۹: ۲۳) به طوری که صد و پنچ سال قبل، جلوتر از تمام ملت‌های شرقی، انقلاب دموکراسی خواهانه‌ی مشروطه را به ثمر رساندند که خود زمینه‌ساز اولین تحول ژئوپلیتیک در تاریخ معاصر ایران یعنی فروپاشی سلسله‌ی قاجاریه و تأسیس سلسله‌ی پهلوی اول به دست رضاشاه شد. در زمان رضاشاه، ایران از موقعیت ژئوپلیتیک سنتی تحت سلطه‌ی روسیه و بریتانیا در شمال و جنوب کشور، خارج و به طور موقت بازیگر سوم یعنی کشور آلمان را به بازی گرفت که در آخر با وقوع جنگ جهانی دوم و شکست هیتلر به وضعیت ژئوپلیتیک تک متغیره همراه با نفوذ کامل ایالات متحده آمریکا در ایران تبدیل شد. ایران در قالب پیمان سنتو در موقعیت حائل بین اتحاد جماهیر شوروی و قدرت‌های غربی در جبهه‌ی غرب قرار گرفت. با وقوع انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی موقعیت ژئوپلیتیک ایران بار دیگر در قالب یک نوع بی طرفی فعال نسبت به دو ابر قدرت آمریکا و شوروی تحول یافت. در این دوره، ضمن دوره گذار سال اول انقلاب با وقوع هشت سال جنگ تحمیلی از جانب عراق به ایران موقعیت

در تأمین امنیت اقتصادی و انرژی به عنوان سوخت سیاست در جهان برجستگی خاصی دارد. به دلیل اهمیت و حساسیت این موقعیت ژئوپلیتیکی است که قدرت‌های بزرگ، مانع تقویت و نقش آفرینی یک ایران ناهماهنگ با نظام بین‌المللی می‌باشند. (ایزدی و خلفی، ۱۳۹۰: ۴۷-۴۸)

تحولات ژئوپلیتیک ایران

تحول ژئوپلیتیکی، عبارت است از بروز تغییر و دگرگونی در الگوها، نظم‌ها و ساختارهای ژئوپلیتیکی. تحول ژئوپلیتیکی ماهیتی پویا و دینامیک دارد و عمدتاً در اثر تحول در وزن ژئوپلیتیکی و ساختار و کارکرد عوامل و متغیرهای مؤثر در قدرت ملی و جمعی پدید می‌آید. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۴۴) برای فهم تحولات و رقابت‌های ژئوپلیتیکی علاوه بر منافع و ادعاها، ضروری است علل آنها و نیز اندیشه‌های نقش آفرینان اصلی از جمله سران، شخصیت‌های با نفوذ و نهادهای تصمیم‌گیرنده در حکومت‌ها، رهبران و افراد کلیدی جنبش‌های منطقه‌گرا، خودمختاری طلب و استقلال طلب را نیز درک کرد. نقش اندیشه‌ها در ژئوپلیتیک، بسیار مهم است. زیرا این اندیشه‌ها هستند که اهداف را تعیین می‌کنند. همان گونه که داده‌های مادی، انتخاب راهبرد مناسب را امکان‌پذیر می‌نمایند. (واعظی، ۱۳۸۵: ۲۹-۳۰) در چهار دهه‌ی گذشته، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در تحول موقعیت ژئوپلیتیکی ایران که مبنای تعاملات ایران با قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای را شکل داده است، همین اندیشه‌های ایدئولوژیک مردم و حکومت ایران در قالب ایدئولوژی اسلامی- شیعی می‌باشد. اهداف حکومت ایران بر پایه‌ی همین اندیشه تعریف شده و همواره از داده‌های مادی خود همچون ژئوپلیتیک انرژی و دسترسی و دیگر پتانسیل‌های ملی خود در راستای رسیدن به اهداف اعتقادی و ایدئولوژیک

واقعیت‌های ایران، راه کارهای منطقی را به آن‌ها پیشنهاد می‌دهد. از نظر اریک ریتر*، ایران به عنوان یک عامل مهم تأثیرگذار در جهان اسلام و آسیای مرکزی باقی خواهد ماند. (احمدی و پارسایی، ۱۳۸۴: ۲۹۵)

یافته‌های تحقیق

ژئوپلیتیک ایران قبل از انقلاب اسلامی

ایران و ژئوپلیتیک دو قطبی

شکل‌گیری دوران ژئوپلیتیک دو قطبی در جهان، بعد از جنگ جهانی دوم و از زمان عقب نشینی نیروهای شوروی از آذربایجان ایران بوده است و بعد از دستیابی اتحاد شوروی در سال ۱۹۴۹م. به بمب اتم و شروع جنگ کره در سال ۱۹۵۰م. به طور رسمی آغاز شد.

ایران پس از جنگ جهانی دوم در چارچوب منافع آمریکا و غرب و با هدف مهار شوروی، اهمیتی ژئواستراتژیک یافت و همین امر، منشأ سیاست‌های آمریکا در برابر ایران و حتی طراحی کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ با مشارکت انگلیس، برای برکناری دولت مصدق بود. ترومن نیز بر همین اساس «تئوری دربرگیری» خود را، مشتمل بر تصمیم آمریکا به دفاع از منافع استراتژیک خود و هم پیمانانش در برابر تهدیدات و مطامع اتحاد شوروی اعلام کرد. (درودیان، ۱۳۸۲: ۱۵۱) موقعیت ژئوپلیتیک ایران تا قبل از انقلاب اسلامی، با تأکید بر متغیرهای سنتی مورد ارزیابی قرار می‌گرفت و همین متغیرها بودند که باعث جلب توجه کشورهای غربی، به ویژه آمریکا، به ایران شده بود. هر یک از کشورهای غربی اهداف خاصی را در ژئوپلیتیک ایران دنبال می‌کردند. از جمله می‌توان به توجه آن‌ها به موقعیت گذرگاهی ایران و بازار مصرفی قابل توجه در ایران، با توجه به متغیر جمعیت، منابع خام

ژئوپلیتیک ایران در ضدیت با غرب و پیشبرد اهداف ایدئولوژیک دفاع از منافع مسلمین جهان و منطقه‌ی خاورمیانه به خصوص دفاع از حق ملت مظلوم فلسطین در برابر رژیم صهیونیستی اسرائیل شکل گرفت که هم اکنون در قالب پرونده‌ی انرژی هسته‌ای ایران شکل شدیدتری به خود گرفته است.

جایگاه ایران در نظریه‌های ژئوپلیتیک

نظریه‌پردازان معروف در اندیشه‌های خود موقعیت ایران را نادیده نگرفته‌اند و نقش بی‌نظیر این کشور را در تأثیرگذاری بر مسائل مختلف جهانی مطرح کرده‌اند. مکی‌ندر، ایران را به دو بخش تقسیم می‌کند. از ارتفاعات البرز به سمت شمال را جزء هارتلند یا قلب زمین و از البرز به سمت جنوب را جزء هلال داخلی می‌داند. ماهان در نظریه‌ی قدرت دریایی، برای ایران موقعیت گذرگاهی قائل بود که در مسیر دسترسی قدرت بّری (زمینی) روسیه به اقیانوس‌های جهان قرار دارد. ایران در نظریه اسپایکمن، بخش مهمی از ریملند است و به همین دلیل، موضوع رقابت دو قدرت بّری (زمینی) و بحری قرار گرفته است. کوهن، هر چند در نظریه‌ی سیستمی خود از ایران به عنوان عنصری بی‌قرینه و کشوری بنیادگرا یاد می‌کند ولی در نظریه‌ی ساختار ژئوپلیتیک جهان، ایران را بخش مهم منطقه‌ی خرد شده خاورمیانه می‌داند که می‌تواند منشأ تحول باشد. از نظر هانتینگتن، ایران مرکز تمدن اسلامی است که اتحاد آن با تمدن کنفوسیوسی می‌تواند پایه‌های تمدن غرب را متزلزل سازد. مجتهدزاده، ایران را هارتلند جدیدی در ژئوپلیتیک پست مدرن تصور می‌کند و فولر از آن به عنوان قبله عالم یاد می‌کند. ایران در دیدگاه توال، سرچشمه‌ی تحرک و پویایی جهان تشیع و جهان اسلام است. برژینسکی نیز با توجه دادن دولتمردان آمریکا به

* - Erich Reiter

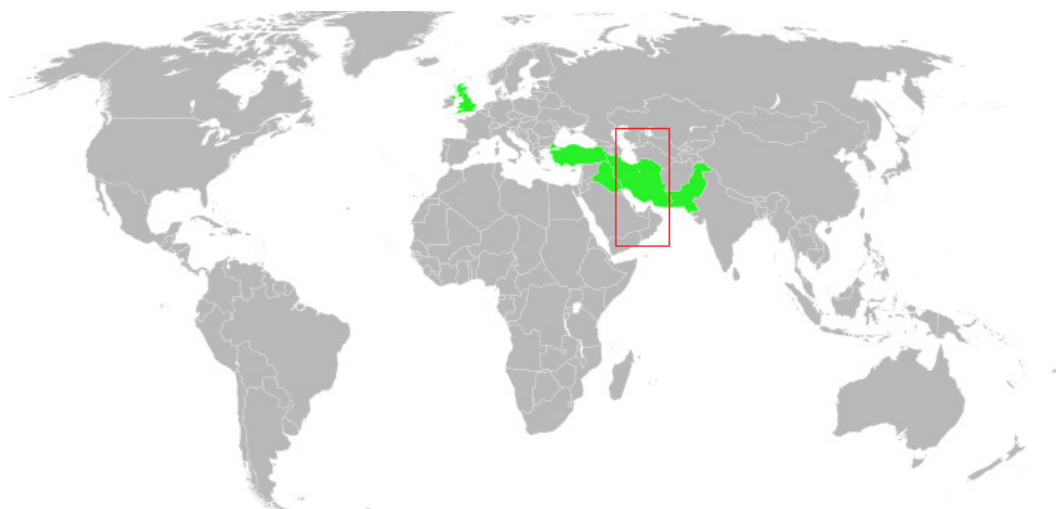
و نفتی ایران، اشاره کرد. از نظر آن‌ها، ثبات و امنیت منطقه [خاورمیانه و خلیج فارس] در گرو امنیت ملی ایران بود. (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۳) با خروج نیروهای نظامی انگلستان از منطقه خلیج فارس در سال ۱۳۵۰ه.ش. (۱۹۷۱م.)، ایالات متحده آمریکا حفظ امنیت منافع غرب در این منطقه را عهده‌دار شد. آمریکا این وظیفه‌ی حراست از منافع غرب را در ابتدا بر اساس دکترین نیکسون - کسینجر با انتخاب شاه ایران به عنوان ژاندارم منطقه به انجام رسانید. (الهی، ۱۳۸۶: ۲۹۱) آمریکایی‌ها معتقد بودند، بی‌ثباتی و بروز ناآرامی در منطقه باعث نفوذ شوروی می‌شود که از جمله آثار آن به خطر افتادن امنیت متحدان و نهایتاً امنیت خود آن‌ها خواهد بود. به همین منظور، سنتو (سازمان پیمان مرکزی) را در ۲۱ اوت ۱۹۵۹ م. به عنوان

اگر صفحات تاریخ دو هزار پانصد ساله‌ی ایران را ورق بزنیم، به زودی متوجه خواهیم شد که سرچشمه‌ی بسیاری از گرفتاری‌ها، جنگ‌ها و حتی تحمیلات سیاسی وارد شده به این مملکت مربوط به موقعیت جغرافیایی ایران بوده که در بسیاری از مواقع به علت اهمیت سوق الجیشی آن مورد تجاوز ممالک همسایه واقع شده است.

جانشین «پیمان بغداد» به وجود آوردند. (آذری نجف آبادی، ۱۳۹۰: ۷۰۷-۷۰۸) در واقع سیاست آمریکا بعد از گرفتاری جنگ ویتنام، بر این مدار قرار گرفت که قدرت‌های منطقه‌ای خاصی را تعیین و سازماندهی کند تا در چهارچوب سیاست‌های آمریکا و غرب عمل کنند، از این حیث حکومت شاه ایران، برای اهداف و نیت آمریکا در خلیج فارس، مناسب بود. از آنجایی که دادن امکان مانورهای نظامی برای شاه به عنوان ژاندارم منطقه مستلزم تقویت قدرت نظامی بود، در سال ۱۹۷۲م. (یک سال پس از خروج انگلیس) یک سوم بودجه‌ی کشور صرف خرید سلاح شد و ایران در مجموع،

بود. (حافظ نیا، ۱۳۸۴: ۶۶-۶۷) بهانه ژاندارمی منطقه باعث شده بود که ایران، قبرستان صنایع و کارخانه‌های وابسته و زرادخانه‌های تسلیحات نظامی شود. ایران در دهه‌ی ۱۳۵۰ه.ش.، سلاح‌ها و تسلیحاتی داشت که حتی برای ارتش آمریکا نیز گران تشخیص داده می‌شد.

از لحاظ اقتصادی در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۳۳ تا ۱۳۵۰ دولت ایران با اتکا به رانت نفت، برنامه‌ی بلند پروازانه‌ای را برای نوسازی و صنعتی کردن کشور دنبال کرد. در نیمه‌ی دوم دهه‌ی چهل مشکلات اقتصادی و سیاسی الگوی توسعه‌ی نفت محور، به مرور پدیدار شده بودند. اما از



موقعیت ایران در پیمان سنتو

رژیم جدید به دامن اتحاد جماهیر شوروی نیفتاد، اما رفتار پیش‌بینی‌ناپذیر و شعارهای خشن آن کشور توازن قدرت در منطقه‌ها را تغییر داد و امریکا و متحدان آن اکنون از این نگران بودند که با ایران و شوروی رو در رو قرار بگیرند. (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳: ۱۰۳) پیروزی انقلاب اسلامی یک مکتب ایدئولوژیک دیگر مخالف با ایدئولوژی مادیگرایی غرب را به موازات ایدئولوژی فرسوده‌ی کمونیسم اتحاد جماهیر شوروی در مقابل ابرقدرت‌های غربی قرار داد که با دارا بودن زمینه‌های فرهنگی قوی در ملل مسلمان جهان و منطقه‌ی حساس خاورمیانه و برخورداری از ارزش‌های ناب اسلامی، مبارزه طلبی خود را با ارزش‌های مادی غرب اعلام نمود.

استراتژی ژئوپلیتیکی صدور انقلاب

صدور انقلاب اسلامی، بنیادی‌ترین استراتژی ژئوپلیتیکی بعد از انقلاب بوده و هست که منجر به برانگیختن حساسیت‌های زیادی بین کشورهای منطقه‌ای و قدرت‌های جهانی شده هست. محتوا

۱۳۵۰ به بعد، با افزایش سریع قیمت نفت، این مشکلات مانند یک غده‌ی سرطانی بدخیم در کل نظام اقتصادی و سیاسی کشور گسترده شدند و با سرعت کشور را به درون بحران اقتصادی و سیاسی سرنوشت‌سازی فرو بردند که نهایتاً به فروپاشی نظام سیاسی کشور در دهه‌ی ۷۰ میلادی انجامید. (زمانی، ۲۰۰۸: ۷۲)

ژئوپلیتیک ایران، حدفاصل پیروزی انقلاب تا آغاز جنگ تحمیلی

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران که نتیجه‌ی آن براندازی رژیم شاهنشاهی و استقرار جمهوری اسلامی بود، تعادل سیاسی منطقه‌ی خاورمیانه را، که عمدتاً به سود مستبدان و ابرقدرت‌ها بود، برهم زد و نظر به اهمیت فوق‌العاده‌ی منطقه‌ی خلیج فارس، برهم خوردن تعادل قوا در این منطقه، نظام بین‌المللی را نیز به طور چشم‌گیری متأثر ساخت و منافع عمدتاً ناحق آن‌ها را تهدید کرد. (حشمت زاده، ۱۳۷۹: ۷۰) ایران پس از انقلاب سال ۱۹۷۹م. به دشمن ایالات متحده تبدیل شده بود. در حالی که

و اصول این استراتژی را می‌توان در بیانات اوایل انقلاب حضرت امام خمینی^(ره) یافت:

«ما انقلاب‌مان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله^(ص) بر تمام جهان طنین نیفتد مبارزه هست و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲: ۱۳۸)

همچنین ایشان با هشدار به کسانی که مخالف صدور انقلاب بودند این چنین فرمودند:

«ما باید در صدور انقلاب‌مان به جهان کوشش کنیم و تفکر این‌که ما انقلاب‌مان را صادر نمی‌کنیم، کنار بگذاریم؛ زیرا اسلام بین کشورهای مسلمان فرقی قائل نمی‌باشد و پشتیبان تمام مستضعفین جهان است، از طرفی دیگر تمام قدرت‌ها کمر به نابودی‌مان بسته‌اند و اگر ما در محیطی در بسته بمانیم قطعاً با شکست مواجه خواهیم شد.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲: ۲۰۲)

معنا و مفهوم صدور انقلاب

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سرآغاز تحقق وعده‌ی الهی برای رهایی مستضعفان بود. این

انقلاب همچون مشعل فروزانی راه رهایی ملت‌ها را از قید و بند استکبار جهانی روشن کرد و به گفته‌ی شهید والا مقام محمد جواد باهنر:

«انقلاب ایران، اسلام عزیز را در دنیا حیات تازه‌ای بخشید.» (نقش قیامی انقلاب اسلامی، ص. ۹۵)

گیز لاکر/فت، دانشمند آلمانی شرکت‌کننده در همایش بین‌المللی «گفت‌وگوی فرهنگ‌ها: حافظ، گوته و پوشکین»، با اعلام این مطلب گفت: «اسلام در دهه‌های اخیر به الگو و مکتب نیرومندی تبدیل شده که در سایه‌ی آن مبارزه شدید با مادی‌گری و برای احیای معنویت جریان دارد.»

تجدید حیات جوامع اسلامی و رشد روزافزون معنویت و بیداری ملت‌های تحت ستم در سایه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی باعث شد تا ماشین جنگ روانی غرب با تمام قدرت و توان خویش پروسه‌ی مخدوش‌سازی چهره‌ی انقلاب اسلامی را با شیوه‌ها و ابزارهای مختلف به کار بندد تا در ارزش‌های اسلامی و امکان اجرای آن‌ها در قرن بیستم شک و تردید ایجاد کند. یکی از توطئه‌های استعماری آنان تحریف و وارونه جلوه دادن صدور انقلاب بود به گونه‌ای که هدف از صدور انقلاب را که دعوت به اسلام بود به معنای تجاوز به سرزمین دیگران و جنگ و زورگیری معرفی کردند. حضرت امام خمینی^(ره) در مقام تبیین معنا و مفهوم صدور انقلاب اسلامی تصریح می‌کنند: «ما که می‌گوییم اسلام را می‌خواهیم صادر کنیم معنایش این نیست که ما سوار طیاره بشویم و بریزیم به ممالک دیگر. یک همچون چیزی نه ما گفتیم و نه ما می‌توانیم. اما آن‌که ما می‌توانیم این است که می‌توانیم به وسیله‌ی دستگاه‌هایی که داریم به وسیله‌ی همین صدا و سیما به

شورای همکاری خلیج فارس در طول جنگ تحمیلی از عراق حمایت بی‌دریغ نمود، به طوری که بنادر کویت و حتی جزیره «بویان» عملاً در اختیار عراق بود. عربستان و کویت هزینه‌های تسلیحاتی عراق را تأمین کردند که این کمک‌ها تا سال ۱۳۶۴ رقمی معادل ۳۰ میلیارد دلار را شامل می‌شد. علاوه بر این، این دو کشور در طول جنگ تحمیلی روزانه حدود ۳۰۰ هزار بشکه نفت از جانب عراق به فروش می‌رساندند.

سابق)، امریکا در سطح معادلات بین‌المللی و منطقه‌ای در برابر رقیب خود در دوران جنگ سرد دچار چالش‌های اساسی شد. به همین دلیل، نیروهای واکنش سریع را تشکیل داد و در منطقه‌ی خلیج فارس و جنوب غربی آسیا فرماندهی مرکزی به وجود آورد تا مسئولیت بحران در این منطقه از حیطة عملکرد سایر ستادهای فرماندهی منطقه‌ای اقیانوس آرام، اقیانوس اطلس و اروپا بیرون کشیده شود. (درودیان، ۱۳۸۲: ۲۴۱) در واقع با سقوط شاه، ستون اصلی سیاست امریکا در منطقه فرو ریخت و در نتیجه، ساختار امنیت منطقه‌ای را در حوزه‌های مشترک المنافع با ایالات متحده دگرگون کرد و امریکا را واداشت تا استراتژی منطقه‌ای خود را مجدداً ارزیابی کند. (همان: ۲۰۵)

در ابعاد منطقه‌ای، به دلیل تعارض ایدئولوژیک انقلاب اسلامی با ایدئولوژی و منافع برخی از حکومت‌ها و رهبران کشورهای منطقه و ایدئولوژی و منافع قدرت‌های جهانی، انقلاب اسلامی در انزوای نسبی قرار گرفت. به قدرت رسیدن حضرت امام خمینی^(ع) در ایران تغییری اساسی در فضای سیاسی خلیج فارس ایجاد کرده بود. در این باره می‌توان به دو دلیل عمده اشاره کرد. اولین و عمومی‌ترین دلیل آن که رژیم اسلامی، با زیر سؤال بردن مشروعیت حاکمان سنتی و نیز مشروعیت رژیم بعث عراق، وضعیت موجود را به چالش کشید. جهان‌بینی حضرت امام خمینی^(ع) با مفهوم دولت ملی یا سرزمینی ناسازگار بود. مبانی این جهان‌بینی یکی اعتقاد به پایبندی دولت‌های کشورهای مسلمان به اصول اسلام به عنوان شرط مشروعیت آن‌ها و دیگری تفسیر شخصی و غیر متعارف ایشان در خصوص «ولایت فقیه» بود. دومین دلیل نیز آن بود که جاذبه بالقوه‌ی حضرت امام خمینی^(ع) در

وسيله‌ی مطبوعات به وسیله‌ی گروه‌هایی که به خارج می‌روند اسلام را آن طوری که هست معرفی کنیم. اگر آن طوری که هست معرفی بشود مورد قبول همه خواهد بود.» (صدور انقلاب از دیدگاه امام، ۱۳۷۶، ۶۱-۶۰).

انزوای ژئوپلیتیک ایران

محیط ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی ایران، تحت تأثیر شرایط جدید سیاسی، دگرگون شد. ایالات متحده به عنوان متضرر اصلی انقلاب اسلامی در ایران، تلاش‌های همه جانبه‌ی خود را برای تحت نفوذ در آوردن دوباره‌ی ایران آغاز کرد که عمده‌تاً ناموفق بود و به تدریج روند حوادث در ایران، خروج این کشور را از محور غرب به رهبری ایالات متحده تأیید کرد.

تصرف سفارت ایالات متحده در تهران (و به وجود آمدن بحران گروگان‌گیری و حوادث صحرای طبس) و به دنبال آن تحریم‌های ایران از جانب امریکا را می‌توان مهم‌ترین مواجهه‌ی جدی میان دو کشور پس از سقوط شاه، قلمداد کرد. (علومی، ۱۳۸۷: ۹۸) بعد از این حوادث به تدریج ایران از نظر دیپلماتیک منزوی شد و در حالت بحران داخلی و نظامی به سر می‌برد. در ماه‌های پیش از آغاز جنگ نیز، ایران از نظر بین‌المللی و منطقه‌ای منزوی شده بود، چرا که (همانطور که گفتیم) از سال ۱۹۷۹م، تعداد ۵۲ امریکایی را به گروگان گرفته و از سوی غرب طرد شده بود. همچنین با شوروی نیز روابط گرمی نداشت، زیرا جنگ شوروی در افغانستان را تهدیدی برای امنیت منطقه می‌دانست و افزون بر آن، کمونیسم را که وجود خدا را منکر بود، تهدیدی جدی برای اسلام تلقی می‌کرد و از مقاومت افغان‌ها در مقابل شوروی حمایت می‌کرد. (دری، ۱۳۸۸: ۱۷۷)

در واقع بعد از اشغال افغانستان (توسط شوروی

شوروی باعث شد تا موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در نظام جهانی به سرعت تنزل یافته و سرانجام اوضاع بین‌المللی و محیط منطقه‌ای و درکی که عراقی‌ها از وضعیت سیاسی- نظامی و اجتماعی ایران داشتند و نیز اعتقاد عراقی‌ها به توانمندی نظامی خود در برابر ایران، سبب شد، استراتژی عراق با هدف کسب پیروزی سریع بر پایه‌ی «جنگ محدود و برق آسا» (علیه ایران) طرح ریزی شود. موضع‌گیری و رفتار آمریکایی‌ها در برابر ایران، از جمله «عملیات طیس» و «طرح‌ریزی کودتای نقاب»، برای عراق این معنا و مفهوم را در برداشت که آمریکایی‌ها در پی «براندازی نظامی جمهوری اسلامی» هستند و لازمه‌ی تحقق این امر، وارد کردن یک شوک نظامی است که با حمله‌ی عراق انجام می‌گرفت. (درویان، ۱۳۷۸: ۲۲-۲۳)

ژئوپلیتیک ایران پس از وقوع جنگ تحمیلی
سرانجام ارتش رژیم عراق با اهداف از پیش تعیین شده، تهاجم سراسری خود را علیه ایران در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ از زمین، هوا و دریا آغاز نمود. جنگ ایران و عراق یکی از طولانی‌ترین و خونین‌ترین جنگ‌های پس از جنگ جهانی دوم محسوب می‌شود. این جنگ، صرف‌نظر از جنبه‌های گوناگون و چرایی آغاز آن در تاریخ دویست ساله‌ی ایران، از آن جهت مهم است که توانست به روندی که از اول حکومت قاجاریه در محدودیت ارضی ایران و نفوذ سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و... بیگانه در کشور آغاز شده بود، پایان دهد. (رحیمی، ۱۳۸۷: ۱۱۲)

موقعیت ژئوپلیتیک ایران در جنگ تحمیلی در بین کشورهای خاورمیانه را می‌توان این‌گونه بیان کرد که برخی از حکومت‌هایی که روابط نزدیکی با شاه داشتند و یا اساساً نمی‌توانستند در خارج از چارچوب سیاست آمریکا و ملی‌گرایی عربی عمل کنند، ایران را نه در قالب کشوری اسلامی بلکه به طور سنتی

نزد شیعیان خلیج فارس تهدیدی علیه عراق (و دیگر کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس با جمعیت شیعه زیاد نظیر کویت، بحرین، یمن جنوبی و عربستان) بود. اگر چه انقلاب ایران موضوع فرقه‌گرایی را کم اهمیت جلوه می‌داد، اما پیروزی انقلاب ایران پیروزی اسلام شیعه در سراسر منطقه بود. شیعیان اعم از شیعیانی که در اکثریت بودند، مثل عراق یا بحرین و شیعیانی که در اقلیت بودند، مثل کویت از محرومیت سیاسی و اقتصادی رنج می‌بردند. (کینگ و کارش، ۱۳۸۷: ۳۲-۳۳)

این‌ها به رقم دارا بودن اکثریت جمعیتی، توسط حکمرانانی غیر شیعی رهبری می‌شدند که اغلب دنبال حمایت از منافع جوامع هم منفعت خود، یعنی اهل سنت بودند و به هیچ وجه حاضر به برقراری روابط متداول و عادی با رهبران شیعی ایران نبودند و در هماهنگی با قدرت‌های غربی از این جهت هزینه‌های مضاعفی را به نهادهای سیاسی و اقتصادی ایران تحمیل می‌کردند.

در واقع، در دوره‌ی قبل و بعد از انقلاب اسلامی به دلیل ماهیت نظام بین‌المللی و سیستم دو قطبی، رفتار مستقل برای کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه بسیار دشوار و پرهزینه بوده است. (دری، ۱۳۸۸: ۲۱)

خروج ایران از محور غرب و تعارض ایدئولوژیکی اساسی حکومت انقلابی ایران با اتحاد جماهیر

با آغاز جنگ عراق علیه جمهوری اسلامی ایران اعضای جبهه پایداری عرب مواضع مختلفی را اتخاذ کردند. الجزایر، یمن جنوبی و سازمان آزادی‌بخش فلسطین با اعلام بی‌طرفی در جنگ از موضع‌گیری صریح در قبال جنگ عراق علیه ایران طفره رفتند. اما سوریه آشکارا و لیبی با صراحت کمتر به حمایت ایران برخاستند و حمله نظامی عراق را محکوم کردند.

کیسینجر - نیکسون

امریکا با تجربه‌ای که از سقوط محمدرضا شاه پهلوی به دست آورده بود برای سلطه بر خاورمیانه، ضمن تقویت عربستان می‌بایست ترتیبی اتخاذ می‌کرد که سایر کشورهای منطقه به نوعی به عنوان پشتوانه‌ی عربستان تجلی کنند. بدین ترتیب می‌بایست یک کمربند امنیتی از پاکستان تا مصر به وجود آید، تا ضمن ایجاد یک پرده‌ی آهنین به دور انقلاب اسلامی، حمایت دولت‌های منطقه را به هنگام وقوع بحران برای عربستان تأمین کند. تقویت پاکستان، بازگرداندن مصر به جامعه‌ی عرب، تلاش در حل و فصل مسأله‌ی فلسطین - اسرائیل و تشکیل شورای همکاری خلیج فارس که در مجموع می‌بایست انعقاد یک پیمان دفاعی دسته جمعی را ممکن کند، در راستای به ثمر رساندن این سیاست بود. دست‌یابی به این هدف دقیقاً در راستای اجرای دکترین کسینجر - نیکسون بود که به کارگیری منابع محلی را تجویز می‌کرد. (الهی، ۱۳۸۶: ۲۸۲)

• تشکیل شورای همکاری خلیج فارس

کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس متأثر از احساس تهدید از حکومت شیعه‌ی ایران و با آگاهی نسبت به ضعف استراتژیک خود در مقابل قدرت سیاسی و نظامی ایران، احساس خطر کردند و با تشویق ایالات متحده اقدام به تشکیل شورای همکاری خلیج فارس نمودند. این شورا اولین اجلاس خود را در ماه مه ۱۹۸۱م. تشکیل داد. این شورا در بدو امر صرفاً یک سازمان اقتصادی و سیاسی بود، ولی ضمناً به سمت توسعه‌ی مناسبات نظامی و امنیتی میان اعضا نیز حرکت می‌کرد. (ر. سیوتز، ۱۳۸۶: ۱۵۱) تا به تدریج وزن ژئوپلیتیکی خود را در مقابل قدرت منطقه‌ای ایران بالا ببرند به ویژه که ایالات متحده هم از آن‌ها حمایت سیاسی - نظامی می‌کرد.

در قالب فارس و شیعه می‌دیدند که با اعراب و اهل تسنن دشمنی دارد. کشورهای عرب خلیج فارس بر اساس چنین نگاهی، دشمنی سنگینی را با جمهوری اسلامی ایران شروع کردند و با امریکا و عراق هماهنگ شدند. (صفوی و اردستانی، ۱۳۸۸: ۴۱) در واقع، پس از انقلاب ایران، روابط شش دولت عرب و ایران شاهد تحولات شدید و ناگهانی شد که دلیل آن تهدید ضمنی اعمال‌شده بر ثبات منطقه و امنیت داخلی این کشورها و همچنین یک سلسله بیانات تهدیدآمیز مقامات و روحانیان ارشد - از جمله [امام] خمینی و بنی‌صدر - رژیم ایران در غلبه بر رژیم‌های پادشاهی خلیج بود. (گرد نان‌من) بنیادگرایی شیعی حکومت [امام] خمینی خطر آشکاری برای ترکیه نیز بود. کشوری که حدود ۱۰ میلیون نفر از جمعیت‌اش اصالتاً شیعه هستند. در واقع، [امام] خمینی پس از پیروزی بلافاصله اعلام کرد که رژیم ترکیه به زور سرنیزه حکومت می‌کند و معتقد بود رهبران ترک نیز با سرنوشتی مشابه سرنوشت شاه رو به رو هستند. کمی پس از این اظهارات، ارتش ترکیه وارد عمل شد و کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰م. در ترکیه رخ داد. بنابراین، به رغم این‌که ترکیه طی جنگ، روابط دیپلماتیک خود را با ایران و عراق حفظ کرد و حتی راه دسترسی ایران به غرب را نیز فراهم کرد، پیروزی نهایی عراق نفع بیشتری برایش داشت. زیرا جلوی گسترش نفوذ انقلاب ایران را سد می‌کرد. (خرمی، ۱۳۸۷: ۵۶) بعد از وقوع انقلاب اسلامی ساختار ترکیبات فضایی و روابط ژئوپلیتیکی حاکم بر منطقه‌ی خاورمیانه به طور اساسی دگرگون شد و وقوع جنگ تحمیلی معادلات این ساختار را در منطقه به نسبت زیادی نهادینه نمود.

نقش جنگ در شکل‌گیری ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه:

• ایجاد کمربند امنیتی یا تداوم دکترین

تأسیس گردید. در دی ۱۳۶۱ (ژانویه ۱۹۸۳ م.) نیروهای واکنش سریع از فرماندهی آمادگی، جدا شده و تبدیل به مرکز فرماندهی امریکا شد که مستقیماً به وزیر دفاع گزارش می‌دهد. (الهی، ۱۳۸۶: ۲۹۷)

• جبهه پایداری عرب

جبهه پایداری عرب، الجبهه‌ی الصمود، (The Front of Arab Steadfastness) با شرکت کشورهای الجزایر، سوریه، لیبی، عراق، یمن جنوبی و سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) در اعتراض به روند سازش مصر و اسرائیل تشکیل گردید. روندی که متعاقب سفر انور سادات، رئیس‌جمهور وقت مصر، به تل‌آویو در نوزدهم نوامبر ۱۹۷۷ م. آغاز شد. نخستین گام در پیدایش این جبهه به نشست سران عرب موسوم به Hard-Line در طرابلس باز می‌گردد که به ابتکار معمر قذافی، رهبر لیبی، به منظور ایجاد هماهنگی در سیاست‌های کشورهای خط مقدم برای مقابله با روند سازش و تسلیم دولت مصر از دوم تا پنجم دسامبر ۱۹۷۷ م. برگزار شد. طبق منشور این جبهه، کشورهای عراق، سوریه، الجزایر، لیبی، یمن جنوبی و سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) جبهه‌ای را تشکیل می‌دادند که هدف آن متحد کردن تمامی تلاش‌ها و منابع نظامی، اقتصادی و سیاسی اعضای جبهه، ملت و توده‌های مبارز عرب به خاطر تداوم مبارزه برای آزادسازی سرزمین‌های اشغالی عربی و بازیابی حقوق مردم فلسطین در آزادسازی سرزمین غصب‌شده‌شان و تعیین حق سرنوشت آینده‌ی خود اعلام گردید. با آغاز جنگ عراق علیه جمهوری اسلامی ایران در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ م. (۳۱ شهریور ۱۳۵۹)، اعضاء جبهه پایداری عرب مواضع مختلفی را اتخاذ کردند. الجزایر، یمن جنوبی و سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) با اعلام بی‌طرفی در جنگ از موضع‌گیری

شورای همکاری خلیج فارس در طول جنگ تحمیلی از عراق حمایت بی‌دریغ نمود، به طوری‌که بنادر کویت و حتی جزیره «بویان» عملاً در اختیار عراق بود. عربستان و کویت هزینه‌های تسلیحاتی عراق را تأمین کردند که این کمک‌ها تا سال ۱۳۶۴ رقمی معادل ۳۰ میلیارد دلار را شامل می‌شد. علاوه بر این، این دو کشور در طول جنگ

تحمیلی روزانه حدود ۳۰۰ هزار بشکه نفت از جانب عراق به فروش می‌رساندند. (الهی، ۱۳۸۶: ۴۳۴) تشکیل شورای همکاری خلیج فارس سیاستی بود که غرب به ویژه امریکا بر اساس زمینه‌های موجود در منطقه و تشدید احساس نگرانی برای حکام منطقه از ناحیه‌ی انقلاب اسلامی و تجاوز شوروی، مطرح کرده بود. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۷۰)

زمانی که نیروهای ایران وارد خاک عراق شدند و دولت عراق به خطر افتاد، شوروی برای برقراری توازن در جنگ و جلوگیری از پیروزی ایران، کمک مالی و تسلیحاتی خود را به عراق از سر گرفت و در همان ابتدا کمک ۱/۵ میلیارد دلاری در اختیار بغداد گذاشت.

تشکیل نیروهای واکنش سریع

مسأله‌ی انتقال نیرو به منظور یورش سریع نظامی در مناطق مختلف جهان و به خصوص خلیج فارس برای حفظ منافع امریکا و غرب در سیاست دفاعی امریکا از دهه‌ی ۱۳۴۰ (دهه‌ی ۱۹۶۰ م.) مورد بحث بوده است. بحران انرژی سال ۱۳۵۲ (۱۹۷۳ م.) موضوع مزبور را وارد مرحله‌ی جدی‌تری ساخت که تبلور آن‌را در فرمان شماره‌ی ۱۸ ریاست جمهوری می‌توان مشاهده کرد. وقایع بین‌المللی سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۵۹ (۱۹۷۹-۱۹۸۰ م.) زمینه‌ی کافی برای اقدام عملی در این زمینه را برای امریکایی‌ها ایجاد کرد. به دنبال این تحولات در ۱۱ اسفند ۱۳۵۸ (اول مارس ۱۹۸۰ م.) مرکز فرماندهی نیروهای واکنش سریع تحت فرماندهی آمادگی امریکا

گسترده تجاری و نظامی با عراق بود. اما در این دوره موضع چین همچنان بر حمایت از صلح استوار بود. با توجه به تحول صحنه‌ی نبرد و سعی ایران برای ورود به داخل خاک عراق، در مواضع این کشور تفاوت آشکاری نسبت به دوره‌ی اشغال سرزمین‌های ایران به دست ارتش عراق به چشم نمی‌خورد. (اردستانی، ۱۳۸۸: ۱۲۰-۱۲۷) در سال‌های ۱۹۸۳-۱۹۸۴ م. شوروی‌ها از عراق حمایت می‌کردند. شوروی از عراق حمایت می‌کرد زیرا حضور یک دولت قوی اسلامی را در مرزهای جنوبی‌اش تهدیدی برای جمهوری‌های مسلمان‌نشین خود تلقی می‌کرد. مسکو در همین زمان ضمن عقد قرارداد فروش دو میلیارد دلار سلاح به عراق در عین حال می‌کوشید تا با فشار کره شمالی و دیگر کشورهای کمونیستی از فروش سلاح به ایران جلوگیری کند. (درویشی و رحمتی، ۱۳۸۴: ۴۲) زمانی که نیروهای ایران وارد خاک عراق شدند و دولت عراق به خطر افتاد، شوروی برای برقراری توازن در جنگ و جلوگیری از پیروزی ایران، کمک مالی و تسلیحاتی خود را به عراق از سر گرفت و در همان ابتدا، کمک ۱/۵ میلیارد دلاری در اختیار بغداد گذاشت. در ادامه این کمک‌ها، میگ‌های ۲۳ و ۲۵ و تانک‌های تی ۷۲ و موشک‌های زمین به زمین و زمین به هوا و سیل جنگ‌افزارهای مختلف روسی به عراق سرازیر شد و دو هزار مستشار شوروی برای تقویت روحیه‌ی ارتش عراق که بسیار ضعیف شده بود، به فعالیت پرداختند. رهبران شوروی به وضوح به این نتیجه رسیده بودند که پیروزی نظامی ایران ممکن است تهدید جدی برای توازن قوا در منطقه به شمار رود. بنابراین تمام توان را برای جلوگیری از این امر به کار بردند. (امیراحمدی، ۱۳۸۴: ۸۲)

صریح در قبال جنگ عراق علیه جمهوری اسلامی ایران طفره رفتند. اما سوریه آشکارا و لیبی با صراحت کمتر، به حمایت از ایران برخاستند و حمله‌ی نظامی عراق را محکوم کردند. علی‌رغم این موضع‌گیری‌های متفاوت اعضاء، سیاست و خط‌مشی اصلی جبهه پایداری عرب تحت تأثیر نفوذ سوریه، حمایت از جمهوری اسلامی ایران در مقابل عراق بود. سیاستی که کم‌و بیش تا پایان جنگ ادامه یافت. در همین چارچوب، جنبش در آغاز جنگ در مخالفت با عراق و اتحادیه‌ی عرب موضع حمایت از ایران را اتخاذ نمود و آغاز جنگ توسط عراق را رسماً و علناً محکوم کرد. (دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، رویدادها و تحلیل، نشریه شماره ۱۵، ۱۳۶۴/۱۰/۲۳، صص ۷۱-۷۲)

استراتژی تنبیه متجاوز ایران و صف‌بندی‌های جدید ژئوپلیتیک

در ابعاد جهانی، بعد از آزادسازی خرمشهر و اتخاذ استراتژی تنبیه متجاوز از سوی رهبران سیاسی- نظامی ایران و عبور نیروی‌های ایرانی از مرز بین‌المللی، به دلیل سنگینی وزن ژئوپلیتیک ایران در صحنه نبرد، موقعیت ایران در بین قدرت‌های جهانی با تنزل همراه شد به طوری که اتحاد جماهیر شوروی (سابق) نیز که در قبال تجاوز عراق بی‌طرفی و سیاست صبر و انتظار را پیشه کرده بود، در مقابل ایران و به نفع عراق اعلام موضع کرد. امریکا که بیشتر خط‌دهی و انسجام بخشیدن به رفتار بازیگران بین‌المللی را در پشتیبانی از رژیم عراق به عهده داشت، تلاش شایانی صرف این مسأله کرد که ماشین جنگی ایران را که شتاب فزاینده‌ای پیدا کرده بود، متوقف سازد. فرانسه تحول جبهه‌ها را شدیداً به ضرر منافع خود ارزیابی کرد. به ویژه این‌که این کشور پس از شوروی دارای روابط

یافت و از لحاظ موقعیت ژئوپلیتیک منطقه‌ای و همگرایی با قدرت‌های جهانی بر ایران برتری یافت که منجر به پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ شورای امنیت برای برقراری آتش‌بس میان دو طرف منازعه، گردید.

اگر چه در اواخر جنگ، لجستیک، ادوات و قدرت نظامی عراق از نیروهای ایران بیشتر شده بود ولی رژیم عراق به هیچ یک از اهداف اولیه‌ی خود در آغاز جنگ نرسید و با حمله‌ی عراق به کویت و شکست از نیروهای ائتلاف بین‌المللی به رهبری ایالات‌متحده و تحمل تحریم‌های بین‌المللی تا اوایل سال ۲۰۰۳ م. به طور کامل روند تنزل موقعیت ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی خود را طی نمود. در مقابل، نظام اسلامی حاکم بر ایران به رهبری حضرت امام خمینی^(ره) در قالب یک نظام سیاسی مردم سالار دینی کاملاً نهادینه شده بود و سرتاسر دهه‌ی بعد از جنگ را به سازندگی و پیشرفت و توسعه، طی نمود. به طوری که در دهه‌ی اول قرن بیست و یکم میلادی از لحاظ قدرت ملی، پرستیژ ایدئولوژیک و وزن ژئوپلیتیکی در سطح منطقه‌ای و جهانی از بالندگی فعال برخوردار بود.

تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری

موقعیت ژئوپلیتیک کشورها همواره از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در سرنوشت ملت‌های آن‌ها بوده است. در این میان ملت‌هایی موفق و سربلند از آزمایش تاریخ بیرون آمده‌اند. آن‌ها از طریق فرآوری قدرت ملی خود، بیشترین استفاده و منفعت را از این موقعیت در راستای افزایش وزن ژئوپلیتیکی و در نتیجه به گردش درآوردن عناصر ژئوپلیتیکی پیرامون در مدارهای حوزه‌ی نفوذ خود با

در ابعاد محلی و در صحنه‌ی نبرد، در سال اول جنگ به دلیل شکست‌های پی در پی نیروهای ایرانی در عملیات‌های آفندی نظیر نصر (ابودر)، توکل و غیره و نیز شکاف‌های سیاسی موجود در بدنه‌ی حکومت، پرستیژ و موقعیت ایران در سطوح مختلف منطقه‌ای و جهانی خیلی ضعیف می‌نمود. اما عملیات ثامن‌الائمه به دلیل نقش اساسی که در تغییر روند جنگ به نفع جمهوری اسلامی داشت به میزان عمده‌ای تصور بازیگران بین‌المللی را در خصوص ایران تحت تأثیر قرار داد. امریکایی‌ها به خوبی می‌دانستند که پیروزی ایران می‌تواند همه چیز را در منطقه به ضرر امریکا به جریان بیاورد و دولت ایران را در موضع برتر در منطقه بنشاند و اعتماد به نفس مضاعفی در رویارویی دو کشور به ایران بدهد (صفوی، اردستانی، ۱۳۸۸: ۴۸-۴۹). اجرای عملیات والفجر ۸ و تصرف شبه جزیره‌ی فاو نیز تغییر محسوسی در نگرش کشورهای خارجی و دو طرف جنگ پدید آورد. اما به معنای توافق با ایران نبود و آن‌ها حاضر نبودند پس از این پیروزی به خواسته‌ها و حقوق ایران تن دهند. تأثیر دیگر فتح فاو ایجاد زمینه، برای مذاکرات سیاسی بود و آمریکا از راه‌های دیپلماتیک درصدد بازسازی روابط با جمهوری اسلامی ایران بر آمد. (قاسم‌پور، ۱۳۸۸: ۷۶) در آن زمان با توجه به برتری ایران در صحنه‌ی جنگ هر دو ابر قدرت منافع خود را در پایان جنگ می‌دیدند. همچنین رکود در موفقیت عملیات‌های نظامی ایران باعث شده بود، به تدریج شور و شوق اولیه در بین عموم مردم نیز برای ادامه جنگ کم شود. در این هنگام قدرت‌های بزرگ تمام تلاش خود را برای تسلیح قوای نظامی عراق، به کار بردند. سرانجام عراق در سال آخر جنگ در صحنه‌ی نبرد به موقعیت برتر نظامی دست

با به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی که متکی بر آرمان‌ها و ارزش‌های والا و نهادینه‌ی ملت ایران بود، موقعیت ژئوپلیتیک ایران در صحنه‌ی جهانی به طور کامل دگرگون گردید و از نقش بازیگر پیرامونی به نقش سرمداری یک مکتب فکری که اسلام و دین باوری بود، ارتقاء یافت. از همان ابتدا این نقش جدید، به وسیله‌ی ابرقدرت‌ها و قدرت‌های منطقه‌ای به

چالش کشیده شد که با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به اوج خود رسید و با پیروزی ایران در این جنگ موقعیت ژئوپلیتیک ایران به عنوان رهبر بلوک اسلام‌خواهان و دین‌باوران در مقابل بلوک سرمایه‌داری و مادی‌گرایان تثبیت گردید.

قبل از انقلاب اسلامی همواره موقعیت ژئوپلیتیک ایران در ارتباط با شرایط قدرت‌های خارجی تعریف گردیده است و ژئوپلیتیک ایران در حد یک منفعل در مقابل فاعل عمل می‌کرده است و قدرت ناشی از موقعیت ژئوپلیتیک ایران

به دست حکومت‌های وابسته و در ارتباط با قدرت‌های خارجی معنا دار می‌شده است. اما بعد از انقلاب اسلامی، عامل قدرت‌زای مذهب تشیع، عامل اصلی قدرت ایران گردید و این عامل به موقعیت‌زائی ژئوپلیتیک برای کشور ایران پرداخت و ایران را در رأس جبهه‌ی دین‌باوران و خداگرایان خاورمیانه و جهان و در برابر جبهه مادی‌گرایان قرار داد.

استفاده از ابزارهای گوناگون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و علمی- تکنولوژیک، به دست آورده‌اند. وزن ژئوپلیتیک که ضامن بقای این کشورها در موقعیت‌های حساس تاریخی خواهد بود و توانایی انعطاف و قدرت فرآوری پتانسیل‌های ملی که در نبود آن موجودیت آن کشور یا واحد سیاسی- جغرافیایی مستقل با تهدید مواجه خواهد شد.

ایران برجسته‌ترین مثال از موفقیت یک کشور (حکومت- ملت) در تشریح وضعیت فوق در طول تاریخ بوده است. ایران در دوران قبل و بعد از اسلام، بعد از حملات بنیان‌کن مغول‌ها و بعد از رنسانس اروپا و دوره‌ی صفویه و در آخرین مورد آن ایران بعد از انقلاب تکنولوژیک و اطلاع رسانی از این قابلیت انعطاف و پتانسیل‌های ملی برخوردار بوده است.

ایران در زمان حکومت پهلوی‌ها و بعد از جنگ جهانی دوم از لحاظ موقعیت ژئوپلیتیک بخشی از بلوک

غرب به شمار می‌رفت که در خط مقدم مبارزه با بلوک کمونیسم قرار داشت و بازی یک نقش نیابتی از جانب غرب را در صحنه‌ی ژئوپلیتیک جهانی بر عهده داشت، در این زمان پتانسیل‌های درونی ملت ایران به صورت راکد نگه‌داشته شده بود و قدرت ملی ایران کاملاً متکی به قدرت‌های جهانی بیگانه همچون ایالات متحده سازماندهی شده بود.

محیط ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی ایران، تحت تأثیر شرایط جدید سیاسی، دگرگون شد. ایالات متحده به عنوان متضرر اصلی انقلاب اسلامی در ایران، تلاش‌های همه جانبه‌ی خود را برای تحت نفوذ در آوردن دوباره‌ی ایران آغاز کرد که عمده‌تاً ناموفق بود و به تدریج روند حوادث در ایران، خروج این کشور را از محور غرب به رهبری ایالات متحده تأیید کرد.

منابع:

- ۱- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله، جایگاه منابع انرژی در امنیت خلیج فارس و امنیت آمریکا با توجه به الگوی امنیت مشارکتی، فصل‌نامه‌ی تخصصی علوم سیاسی، تابستان ۱۳۸۷، سال چهارم، شماره هفتم، صص. ۱۸۷-۲۱۱.
- ۲- احمدی، سیدعباس، جایگاه ایران در نظریه‌های ژئوپلیتیک، تهران: اولین کنگره‌ی انجمن ژئوپلیتیک ایران، پاییز ۱۳۸۴، صص. ۲۷۷-۲۹۷.
- ۳- آذری‌نجف‌آبادی، محمدمهدی، تغییر مرکز ثقل سیاست خارجی آمریکا پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱م، فصل‌نامه‌ی سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، پاییز ۱۳۹۰، شماره ۳، صص. ۷۰۲-۷۳۴.
- ۴- اردستانی، حسین، جنگ ایران و عراق؛ رویارویی استراتژی‌ها، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۸.
- ۵- امام خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی(ص)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، جلد ۱۲، ۱۳۸۵.
- ۶- امیراحمدی، هوشنگ، ترجمه‌ی علیرضا طیب، سیاست خارجی منطقه‌ای ایران (بخش اول)، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال هفتم، ۱۳۸۴ شماره ۱۲-۱۱، مرداد و شهریور ۱۳۸۴، صص. ۷۴-۸۹.
- ۷- الهی، همایون، خلیج فارس و مسائل آن، تهران: نشر قومس، ۱۳۸۶.
- ۸- آیین، یاسر، تقابل آینده‌گرایی ایرانی و آمریکایی، تهران: فصل‌نامه‌ی مشرق، سال سوم، شماره یازدهم، پاییز ۱۳۸۸، صص. ۲۰۱-۲۲۲.
- ۹- بهشتی، محمد، باهنر، محمدجواد، نقش قیامی صدور انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات قیام، (بی تا).
- ۱۰- ایزدی، جهانبخش، راهبردهای تحقق تعامل موثر و سازنده ایران در نظام بین‌الملل، تهران: فصل‌نامه‌ی رهنامه سیاست‌گذاری، سال دوم، بهار ۱۳۹۰، شماره سوم، صص. ۴۳-۶۷.
- ۱۱- حافظ‌نیا، محمد رضا، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی، ۱۳۸۵.
- ۱۲- حافظ‌نیا، محمد رضا، نقش استراتژیک خلیج فارس و تنگه هرمز، تهران: سمت، ۱۳۸۴.
- ۱۳- حشمت‌زاده، محمدباقر، ارتباط و امنیت ملی در جنگ ایران و عراق، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۹.
- ۱۴- خرمی، محمدعلی، جنگ ایران و عراق در اسناد سازمان ملل متحد، تهران: مرکز اسناد و دفاع مقدس، ۱۳۸۷، ج. ۱، ص. ۵۶.
- ۱۵- خلیلی، محسن، بایستگی‌های ژئواکونمیک توسعه‌ی منطقه‌ی جنوب شرق ایران، فصل‌نامه‌ی روابط خارجی، سال سوم، شماره‌ی چهارم، زمستان ۱۳۹۰، صص. ۸۱-۱۲۴.
- ۱۶- درودیان، محمد، جنگ؛ بازیابی ثبات، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۸، ج. ۲.
- ۱۷- درودیان، محمد (۱۳۸۲)، اجتناب‌ناپذیری از جنگ، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۲، ج. ۲.
- ۱۸- درویشی، فرهاد، روابط ایران و شوروی در دوره‌ی جنگ ایران و عراق سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ (با تأکید بر مسئله‌ی افغانستان)، تهران: فصل‌نامه‌ی راهبرد، سال بیستم، شماره ۳۵، پاییز ۱۳۸۴، صص. ۲۹-۵۲.
- ۱۹- رحیمی، حسن، نقش رهبری سیاسی در جنگ‌های معاصر ایران، تهران: فصل‌نامه‌ی پیک‌نور، سال هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۷، صص. ۱۰۲-۱۲۰.
- ۲۰- رسیوتز، کارول، اتحاد شوروی و خلیج فارس در دهه ۱۹۸۰م، ترجمه‌ی بیژن اسدی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۶.
- ۲۱- زمانی، هادی، نفرین نفت: تجربه ایران؛ موانع تکوین دولت مدرن و توسعه اقتصادی در ایران، لندن: ۲۰۰۸، ج. ۲.
- ۲۲- صدور انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی، تهران: نشر عروج.
- ۲۳- صفوی، یحیی، مبدأ تحول در استراتژی نظامی ایران عملیات تأمین الاثمه، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۸۸.
- ۲۴- طباطبایی، علی، تأثیر قراردادهای همکاری ناتو و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: فصل‌نامه‌ی راهبرد، سال نوزدهم، تابستان ۱۳۸۹، شماره‌ی ۵۵، صص. ۵۹-۷۷.
- ۲۵- علومی، ابراهیم، بحران گروگان‌گیری و تحریم ایران، تهران: فصل‌نامه‌ی راهبرد، سال هفدهم، تابستان ۱۳۸۷، شماره‌ی ۴۷، صص. ۹۸-۱۲۱.
- ۲۶- مجتهدزاده، پیروز، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: سمت، ۱۳۸۱.
- ۲۷- محمدی، منوچهر، دکترین تعامل سازنده در سیاست خارجی کشور (۳)، فصل‌نامه‌ی راهبرد، سال اول، تابستان ۱۳۸۴، شماره‌ی ۴، صص. ۱۳۹-۱۹۰.
- ۲۸- میرحیدر، دره، تحولات پنج دهه اندیشه و جستار در جغرافیای سیاسی، مشهد: انتشارات پاپلی، ۱۳۸۹.
- ۲۹- فاضلی‌نیا، نفیسه، ژئوپلیتیک شیعه و مسئله‌ی امنیت ملی ایران، فصل‌نامه‌ی شیعه‌شناسی، سال چهارم، بهار ۱۳۸۵، شماره‌ی ۱۳، صص. ۲۱-۳۶.
- ۳۰- واعظی، محمود، ژئوپلیتیک بحران در آسیای مرکزی و قفقاز (بنیان‌ها و بازیگران)، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۵.



انهدام پل جویبر در عملیات بدر

سجاد جهانشیر*

پل جویبر از اهمیت ویژه‌ای در عملیات بدر برخوردار بود. این پل در حدود ۴۲ کیلومتری مرز ایران و عراق در شمال غربی جزیره‌ی مجنون شمالی در خاک عراق واقع شده است. پل جویبر بر روی رودخانه‌ی دجله در ۸۱ کیلومتری شمال شهر القرنه، جاده‌ی بصره-العماره را توسط جاده شرقی - غربی به جزیره‌ی مجنون شمالی متصل می‌نماید. این پل در ساعت ۰۳:۱۰ بامداد روز ۱۳ اسفند ۱۳۶۲ توسط گروه اطلاعاتی تیپ ۱۱۰ شهید بروجردی، در عملیات بدر منهدم گردید. مقاله‌ی حاضر خاطره‌ی سجاد جهانشیر است که درباره‌ی نحوه و چگونگی انهدام پل جویبر در عملیات بدر به رشته‌ی تحریر در آمده است.

کلیدواژگان: جنگ ایران - پل جویبر - عملیات بدر - جزیره مجنون - تیپ ۱۱۰ شهید بروجردی

چکیده

و این جمله را چندین بار برایم تکرار نمود: «سجاد، مواظب بچه‌ها باش. نمی‌خواهم آسیبی به آن‌ها برسد چون سرمایه‌ی اصلی تیپ هستیم و زحمات زیادی برای آن‌ها کشیده شده است و برای سال آینده هم به آنها نیاز داریم.»

با توافقی که با هم داشتیم قرار شد همه‌ی وسایل مورد نیاز، اعم از سلاح، تجهیزات، خودرو، موتورسیکلت و... را به صورت گروهی خودکفا و کامل با خود ببریم تا مشکلی در جنوب از حیث تأمین آن‌ها نداشته باشیم.

اولین یگانی که رفت، تیپ ۴۴ قمر بنی‌هاشم بود. محل استقرار تیپ در جاده‌ی اهواز-آبادان در مقر سابق انرژی اتمی بود. در ابتدای ورود به پادگان به طرف ساختمان فرماندهی رفتیم و برادر زاهدی را ملاقات کردیم. در اتاق فرماندهی دو نفر دیگر هم بودند، برادران صبوری، مسئول ستاد تیپ و شاهمرادی^(۱).

اوایل زمستان، نیروهای اطلاعات عملیات تیپ ۱۱۰ را با این هدف که هم حضور برادران در عملیات‌ها و شناسائی‌های جنوب مفید می‌تواند باشد و هم در روحیه رزمی و معنوی پرسنل مؤثر خواهد بود. از کردستان به منطقه عملیاتی جنوب بردم. برای این اقدام، تصمیم با حاج اکبر آقا بابایی** فرمانده تیپ بود. صحبت‌های مفصلی با هم داشتیم و تقریباً نظراتمان نزدیک به هم بود. لذا برای هماهنگی حضور ما در جنوب، ایشان سه نامه کوتاه و مفید با یک متن برای سه نفر از فرماندهان یگان‌ها در جنوب نوشت؛ نامه‌ی اول برای حاج حسین خرازی، فرماندهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، نامه‌ی دوم برای حاج احمد کاظمی، فرماندهی لشکر ۸ نجف اشرف و نامه‌ی سوم برای حاج علی زاهدی، فرماندهی تیپ قمر بنی‌هاشم. حاج اکبر تأکید زیادی بر سلامت بچه‌ها داشت

* مسئول گروه اطلاعات اعزامی به جنوب از تیپ اطلاعات ۱۱۰ شهید بروجردی

** حاج اکبر آقابابایی فرمانده وقت تیپ ۱۱۰ شهید بروجردی که پس از اتمام جنگ بر اثر جراحات شیمیایی به شهادت رسید.



نفرات ایستاده از راست: محمدرضا چالوک (شهید) - سجاد جهانشیر - مهدی زمانی (شهید)
نفرات نشسته: مختار زارعی - احمد بخش زاده محمودی، محل عکس: بهشت زهرا زمستان ۱۳۶۳.

در بازگشت محسن نیلی پیشنهاد کرد برای آشنایی بچه‌ها با سبک کار اطلاعاتی در جنوب بهتر است به منطقه‌ی کوشک و طلائی که خط ارتش بود و بچه‌های تیپ قمر در آنجا نیز مستقر بودند، برویم و برای شروع کار از آنجا شروع کنیم. پیشنهاد خوبی بود، لذا فردای آن روز به آنجا رفتیم. قرار بر این شد که همه‌ی نیروهای تیپ قمر بنی‌هاشم^(ع) آنجا را تخلیه کرده، فقط دو نفر از آن‌ها برای راهنمایی‌های اولیه‌ی خط خودی و دشمن کنار ما بمانند.

پس از استقرار در خط، بچه‌ها را موظف کردم که به صورت نوبتی در سنگرهای دیده‌بانی، کاملاً منطقه را دیده‌بانی کرده و به همه‌ی سنگرهای جمعی و کمین و تانک و میادین مین و... آشنا شوند. در طی چند روز این کار مرتباً در حال انجام بود. پس از چند روز احساس کردم که تقریباً تمامی افراد آشنایی لازم را با منطقه پیدا کرده‌اند. لذا برنامه‌ریزی برای شناسایی آغاز شد. به صورتی که هر شب یا یک شب در میان تعداد یک یا دو تیم برای شناسایی اعزام شد.

در بعضی از شناسایی‌ها خودم هم شرکت می‌کردم و توان بچه‌ها را ارزیابی می‌کردم. با گذشت زمان

مسئول عملیات. فرمانده‌ی تیپ قمر، برادر زاهدی، پس از رؤیت نامه و خوش‌آمدگویی، یکی از برادران دفتر فرماندهی را خواست و گفت که به آقای نیلی بگویید بیاوند فرماندهی. تا آن لحظه هیچ کدام از این برادران را نمی‌شناختم، ولی متوجه شدم که آقای نیلی، مسئول اطلاعات عملیات تیپ می‌باشد. وقتی که محسن نیلی وارد شد، فرمانده تیپ ضمن معرفی ما گفت: «آقا محسن! این برادران از گردستان آمده‌اند و چند ماهی میهمان ما خواهند بود و چون اطلاعاتی هستند با شما همکاری خواهند داشت.»

پس از این معارفه با محسن نیلی از اتاق خارج شده و به محل استقرار آن‌ها رفتیم. چند نفری در اتاق بودند. حدس زدم مسئولین تیم‌های شناسایی هستند، چون از برخوردشان معلوم بود انسان‌های پخته و مجربی به نظر می‌رسند.

چند روزی را در پادگان بودیم. برای تنوع روزی برای دیدن آبادان و خرمشهر رفتیم که خوب بود، به ویژه برای آنهایی که اولین بار بود به جنوب آمده بودند. همان‌طوری که می‌دانیم خرمشهر و آبادان در تاریخ جنگ ما از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند.

چند روز از این اتفاق گذشت که محسن نیلی پیغام داد که به جزیره‌ی مجنون* برویم. وسایل را جمع کرده و فردای آن روز صبح اول وقت، راهی جزایر مجنون شدیم و در جای مناسبی دو چادر گروهی برپا کرده و برادران مستقر شدند. پس از استقرار

به قرارگاه تیپ رفته و با محسن صحبت‌هایی داشتیم. در این میان متوجه شدم حاج حسین روح‌الامین** به همراه سه نفر از برادران سپاه گُردستان (حسین امینی، عباسعلی عابدی و ...) به جنوب آمده‌اند و در انرژی اتمی پادگان عقبه‌ی تیپ می‌باشند. پس از استقرار در جزیره برای دیدن ایشان رفتم و متوجه شدم که برای شرکت در عملیات آمده‌اند. اما هنوز معلوم نبود با کدام یگان خواهند بود. توضیحاتی در مورد حضورمان به آنها دادم و قرار شد بعداً هم دیداری

داشته باشیم. با گذشت روزها، زمان عملیات نزدیک‌تر می‌شد، به صورتی که در طی روزها گردان‌های عمل‌کننده برای توجیه به جزیره می‌آمدند.

* جزیره مجنون: منطقه‌ای است در استان بصره عراق که در نزدیکی میدان نفتی مجنون و شهر قرنه قرار دارد. دو رود دجله و فرات در این منطقه به هم می‌پیوندند و سرچشمه اروندرود را پدید می‌آورند. این منطقه از آن رو مجنون (دیوانه) نامیده شده است که به گونه‌ای دیوانه‌وار حجم عظیمی از منابع نفتی را در منطقه محدود جغرافیایی جای داده است. این منطقه در پی عملیات خیبر به دست نیروهای ایرانی افتاد و ایران بر اتوبان العمارة مسلط شد.

** شهید سید حسین روح‌الامین: در تاریخ ۷ اسفند ۱۳۶۴ ساعت ۸ صبح به وسیله‌ی ترکش بعضی‌ها که بر قلب او اصابت کرد به فیض شهادت نائل شد و به دیدار معبود خود که سال‌ها انتظارش را می‌کشید شتافت.

پیشرفت بچه‌ها بسیار چشمگیر بود. یکی از تفاوت‌های کار شناسایی منطقه‌ی جنوب و منطقه‌ی گُردستان در این بود که در گُردستان مسیر حرکت طولانی‌تر و شرایط منطقه به لحاظ جغرافیایی سخت‌تر بود. زیرا منطقه‌ی کوهستانی مشکلات خاص خود را داشت و نکته‌ی دیگر آلوده بودن منطقه به لحاظ حضور ضد انقلاب بود و توجه و دقت زیادی را می‌طلبید. اما در منطقه‌ی جنوب نزدیکی خطوط نبرد و صاف بودن زمین منطقه، خستگی جسمی شناسایی در گُردستان را نداشت. اما حرکت نیروها در جنوب باید با دقت بیشتری انجام می‌شد. چون دیده‌بان‌های دشمن دید بهتری به منطقه نسبت به مناطق کوهستانی شمال غرب داشتند و منطقه‌ی بینابین خودی و دشمن از اختفا و پوشش کمتری برخوردار بود. اما با همه‌ی این اوصاف کار برای نیروها راحت‌تر بود چون مشقات و سختی‌های زیادی را در شمال غرب متحمل می‌شدند.

یک روز بعدازظهر با چند نفر از نیروها مشغول دیده‌بانی بودیم که توپخانه‌ی عراق شروع کرد به آتش‌باران خط ما. صدای یکی از گلوله‌ها بیانگر آن بود که در نزدیکی ما منفجر خواهد شد. در اثر انفجار یکی از گلوله‌ها در نزدیکی سنگر ما یکی از برادران به نام رضا یوسفی مجروح شد. حجم آتش زیاد، اجازه‌ی جا به جایی نمی‌داد. لذا انتقال رضا با آمبولانس میسر نبود تا این که یکی از بچه‌ها به نام مهدی زمانی(شهید) رضا را به وسیله‌ی موتور سریعاً به اورژانس منتقل کرد. ترکش نسبتاً بزرگی به شکم رضا اصابت کرده بود و باید به اهواز انتقال داده می‌شد. اولین تلفات ما از بدو ورود به منطقه‌ی جنوب در آن روز آغاز شد. مهدی پس از بازگشت از اورژانس گفت: «وضعیت رضا نگران‌کننده نیست و او به اهواز اعزام شد.» با این که این اولین اتفاق برای ما نبود ولی همه ناراحت بودند. در شمال غرب هم چندین مورد اینچنین رخ داده بود، اما واکنش پرسنل هم طبیعی بود.

در حین برگزاری جلسه متوجه حضور حاج حسین روح‌الامین شدم که بعد از اتمام جلسه با لهجی غلیظ اصفهانی گفت: «سجاد بهتون بوگم که فردا این موقع عراقی‌ها، کله‌ی مبارکو می‌ذارن رو سینه‌تون و می‌فرستن خونه‌تون یا این که مهمون عراقی‌ها می‌شید» همه زدند زیر خنده. البته این شوخی‌ها حاکی از خطرات بالای این کار داشت.

زده و رخنه نمایند. به دنبال ایجاد رخنه گروه برادران کردستان به همراه نیروهای تخریب از محل رخنه وارد شده و مسیر ۴۵۰۰ متری جاده‌ی منتهی به پل جویبر را طی نموده و به محض رسیدن گروه به ساحل دجله، سریعاً برادران تخریب مواد را کار گذاشته و پل را منفجر کنند. گردان‌های خط‌شکن پس از رخنه، توسعه‌ی وضعیت داده و خط را پاکسازی کنند و یک گردان از تیپ هم پس از آن به سمت رود دجله حرکت نماید.

با اعلام شرح مانور نکته‌ای به ذهنم رسید که مهم بود. مسیری که گردان سوم باید طی می‌کرد نیاز به پاکسازی داشت. به ویژه اینکه از حد فاصل خط مقدم دشمن تا ساحل دجله دو کانال عرضی بود که بر روی هر کدام از آنها پلی واقع شده بود. این پل‌ها می‌توانست برای ما خطر آفرین باشد. موضوع را با فرمانده گردانی که پس از ما حرکت می‌کرد در میان گذاشتم و تأکید کردم که برای تأمین عقبه، حتماً نیروهایی را بر روی این پل‌ها مستقر نماید تا دور نخوریم. اما احساس کردم که فرمانده گردان واقعی به صحبت‌های من نگذاشت. شاید در خیال خودش فکر می‌کرد که این‌ها از کردستان آمده‌اند و هیچ سر رشته‌ای از جنگ جنوب ندارند. البته این حدس بنده است شاید هم چنین نظری نداشت. اما نوع برخوردش زیاد مناسب نبود.

در حین برگزاری جلسه متوجه حضور حاج حسین روح‌الامین شدم که بعد از اتمام جلسه با لهجه‌ی غلیظ اصفهانی گفت: «سجاد بهتون بوگم که فردا این موقع عراقیا، کله‌ی مبارکو می‌دارن رو سینه‌تون و می‌فرستن خونه‌تون یا این‌که مهمون عراقی‌ها می‌شید.» (اسیر خواهید شد)، همه زدند زیر خنده. البته این شوخی‌ها حاکی از خطرات بالای این کار داشت و احتمال شهادت یا اسارت بسیار بالا بود.

پس از بازگشت به مقر، جلسه‌ی توجیهی برای برادران گذاشته و کاملاً همه را درباره‌ی مأموریت

به محسن نیلی گفتم که با هم بودن بچه‌ها برایم مهم است و سفارش حاج اکبر را نیز به ایشان گفتم و تأکید کردم که اگر همه با هم باشیم فکر من هم از همه‌ی جهات راحت خواهد بود. پیشنهادم را پذیرفت و قرار شد ظرف چند روز آینده مأموریت ما را اطلاع دهد. وقتی که روز موعود فرا رسید و اعلام کردند در مقر فرماندهی تیپ برای جلسه‌ی توجیهی حاضر شویم، من به همراه مسئولین تیم‌های شناسایی به آنجا رفتم. داخل سنگر شلوغ بود. تقریباً همه‌ی مسئولین تیپ آنجا بودند و حضور ما که در آن جمع غریب بودیم، کاملاً مشخص بود. محسن، کالکی را روی زمین پهن کرده و نحوه‌ی انجام مأموریت را توضیح داد، مأموریت از این قرار بود:

«در عمق منطقه و عقبه‌ی دشمن پلی به نام جویبر بر روی رودخانه‌ی دجله می‌باشد. با توجه به اهمیت این پل در منطقه باید در ساعات اولیه‌ی عملیات منهدم شود. شما مأموریت

دارید برادران تخریب تیپ را تا حد امکان صحیح و سالم و بدون درگیری در اولین فرصت به آنجا برسانید. مسئولیت حفاظت از آن‌ها بر عهده‌ی شما خواهد بود. (برای اینکه هر کدام از برادران تخریب مقدار قابل توجهی مواد منفجره با خود حمل می‌کردند). پس از توجیهات و بحث پیرامون آن، مانور ملیات این‌گونه بیان شد:

ابتدا دو گردان از تیپ با عبور از راه‌کارهای* هجرت و سینا با رعایت اصل غافلگیری به خط اول دشمن

*منظور از راه‌کارها مسیرهای داخل نیزارها بود که اطلاعات قرارگاه برای هر کدام از یگان‌های عمل‌کننده تعیین کرده بود تا ازدحام و شلوغی در مسیر حرکت یگان‌ها به وجود نیاید.

در عمق منطقه و عقبه‌ی دشمن پلی به نام جویبر بر روی رودخانه دجله می‌باشد؛ با توجه اهمیت این پل در منطقه باید در ساعت اولیه‌ی عملیات منهدم شود.

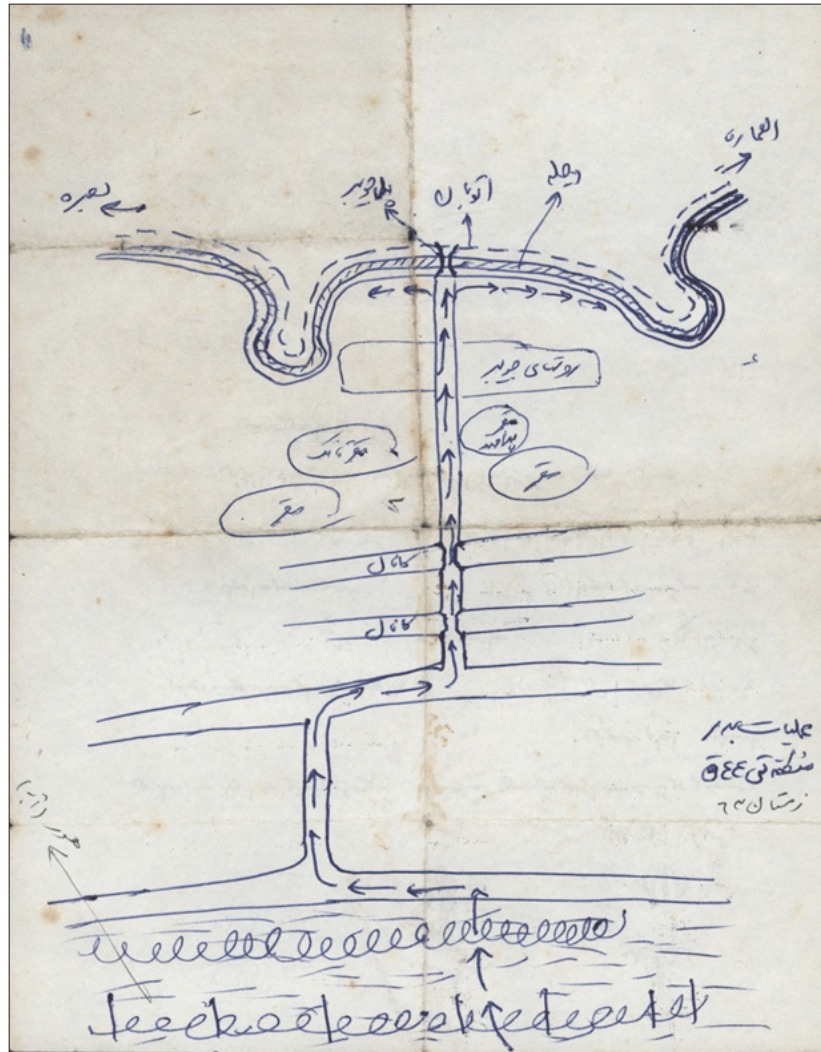
حرکت قایق‌ها حدود ۱۳ کیلومتر در داخل نیزارها بود. لذا وجود این نیزارها پوشش و اختفای بسیار مناسبی را ایجاد کرده بود. در حین حرکت حاج حسین می‌گفت و می‌خندید. خوشحالی غیر قابل وصفی در چهره‌اش نمایان بود. با غروب آفتاب و تاریک شدن هوا متوجه تغییر در حالات حاج حسین شدم دستمالی را از جیبش در آورد و به پیشانی‌ش بست. بعداً متوجه شدم که این دستمال را از ضریح حضرت رقیه^(ع) آورده است. آخر حاجی سید طباطبایی بود. حواسم کاملاً به او بود که متوجه نگاه‌های من نشود. با خودش زمزمه‌ای را شروع کرده بود. معلوم بود با معبود خود در حال راز و نیاز است. واقعاً صحنه‌ی بسیار زیبایی بود که من چنین حالتی را قبلاً در حاج حسین ندیده بودم. با خود گفتم خدا به خیر کند و برای او اتفاقی نیفتد.

ساعت عملیات فرا رسید و ما هم در محل مورد نظر منتظر حرکت گردان‌های خط‌شکن بودیم که پشت بی‌سیم دستور حمله صادر شد. کم‌کم به انتهای نیزار رسیدیم که تا ساحل دشمن حدود ۳ کیلومتر منطقه کاملاً باز بود. عراقی‌ها نیزارها را برای داشتن دید کامل بریده بودند و اشراف کاملی به منطقه داشتند

توجیه کردم. هیچ یادم نمی‌رود محمدرضا چالوک که بعداً در والفجر ۸ به شهادت رسید، چه شوخی‌هایی که با بچه‌ها نمی‌کرد و همه‌ی بچه‌ها از روحیه‌ی بسیار بالایی برخوردار بودند. همچنین در مدت حضور در جنوب همانند کردستان برای بالا نگه‌داشتن آمادگی جسمانی پرسنل، روزانه ورزش‌های متنوعی برپا بود. صبح اول وقت پس از تجهیز شدن همه به سمت اسکله حرکت کردیم. قایق‌ها آماده‌ی حرکت بود. حین سوار شدن قایق‌ها متوجه حاج حسین شدم که به طرف ما آمد و گفت: «سجاد ما هم امشب با شما می‌آییم. صداشو در نیار که هیچ کس از این موضوع خبر نداره.» نگاهی به ایشان کردم و خوشامد گفتم. در واقع با آن حالت حاج حسین، چیز دیگری نمی‌توانستم بگویم. چون قبلاً شنیده بودم که آقای ایزدی فرمانده وقت قرارگاه حمزه، سفارش کرده که نگذارید حاج حسین جلو برود. قایق‌ها کم‌کم با سرعت پایین به حرکت در آمدند. نکته‌ی قابل توجه این‌که دو گردان خط‌شکن قبل از ما حرکت کرده بودند. به دلیل این‌که حرکت متراکم نیرو امکان لو رفتن عملیات را داشت و صدای موتور قایق‌ها ممکن بود دشمن را حساس نماید.



نفرات ایستاده از راست: احمد بخش زاد - سجاد جهانشیر - رحمت رجب نژاد.
نفرات نشسته از راست: مجید یگانه ارشد - حجت صیاد وهابی از اعضای تیپ ۱۱۰ شهید بروجردی



کالک منطقه‌ی عملیات بدر و مسیر حرکت نیروهای ما برای انفجار پل جویبر

حال شلیک بود. اما در این اوضاع آن چیزی که غالب بر همه‌ی این احوال بود، شجاعت نیروهای خط‌شکن با اتکا به نصرت الهی بود که در مدت حدود ۲ ساعت درگیری اعلام کردند که خط شکسته شده و شما حرکت کنید. موتورهای قایق‌ها روشن و با سرعت به سمت ساحل دشمن حرکت کردیم به صورتی که از روی سیم‌خاردها گذشته و در نزدیکی ساحل پیاده شدیم. محل پیاده شدن ما نقطه‌ای بود که خط شکسته شده و اجازه‌ی رخنه را به نیروهای خودی

اما تاریکی شب امکان دید را بسیار محدود می‌نمود و این نقطه‌ی قوت برای نیروهای ما بود که در طول دفاع مقدس به نحو شایسته از این امکان استفاده شد. شروع تیراندازی‌های مستمر بیانگر رسیدن گردان‌ها به نزدیکی خط مقدم دشمن بود. همزمان با تیراندازی‌ها در خط، توپخانه‌ها نیز شروع به غریدن کرده و صداها در هور می‌پیچید. صحنه‌های عجیبی بود. از طرفی گلوله‌های منور عراقی‌ها منطقه را کاملاً روشن کرده بود و گلوله‌های رسام دوشکاهای در خط، پشت سر هم در

صورت گرفت و صدای آن به حدی مهیب بود که یکی از بچه‌ها به نام امیر حمزه داورزنی در اثر موج انفجار گوش‌هایش خونریزی نمود. مأموریت ما با موفقیت انجام شده بود. در این حین اکبر اشرفی‌نیا که سمت چپ پل بود نزدیک شده و گفت در منطقه‌ی لشکر عاشورا چند خودرو در حال جابه‌جایی می‌باشند که روشن و خاموش شدن چراغ ترمز آن‌ها کاملاً نمایان بود. با تعدادی از بچه‌ها به آن سمت رفتم و با دوربین مادون

قرمز متوجه جابه‌جایی چند دستگاه تانک و نفربر و خودرو عراقی شدم. ظاهراً لشکر ۳۱ عاشورا که در جناح چپ ما عمل می‌نمود هنوز به ساحل دجله نرسیده و در خط اول درگیر بود. کم‌کم هوا در حال روشن شدن بود که بر روی جاده‌ای که آمده بودیم نیروهای گردان سوم به ما نزدیک می‌شدند. به سمت فرمانده گردان رفته و موضوع نرسیدن لشکر عاشورا به دجله را گفتم و

محل جابه‌جایی عراقی‌ها را به ایشان نشان دادم که مبادا از جناح چپ مشکلی برای این گردان رخ دهد. با روشن شدن کامل هوا بال‌گردهای عراقی بر بالای سر ما به پرواز درآمدند و ظاهراً در حال شناسایی وضعیت منطقه بودند. البته از شلیک‌های تیربار و موشک‌های بالگرد نیز بی‌نصیب نبودیم با توجه به اتمام مأموریت، حضور ما در آنجا نیاز نبود. لذا کم‌کم برای مراجعت به عقب منطقه آماده شده و حرکت کردیم. پس از طی مسیر به کانال نرسیده بودیم که نفربرهای عراقی را دیدیم

می‌داد. از فرصت استفاده کرد و وارد منطقه‌ی دشمن شدیم. محل پیاده شدن ما با ابتدای جاده‌ی جویبر که عمود بر ساحل بود حدود ۳۰۰ متر فاصله داشت. با هر چه که در توان داشتیم دوان دوان به سمت جاده رفتیم. در این حین گردان‌ها به طرف راست و چپ مشغول پیشروی و توسعه‌ی وضعیت بودند. پس از رسیدن به ابتدای جاده به سمت دجله ادامه‌ی مسیر دادیم. قبل از رسیدن به کانال اول که پلی بر روی آن بود با تعدادی از عراقی‌ها که سوار بر خودرو جیپ روسی و یک‌دستگاه ایفا حاوی مهمات بودند، مواجه شدیم و درگیری مختصری روی داد.

پس از عبور از پل و رد شدن از کانال اول و کانال دوم در حین حرکت، صحبتی که شب گذشته با فرمانده گردان سوم داشتیم به یادم افتاد و با خود گفتم ای کاش موقع رسیدن گردان به کانال چند نفر برای تأمین عقبه در آنجا مستقر نمایند. در مسیر حرکت چند مقر در طرفین جاده و نزدیکی روستای جویبر بودند که درگیری شدیدی در این نقطه روی داد. سرهنگ عراقی در آنجا با نیروهایش مقاومت زیادی می‌کرد. در نهایت این درگیری منجر به هلاکت سرهنگ عراقی و تعدادی از نیروهایش شد. در این درگیری بود که حاج حسین هم از ناحیه‌ی دست زخمی شد. اما در این حین فریاد می‌کشید: «سجدا! معطل نکنید، سریع خودتان را به پل برسانید!» این مرد شریف چنان فریاد می‌کشید که انگار همان فرد سه ساعت قبلی که در قایق عین طفلی کوچک ضمن راز و نیاز گریه می‌کرد نبود. حاج حسین واقعاً شیر میدان بود و بس، خدایش رحمت کند.

در آن لحظه از حاج حسین جدا شده و به سمت پل حرکت کردیم، وقتی به ساحل رود دجله رسیدیم. تعدادی از بچه‌ها را در طرفین پل و تعدادی را بر روی پل مستقر کردیم و برادران تخریب کار خود را شروع کردند. اگر اشتباه نکرده باشم دقیقاً ساعت ۱:۳۰ نیمه شب بود که انفجار

جهانشیر: اگر اشتباه نکرده باشم دقیقاً ساعت ۱:۳۰ نیمه شب بود که انفجار صورت گرفت و صدای آن به حدی مهیب بود که یکی از بچه‌ها به نام امیر حمزه داورزنی در اثر موج انفجار گوش‌هایش خونریزی نمود. مأموریت ما با موفقیت انجام شده بود.



تصویر همه‌ی برادران اطلاعات عملیات تیپ ۱۱۰ شهید بروجردی

در ابتدای ستون آنها بود که قصد تیراندازی به سمت ما را داشت و مختار زارعی زودتر از وی تیراندازی نمود و او را به هلاکت رساند. بقیه‌ی عراقی‌ها وحشت‌زده در یک جا جمع شده و سلاح‌هایشان را بر زمین گذاشتند. به نظرم این اسرا اولین اسرای عملیات بدر بودند.

باعنایت‌الهی مسیر عقبه باز شده و به همراه اسرا حرکت کردیم. در نزدیکی ساحل هور، اسرا را تحویل نیروهای تیپ داده و به سمت جزایر مجنون حرکت کردیم. الحمدلله خسارات زیادی به ما وارد نشده بود و از اینکه می‌توانیم امانت حاج اکبر را سالم تحویل دهم بسیار خوشحال بودم.

زحمات تک تک برادران اطلاعات عملیات تیپ ۱۱۰ شهید بروجردی در این عملیات ستودنی بود. برادران انصافاً با زیرکی، چالاکی، شجاعت و شهامت خود برگ زرینی از عملکرد خود در این عملیات بر جای گذاشتند. هر چند که تمامی آن‌ها در گُردستان چندین و چند بار شایستگی‌های خود را به نمایش گذاشته بودند اما این عملیات باعث گردید که دشمن بعضی نتواند نیروی کمکی به منطقه‌ی عملیاتی لشکر عاشورا، تیپ قمر و لشکر ۱۷ علی‌ابن‌ابی‌طالب^(ع) وارد کند.

که به سمت پل روی کانال حرکت کرده و یکی از نفربرها بر روی پل مستقر گردید. فاصله‌مان با عراقی‌ها بسیار نزدیک بود به حدی که درجه‌ی افسر عراقی را که بر روی یک پارچه‌ی مخمل قرمز رنگ بود را مشاهده می‌کردیم. در این اوضاع گردان سوم مشغول استقرار در ساحل دجله بوده و از وضعیت عقبه خبر نداشت. از طرفی گردان‌های خط‌شکن شب گذشته هم با ما فاصله‌ی ۴ کیلومتری داشتند. با بی‌سیم وضعیت را به شهید شاهمرادی اطلاع دادم و گفتم که ما دور خورده‌ایم لذا بهتر است فکری به حال این وضعیت نمایند. از آنجا که رسیدن نیروی کمکی از عقبه مستلزم زمان کافی بود، شرایط رفته رفته سخت‌تر و احتمال اسارت‌مان قوی‌تر می‌شد. با توکل بر خدا و تدابیر مناسب درگیر شدیم. عراقی‌ها با تصور این که نیروی زیادی در مقابل آنها قرار دارد پا به فرار گذاشته و قصد داشتند با انداختن خود به آب خود را به آن سمت رودخانه برسانند. فرصت بسیار طلایی برای ما بود که آن‌ها را به اسارت بگیریم و این کار را نیز انجام دادیم. حدود ۸۰ الی ۱۰۰ نفری میشدند. البته سرگردی



جنگ ایران و عراق و نقش آن در فروپاشی روند توسعه‌ی اقتصادی عراق

نویسنده: عباس النصرآوی*

مترجم: سهراب گنجی مراد**

چکیده		

عباس النصرآوی در این مقاله «جنگ ایران و عراق و نقش آن در فروپاشی روند توسعه اقتصاد عراق» به بررسی اوضاع اقتصادی عراق در ۸ سال جنگ با ایران می‌پردازد: بررسی بازار نفت، نقش عراق در صادرات نفت اوپک و تأثیرات انقلاب ایران بر وضعیت نفتی عراق، نرخ رشد اقتصادی، نیروی کار و به کارگیری فزاینده آن در نیروهای نظامی، سیاست خصوصی سازی، تورم و میزان تلفات و خسارات مالی جنگ مورد بررسی قرار گیرد. همه این عوامل در راستای بررسی توسعه در عراق در نظر گرفته می‌شود. توسعه رو به رشد در دهه ۱۹۷۰ که در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ رو به افول گذاشت. کلیدواژگان: توسعه عراق، اقتصاد، سیاست نفتی، تولید ناخالص ملی، تورم، خصوصی سازی

در آستانه جنگ به حداکثر ۹۲۶ هزار بشکه در روز رسید که تنها از طریق خطوط لوله ترکیه و سوریه صادر می‌شد.^(۱) جنگی که دولت عراق آن را بدون شک یک حمله برق‌آسای موفق و کوتاه مدت تلقی می‌کرد، هشت سال ادامه یافت و معضلات اقتصادی و فجایع انسانی ناشی از آن تا سال‌های متمادی دامن‌گیر اقتصاد و مردم عراق شد.

جنگ و اقتصاد عراق

زمانی که حکومت عراق جنگ را آغاز کرد، اقتصاد این کشور در اولین سال از دهه‌ای بود که قرار بود دهه جدید رشد اقتصادی عراق باشد. به دنبال ملی شدن شرکت نفت عراق (IPC) و شرکت‌های وابسته

در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ (۳۱ شهریور ۱۳۵۹ش) جنگنده‌های عراقی به ده پایگاه هوایی ایران حمله کردند و نیروی زمینی عراق نیز به هشت نقطه مختلف از خاک این کشور تجاوز کرد. از آن سو، ایران نیز با بمباران تأسیسات صادرات نفت عراق به مقابله برخاست و عراق تنها چهار روز پس از شروع جنگ مجبور شد انتقال نفت از مناطق جنوبی‌اش را متوقف کند. بعدها بخشی از صادرات نفت عراق دوباره آغاز شد ولی ظرفیت صدور نفت این کشور به علت تخریب پایانه‌های نفتی فراساحلی‌اش تا پایان ماه نوامبر (اوایل آذر) در حد ۲/۵ میلیون بشکه در روز باقی ماند. به این ترتیب، صادرات نفت عراق به میزان ۷۲ درصد کاهش یافت و از ۳ میلیون و ۲۸۱ هزار بشکه در روز

* The Iran-Iraq War and the Demise of Development
Abbas Alnasrawi

** پژوهشگر مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

شرایط مطلوب منطقه‌ای همراه با افزایش شدید درآمد نفت این امکان را برای دولت عراق فراهم نمود که بودجه بیش تری به زیرساخت‌ها، بخش تولید کالا، خدمات اجتماعی، واردات و امور نظامی اختصاص دهد. این شرایط مطلوب تقریباً همه امور اقتصادی را به سطوح بسیار بالاتری ارتقا داد. به این ترتیب، میانگین میزان رشد اقتصادی عراق از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ (۴۹-۱۳۵۹ش) را به این شکل می‌توان خلاصه کرد: تولید ناخالص داخلی معادل ۱۱/۷ درصد؛ بخش دولتی ۱۳/۶ درصد؛ بخش خصوصی ۱۳/۲ درصد؛

96



بمباران تأسیسات نفتی؛ ۱۳۶۶

خود اختصاص می‌داد.^(۳) در این جا باید به این نکته هم اشاره کرد که تجارت خارجی صرفاً در اختیار دولت بود و به عبارتی هر افزایشی در واردات باید از طریق سیاست‌های ابلاغی دولت [عراق] انجام می‌شد. بنابراین افزایش سریع واردات غیر نظامی را باید به عنوان راهبرد سیاسی دولت عراق برای کاهش تأثیرات جنگ بر هنجارهای زندگی مردم تلقی کرد؛ راهبردی که دولت از طریق آن تلاش می‌کرد کالاهای مصرفی آن‌ها را به وفور در اختیارشان قرار دهد. ارزیابی زیر تأییدی بر این دیدگاه است:

بازگشت وضعیت عادی به بغداد، ظرفیت آشکار رژیم بعث عراق برای جنگ‌افروزی علیه ایران را نشان می‌داد. شعار حزب بعث مبنی بر عادی بودن روند تجارت در عراق را از تأمین مواد و کالاهای مصرفی جامعه می‌شد مشاهده کرد؛ روندی که پیش از جنگ به ندرت مشاهده می‌شد.^(۴)

سیاست اسلحه و کره دولت [عراق] تنها به سطوح بالای واردات کالاهای مصرفی محدود نمی‌شد، بلکه بودجه‌های تخصیص یافته به برنامه‌های توسعه هم به‌شدت افزایش یافته بود. بنابراین در حالی که میزان

ارزی عراق و افزایش وابستگی این کشور به اعتبارات اعطایی تولید کنندگان خارجی و در ادامه نیز تکیه بر وام‌های بلند مدت خارجی بود. پس از کاهش ذخایر ارزی عراق، کشورهای عربستان سعودی و کویت به‌ویژه در اوایل جنگ کمک‌های مالی قابل ملاحظه‌ای در اختیار این کشور قرار دادند.

دولت عراق با دست رسی به سرمایه‌های عظیم خارجی و کمک‌های مالی کشورهای عرب توانست سیاست **اسلحه و کره** (guns and butter) را در کشور اجرا نماید؛ سیاستی که در آن ضمن تأمین نیازهای اقشار مختلف جامعه، بودجه‌های نظامی نیز افزایش یافت. افزایش سریع واردات از ۴/۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۸ (۱۳۵۷ش) به ۲۱/۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱ش) که افزایشی بیش از ۴۰۰ درصد را نشان می‌داد تنها یکی از آثار اعمال این سیاست بود. بررسی‌های دقیق نیز این واقعیت را آشکار می‌ساخت که واردات عمدتاً از کالاهای غیر نظامی بود. بنابراین، میزان افزایش واردات غیر نظامی در این دوره از ۲/۶ میلیارد دلار که ۶۱/۹ درصد از کل واردات عراق را تشکیل می‌داد به ۱۷/۳ میلیارد دلار افزایش یافته بود که ۸۰/۱ درصد از کل واردات این کشور را به

و مدیریتی کاهش یافته بود. نا آشنایی با فرایندهای فنی طرح‌ها و ناتوانایی فنی، مالی و مدیریتی برای تبدیل طرح‌ها از مرحله نظر به عمل باعث شده بود که بسیاری از وزارت‌های دولت عراق وادار به استفاده از خدمات پیمانکاران خارجی و واردات کالاهای آماده شوند.^(۷) در این جا این سؤال مطرح می‌شود که رژیم بعث چگونه انتظار داشت این همه طرح را در زمان جنگ انجام دهد در حالی که پیش از جنگ نیز توانایی انجامش را نداشت. افزون بر این، جدا کردن نیروی کار از بخش‌های اقتصاد غیر نظامی و گسیل آن‌ها به جبهه‌های جنگ فقط مشکلات نیروی کار شاغل در بخش‌های اقتصادی را افزایش داد. به‌ویژه وقتی که پیمانکاران خارجی کارگزارانشان را از عراق که درگیر جنگ بود خارج کردند. به هر حال، جنگ با ایران کمبود نیروی کار حرفه‌ای را حادث کرد.

بالتر از همه این موارد، مشکل عراق نداشتن منابع مالی برای تأمین این تخصیص‌های عمده بود. رژیم عراق به‌رغم ظاهر و وجهه جسورانه‌ای که داشت و بودجه‌های کلانی که برای طرح‌های در حال اجرا اختصاص می‌داد، هیچ راهی برای گریز از واقعیات مخرب جنگ نداشت. از این رو، در سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱ش) هنگامی که جنگ به داخل خاک عراق کشیده شد و برای شش سال دیگر ادامه یافت، ادعاهای گزاف و افکار امیدوارانه رژیم عراق به‌کلی بر باد رفت. در ادامه تحلیل دقیق‌تری از نقش جنگ در اقتصاد عراق ارائه می‌کنیم.

جنگ، نفت عراق و سیاست نفتی عربستان سعودی

عراق در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) بزرگ‌ترین کشور صادرکننده نفت اوپک پس از عربستان سعودی بود و میزان صادراتش به ۳/۳ میلیون بشکه در روز می‌رسید که ۱۱/۴ درصد از کل صادرات اوپک را تشکیل می‌داد. درآمد نفتی عراق نیز ۲۱/۴ میلیارد دلار بود که ۱۰/۵

این تخصیص‌ها در سال ۱۹۷۸ (۱۳۵۷ش) معادل ۲/۸ میلیارد دلار بود در سال‌های ۱۹۸۰، ۱۹۸۱، و ۱۹۸۲ به ترتیب به ۵/۲، ۶/۷ و ۷/۷ میلیارد دلار افزایش یافت. (به جدول ۱ نگاه کنید) بر اساس یکی از بررسی‌های انجام شده، میزان قراردادهای منعقد شده با شرکت‌های خارجی برای طرح‌های غیر نظامی از ۱۴/۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹ش) به ۲۴/۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۱ (۱۳۶۰ش) افزایش یافته بود که یک افزایش ۶۴ درصدی را نشان می‌داد.^(۵)

البته افزایش برنامه‌ریزی شده و گسترده بودجه‌های طرح‌های توسعه چیزی جز یک لفاظی سیاسی نبود. اصولاً اقتصاد عراق حتی پیش از جنگ نیز از، معضلات و تنگناهای جدی متعددی روبرو بود که مواردی نظیر تورم، ناتوانایی در هزینه‌کرد بودجه‌های تخصیص یافته، کمبود نیروی انسانی مجرب و کافی نبودن زیرساخت‌ها از آن جمله بود. معضل سامانه حمل و نقل عراق از مشخصه‌های ضعف زیرساخت‌ها بود. عبدالوهاب الامین (Abdul Wahab Al-Ameen) در این باره می‌گوید: «ضعف این سامانه زمانی به نحو دردناکی آشکار شد که کالاهای وارداتی از چیزی کم‌تر از ۰/۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۳ (۱۳۵۲ش) به ۲/۶ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۳ش) افزایش یافت و سامانه حمل و نقل عراق نتوانست جواب‌گوی هجوم محموله‌های وارداتی باشد و این معضل با کمبود فضاهای انباشت کالا هرچه بیش‌تر تشدید شد.»^(۶) با توجه به این معضل و صرف نظر از هزینه‌های مرتبط با تغییر مسیر تجاری ناشی از جنگ، بدیهی بود که سامانه حمل و نقل و انباشت کالا نمی‌توانست جواب‌گوی افزایش واردات کالا به میزان ۲۱/۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱ش) باشد.

همچنین سرعت برنامه‌های توسعه نیز از دهه ۱۹۵۰ (۱۳۳۰ش) نه به علت نبود بودجه بلکه به علت نبود نیروی کار ماهر به خصوص در حوزه اداری

جدول ۵-۱ طرح‌های سرمایه‌گذاری و توسعه‌ی سالانه‌ی عراق در سال‌های ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۳م (۶۲-۱۳۵۳ش)

سال	کشاورزی	صنعت	حمل و نقل و ارتباطات	ساخت و ساز و خدمات	سایر موارد	جمع کل
۱۹۷۶م (۱۳۵۵ش)	۲۶۹	۷۰۹	۲۴۳	۲۱۳	۶۱	۱۴۹۴
۱۹۷۷م (۱۳۵۶ش)	۳۹۰	۹۶۶	۳۵۲	۲۸۸	۳۸۲	۲۳۷۷
۱۹۷۸م (۱۳۵۷ش)	۵۰۰	۸۰۰	۴۳۸	۳۸۲	۶۸۱	۲۸۰۰
۱۹۷۹م (۱۳۵۸ش)	۵۰۰	۸۴۲	۴۳۶	۴۶۲	۱۰۴۳	۳۲۸۳
۱۹۸۰م (۱۳۵۹ش)	۵۰۵	۱۱۷۳	۸۵۰	۱۱۱۴	۱۵۹۳	۵۲۴۰
مجموع پنج سال	۲۱۵۸	۴۴۹۰	۲۳۱۸	۲۴۵۸	۴۳۱۲	۱۵۷۳۶
۱۹۸۱م (۱۳۶۰ش)	۶۸۱	۱۲۴۶	۱۲۸۴	۱۸۹۹	۱۶۳۲	۶۷۴۳
۱۹۸۲م (۱۳۶۱ش)	۶۶۸	۱۳۱۶	۱۳۸۷	۱۶۵۳	۲۵۷۶	۷۷۰۰
۱۹۸۳م (۱۳۶۲ش)	۴۸۴	۸۱۱	۸۰۹	۱۱۰۵	۲۱۴۲	۵۳۵۰
مجموع سه سال	۱۴۳۲	۳۳۷۳	۳۴۸۰	۴۶۵۷	۶۳۴۹	۱۹۷۹۳
مجموع هشت سال	۲۳۰۲	۷۸۶۳	۵۷۹۹	۷۱۱۵	۱۰۶۶۲	۳۵۵۳۰

منبع: چکیده آمار سالانه دولت عراق

درصد از کل درآمد اوپک را به خود اختصاص می‌داد. اما در سال ۱۹۸۳ (۱۳۶۲ش) صادرات نفت عراق به ۷۴۰ هزار بشکه در روز (۵/۱ درصد از کل صادرات اوپک) و درآمد نفتی‌اش به ۷/۸ میلیارد دلار (۵ درصد از درآمد نفت اوپک) کاهش یافت.^(۸) برخی از علل این کاهش شدید عبارت بودند از: کاهش میزان صادرات ناشی از جنگ، اُفت کلی تقاضای نفت (و به‌ویژه نفت اوپک) و سقوط قیمت نفت. در این میان، تصمیم سوریه مبنی بر قطع خط لوله انتقال نفت عراق از خاک این کشور نیز از دیگر علل کاهش صادرات و درآمد نفت عراق محسوب می‌شد. با این اقدام سوریه، عراق چهار هزار بشکه نفت صادراتی روزانه‌اش از طریق خط لوله را از دست داد و صادراتش از طریق خطوط لوله زمینی به خط لوله‌ای منحصر شد که از خاک ترکیه عبور می‌کرد و ظرفیت تقریبی آن معادل ۷۵۰ هزار بشکه در روز (حدود یک چهارم ظرفیت صادراتی این کشور در ابتدای جنگ) بود.

کاهش شدید درآمدهای نفتی باعث شد رژیم عراق مجبور به اتخاذ برنامه‌های صرفه‌جویی و ریاضت اقتصادی شود و همه طرح‌های توسعه (به جز طرح‌های مرتبط با امور نظامی) را متوقف کند. یکی از آثار جنگ بر توسعه شرایط نفتی عراق را می‌توان در کاهش سهم عراق در قراردادهای منعقدۀ اعضای سازمان کشورهای عربی صادرکننده نفت (اوپک)* مشاهده کرد. سهم عراق در این قراردادها در سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۱ (۵۸-۱۳۶۰ش) به ترتیب ۱۷، ۳۰ و ۳۱ درصد بود در حالی که این میزان در سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ (۶۲-۱۳۶۱ش) به ترتیب به ۹ و ۲ درصد کاهش یافت.^(۹) تأثیر جنگ بر نفت عراق را علاوه بر تأثیرات غیر قابل اجتنابی که در طول جنگ بر جای گذاشت باید از نظر تأثیرات بلند مدتی که بر عراق داشت نیز مورد بررسی قرار داد.

* Organization of Arab Petroleum Exporting Countries

در سال ۱۹۷۹م [۱۳۵۸ش] به اوج رسیده و بالغ بر ۲۸/۶ میلیون بشکه در روز شده بود در سال ۱۹۸۲م [۱۳۶۱ش] به ۱۶/۵ میلیون بشکه در روز کاهش یافت و این در حالی بود که سهم عربستان سعودی از کل صادرات نفت این سازمان از ۳۲ درصد در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) به ۳۷ درصد در سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱ش) افزایش یافت. صدام، رئیس‌جمهور عراق با زیان‌آور خواندن سیاست اضافه تولید سعودی، نظریه را در این مورد چنین بیان کرد:

«ما ضمن توصیه دوستانه به برخی برادران عربمان که با سیاست تولید و بازاریابی خود باعث اشباع بیش از اندازه بازار نفت شده‌اند، انتقادات جدی هم از آن‌ها داریم و احتمالاً نمی‌توانیم دلایل متقاعدکننده‌ای در تأیید این سیاست و اهداف آن بیابیم. تأثیرات زیان‌آور این سیاست بر کشورهای عرب تولید کننده نفت و دیگران کاملاً آشکار است. اگر برخی کشورهای تولید کننده نفت درآمدهای مازادی دارند، همه ما چنین ذخیره‌ای از ثروت نداریم. ما همچنین هیچ منطقی برای این تولید که منجر به اشباع بازار نفت شده نمی‌بینیم.»^(۱۰)

وزیر نفت عراق با حمله شدیدتر به سیاست نفتی سعودی، معتقد بود هدف از سیاست اشباع نفت طولانی‌تر شدن جنگ ایران و عراق بوده است.^(۱۱) البته اتخاذ سیاست اشباع تولید از سوی عربستان سعودی تنها کاهش درآمدهای نفتی عراق را در پی نداشت و به همین خاطر سایر اعضای اوپک نیز با عراق همراه شدند و این سیاست خطرناک علیه اهداف اقتصادی‌شان را محکوم کردند.^(۱۲) این واقعیت که عربستان سعودی مسئول اشباع بازار نفت بود ادعای بی‌پایه و اساسی نبود. خود وزیر نفت عربستان هم آشکارا اذعان داشت که سیاست دولت متبوعش باعث

در بازار تجاری که چند تولیدکننده، یک محصول مانند نفت خام را می‌فروشد، بدیهی است که وقتی سهم تولید کننده ای کاهش می‌یابد سایر تولید کنندگان فروششان را افزایش می‌دهند تا سهم کاهش یافته رقیبشان را در بازار جبران کنند. این قاعده به‌ویژه زمانی صدق می‌کند که تولیدکنندگان ظرفیتشان را افزایش می‌دهند یا می‌توانند ظرفیتشان را در مدت اندکی افزایش دهند. این دقیقاً همان چیزی بود که در گرماگرم انقلاب ایران در سال‌های ۱۹۷۷ تا ۱۹۷۹ (۵۷-۱۳۵۵ش) اتفاق افتاد و ایران تصمیم گرفت سطح صادرات نفتش را به میزان ۲/۳ میلیون بشکه در روز کاهش دهد. این میزان کاهش با افزایش صادرات نفت عراق، عربستان سعودی و کویت به طور کامل جبران شد. به همین طریق، کاهش صادرات نفت عراق (و ایران) ناشی از جنگ از سوی سایر تولیدکنندگان (و عمدتاً عربستان سعودی) جبران شد. اگر کشورهای خاورمیانه‌ای عضو سازمان اوپک را به مثابه یک گروه در نظر بگیریم، آمار صادرات نفت و درآمدهای ناشی از آن نشانگر این است که عربستان سعودی ۴۰ درصد از درآمد نفت این گروه و به عبارتی ۴۰ درصد از کل صادرات نفتی سال ۱۹۷۸ (۱۳۵۷ش) را به خود اختصاص داده بود. سهم عربستان از صادرات نفت [این گروه] در سال ۱۹۸۱ (۱۳۶۰) به ۶۰ درصد و میزان درآمدش به ۶۲ درصد افزایش یافت. تغییر وضعیت عراق نسبت به عربستان سعودی را از طریق مقایسه‌ی سطوح درآمدهای دو کشور نیز می‌توان ارزیابی کرد. در حالی که درآمد نفت عراق در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸ش) معادل ۳۴ درصد درآمد نفت عربستان سعودی بود، این مقدار در سال ۱۹۸۱ (۱۳۶۰ش) به ۹ درصد کاهش یافت. نکته‌ی مهمی که در این جا باید به آن اشاره کرد این است که عربستان به‌رغم اشباع کاملاً آشکار بازار جهانی، صادراتش را همچنان در سطح بسیار بالایی نگه داشت. در واقع، صادرات نفت اوپک که

دولت عربستان سعودی برای آن که از کاهش میزان صادرات و درآمد نفتی‌اش جلوگیری و قدرت‌ش را در بازار نفت حفظ کند به سایر اعضای شورای همکاری خلیج (فارس) پیوست و کاهش دهندگان قیمت نفت را به علت «رفتار غیر مسئولانه» و «عملکرد همراه کننده‌شان» در این زمینه به باد انتقاد گرفت و به کنایه از آن‌ها خواست قیمت نفت خود را افزایش دهند.^(۱۴)

اما نه عربستان و نه سازمان اوپک در کل نتوانستند

یکی از دلایل قطع کمک‌های [عربستان و کویت] دقیقاً این بود که عراق با گردش مالی فزاینده‌ای که در اختیار داشت به طرح‌های توسعه‌ای عمده می‌پرداخت. اما هم پیمانان عراق مایل نبودند عراق از منابع مالی برای تأمین زندگی مرفه برای عراقی‌ها و یا اعمال سیاست اسلحه صرف کند.

کار زیادی برای جلوگیری از کاهش صادرات نفت انجام دهند. کاهش تقاضای نفت به طور عام و برای نفت اوپک به طور خاص، از یک سو به اقدامات موفقیت‌آمیز کشورهای صنعتی در زمینه‌ی جایگزینی و حفظ انرژی برمی‌گشت و از سوی دیگر، حاصل افزایش صادرات نفتی کشورهای غیر عضو اوپک بود. این تحولات باعث شد که میزان صادرات نفت اوپک در سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴ش) به ۱۳/۳ میلیون بشکه در روز کاهش یابد و این در حالی بود که این میزان در سال ۱۹۷۹

(۱۳۵۸ش) به نقطه‌ی اوج ۲۸/۹ میلیون بشکه در روز رسیده بود. بر همین اساس، قیمت نفت در سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵ش) به پایین‌ترین حد خود تا آن زمان یعنی هر بشکه ۷ دلار سقوط کرد و درآمد نفت اوپک نیز از ۲۸۴/۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹ش) به ۷۶/۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵ش) کاهش یافت.^(۱۵)

در طول این تحولات در بازار نفت، عراق تماشاگر

اشباع بیش از اندازه بازار نفت شده است. او در این مورد می‌گوید:

«خوب، در واقع عربستان سعودی این اشباع در بازار نفت را پیش‌بینی و تقریباً آن را ایجاد کرده است. اگر ما تولیدمان را به همان سطح پیشین کاهش می‌دادیم، اصولاً این اشباع رخ نمی‌داد. ما بازار را اشباع کردیم تا قیمت نفت را تثبیت کنیم.»^(۱۳)

اما سیاست اشباع تولید نفت، فشار مضاعفی بر قیمت‌های بازار وارد آورد و کنترل اوضاع از دست عربستان خارج شد. اگرچه دولت عربستان معتقد بود که با کنترل سطح تولید نفت خود می‌تواند قیمت رسمی نفت را تثبیت کند و اشباع را پدیده‌ای گذرا می‌دانست که تا اواسط ۱۹۸۲ (۱۳۶۱ش) از بین می‌رود، اما عملکرد سایر تولیدکنندگان نفت نادرستی تصورات سعودی را اثبات کرد.

یکی از دلایل مهم این تغییر وضعیت را می‌توان در موفقیت ایران در گسترش تولید و صادرات نفتش مشاهده کرد. این کشور نفت خود را در مقایسه با قیمت رسمی اوپک با تخفیف قابل ملاحظه‌ای عرضه می‌کرد تا بتواند بخشی از سهم بازارش را که به عربستان واگذار کرده بود احیا کند. ایران در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۸۱ (۱۳۶۰ش) تا ۱۹۸۲ (۱۳۶۱ش) میزان صادراتش را از ۸۵۵ هزار بشکه به یک میلیون و ۸۰۴ هزار بشکه در روز افزایش داد. البته ایران تنها کشوری نبود که نفت خود را ارزان‌تر می‌فروخت. برخی دیگر از کشورهای عضو اوپک نظیر لیبی، الجزایر و نیجریه نیز به پیروی از ایران قیمت نفت خود را کاهش دادند تا سهم خود را از بازار نفت حفظ کنند. این اقدام به نوبه خود باعث شد که صادرات نفت عربستان سعودی از ۹/۵ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۱ (۱۳۶۰ش) به روزانه ۶/۲ میلیون بشکه در سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱ش) و ۴/۳ میلیون در سال ۱۹۸۳ (۱۳۶۲ش) کاهش یابد.

مختلفی انجام می‌شد. اول، افزایش کمک‌های اقتصادی آشکار و فوری؛ دوم، تولید روزانه ۳۰۰ هزار بشکه نفت از حوزه‌های نفتی‌شان و فروش آن به نیابت از طرف عراق؛ و سوم، ابراز تمایل عربستان سعودی به افزایش اعتبار عراق در بازارهای مالی بین‌المللی.

این تحولات به این معنا بود که بقای نظامی و اقتصادی عراق به درآمد نفت، کمک‌های اقتصادی کشورهای عربی و تأمین اعتبارات خارجی وابسته بود، تا آن جا که یکی از ناظران امور در این مورد می‌گوید: «یکی از علل اصلی احیای مجدد ارتش عراق و گذار از روزهای اسفبار سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱ش) تأمین اعتبارات خارجی بود. سخاوتمندی دولت‌های عرب خلیج (فارس)، استفاده از منابع مالی سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) و اعتبارات اعطایی شوروی از جمله عللی بود که از فروپاشی کلی اقتصادی عراق جلوگیری کرد.»^(۱۶)

دولت عربستان علاوه بر اعطای کمک‌های مالی، اقتصادی و نفتی، به عراق اجازه داد خط لوله انتقال نفت از خاک عربستان احداث نماید تا صادرات حوزه‌های نفتی جنوبی‌اش را از این طریق افزایش و انتقال دهد. ترکیه نیز علاوه بر امکان توسعه ظرفیت

بود. زیرا صادرات نفت این کشور به علت قطع دسترسی‌اش به خلیج فارس و توقف انتقال نفتش از طریق خط لوله‌ای که از خاک سوریه می‌گذشت هنوز از ظرفیت واقعی‌اش بسیار کم‌تر بود و درآمد نفتی این کشور از ۲۶/۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹ش) به ۶/۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵) کاهش یافته بود. جالب این که با ادامه‌ی جنگ در خاک عراق، درآمد نفتی این کشور بیش از پیش کاهش یافت و وابستگی‌اش به این منبع درآمد تشدید شد؛ زیرا عراق با این درآمد در حال کاهش مجبور بود ضمن پرداخت هزینه واردات اساسی اقلام نظامی و غیر نظامی، دیون خارجی‌اش را هم مستهلک کند تا زمینه استقراض‌های جدید را فراهم نماید.

یکی از پیامدهای مهم این تغییر وضعیت نفتی عراق، وابستگی فزاینده رژیم این کشور به حمایت‌های مالی همسایگانش و به‌ویژه عربستان سعودی و کویت بود که مایل بودند به حمایت مالی از عراق ادامه دهند. این دو کشور خطر سیاست‌های حکومت ایران را برای ثبات حاکمیت خانواده محورشان درک کرده بودند و بر این مبنا از عراق در جنگ با ایران حمایت می‌کردند. حمایت‌های مالی دو کشور مزبور از عراق به شیوه‌های



بمباران تأسیسات نفتی در خلیج فارس

نمی‌توانست بر آن‌ها فائق آید از آن‌ها چشم‌پوشی می‌کرد؛ مشکلاتی نظیر کمبود نیروی کار، رکود در بخش کشاورزی، افزایش جمعیت شهری، تورم مداوم، افزایش وابستگی به کالاهای مصرفی خارجی ((به خصوص مواد غذایی))، و افزایش وابستگی به نفت.

تصمیم‌گیران سیاسی [عراق] تا وقتی می‌توانستند با این مشکلات کنار بیایند که همچنان به ارزش خارجی حاصل از درآمد نفت دست رسی داشته باشند و از آن برای واردات محصولات کشاورزی و سایر کالاهای مصرفی بادوام و بی‌دوام، مواد خام و کالاهای اساسی، تجهیزات نظامی، و نیروی کار و متخصص خارجی استفاده کنند. افزون بر این، دولت [عراق] با در اختیار داشتن بیش‌ترین سهم تولید ناخالص ملی (یعنی درآمد نفت) در مقام بزرگ‌ترین هزینه‌کننده در اقتصاد، بزرگ‌ترین کارفرما، فصل‌الخطاب همه‌ی امور، و توزیع‌کننده‌ی درآمدها بین گروه‌ها، اقشار و مناطق کشور قرار داشت. دولت عراق علاوه بر این ابزارهای اقتصادی با استفاده از درآمد نفت می‌توانست به انواع اقدامات ارباب و سرکوب نیز متوسل شود و از این طریق حاکمیت خود را تضمین نماید.

با نادیده گرفتن اهمیت راهبردی و اقتصادی نفت و تخصیص درآمد نفت به کالاهای مصرفی عمده، رژیم بعث نیز (همانند سایر کشورهای تولیدکننده نفت) در تحلیل نهایی‌اش متوجه این مسئله نبود که میزان تقاضای نفت در درازمدت ثابت نیست و عدم درک این واقعیت ساده که اگر قیمت نفت همچنان بالا بماند، تقاضا برای نفت عملاً کاهش می‌یابد، پیامد فاجعه‌باری برای اقتصاد [عراق] داشت.

افزایش درآمد نفت در دهه‌ی ۱۹۷۰ (دهه‌ی ۱۳۵۰) برای رژیم عراق چنان غلط‌انداز بود که این رژیم تصور می‌کرد این روند فزاینده غیر قابل بازگشت است و از طرفی این باور که ذخایر نفت عراق از آنچه فکر می‌کنند بسیار بیش تر است تنها به این باور غلط دامن می‌زد که رژیم این کشور از نظر منابع مالی با

خط لوله‌های موجود، زمینه‌احداث خط لوله دیگری برای انتقال بیش‌تر نفت از حوزه‌های شمالی عراق را فراهم نمود. این خط لوله‌های جدید ظرفیت صادرات نفت عراق را از کم‌تر از یک میلیون بشکه در روز در اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) به ۳/۳ میلیون بشکه در سال ۱۹۸۹ (۱۳۶۸ش) افزایش داد و در نتیجه، بازگشایی خط لوله‌ی سوریه که در سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱) قطع شده بود دیگر (برای عراق) ضرورتی نداشت.

البته در این جا باید به این نکته اشاره کرد که عراق با احداث خط لوله‌های انتقال نفت از خاک عربستان و ترکیه گرچه خود را از وابستگی به سوریه در این زمینه رها کرد ولی صادرات نفتش هرچه بیش‌تر به عربستان و ترکیه وابسته شد؛ مسئله‌ای که در تجاوز عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ (۱۳۶۹ش) تأثیر خود را تا حد زیادی نشان داد. همچنین ذکر این نکته هم لازم است که اگرچه صادرات نفت (عراق) از ۷۴۰ هزار بشکه در روز در سال ۱۹۸۳ (۱۳۶۲) به ۲/۲ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) افزایش یافت و به عبارتی ۱۹۸ درصد اضافه شد، درآمد نفتی‌اش به علت رکود پایدار قیمت نفت در آن سال‌ها تنها با ۴۰ درصد افزایش، از ۷/۸ به ۱۱ میلیارد دلار رسید.

جنگ و سیر نزولی اقتصاد عراق

عراق در دهه‌ی ۱۹۷۰ (دهه‌ی ۱۳۵۰) و به‌ویژه در نیمه‌ی دوم آن شاهد افزایش بی‌سابقه‌ی میزان تولید نفت، درآمد نفت، درآمد ملی، درآمد سرانه، رشد صنعتی، رونق ساخت و ساز، و هزینه‌های مصرفی بخش دولتی و خصوصی بود. مازاد تراز پرداخت‌های عراق نیز به گونه‌ای بود که میزان ذخیره‌ی ارزی عراق در هنگام تصمیم دولت این کشور برای تجاوز به ایران حدود ۴۰ میلیارد دلار بود.

اما مشکلات ساختاری که در زیر این تصویر امیدبخش وجود داشت چنان بود که دولت عراق چون

حمل و نقل زمینی در خاک کویت، اردن و ترکیه متوسل شود؛ مسیرهایی که مدت تحویل کالاها را برای عراقی‌ها طولانی‌تر و قیمت کالاها را برای آن‌ها گران‌تر می‌کرد. مرحله‌ی اولیه‌ی بمباران‌ها تا پیش از سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱) همچنین منجر به تخریب طرح‌های اصلی صنعتی سازی عراق نظیر صنایع نفت و پتروشیمی، آهن و فولاد شد. زیرا این صنایع اتفاقاً در جنوب عراق قرار داشتند و نیروی هوایی ایران به سهولت به آن‌ها دسترسی داشت. برخی از طرح‌ها هم که در طول جنگ آسیب ندیده یا تخریب نشده بود نیز با خروج کارشناسان خارجی از عراق به طور کامل متوقف شد.

به طور کلی، تأثیرات مخرب و ویرانگر جنگ در دو سال اول آن با پیامدهایی [برای عراق] همراه بود؛ پیامدهایی نظیر فروپاشی کلی اقتصاد، کاهش شدید ذخایر ارزی، کاهش کلی تولیدات، نرخ بالای تورم، توسعه‌ی نیروهای نظامی، کاهش محصولات کشاورزی و صنعتی، تغییر مسیر تجارت خارجی، کمبود نیروی کار، کاهش طرح‌های سرمایه‌گذاری، افزایش وابستگی غذایی، کاهش واردات، افزایش دیون خارجی، افزایش مخارج نظامی، و محدود شدن بودجه‌های توسعه به طرح‌های جنگی.

موفق نشدن ماشین جنگی عراق در توقف پیشروی نیروهای ایرانی در داخل خاک عراق، سرانجام دولت این کشور را مجبور کرد که اذعان کند چاره‌ای ندارد جز آن که آشکارا با جنگ و پیامدهای آن کنار بیاید و دیگر نمی‌تواند واقعیات جنگ را از مردم پنهان نماید.

جنگ و پایان توسعه

اگرچه دولت عراق نتوانست یک برنامه‌ی پنج ساله برای دوره‌ی زمانی ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۰ (۵۵-۵۹) تدوین کند، اما در این دوره همچنان طرح‌های سرمایه‌گذاری و برنامه‌های سالانه‌اش را تدوین می‌کرد. تخصیص‌های بخش‌های مختلف این طرح‌ها و برنامه‌ها در دوره‌ی

هیچ محدودیتی مواجه نیست. همان گونه که پیش‌تر گفته شد، حتی اگر ظرفیت صادرات نفت عراق در نتیجه‌ی تجاوز به ایران به طور چشم‌گیری کاهش نمی‌یافت، میزان صادرات و درآمد نفتی این کشور در اثر کاهش کلی تقاضای نفت به‌شدت کاهش می‌یافت. در این جا نکته‌ی مهم این است که درآمد عراق از صادرات این محصول خاص [نفت] به هر حال تحت تأثیر عوامل خارجی تعیین می‌شود و میزان درآمد نفت صرفاً در چارچوب سیاست‌های نفتی کشورهای صادر کننده‌ی نفت تعیین نمی‌شود.

بنابراین، وقتی جنگ شروع شد و خیلی بیش از آنچه رژیم عراق انتظار داشت به درازا کشید، صدام هیچ چاره‌ای نداشت جز این که اقتصاد عراق را به اقتصادی جنگی تبدیل کند. اگرچه دولت عراق در دو سال اول جنگ تلاش کرد تا با افزایش واردات کالاها، مصرفی، تداوم طرح‌های سرمایه‌گذاری سالانه و افزایش تخصیص‌های مربوط به این طرح‌ها، مردم عراق را در معرض تأثیرات اقتصاد جنگی قرار ندهد، اما واقعیت‌های جنگ در سال (۱۳۶۱) سیاستمداران این کشور را مجبور کرد در این زمینه تجدید نظر کنند و تدابیر سیاسی زمان جنگ را اتخاذ نمایند. همان طور که پیش‌تر ذکر شد سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱) نقطه عطفی در جنگ ۸ ساله بود که در آن ایرانی‌ها توانستند نیروهای متجاوز [عراق] را از خاک کشورشان عقب برانند و جنگ را به خاک عراق بکشانند. اما جنگ در شش سال بعدی گرفتار یک بن‌بست ویرانگر شد.

با آغاز جنگ طولی نکشید که بر اثر بمباران تأسیسات صادرات نفت عراق توسط ایرانی‌ها، صادرات نفت این کشور از حوزه‌های جنوبی و از بنادرش در حاشیه‌ی جنوبی خلیج فارس متوقف شد. این مرحله از بمباران‌ها دست رسی عراق به معدود بنداری را که کالاها را مورد نیازش را از آن‌ها وارد می‌کرد نیز قطع کرد. از این رو، عراق مجبور شد به مسیرهای

زمانی ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۳ (۱۳۵۵-۶۲) در جدول ۱-۵ داده شده است. بارزترین مشخصه برنامه‌های این دوره این بود که هیچ ارتباط مشخصی بین آن‌ها و درآمدهای واقعی نفت عراق وجود نداشت. از نظر تاریخی، منابع مالی طرح‌های توسعه‌ی عراق عمدتاً بر درآمدهای نفتی استوار بود. در ابتدای دهه‌ی ۱۹۵۰ (۱۳۳۰) همه‌ی درآمد نفت عراق به برنامه‌های توسعه تخصیص داده می‌شد. بعدها

میزان این تخصیص‌ها ابتدا به ۷۰ درصد و در سال ۱۹۵۹ (۱۳۸۸) به ۵۰ درصد کاهش یافت و این میزان دست‌کم به طور رسمی تا پایان سال ۱۹۷۴ (۱۳۵۳) و به عبارتی تا آخرین سال از آخرین برنامه‌ی پنج ساله‌ی رسمی و تدوین شده‌ی عراق همچنان ثابت باقی ماند. بنابراین در دوره‌ی زمانی ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۳ (۱۳۵۵-۶۲) اگرچه کل تخصیص‌ها برای برنامه‌های

پیامدهای مهم تغییر وضعیت نفتی عراق، وابستگی فزاینده رژیم این کشور به حمایت مالی همسایگانش به ویژه عربستان سعودی و کویت بود که مایل بودند به حمایت مالی از عراق ادامه دهند.

توسعه معادل ۳۵/۵ میلیارد دینار عراقی بود، ۵۰ درصد درآمد ذخیره شده‌ی نفت در آن دوره نیز ۱۷/۸ میلیارد دینار عراقی بود. تفاوت میان درآمد نفت و تخصیص‌های اعلام شده برای دوره‌ی سه ساله‌ی ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۳ (۱۳۶۰-۶۲) حتی از این هم بیش‌تر بود. در این سه سال، کل تخصیص‌ها ۱۹/۸ میلیارد دینار بود، در حالی که یک‌دوم درآمد نفت در این دوره تنها ۴/۷ میلیارد دینار و به عبارتی کم‌تر از یک‌چهارم کل تخصیص‌ها بود. با توجه به این ارقام می‌توان با اطمینان گفت که دولت [عراق] در دوران جنگ نمی‌توانست به طور جدی به تدوین برنامه‌های توسعه بپردازد، چه رسد به این که بخواهد آن‌ها را اجرا نماید. بر اساس یکی از برآوردهای انجام شده، هزینه‌های برنامه‌های توسعه‌ی عراق در سال ۱۹۸۳

جدول ۲-۵ نیروی کار و نیروهای مسلح عراق از سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۸ (۶۷-۱۳۵۶ش) (بر حسب میلیون نفر)

سال	نیروی کار	نیروهای مسلح	نسبت نیروهای مسلح به نیروی کار (درصد)
۱۹۷۰ (۱۳۴۹ش)	۲/۴	۰/۰۶۲	۲/۹
۱۹۷۵ (۱۳۵۴ش)	۲/۸	۰/۰۸۲	۲/۹
۱۹۸۰ (۱۳۵۹ش)	۳/۲	۰/۴۳۰	۱۳/۴
۱۹۸۱ (۱۳۶۰ش)	۳/۳	۰/۳۹۲	۱۱/۹
۱۹۸۲ (۱۳۶۱ش)	۳/۶	۰/۴۰۴	۱۰/۶
۱۹۸۳ (۱۳۶۲ش)	۴	۰/۴۳۴	۱۰/۹
۱۹۸۴ (۱۳۶۳ش)	۴/۱	۰/۷۸۸	۱۹/۲
۱۹۸۵ (۱۳۶۴ش)	۴/۲	۰/۷۸۸	۱۸
۱۹۸۶ (۱۳۶۵ش)	۴/۴	۰/۸۰۰	۱۸/۲
۱۹۸۷ (۱۳۶۶ش)	۴/۵	۰/۹۰۰	۲۰
۱۹۸۸ (۱۳۶۷ش)	۴/۷	۱۰۰۰	۲۱

منابع و مأخذ: جداول بانک جهانی؛ لیگ کشورهای عرب و هم‌پیمانان؛ گزارش اقتصادی (سالانه‌ی) مشترک اعراب؛ آژانس خلع سلاح و کنترل جنگ‌افزار آمریکا، انتقال سلاح و مخارج نظامی جهان (گزارش سالانه)

نظامی، تغییر میزان بودجه‌های بخش‌های مختلف، افزایش یا کاهش دلخواه واردات، تأکید یا رد سرمایه‌گذاری در بخش‌های صنعت و کشاورزی، تمرکز سرمایه‌گذاری در صنایع هیدروکربن محور، استفاده از نیروی کار خارجی، تأمین کمک‌های اقتصادی خارجی، گسترش قابل توجه منابع انسانی و مالی برای سرکوب هر گونه اعتراض سیاسی نظامی و غیر نظامی، اخراج تعداد زیادی از عراقی‌های ایرانی‌تبار، و تغییر اجباری و پرهزینه‌ی بافت جمعیتی بخش‌های عظیمی از مردم عراق در مناطق مختلف این کشور. اگرچه تحلیل چگونگی نقش حزب بعث در عراق از حوصله‌ی این مقاله خارج است، اما ذکر برخی مطالب در باره‌ی ساختار قدرت و تصمیم‌گیری در این کشور مفید است. جایگاه قدرت قانون‌گذاری و سیاسی دولت عراق از سال ۱۹۶۸ (۱۳۴۷) در تشکیلاتی موسوم به **شورای فرماندهی انقلاب**

* (RCC) متمرکز شده است؛ شورایی که در قانون اساسی موقت عراق که از سوی همین شورا تصویب شده در مقام نهاد عالی کشور تعیین شده و از این رو در مقابل هیچ نهاد یا مرجع دیگری پاسخگو نیست. ترکیب و تعداد اعضای این شورا بارها تحت تأثیر جنگ قدرت جناحی در رهبری حزب بعث تغییر کرده است. برای چندین سال، یکی از مؤلفه‌های ثابت رهبری عراق در شخص صدام خلاصه می‌شد که سال‌ها پیش از آن که در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) به عنوان رئیس‌جمهور به طور رسمی قدرت را به دست گیرد نیز مرد قدرتمند رژیم محسوب می‌شد. صدام که تا پیش از سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) عنوان قائم مقام رئیس شورای فرماندهی انقلاب را یدک می‌کشید پس از کناره‌گیری احمد حسن البکر رئیس‌جمهور وقت عراق از صحنه‌ی سیاسی در این سال به ریاست شورای فرماندهی انقلاب که ۲۲ عضو داشت (و در

*Revolutionary Command Council

جدول ۳-۵ مخارج نظامی، درآمد نفت، و تولید ناخالص ملی در دوره‌ی زمانی ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۸ (۶۷-۱۳۴۹ش) (بر حسب میلیارد دلار)

سال	مخارج نظامی	درآمد نفت	نسبت مخارج نظامی به درآمد نفت	تولید ناخالص ملی	نسبت مخارج نظامی به تولید ناخالص ملی
۱۹۷۰ (۱۳۴۹ش)	۷	۸	۸۷/۵	۳/۶	۱۹/۴
۱۹۷۵ (۱۳۵۴ش)	۳/۱	۸/۲	۳۷/۹	۱۳/۸	۲۲/۵
۱۹۸۰ (۱۳۵۹ش)	۱۹/۸	۲۶/۴	۷۵	۵۳/۶	۳۸/۸
۱۹۸۱ (۱۳۶۰ش)	۲۴/۶	۱۰/۴	۲۳۶/۵	۳۷/۳	۶۶
۱۹۸۲ (۱۳۶۱ش)	۲۵/۱	۱۰/۱	۲۴۸/۵	۴۳/۷	۵۷/۴
۱۹۸۳ (۱۳۶۲ش)	۲۵/۳	۷/۸	۳۲۴/۴	۴۲/۵	۵۹/۵
۱۹۸۴ (۱۳۶۳ش)	۲۵/۹	۹/۴	۲۷۵/۵	۴۷/۶	۵۴/۴
۱۹۸۵ (۱۳۶۴ش)	۱۹	۱۰/۷	۱۷۷/۵	۴۹/۵	۳۸/۴
۱۹۸۶ (۱۳۶۵ش)	۱۱/۶	۶/۹	۱۶۸/۱	۴۷/۹	۲۴/۲
۱۹۸۷ (۱۳۶۶ش)	۱۴	۱۱/۴	۱۲۲/۸	۵۷/۹	۲۴/۲
۱۹۸۸ (۱۳۶۷ش)	۱۲/۹	۱۱	۱۱۷/۳	۵۵/۹	۲۳/۱
۱۹۸۹ (۱۳۶۸ش)	۱۲/۹	۱۴/۵	۸۹	۶۴/۴	۲۰

منابع و مأخذ: آژانس خلع سلاح و کنترل جنگ‌افزار آمریکا، انتقال سلاح و مخارج نظامی جهان (گزارش سالانه)؛ مؤسسه‌ی تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم، کتاب سال ۱۹۹۲م؛ سازمان ملل، آمار محاسبات ملی: تحلیل انباشت اصلی در سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۸۹ (نیویورک، ۱۹۹۲م)

سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱) به ۹ نفر کاهش یافت) منصوب شد و هم‌زمان ریاست جمهوری، رهبری حزب بعث، فرماندهی کل قوا، نخست‌وزیری و ریاست تمامی سازمان‌های اطلاعاتی قدرتمند و بانفوذ عراق را نیز بر عهده گرفت و به عبارتی به مرکز قدرت و مرجعیت عالی سیاسی (و اقتصادی) کشور تک‌حزبی عراق تبدیل شد.

با توجه به این میزان تمرکز قدرت سیاسی و اقتصادی در عراق، دولت و به عبارتی وزیران کابینه از خودشان هیچ قدرتی نداشتند و تنها به عاملی برای اجرای تصمیمات شورای فرماندهی انقلاب یا رئیس‌جمهور تبدیل شده بودند. به این ترتیب و با وجود چنین نظام سیاسی که کاملاً بر شخص [صدام] استوار بود، بسیار جای تعجب بود که رهبر عراق

بخواهد بار سنگین روندهای طولانی تصمیم‌گیری را بر خود هموار نماید یا تعهدات درازمدتی را در قالب اجرای برنامه‌های پنج‌ساله‌ی اقتصادی بر عهده بگیرد. نمونه‌ی اولیه‌ی تصمیم‌گیری خارج از روال معمول را در تشکیلاتی موسوم به **کمیته‌ی پشتیبان** (Follow Up Committee) می‌توان مشاهده کرد که در سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۰) و به ریاست شخص صدام تأسیس شد. این کمیته ظاهراً برای بررسی و تضمین اجرای توافقاتی اقتصادی بین‌المللی ایجاد شده بود، اما در دهه‌ی ۱۹۷۰ (۱۳۵۰) طرح‌ریزی سیاست‌های بخش نفت را تغییر جهت داد و وزارت نفت و شرکت ملی نفت عراق موظف شدند مشاوره‌های فنی لازم را فقط به این کمیته ارائه دهند. افزون بر این، کمیته‌ی مزبور موفق شد شعاع قدرتش را بر تمامی جوانب

طرح‌های توسعه‌ی عمده‌ای نظیر متروی بغداد ادامه داده بود که از نظر هم‌پیمانان این کشور اولویت بالایی نداشت. آن‌ها مایل نبودند منابع مالی خود را برای اعمال سیاست اسلحه و کره و یا تأمین زندگی مرفه برای عراقی‌ها صرف کنند.^(۲۰)

البته سامانه‌ی حمل و نقل زیرزمینی سریع و جدید بغداد تنها یکی از این طرح‌ها بود و طرح‌هایی نظیر احداث فرودگاه بین‌المللی جدید، ساخت هتل‌های جدید و ایجاد امکانات جدید برای برگزاری همایش‌ها از دیگر طرح‌هایی بود که رژیم عراق قصد داشت آن‌ها را تا پیش از اجلاس سران کشورهای عضو جنبش عدم تعهد در سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱)* به اتمام برساند.^(۲۱)

سرانجام، اتمام ذخیره‌های ارزی، کاهش کمک‌های خارجی و درآمد‌های صادراتی و نیز افزایش مطالبات جنگ، رژیم عراق را مجبور کرد از حالت غیر واقع‌گرایانه و باری به هر جهت دست بکشد و طرح‌های توسعه‌اش را بایگانی کند.

اعزام نیروی کار به جنگ و وضعیت اقتصاد عراق

در سال ۱۹۷۰ (۱۳۴۹) ۲/۹ درصد و به عبارتی ۶۲ هزار نفر از نیروی کار عراق در نیروهای مسلح این کشور به خدمت گرفته شده بود و پنج سال بعد، این رقم همان ۲/۹ درصد ماند و با توجه به افزایش جمعیت عراق، به ۸۲ هزار نفر رسیده بود. اما سهم نیروهای مسلح عراق از نیروی کار این کشور در سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) به ۱۳/۴ درصد یا ۴۳۰ هزار نفر افزایش یافت و همان طور که داده‌های جدول ۲-۵ نشان می‌دهد، دولت عراق در زمان

اقتصاد عراق گسترش دهد و بانک مرکزی، طرح‌های بخش نفت و بازار نفت را قبضه کند و با توجه به اهمیت بخش نفت، این مسئله نیز به نوبه‌ی خود به کنترل مطلق این کمیته بر منابع اقتصادی و الگوهای بودجه‌بندی این منابع انجامید؛ کنترلی که بدون هیچ حساب و کتابی اعمال می‌شد.^(۱۸)

ماهیت رژیم عراق همچنین این مسئله را توجیه می‌کند که چرا قدرت سیاسی حاکم به توصیه‌های طرح‌ریزان اقتصادی‌اش مبنی بر تدوین سلسله طرح‌های اقتصادی پنج‌ساله در قالب برنامه‌ی اقتصادی بیست‌ساله واقعی نمی‌نهاد و در عوض به برنامه‌های سرمایه‌گذاری سالانه متوسل می‌شد تا با آزادی عمل قابل ملاحظه‌ای بتواند تخصیص‌های کلی و جزئی را تغییر دهد؛ اقدامی که پای‌بندنبودن جدی رژیم بعثی به رشد و تنوع اقتصادی را به روشنی نشان می‌داد. عجیب این بود که جنگ با ایران به عاملی تبدیل شد که سرانجام صدام را واداشت تا رشد اقتصادی را مورد توجه قرار دهد و به اهمیت ضروری این عامل برای بقای سیاسی‌اش پی ببرد.^(۱۹)

اما در گرماگرم جنگ ویرانگری که منابع کمیاب موجود را می‌بلعید، منابع غیر نظامی کشور پای طرح‌های تجملی هدر داده می‌شد. یکی از این طرح‌ها، احداث متروی بغداد بود که از سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۶) آغاز و در سال ۱۹۸۱ (۱۳۶۰) با بودجه‌ای بالغ بر ۳ تا ۴ میلیارد دلار به روز شده بود. اما این طرح که در اوج جنگ بار دیگر فعال شده بود، به علت کمبود بودجه متوقف شد. در واقع، این نوع هزینه کردن‌ها توجه حامیان مالی عراق یعنی عربستان سعودی و کویت را به خود جلب کرد و یکی از دلایل قطع کمک‌هایشان نیز همین مسئله بود. **توماس استاوفر** (Thomas Stauffer) در این مورد می‌گوید:

"یکی از دلایل قطع کمک‌های [عربستان و کویت] دقیقاً این بود که عراق با شبکه‌ی گردش مالی فزاینده‌ای که در اختیار داشت به

* این اجلاس که قرار بود در بغداد برگزار شود برای کسب مشروعیت رژیم بعث عراق بسیار حائز اهمیت بود ولی حملات هوشمندانه و جسورانه‌ی خلبانان شجاع ایران به بغداد، این شهر را به مکانی ناامن تبدیل کرد و برگزاری اجلاس مزبور در آن لغو شد.



بمباران بندر؛ ۱۳۵۹

غیرنظامی صرفاً به افزایش تعداد نیروهای نظامی محدود نمی‌شد. یکی از پیامدهای این تغییر در ساختار اشتغال، کاهش تدریجی اجتناب ناپذیر سطح اشتغال در بخش کشاورزی و صنعت بود. به این ترتیب، با افزایش تعداد کارکنان نیروهای مسلح و بخش‌های پشتیبانی آن، دولت عراق مجبور بود از کارگران ماهر، نیمه ماهر و غیر ماهر شاغل در سایر بخش‌های اقتصادی نیز استفاده کند. افزون بر این، دولت عراق یا باید تعداد کارکنان شاغل در نیروهای مسلح را افزایش می‌داد یا نیروهایی را که اخیراً به بازار کار وارد می‌شدند به نیروهای مسلح منتقل می‌کرد. با ادامه‌ی جنگ، تعداد افراد شاغل در نیروهای مسلح نیز افزایش می‌یافت تا آن‌جا که تعداد آن‌ها در سال پایانی جنگ یعنی سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) به یک میلیون نفر و به عبارتی به $21/3$ درصد نیروی کار این کشور رسیده بود.

پیامدهای افزایش و توزیع نیروی کار عراق در نیروهای مسلح این کشور را در کاهش شدید درصد اشتغال در بخش کشاورزی از 42 درصد در سال ۱۹۷۵

پایان جنگ در سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) بیش از 21 درصد و به عبارتی یک میلیون نفر از نیروی کار این کشور را در نیروهای مسلح به کار گرفته بود.

افزایش تعداد و اهمیت نسبی نیروهای نظامی عراق نسبت به نیروی کار موجود، کارکرد بخش‌های اقتصاد غیر نظامی این کشور را در طول جنگ و پس از آن با مشکلات متعددی مواجه ساخت. اول، همان گونه که داده‌های جدول مزبور نشان می‌دهد، نیروی کار عراق در یک دوره‌ی پنج‌ساله از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۰ (۱۳۵۴-۵۹) حدود ۴۰۰ هزار نفر افزایش یافت که ۳۴۸ هزار نفر یا 87 درصد از این افزایش نیروی کار به نیروهای مسلح اختصاص داده شد. دوم، پا به پای افزایش تعداد کارکنان نیروهای نظامی، تعداد کارگران شاغل در بخش‌های پشتیبانی اقتصاد غیر نظامی از قبیل بخش‌های مدیریتی، تعمیر و نگهداری و خدمات که در ارتباط با تأمین نیازمندی‌های غیر نظامی نیروهای مسلح کار می‌کردند نیز افزایش یافت. به عبارت دیگر، تأثیر منفی افزایش تعداد کارکنان ثابت نظامی بر اقتصاد

جدول ۴-۵ واردات نظامی و غیر نظامی عراق در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۹ (۶۸-۱۳۴۹ش) (بر حسب میلیارد دلار)

نسبت کل واردات به تولید ناخالص داخلی	تولید ناخالص داخلی	واردات غیر نظامی		واردات نظامی		کل واردات	سال
		نسبت به کل واردات	میلیارد دلار	نسبت به کل واردات	میلیارد دلار		
۱۳/۹	۳/۶	۸۰	۴	۲۰	۰/۱	۵	۱۹۷۰ (۱۳۴۹ش)
۳۰/۸	۱۳/۶	۸۸/۱	۳/۷	۱۱/۹	۰/۵	۴/۲	۱۹۷۵ (۱۳۵۴ش)
۲۷/۱	۵۱	۸۲/۶	۱۱/۴	۱۷/۴	۲/۴	۱۳/۸	۱۹۸۰ (۱۳۵۹ش)
۵۵	۳۷/۳	۷۹/۵	۱۶/۳	۲۰/۵	۴/۲	۲۰/۵	۱۹۸۱ (۱۳۶۰ش)
۴۹/۲	۴۳/۷	۶۷	۱۴/۴	۳۳	۷/۱	۲۱/۵	۱۹۸۲ (۱۳۶۱ش)
۲۸/۷	۴۲/۵	۴۲/۷	۵/۲	۵۷/۳	۷	۱۲/۲	۱۹۸۳ (۱۳۶۲ش)
۲۳/۳	۴۷/۶	۱۷/۱	۱/۹	۸۲/۹	۹/۲	۱۱/۱	۱۹۸۴ (۱۳۶۳ش)
۲۰/۲	۴۹/۵	۵۵/۲	۶/۱	۴۴/۸	۴/۷	۱۰/۵	۱۹۸۵ (۱۳۶۴ش)
۱۸/۲	۴۷/۹	۳۴/۵	۳	۶۵/۵	۵/۷	۸/۷	۱۹۸۶ (۱۳۶۵ش)
۱۲/۸	۵۷/۶	۲۵/۷	۱/۹	۷۴/۳	۵/۵	۷/۴	۱۹۸۷ (۱۳۶۶ش)
۱۹	۵۵/۹	۵۵	۶	۴۵	۴/۶	۱۰/۶	۱۹۸۸ (۱۳۶۷ش)
۲۱/۴	۶۴/۴	۸۰/۴	۱۱/۱	۳۵/۵	۴/۹	۱۳/۸	۱۹۸۹ (۱۳۶۸ش)

منابع و مآخذ: آژانس خلع سلاح و کنترل جنگ‌افزار آمریکا، انتقال سلاح و مخارج نظامی جهان (گزارش سالانه)؛ مؤسسه‌ی تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم، کتاب سال ۱۹۹۲م؛ سازمان ملل، آمار محاسبات ملی: تحلیل انباشت اصلی در سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۸۹ (نیویورک، ۱۹۹۲م)

(۱۳۵۴) به ۱۲/۵ درصد در سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۸ (۱۳۶۴-۶۷) می‌توان مشاهده کرد. کاهش جمعیت روستایی عراق بر اثر جنگ و برخی عوامل دیگر به‌شدت بخش کشاورزی را تحت تأثیر قرار داد و باعث کاهش شدید تولید گندم از میانگین ۰/۸ میلیون تن در سال در دوره‌ی زمانی ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۶ (۵۵-۱۳۵۳) به ۳۰۰ هزار تن در سال ۱۹۸۴ (۱۳۶۳) گردید.^(۲۳) این مسئله به نوبه‌ی خود، واردات غذایی عراق را در زمانی افزایش داد که رژیم عراق به سختی می‌توانست تخصیص‌های بیش‌تری از درآمدهای صادرات نفت را که در حال کاهش بود برای پرداخت هزینه‌ی این واردات اختصاص دهد. در دوره‌ی زمانی مزبور همچنین اشتغال در بخش

صنعت از ۲۵ درصد به ۷/۸ درصد کاهش یافت.^(۲۴) همان‌طور که داده‌های جدول ۳-۵ نشان می‌دهد در فاصله‌ی بین سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۸ (۱۳۵۴-۶۷) تعداد شاغلین در نیروهای مسلح عراق به میزان ۹۱۸ هزار نفر افزایش یافت در حالی که تعداد نیروی کار [در این دوره‌ی زمانی] به میزان ۱/۹ میلیون نفر اضافه شده بود. به عبارت دیگر، ۴۸/۳ درصد از افزایش شبکه‌ی نیروی کار به نیروهای مسلح اختصاص یافته بود. این الگوی بسیج نیرو برای جنگ، مشکلات دیگری نیز برای اقتصاد عراق در پی داشت. اول، این امر معضل همیشگی کمبود نیروی کار عراق را تشدید کرد. اقتصاد عراق در سایه‌ی سیاست سرمایه‌محور گذاری کلان دولت این کشور در صنایع سرمایه‌محور

۶ برابر سال ۱۹۷۵ (۱۳۵۴) یعنی به رقم ۱۹/۸ میلیارد دلار یا ۳۸/۸ درصد تولید ناخالص داخلی عراق رسید. همان طور که جدول ۳-۵ نشان می‌دهد، سهم مخارج نظامی از تولید ناخالص داخلی عراق در دهه‌ی ۱۹۸۰ (دهه‌ی ۱۳۶۰) همچنان افزایش یافت و به یک‌دوم و دوسوم از تولید ناخالص داخلی این کشور هم رسید. یکی دیگر از روش‌های ارزیابی بار ناشی از مخارج نظامی عراق این است که این مخارج را با درآمد نفت این کشور مقایسه کنیم. اگرچه مخارج نظامی عراق در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۵ (۱۳۴۹-۵۴) به شدت افزایش یافت، اما اهمیت نسبی این افزایش در مقایسه با درآمد نفت عملاً کاهش یافت؛ زیرا افزایش درآمد نفت در اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ (دهه‌ی ۱۳۵۰) بسیار شدیدتر بود. اما در سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) مخارج نظامی عراق ۷۵ درصد درآمد نفت این کشور را به خود اختصاص داد و در سال‌های بعد نیز دولت عراق چندین برابر درآمد نفت این کشور را برای جنگ با ایران خرج کرد. بنابراین در دوره‌ی پنج ساله‌ی ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۵ (۱۳۶۰-۶۴) مخارج نظامی عراق به ۱۱۹/۹ میلیارد دلار یا ۲۴۵ درصد درآمد نفت در همان دوره‌ی زمانی که معادل ۴۸/۴ میلیارد دلار بود، رسید. به عبارت دیگر زمانی که میانگین درآمد نفت عراق ۹/۷ میلیارد دلار بود، میانگین مخارج نظامی این کشور ۲۳/۹ میلیارد دلار بود. کسر بودجه‌ی بین درآمد نفت و مخارج نظامی عراق در این دوره‌ی پنج ساله که معادل ۷۱/۵ میلیارد دلار بود با کمک‌های عربستان سعودی و کویت، تأمین اعتبار از طرف تولید کنندگان، مصرف از ذخایر بین‌المللی، استقراض خارجی، توقف طرح‌های توسعه و کاهش خدمات اجتماعی و واردات جبران شد. بررسی داده‌های مربوط به تولید ناخالص داخلی عراق یکی دیگر از تأثیرات جنگ بر معیارهای زندگی [مردم عراق] را به ما نشان می‌دهد. در سایه‌ی افزایش شدید قیمت نفت، سرانه‌ی تولید ناخالص

و به‌ویژه نفت گرفتار وضعیت دوگانه شد که در آن از یک سو از میزان بالای بی‌کاری آزار می‌دید و از سوی دیگر در بسیاری از مهارت‌ها دچار کمبود نیروی کار بود. به عبارت دیگر، جنگ بی‌نظمی موجود در بازار کار عراق را تشدید کرد. کمبود نیروی کار چنان شدید بود که دولت در هنگام تعریف طرح‌های جدید تصریح می‌کرد که اجرای طرح‌ها نباید مستلزم به کارگیری تعداد زیادی کارگر باشد.^(۲۴) دوم، دولت عراق برای آن که تأثیر منفی اعزام نیروی کار بخش اقتصاد به جنگ را کاهش دهد از ورود زنان به بازار کار حمایت می‌کرد. سوم، سیاست‌مداران عراق ورود کارگران عرب از مصر و در سطح کم‌تری از مراکش و سودان را ترغیب می‌کردند، اما روی دیگر این سکه نیز این بود که هجوم کارگران خارجی باعث می‌شد موازنه‌ی پرداخت‌ها به ضرر عراق باشد، زیرا کارگران خارجی درآمدهایشان را به کشورهای خود منتقل می‌کردند.

مخارج نظامی، تولید ناخالص ملی و درآمد نفت عراق

یکی دیگر از تأثیرات مهم جنگ، بار مالی بود که بر منابع عراق وارد می‌آمد. جنگ نه تنها منجر به کاهش میزان تولید و درآمد نفت عراق شد، بلکه معضلات نیروی کار و کمبود کارگر را نیز آذر این کشور [افزایش داد و همان طور که انتظار می‌رفت مسیر منابع کشور را به گونه‌ای تغییر داد که پرداخت هزینه‌های جنگ با ایران تضمین شود.

در سال ۱۹۷۰ (۱۳۴۹) دولت عراق کم‌تر از یک میلیارد دلار و به عبارتی ۱۹/۴ درصد از تولید ناخالص داخلی را به امور نظامی اختصاص داد که البته این رقم در آن زمان از نظر معیارهای جهانی رقم بالایی بود. در سال ۱۹۷۵ (۱۳۵۴) مخارج نظامی عراق با بیش از چهار برابر افزایش به ۳/۱ میلیارد دلار یا ۲۲/۸ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور رسید. این رقم در سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) باز هم افزایش یافت و به بیش از

کشوری که درآمدهای خارجی‌اش تنها از محل صادرات یک کالای خاص [نفت] حاصل می‌شود، نقشی حیاتی ایفا می‌کند.

با توجه به بنیان ضعیف اقتصاد عراق و وابستگی روزافزون این کشور به بازارهای خارجی به واسطه‌ی واردات گسترده‌ی مواد غذایی، کالاهای مصرفی، کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای، و تجهیزات نظامی، هر نوع کاهش غیر منتظره در واردات و صادرات می‌توانست کارکردهای اقتصادی و از جمله میزان فعالیت‌های اقتصادی، اشتغال، توزیع درآمد، و قیمت‌ها را در این کشور تحت تأثیر قرار دهد. البته این تأثیر بسته به میزان عوامل هم‌افزا در اقتصاد تشدید نیز می‌شد. پیش از این، نقش جنگ بر بخش نفت عراق را بررسی کردیم و در این جا به نقش جنگ بر واردات این کشور می‌پردازیم.

در کشوری که برای تأمین تجهیزات نظامی‌اش به تولید کنندگان خارجی وابسته است، افزایش واردات نظامی تنها در شرایط جنگی قابل توجه است. آمار واردات عراق در جدول نشان می‌دهد که واردات تجهیزات نظامی این کشور از ۰/۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۵ (۱۳۵۴) به ۲/۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) رسیده و در سال‌های ۱۹۸۲ (۱۳۶۱) و ۱۹۸۴ (۱۳۶۳) نیز به ترتیب به ۷/۱ و ۹/۲ میلیارد دلار افزایش یافته است. اگرچه واردات نظامی عراق پس از سال ۱۹۸۴ (۱۳۶۳) کاهش یافت ولی تا سال ۱۹۸۹ (۱۳۶۷) همچنان در سطح بالایی باقی ماند. بنابراین، در حالی که میزان واردات نظامی به کل واردات عراق در سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) ابتدا به ۱۷ درصد رسید و در سال ۱۹۸۴ (۱۳۶۳) با رسیدن به اوج خود به ۸۳ درصد افزایش یافت، در سال‌های ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) و ۱۹۸۹ (۱۳۶۸) به ترتیب به ۴۵ و ۳۶ درصد تنزل کرد. داده‌های جدول نشان می‌دهد که کل واردات تجهیزات نظامی عراق در دوره‌ی زمانی ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ (۱۳۵۹-۶۷) به ۵۰/۴ میلیارد

داخلی عراق در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ (۱۳۴۹-۵۹) به ده برابر افزایش یافت و تا سه هزار و ۸۶۴ دلار نیز رسید و سرانجام در سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) به سه هزار و ۱۷۶ دلار کاهش یافت. با این حال، قدرت خرید عراقی‌ها در مقایسه با این سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی‌شان از یک عامل آزار دهنده‌ی جدی یعنی تورم درعذاب بود.

تحقیق مشترک **علی و گنابی** (Ali and Ganabi) در مورد شدت تورم در عراق نشان می‌دهد که افزایش نرخ تورم که براساس شاخص قیمت کالاهای مصرفی [در آن زمان] ارزیابی شده، از میانگین سالانه ۵ درصد در دهه‌ی ۱۹۶۰ (دهه‌ی ۱۳۴۰ش) به بیش از ۶ درصد در اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ (دهه‌ی ۱۳۵۰) افزایش یافت. البته میزان افزایش تورم در سال ۱۹۷۵ (۱۳۵۴) با یک جهش به ۱۸ درصد افزایش یافت و این افزایش همچنان ادامه یافت تا این که میزان آن در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) و در مقایسه با تورم سال ۱۹۷۳ (۱۳۵۲) به عنوان سال مبنا، به ۶۸ درصد رسید. به علت افزایش شدید هزینه‌های دولت عراق و شرایط جنگی این کشور، نرخ تورم در سال‌های ۱۹۸۰ (۱۳۵۹)، ۱۹۸۱ (۱۳۶۰) و ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) به ترتیب به ۹۵، ۱۳۹ و ۳۶۹ درصد جهش پیدا کرد.^(۳۵) در چنین شرایطی، می‌توان نتیجه گرفت که تورم بخش عمده‌ای از سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی عراق را از بین می‌برد.

جنگ و واردات نظامی و غیر نظامی

در اقتصاد بازی مثل اقتصاد عراق، تجارت خارجی نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری پیامدهای اقتصادی و اجتماعی دارد؛ پیامدهایی نظیر رشد اقتصادی، میزان مصرف بخش عمومی و خصوصی، تنوع اقتصادی، فناوری، تحقیق و توسعه، الگوهای روابط اقتصادی بین‌المللی، و میزان وابستگی به بازارهای خارجی. تجارت خارجی به خصوص در

آن تقریباً دوسوم تولید ناخالص داخلی به بخش‌های دولتی اختصاص می‌یابد و کنترل دولت بر اقتصاد به تمامی بخش‌های دیگر از جمله کشاورزی، توزیع اراضی، تجارت داخلی و خارجی، صنایع، ساخت و ساز، و بانک‌داری نیز کشیده شده، محدوده‌ی فعالیت‌های بخش خصوصی از الگوی هزینه‌کرد دولت و سیاست‌هایی که این دولت در مورد بخش خصوصی به اجرا می‌گذارد تأثیر می‌پذیرد.

بنابراین، در حالی که در سال ۱۹۸۱ (۱۳۶۰) بخش خصوصی ۲۰ درصد از تشکیل سرمایه‌ی ثابت داخلی* (gfcf)، یک‌سوم تولید ناخالص داخلی، و ۱۵ درصد واردات را در اختیار داشت، سهمش در تولید ناخالص داخلی به شدت در نوسان بود. برای نمونه، بخش خصوصی در سال ۱۹۸۱ (۱۳۶۰) حدود ۴۹ درصد از تولید ناخالص داخلی در بخش کشاورزی، ۴۵ درصد از تولید، ۴۴ درصد از تجارت داخلی و ۷۲ درصد از امور حمل و نقل و ارتباطات را به خود اختصاص داده بود و در عوض، سهمش از استخراج معادن بسیار ناچیز و تنها ۱/۳ درصد بود که البته جای تعجب هم نبود؛ زیرا این بخش به طور کامل تحت تأثیر بخش نفت قرار داشت. در مقابل، سهم دولت در بخش ساخت و ساز تنها ۴/۷ درصد بود.^(۲۸) در این جا باید به این نکته اشاره کرد که ساخت و ساز حدود ۴۲ درصد از سهم بخش خصوصی در تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌داد و بخش خصوصی نیز به نوبه‌ی خود نزدیک به ۱۴ درصد از تولید ناخالص داخلی را شامل می‌شد.

اگرچه با آغاز جنگ، شرایط برای تغییر سیاست‌ها به نفع بخش خصوصی مهیا شد، اما این تغییر به طور ناگهانی محقق نشد. رژیم بعثی پیش از جنگ نیز به نوعی حرکت در این مسیر را آغاز کرده بود. **جان تون سنت** (John Townsend) در این مورد می‌گوید: «اما به این نکته می‌توان اشاره کرد که در

دلار رسید و به این ترتیب، میانگین مخارج نظامی سالیانه‌ی این کشور در این سال‌ها ۵/۶ میلیارد دلار بوده است. البته در برآورد دیگری، میانگین سالانه‌ی واردات خدمات و تجهیزات نظامی عراق در دوره‌ی زمانی ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۹ (۶۸-۱۳۵۸) معادل ۶/۸ میلیارد دلار تعیین شده است.^(۲۶) خود دولت عراق هم اعلام کرد که هزینه‌ی تجهیزات سخت افزاری نظامی که در جنگ خریداری و به کار گرفته معادل ۱۰۲ میلیارد دلار بوده است.^(۲۷)

ارزش واردات غیر نظامی نیز در مرحله‌ی اول جنگ به شدت افزایش یافت و در سال ۱۹۸۱ (۱۳۶۰) به حدود ۸۰ درصد کل واردات رسید، اما سیر این افزایش از سال ۱۹۸۳ (۱۳۶۲) با یک کاهش شدید مواجه شد. دولت عراق در سال‌های ۱۹۸۴ (۱۳۶۳) و ۱۹۸۷ (۱۳۶۷) نتوانست بیش از ۱/۹ میلیارد دلار واردات کالاهای غیر نظامی داشته باشد که این میزان به ترتیب ۱۷ و ۲۶ درصد کل واردات این سال‌ها را به خود اختصاص داد.

خصوصی‌سازی در شرایط جنگی

یکی از تصمیمات مهم رژیم عراق در طول جنگ، انجام اقداماتی برای تشویق بخش خصوصی بود؛ اقداماتی که در سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶) به اوج خود رسید و منجر به اتخاذ رسمی سیاست خصوصی سازی به مثابه راه برون‌رفت دولت از مشکلات اقتصادی‌اش شد.

انهدام ماشین جنگی عراق، قطع خط لوله‌ی انتقال نفت این کشور از خاک سوریه، کاهش عمومی میزان صادرات و افت قیمت نفت عراق، و تدابیر ریاضتی و صرفه جویی که دولت عراق مجبور به اجرای آن شد همه از جمله مشکلات ناشی از جنگ بود که رژیم عراق را وادار کرد سیاستش در باره‌ی بخش خصوصی و نقش آن در اقتصاد این کشور را بازنگری کند. در کشوری که اقتصاد در دست دولت است و در

*gross fixed capital formation

در یک ارزیابی مشابه در مطالعه‌ی دیگری در سال ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) چنین نتیجه‌گیری شده بود که پس از گذشت ده سال از قول‌های حزب بعث مبنی بر اولویت قائل شدن برای توسعه‌ی کشاورزی در برنامه‌ی مدرن سازی [عراق] و پس از میلیاردها دلار سرمایه گذاری در این زمینه، این بخش همچنان در یک حالت رکود و نابسامانی باقی مانده و سطح تولید آن که عموماً رو به کاهش است بسیاری از مناطق کشور را تحت تأثیر قرار داده است و در حالی که این ناکامی‌ها به شکست طرح [توسعه] و ناکارآمدی مدیریتی نسبت داده می‌شود، وضعیت پیش آمده با تغییر مداوم قوانین مربوط به اصلاحات اراضی و نیز جریان سریع مهاجرت از مناطق روستایی به شهرها تشدید شده^(۳۱) و علت اصلی این غفلت در بخش کشاورزی حاصل گرایش رژیم [عراق] به سوی یک اقتصاد عمدتاً مبتنی بر نفت بوده است.^(۳۲)

به این ترتیب، رژیم و حزب بعث [عراق] پس از فروپاشی اقتصاد نفتی این کشور بر اثر جنگ تصمیم گرفتند دست به دامن بخش خصوصی شوند و با انتقال برخی از کارکردهای بخش عمومی به این بخش، دولت را در مقابله با بحران اقتصادی پیش آمده یاری کنند. در همین راستا، حزب بعث در جولای ۱۹۸۲ (تیر ۱۳۶۱) در اقدامی سیاسی تصمیم گرفت محدوده‌ی فعالیت بخش خصوصی در اقتصاد [عراق] را گسترش دهد. البته اجرای این تصمیم در قالب سیاست‌های اقتصادی پس از مدتی تأخیر، ابتدا در سال‌های ۱۹۸۴ (۱۳۶۳) و ۱۹۸۶ (۱۳۶۵) به طور علنی توسط صدام تأیید شد، آن جا که اعلام کرد: «همه‌ی فعالیت‌های بخش خصوصی جزئی از ثروت ملی [کشور] را تشکیل می‌دهند و به اندازه‌ی فعالیت‌های بخش عمومی اهمیت دارند.»^(۳۳) رئیس‌جمهور عراق در سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶) نیز با تأکید بر پای‌بندی خود به این سیاست جدید اعلام کرد: «نظام سوسیالیستی ما چه اکنون و چه پس از

آستانه‌ی جنگ نشانه‌هایی از یک رویداد بروز کرده بود که در محافل دولتی از آن با عنوان «گشایشی به سمت بخش خصوصی» یاد می‌شد و شخص صدام نیز در سخنرانی‌های مختلفی گفته بود که «دولت خود را از درگیری مستقیم در بخش کشاورزی کنار می‌کشد.»^(۳۴)

گشایش یا گرایش [رژیم عراق] به سمت کشاورزی بخش خصوصی مانند سایر تغییر سیاست‌های مشابه این رژیم با عوامل متعدد سیاسی و غیر سیاسی قابل توجیه است. آنچه مسلم است صدام پس از آن که در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) به ریاست جمهوری رسید برای تثبیت سلطه‌ی بلامنازع خود [بر عراق] تصمیم گرفت قدرت نخبگان حزب بعث را از طریق پاک‌سازی تاریخی رهبران این حزب در آن سال تضعیف کند و در عوض نقش بخش خصوصی را تقویت نماید. انجام این اقدامات از جانب رئیس‌جمهور جدید از یک سو به او کمک می‌کرد از هر اقدام احتمالی که قدرت او را به چالش می‌کشید پیش‌گیری کند و از سوی دیگر بتواند یک گروه یا طبقه‌ی اجتماعی ایجاد کند و از آن به عنوان یک پشتوانه‌ی سیاسی و کسب مشروعیت برای حکومتش استفاده کند. رابرت اسپرینگبور (Robert Springborg) در این مورد می‌گوید: «تصمیم [صدام] مبنی بر افزایش نقش بخش خصوصی در کشاورزی در اوایل سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) و تحت تأثیر عوامل متعددی اتخاذ شد؛ عواملی نظیر ناکامی‌های سیاسی و اقتصادی دولت [عراق] در تحقق اصل خوداتکایی غذایی (که هدف اصلی طرح اقتصادی حزب بعث بود)، افزایش فهرست واردات اقلام غذایی، کاهش نیروی کار در بخش کشاورزی، افزایش تعداد کارگران و تکنیسین‌های خارجی در این بخش، و اذعان به این واقعیت که سرازیر شدن جریان گسترده‌ی سرمایه به بخش کشاورزی به تسریع روند تولید در این بخش آن گونه که انتظار می‌رفت نینجامیده است.»^(۳۵)

جنگ بدون بخش خصوصی نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد.^(۳۴)

رژیم [عراق] در فوریه‌ی ۱۹۸۷ (بهمن ۱۳۶۵) یک برنامه‌ی بلند پروازانه در زمینه‌ی آزاد سازی و خصوصی سازی اقتصاد اعلام کرد که فروش اراضی، مزارع و کارخانه‌های دولتی به بخش خصوصی از ویژگی‌های اصلی این برنامه محسوب می‌شد.

هم‌زمان، اقدامات دیگری نیز با هدف ایجاد رقابت در صنعت بانک‌داری، حذف نظارت دولت بر بازار کار، دادن مشوق‌هایی به بخش خصوصی، ایجاد یک مرکز مبادلات سهام، و باز کردن فضا برای سرمایه‌گذاری خارجی در اقتصاد [عراق] انجام شد. دولت [عراق] در راستای همین سیاست‌ها و برای محدود کردن فشار ناشی از مطالبات مالی بر درآمدهای نفتی، میزان یارانه‌های اعطایی به بخش دولتی را کاهش داد و سیاست‌های تعیین سقف قیمت برای بسیاری از کالاها را کنار گذاشت.

اما مشکلات ساختاری اقتصاد [عراق] که از رکود بخش کشاورزی و صنعت ناشی می‌شد و با پیامدهای ویرانگر جنگ نیز همراه شده بود صرفاً

با یک برنامه‌ی خصوصی سازی که بر اساس یک اقدام سیاسی اتخاذ شده بود اصلاح نمی‌شد و این برنامه‌ی جدید اقتصادی به جای حل بحران اقتصادی عراق، آن را وخیم‌تر کرد و افزایش سریع قیمت بخش

وسیع‌تری از کالاهای مصرفی شاهدهی بر این مدعا بود. روش بهره‌برداری وارد کنندگان از قوانین جدید، تصویر مناسبی از این ناکامی را نشان می‌دهد. در سال ۱۹۸۴ (۱۳۶۳) دولت [عراق] دستورالعملی صادر کرد و طی آن وارد کنندگانی را که ارز خارجی وارد کشور می‌کردند از دریافت مجوز واردات معاف کرد.^(۳۵)

اقدام مزبور بر این فرض استوار بود که وارد کنندگان از این طریق وسوسه می‌شوند سرمایه‌های خود را از خارج به داخل کشور باز گردانند و با تأمین کالاهای بیش‌تر به کاهش فشار ناشی از تورم کمک کنند. اما همان‌طور که **عصام الخفاجی** (Isam Al-Khafaji) اشاره می‌کند، وارد کنندگان مورد نظر به جای آن که از منابع مالی که در خارج داشتند برای خرید کالاهای واردتی استفاده کنند، دینارهای عراقی را به کشورهای همسایه می‌بردند، آن‌ها را با قیمت پایین‌تری می‌فروختند و سپس کالاهای خارجی را با قیمت تورمی برای فروش به عراق وارد می‌کردند. این اقدام به نوبه‌ی خود سایر فروشندگان در حوزه‌ی اقتصاد را ترغیب کرد تا با بالا بردن قیمت‌ها، نرخ تورم را افزایش دهند. این روند علاوه بر ماهیت تورم‌زایی که داشت، منابع مالی را از بخش‌های تولید کالا به بخش تجارت خارجی

بقای نظامی و اقتصادی عراق به درآمد نفت، کمک‌های اقتصادی کشورهای عربی و تأمین اعتبارات خارجی وابسته بود تا آن‌جا که یکی از ناظران امور در این مورد می‌گوید: "یکی از علل اصلی احیای مجدد ارتش عراق و گذار از روزهای اسف‌بار سال ۱۹۸۲م. تأمین اعتبارات خارجی بود. سخاوتمندی دولت‌های عرب خلیج فارس، استفاده از منابع مالی سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) و اعتبارات اعطایی شوروی از جمله عللی بود که از فروپاشی کلی اقتصادی عراق جلوگیری کرد."

و فعالیت‌های سوداگرانه‌ی دیگری که سود بالایی را در کوتاه‌ترین زمان تضمین می‌کرد، انتقال داد.^(۳۶) دولت [عراق] نیز زمان لازم را برای توسعه‌ی چارچوب‌های اقتصادی، مالی و حقوقی مناسب برای

بکشد و تصمیم بگیرد بار دیگر قیمت‌ها را کاهش دهد، قیمت بسیاری از کالاهای مصرفی را تثبیت نماید، تعدادی از شرکت‌های آواگذار شده به بخش خصوصی^{۳۹} را بار دیگر ملی کند، یارانه‌ی بخش کشاورزی را افزایش دهد، حقوق کارکنان بخش غیر نظامی را افزایش دهد، و سود مازاد کم‌تری از شرکت‌های دولتی و نیمه‌دولتی اخذ کند.^(۳۹)

برآورد هزینه‌ی تخریب ناشی از جنگ

در طولانی‌ترین جنگ قرن بیستم، صدها هزار نفر از مردم نظامی و غیر نظامی جان خود را از دست دادند. هیچ یک از دو طرف میزان دقیق تلفات انسانی خود را منتشر نکردند، اما میزان تلفات دو طرف تا پایان سال چهارم جنگ حدود یک میلیون نفر برآورد می‌شد.^(۴۰) در برآوردهای محافظه‌کارانه‌تری که بعدها انجام شد نیز تعداد کلی کشته‌های جنگ حدود ۳۶۷ هزار نفر (۲۶۲ هزار ایرانی و ۱۰۵ هزار عراقی) و تعداد مجروحین نیز حدود ۷۰۰ هزار نفر تخمین زده شد.^(۴۱) تلفات ۱۰۵ هزار نفری عراق معادل ۱۶ درصد میانگین تعداد نیروهای نظامی این کشور در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ (۱۳۵۹-۶۷) بوده است.

جنگ علاوه بر تلفات انسانی، برخی هزینه‌های اقتصادی آشکار و قابل محاسبه و نیز هزینه‌های پنهان و غیر قابل محاسبه هم به بار آورده است. از جمله هزینه‌های پنهان می‌توان به این موارد اشاره کرد: بیماری‌ها و مرگ و میر زودرس، معلولیت‌ها، هزینه‌های تأمین اجتماعی و کهنه سربازان جنگ، افزایش تورم، موقعیت‌های از دست رفته برای توسعه، هزینه فرصت‌های نیروهای مسلح و واردات نظامی، از دست رفتن درآمدهایی که قرار بود از طرح‌های ویران شده، صدمه دیده یا به اتمام نرسیده حاصل شود و نابسامانی طرح‌ریزی‌ها.

هزینه‌های آشکار نیز عبارت بودند از: مخارج و واردات نظامی، هزینه‌ی جایگزینی اموال تخریب

انتقال شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی در نظر نگرفت و تعجیلی که در اجرای این سیاست جدید به خرج داد با اشتیاقش برای فروش شرکت‌های دولتی به قیمتی زیر قیمت واقعی یا مشابه مشخص گردید. در واقع، قیمت پرداختی برای خرید کارخانه‌های دولتی در بسیاری از موارد صرفاً قیمت روز زمینی بود که کارخانه‌ی خریداری شده در آن بنا شده بود.^(۳۷)

البته می‌توان استدلال کرد که تصمیم دولت [عراق] برای فروش مستغلاتش با قیمت‌هایی کم‌تر از قیمت واقعی بیش از آن که نشانگر نوعی ناکارآمدی مدیریتی باشد، بخشی از یک برنامه‌ی وسیع‌تر برای تقویت بخش خصوصی بود. دولت عراق مایل بود صرفاً به طرح‌های راهبردی و طرح‌های بزرگ دیگر در حوزه‌ی نفت، امور دفاعی، پتروشیمی و سایر صنایع سنگین بپردازد، اما از واگذاری شرکت‌های دولتی و انتقال آن‌ها به بخش خصوصی نیز احساس نگرانی می‌کرد. با این حال، از آن جا که بخش خصوصی در خارج از حوزه‌ی تولید کالا به میزان بالایی از بازدهی دست یافته بود، دولت بر خود لازم دانست انگیزه‌هایی چنان قوی فراهم نماید که این بخش بتواند به سود بالایی دست یابد و متقاعد شود منابعش را به شرکت‌های دولتی واگذار شده منتقل نماید.^(۳۸)

اما اهداف این سیاست‌ها در مقایسه با مواردی که دولت [عراق] به آن‌ها تن داده بود محقق نشد؛ مواردی نظیر بحران اقتصادی تعمیق شده‌ای (که با واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی بدتر شده بود)، عدم تداوم سیاست تعیین سقف قیمت‌ها، کاهش یارانه‌های دولتی، و عدم کنترل تورم. در این میان، کاهش قدرت خرید مردم عراق که در نتیجه‌ی اجرای این سیاست‌ها به وجود آمده بود نیز باعث کاهش بیش‌تر شاخص‌های زندگی بخش عظیمی از مردم شد. از این رو، دولت عراق در مواجهه با این شکست مجبور شد از اجرای این سیاست‌ها دست

ناخالص داخلی عراق در این دوره معادل ۴۳۳/۳ میلیارد دلار یا ۴۸/۱ میلیارد دلار در سال بوده است. از آن جا که هزینه‌ی اقتصادی عراق در جنگ معادل ۴۵۲/۶ میلیارد دلار یا ۵۰/۲ میلیارد دلار در سال برآورد گردیده است، می‌توان نتیجه گرفت که هزینه‌ی سالانه‌ی جنگ [برای عراق] معادل ۱۰۴ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور در دوره‌ی نه ساله‌ی ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۹ (۱۳۵۹-۶۸) بوده است. تأثیر جنگ بر روند تکامل تدریجی زیرساخت‌های صنعتی و چگونگی مصرف تولید ناخالص داخلی و اجزای آن را در جدول ۵-۵ می‌توان مشاهده کرد. از داده‌های این جدول می‌توان مشاهده کرد که میزان تولید ناخالص داخلی عراق پس از آن که در اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ (دهه‌ی ۱۳۶۰) و تحت تأثیر شرایط جنگی کاهش یافت، هرگز به سطح سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) برنگشت. داده‌های این جدول همچنین نشان می‌دهد که به‌رغم افزایش میزان مصرف در بخش عمومی و خصوصی، این افزایش یک افزایش نسبی بوده است؛ زیرا هر دوی این افزایش مصرف‌ها با سطوح پایین‌تر تولید ناخالص داخلی و فشار تورم مرتبط بوده است. میزان سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص نیز در طول سال‌های جنگ به نحو چشم‌گیری کاهش یافت و از ۴۵ درصد در سال ۱۹۸۱ (۱۳۶۰) به ۱۷ درصد در سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵) رسید که نمایانگر کاهش شدید هزینه‌های توسعه بود. از طرفی، کاهش سرمایه‌گذاری‌ها نیز از کاهش درآمد نفت ناشی می‌شد؛ زیرا درآمد نفت در حالی که در سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) حدود ۶۳ درصد تولید ناخالص داخلی عراق را تأمین کرده بود، در سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) تنها ۲۲ درصد آن را تشکیل می‌داد. همان‌طور که داده‌های جدول نشان می‌دهد، عراق که در سال‌های ۱۹۸۱ (۱۳۶۰) و ۱۹۸۲ (۱۳۶۱) حدود دوسوم تولید ناخالص داخلی‌اش را به واردات اختصاص داده بود،

شده، از دست رفتن درآمد نفت، هزینه‌ی تغییر مسیر تجاری، و کاهش تولید ناخالص داخلی.

کامران مفید در بررسی جامع زبان‌های اقتصادی ایران و عراق، مجموع زبان‌های اقتصادی دو کشور را ۱ تریلیون و ۹۷ میلیون دلار (ایران ۶۴۴/۳ میلیارد دلار و عراق ۵۴۲/۶ میلیارد دلار) برآورد کرد. خسارات عراق شامل این مؤلفه‌ها می‌شد:

(۱) ۹۱/۴ میلیارد دلار زیان در تولید ناخالص داخلی بالقوه شامل زیان‌های بخش نفت، صنعت، انرژی، ارتباطات راه دور، مسکن و بهداشت. (۲) ۱۹۷/۷ میلیارد دلار زیان ناشی از کاهش درآمد نفت.

(۳) ۷۸/۸ میلیارد دلار زیان در حوزه‌ی ذخایر ارزی شامل ۳۵ میلیارد دلار کاهش مستقیم ذخایر ارزی و کاهش سود سپرده‌ی این ذخایر در طول جنگ

(۴) ۸۰ میلیارد دلار زیان بالقوه در ذخایر ارزی ناشی از مخارج بالای نظامی.^(۴۲)

یکی از راه‌های محاسبه‌ی هزینه‌هایی که جنگ بر اقتصاد عراق تحمیل کرد، مقایسه‌ی این هزینه‌ها با درآمد نفت این کشور است. از سال ۱۹۳۱ (۱۳۱۰) که دولت عراق از طریق شرکت‌های نفتی فعال در این کشور اولین درآمد حاصل از صادرات نفت را دریافت کرد تا سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) کل درآمد نفت عراق معادل ۱۹۷/۳ میلیارد دلار بوده است. اگر این رقم را با زیان ۴۵۲/۶ میلیارد دلاری عراق در جنگ مقایسه کنیم، این نکته روشن می‌شود که رژیم بعث در جنگ هشت ساله‌اش با ایران توانسته است ۲۴۵ درصد کل درآمد ۵۷ ساله‌ی نفت عراق را خرج کند.

یکی دیگر از راه‌های ارزیابی وسعت زیان‌های عراق [در جنگ] مقایسه‌ی هزینه‌های اقتصادی جنگ با تولید ناخالص داخلی این کشور در دوره‌ی زمانی ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ (۱۳۵۹-۶۷) می‌باشد. تولید

درصد افزایش یافته بود، در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۵ (۱۳۵۹-۶۴) به رشد منفی ۷/۶ درصد و در سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۹ (۱۳۶۴-۶۸) به رشد منفی ۴/۶ درصد کاهش یافت.

بخش مهم دیگری که زمینه‌ی رشد آن در آینده وجود داشت، بخش سرمایه‌ی ثابت ناخالص بود که میزان آن در سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ (۱۳۴۹-۵۹) به میانگین رشد چشم‌گیر ۲۷ درصد رسید ولی در دهه‌ی ۱۹۸۰ (دهه‌ی ۱۳۶۰) منفی شد. همچنین، میانگین رشد بخش‌های تجارت، ساخت و ساز، حمل و نقل و ارتباطات نیز که در سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ (۱۳۴۹-۵۹) بسیار بالا بود، در دهه‌ی ۱۹۸۰ (دهه‌ی ۱۳۶۰) ادامه نیافت و در نیمه‌ی اول و دوم این دهه یا در هر دو نیمه تبدیل به رشد منفی شد. بخش‌های کشاورزی و تولید [عراق] هم در نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۱۹۸۰ (دهه‌ی ۱۳۶۰) نرخ رشد منفی را تجربه کردند.

تصویری که ارقام جدول به دست می‌دهد حاکی از این است که نرخ رشد بالای عراق در دهه‌ی ۱۹۷۰ (دهه‌ی ۱۳۵۰) یک سقوط شدید را در دهه‌ی ۱۹۸۰ (دهه‌ی ۱۳۶۰) به دنبال داشته است. در دهه‌ی ۱۹۷۰ (دهه‌ی ۱۳۵۰) همه‌ی شاخص‌های اقتصاد عراق یک نرخ بالای رشد را نشان می‌داد که بر اساس معیارهای آن زمان و پیش از آن از سایر کشورها بالاتر بود. بخش‌های مصرف، سرمایه‌گذاری، صادرات، واردات، امور زیرساخت‌ها، و صنعت همه با شتاب بالا در حال رشد بودند. اما این روند رشد با تجاوز عراق به ایران متوقف و عملاً تبدیل به رشد منفی شد. این تغییر اساسی گسترده در سرنوشت مردم عراق و اقتصاد کشورشان، چیزی جز یک پیش‌درآمد برای فاجعه‌ای دیگر نبود؛ فاجعه‌ی که عراقی‌ها پس از تصمیم دولتشان به اشغال کویت در اگوست ۱۹۹۰ (۱۳۶۹) با آن مواجه شدند.

در سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) مجبور شد این رقم را به ۲۸ درصد کاهش دهد. افزایش واردات در مرحله‌ی اول جنگ نشانگر این بود که رژیم [عراق] تصمیم گرفته است بازار را با کالاهای مصرفی اشباع کند با این امید که بتواند تأثیر جنگ بر میزان مصرف را مهار کند. به همین ترتیب، کاهش میزان واردات پس از سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱) نیز بیانگر شکست سیاست «اسلحه و کره» بود و نشان می‌داد که رژیم [عراق] به اجتناب‌ناپذیری اقدامات ریاضتی پی برده است.

با تغییر اهمیت نسبی مشارکت بخش‌ها در تولید ناخالص داخلی می‌توان دریافت که کاهش شدید در سهم بخش صنعت نمایانگر کاهش شدید تولید، صادرات و قیمت نفت است و با همین کاهش باید افزایش اهمیت نسبی بخش‌های کشاورزی و تولید را توجیه کرد. اما سایر بخش‌ها کم و بیش راكد باقی ماندند زیرا عمدتاً با بودجه‌های برنامه‌های توسعه‌ی دولت اداره می‌شدند و همان طور که پیش‌تر گفته شد، دولت مجبور شده بود این بودجه‌ها را کاهش دهد.

وخامت اوضاع اقتصاد عراق ناشی از جنگ را با بررسی تغییر میانگین نرخ توسعه نیز می‌توان مشاهده کرد. این تغییرات از عوارضی خبر می‌داد که بخش اقتصاد و شهروندان عادی به دلیل سیاست‌های دولت [عراق] باید پرداخت می‌کردند. داده‌های جدول نشان می‌دهد که نرخ رشد اقتصادی دو رقمی ثبت شده [برای عراق] در دهه‌ی ۱۹۷۰ (دهه‌ی ۱۳۵۰) به نرخ رشد منفی با میانگین ۸/۱ درصد در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۵ (۱۳۵۹-۶۴) و ۱/۷ درصد در سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۹ (۱۳۶۴-۶۸) تبدیل شده است.

مصرف بخش خصوصی نیز به شدت تحت تأثیر شرایط جنگی قرار گرفت و میانگین آن که در سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ (۱۳۴۹-۵۹) به ۱۳/۶

جدول ۵- ترکیب متغیر تولید ناخالص داخلی عراق در فاصله سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۸ (۱۳۵۴-۱۳۶۷)

۱۹۸۸ (۱۳۶۷)	۱۹۸۶ (۱۳۶۵)	۱۹۸۴ (۱۳۶۳)	۱۹۸۲ (۱۳۶۱)	۱۹۸۱ (۱۳۶۰)	۱۹۸۰ (۱۳۵۹)	۱۹۷۵ (۱۳۵۴)	
تولید ناخالص داخلی بر اساس نوع مخارج							
۱۷/۴	۱۴/۹	۱۴/۸	۱۳	۱۱	۱۵/۸	۴/۱	تولید ناخالص داخلی به نرخ روز
۶/۳	۵/۷	۵/۳	۵/۷	۵/۸	۷/۱	۴	تولید ناخالص داخلی به نرخ سال ۱۳۵۴ش
توزیع تولید ناخالص داخلی (درصد)							
۳۰	۳۰	۳۲	۳۶	۳۰	۱۵	۲۱	مصرف دولت
۵۳	۵۳	۵۳	۴۶	۳۸	۲۳	۳۵	بخش خصوصی
۵	-۱	-۸	۱۳	۱۸	۸	۹	تغییر موجودی کالاها
۱۷	۲۳	۲۷	۴۴	۴۶	۲۲	۲۶	سرمایه گذاری ثابت ناخالص
۲۲	۱۹	۲۵	۲۶	۳۳	۶۳	۵۱	صادرات کالا و خدمات
۲۸	۳۱	۲۹	۶۵	۶۴	۳۱	۴۱	واردات کالا و خدمات
تولید ناخالص داخلی بر اساس منابع اولیه (درصد)							
۱۶	۱۵	۱۳	۱۰	۹	۵	۸	کشاورزی
۳۳	۲۷	۳۴	۳۲	۳۷	۶۶	۵۷	صنایع
۱۲	۱۱	۸	۷	۷	۴	۷	تولید
۶	۹	۱۰	۱۷	۱۶	۷	۹	مصرف
۱۱	۱۳	۱۳	۱۲	۱۰	۵	۵	تجارت
۷	۷	۵	۷	۷	۴	۵	حمل و نقل و ارتباطات
۲۹	۳۲	۲۸	۲۴	۲۴	۱۳	۱۷	سایر فعالیت‌ها
میانگین نرخ رشد برخی شاخص‌های اقتصادی در سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۹ (۱۳۴۹-۱۳۶۸)							
۱۹۸۵-۸۹ (۱۳۶۸-۱۳۶۴)		۱۹۸۰-۸۵ (۱۳۵۹-۱۳۶۴)		۱۹۷۰-۸۰ (۱۳۴۹-۱۳۵۹)			
-۱/۷		-۸/۱		۱۱/۷		تولید ناخالص داخلی	
-۴/۴		-۱/۳		۱۳/۶		مصرف دولت	
-۴/۶		-۷/۶		۱۳/۲		مصرف بخش خصوصی	
-۱/۵		-۰/۳		۲۷/۶		سرمایه گذاری ثابت ناخالص	
-۱/۱		-۸/۸		۴/۴		صادرات کالا و خدمات	
-۲/۹		-۸/۲		۲۲/۵		واردات کالا و خدمات	
-۶/۷		۶/۳		۱/۴		کشاورزی	
۱۱/۴		-۷/۳		۱۰/۲		صنعت	
-۳/۱		۰/۳		۱۳/۴		تولید	
-۱۶/۲		-۷/۸		۲۸/۴		ساخت و ساز	
-۱۰/۸		۱/۳		۱۶/۸		تجارت داخلی	
۱/۸		-۱۲/۴		۱۹/۹		حمل و نقل و ارتباطات	

منابع: سازمان ملل، آمار محاسبات ملی: ارقام کلی و جداول دقیق، ۱۹۸۹، بخش اول (نیویورک ۱۹۹۱): سازمان ملل، آمار محاسبات ملی: ارقام کلی و جداول دقیق، تحلیل ارقام کلی، ۱۹۸۸-۱۹۸۹، (نیویورک، ۱۹۹۱)



گزارش جلسه رونمایی کتاب «روند جنگ ایران و عراق»

مریم اسدی جعفری

علی شمخانی» رئیس مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، «دکتر حسین اردستانی» مدیر مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، «دکتر حسین علایی» نویسنده کتاب «روند جنگ ایران و عراق»، «سردار محمد درودیان» ناظر اثر و «احمد نصرتی» همکار نویسنده کتاب آغاز شد. کتاب «روند جنگ ایران و عراق» در ده فصل تنظیم شده و تمام حوادث و وقایع جنگ را به صورت توصیفی در برخی موارد تحلیلی، از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا نامه‌نگاری صدام حسین با آیت‌الله علی اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت ایران برای پذیرش معاهده ۱۹۷۵، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده است. تشریح چگونگی انتشار کتاب "روند جنگ

برپایی نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در بهار هر سال، بهترین فرصت و بستر مناسبی برای معرفی و ترویج تازه‌های نشر حوزه دفاع مقدس در بین مخاطبان عام و محققان و کتابخوانان حرفه‌ای محسوب می‌شود. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس نیز هر سال با حضور در شبستان مصلاي بزرگ امام خمینی^(ع)، ثمره پژوهش و نشر خود را در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد و با استفاده از ظرفیت‌های حاشیه‌ای نمایشگاه کتاب، به تبیین هرچه بهتر فعالیت‌های خود می‌پردازد. یکی از این ظرفیت‌ها، برگزاری آیین رونمایی از مجموعه دو جلدی «روند جنگ ایران و عراق» در بیست‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در تاریخ هفدهم اردیبهشت سال جاری بود. این مراسم با حضور و سخنرانی «دریابان

ایران و عراق"

این می‌دهد که این منابع، مشاهدات و اگر بخشی هم شنیده‌هاست، واقعیت‌هایی است که در صحنه نبرد در میان فرماندهان گزارش جلسات آنها رد و بدل شده است. آنچه خود من در صحنه ۸ سال جنگ شاهد بودم، آقای علایی از فرماندهانی است که در صحنه‌های اصلی تصمیم‌گیری حضور داشت و در اجرای آن تصمیمات در صحنه نبرد، جزو فرماندهان بودند.

من به نوبه خودم در مقام مسئول مرکز، از ایشان تشکر می‌کنم و عرض می‌کنم، این کتاب قرار بود با ۶۰۰-۷۰۰ صفحه منتشر شود. هر بار عودت دادیم ایشان تجدید نظری داشته باشند، ۲۰۰ صفحه اضافه شد، ۱۰۰ صفحه اضافه شد تا اینکه در ۱۲۰۰ صفحه هم که ما متوقف شدیم، با اصرار و فشار ایشان که دوباره [کتاب را] ببینم، با عرض معذرت از ایشان، من اجازه ندادم کتاب دوباره به سردار عودت شود و تأکید کردم که ان‌شاءالله در چاپ‌های بعدی، می‌توان با تجدیدنظر و اضافات، کتاب را دوباره چاپ کرد. از فرمانده عزیز جبهه‌های جنگ، سردار شمخانی تشکر می‌کنم که قبول زحمت فرمودند و در خصوص این کتاب، براساس مشاهداتشان و فرماندهی‌شان در دفاع مقدس برای جمع سخنانی ایراد بفرمایند. از جناب آقای علایی خواهش می‌کنم راجع به کتابشان بفرمایند.

تکمیل «روند جنگ ایران و عراق» در چاپ دوم

سردار حسین علایی: یکی از برکات روی کار آمدن دولت جدید در سال ۸۴، این بود که خیلی‌ها از دور مدیریت خارج شدند و وقت پیدا کردند که بنویسند و یا تدریس کنند. شاید بشود گفت، این یکی از خوبی‌های دولت

دکتر حسین اردستانی: در پژوهش‌های تاریخی، سند، راوی و شاهدان می‌توان منابع اصلی باشند و منتج به پژوهش و چاپ آثار، به مثابه منابع دسته اول بشوند. امروز و به خصوص دهه‌ها و سده‌های آینده، تاریخ ایران برای اطلاع از بزرگترین اتفاق تاریخی ایران، نیاز به منابع دسته اول دارد. در صورتی که منابع دسته اول به میزان بیشتری وجود داشته باشد، امکان تحریف آن رویداد بزرگ، کمتر می‌شود و دستیابی و دسترسی محققان، استادان و آحاد جامعه کشور، به واقعیت و آنچه در صحنه‌های نبرد گذشته، بیشتر فراهم می‌شود.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در مقام مرکز اصلی منابع در کشور، با اتکاء به جمع‌آوری میدانی منابع در ۸ سال دفاع مقدس، تقریباً آنچه منتشر می‌کند، جزو منابع دسته اول به حساب می‌آید؛ یا منابع و راویان.

راویان، حاضرین و شاهدان صحنه‌های نبرد بودند و منابع آن‌ها از قبیل نوارها، دفاتر و ... از منابع دسته اول است.

چندی است که در کنار راویان، فرماندهان هم درباره دفاع مقدس و تاریخ شفاهی و آثار مکتوب آن‌ها، کمک بزرگی به منابع دست اول کرده و واقعیت‌های جنگ، به علاوه عمق و دامنه آن، را پوشش داده‌اند. مهم‌ترین ویژگی کتاب سردار علایی، مشاهدات و حضور قابل ملاحظه ایشان است. یا به عنوان رئیس ستاد یا به عنوان فرمانده قرارگاه در طول جنگ در صحنه‌های تصمیم‌گیری در سطح کلان و اجرای آن در سطح میانی و خرد. البته در سطح خرد کمتر، [حضور داشته‌اند]. آنچه در این کتاب آمده، به میزان بالایی اطمینان از



از راست: سردار درودیان، دکتر اردستانی، دکتر علایی؛ اردیبهشت ۱۳۹۲

در یک کتاب نمی‌تواند همه را پیدا بکند. البته برادر عزیزمان آقای درودیان و سایر راویان مثل آقای نداف، خود آقای اردستانی و دیگران، کتاب‌های زیادی راجع به جنگ نوشتند و زحمات زیادی کشیده‌اند. من دیدم که می‌شود، کتابی را که از ابتدا چرا اصلاً عراق تصمیم گرفت با ایران بجنگد، تا زمانی که خود صدام حسین معاهده ۱۹۷۵ را پس از جنگ پذیرفت، در این چهارچوب تدوین کرد و مسائل جنگ را به صورت علمی و بی طرفانه مطرح کرد. با این دیدگاه، شروع کردم. همینطور که درس می‌دادم و مقالات می‌نوشتم سعی کردم یافته‌هایم را در قالب کتابی تدوین کنم.

بعد جناب آقای اردستانی و مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس فرمودند که این کتاب را ما آمادگی داریم که چاپ کنیم و بنا شد کتاب، چاپ بشود. ۳ سال طول کشید که کتاب را از ابتدا تا انتها تکمیل کردم. ولی هر بار که نگاه می‌کردم، می‌دیدم هنوز جای کار زیادی دارد. البته

نهم بوده است. از جمله کسانی مثل اینجانب که مجبور شدیم، برای خودمان فکری کنیم. لذا به تدریس و مطالعه پرداختیم.

یکی از کارهای خوبی که پژوهشگاه علوم دفاع مقدس، خدا رحمت کند سردار سوداگر انجام داد این بود که توافقی کردند و درسی به نام دفاع مقدس در دانشگاه‌ها راه اندازی شد و با کمک فرماندهان قرارگاه‌های دوره جنگ و کسانی که در آن زمان، در تصمیم گیری‌ها شرکت داشتند و یا در قرارگاه‌ها بودند، کلاس‌هایی برای استادانی که قرار بود این درس را در دانشگاه‌ها تدریس بکنند، تدارک دیده شد. من هم جزو یکی از این‌ها بودم. در کنار امیران بزرگوار ارتش که در اینجا خدمتشان هستیم. امیر شمخانی که زحمت کشیدند، تشریف آوردند و بسیاری از استادانی که در این جلسه هستند. من هم بعضی از درس‌ها را در آنجا ارائه می‌کردم. در آنجا متوجه شدم که اگر کسی بخواهد از ابتدا تا انتهای جنگ را ببیند [که] چه گذشت و بخواهد تحلیل بکند،

در این کتاب، مطالبی را که می‌نویسم، با صحت و دقت باشد. سردار رشید هم بعضی وقت‌ها برای تاریخ شفاهی‌اش، ما را دعوت می‌کردند و گوش می‌کردم. بنابراین سعی کرده‌ام که تا جایی که می‌شود، مطالب جامع باشد، مانع باشد، موجز باشد و بینظر از نظر علمی. ما مدافع همه چیز دفاع مقدس هستیم، ولی با همه مسائل، سعی کردم تحلیلی و علمی برخورد کنم. به همین خاطر ما هر کجا در عملیات‌ها شکست خوردیم، دلایلش را هم نوشته‌ام. هر کجا پیروز شدیم، موفق شدیم، نوشته‌ام. عملکرد وزارت خارجه را به صورت مقطعی تحلیل کردم. مثلاً گفته‌ام اگر وزارت خارجه در این مقطع، همچین کارهایی را می‌کرد، از نظر ما بهتر جواب می‌گرفت. ضعف‌هایی که از سیاست خارجی ایران در دوران جنگ به نظر رسیده را نوشتم. به همین خاطر، اسم کتاب را «تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق» گذاشتم.

متأسفانه در سپاه کتاب‌ها را می‌فرستند عقیدتی و حفاظت. آنها باید کتاب‌ها را ببینند و گاهی کتابها برای بازبینی، دست کسانی می‌افتد که احتمالاً حالا نمی‌گویم در جنگ نبودند، ولی درکی ندارند و این‌ها با دیدگاه‌های خودشان به مسائل نگاه می‌کنند. مثلاً یکی از دوستانی که من متأسفانه او را ندیدم، روی این کتاب نظر داده و حرف‌هایی زده که برای من بعضی‌هایش خنده‌آور بود. لیکن مرکز اسناد، مجبور شد که رعایت بکند. از جمله، اسم این کتاب تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق است، او برداشته، نوشته «روند جنگ ایران و عراق»! اصلاً خودم نمی‌فهمم

این کتاب در شهریور سال ۱۳۸۹ برای چاپ آماده و تقدیم شد. ولی با مسائلی برخورد کردیم که آن مسائل، باعث تأخیر شد و چون در چاپ تأخیر می‌شد، هر دفعه می‌گفتم حالا که چاپ نشده، پس تکمیل‌تر بکنیم و بعضی از مسائل را اضافه می‌کردم. البته این مجموعه‌ای که الان چاپ شده، با آن که من در اختیار دارم، هنوز ۱۰۰ صفحه اختلاف دارد. یعنی اگر چاپ دومی در کار باشد، ۱۰۰ صفحه مطالب تکمیلی‌تر به این دو جلد باز اضافه خواهد شد. علت این بود که من ظرف ۸ سال گذشته، در تمام جلسات مربوط به جنگ شرکت

می‌کردم؛ چه جلسات خاطرات، چه جلسات تحلیل، چه جلسات بازخوانی مفهومی جنگ، چه جلساتی که استادان دیگری این موضوع را تدریس می‌کردند. مثلاً هرچه آقای شمخانی تدریس کرده بودند، اگر در کلاس نبودم، گرفتم گوش کردم. هر چه امیر موسوی قویدل، امیر مفید، امیر معین‌وزیری، امیر بختیاری و دیگران تدریس کردند، من یا در کلاس‌ها رفتم نشستم، ببینم چه می‌گویند و یا این‌که همه را گرفتم و گوش کردم. هر چه سردار صفوی، سردار محسن رضایی، مطلب از این‌ها منتشر شده یا گفته‌اند، یا خوانده‌ام و یا گوش کرده‌ام. در تمام جلسات تاریخ‌شفاهی سردار محسن رضایی، شرکت و هر چه آن‌جا مطرح شد، با دقت نگاه کردم و سعی کردم

امیر دریابان علی شمخانی: کاری
نکنیم، مجبور به نوشتن کتاب
"تحریفات دفاع مقدس" شویم

نصرتی، آقای انصاری و از همه تشکر می‌کنم. اگر اسمی یادم رفت ببخشید. دیگر اینکه این کتاب را در اختیار تقریباً همه امرای ارتش و فرماندهان سپاه قرار دادم. بعضی‌ها به من نظرات خیلی خوبی دادند. از همه آن‌ها تشکر می‌کنم. بعضی‌ها هم فقط نگاه کردند و به من نظری ندادند. امیر شمخانی به من نظر دادند و استفاده کردم. سردار رضایی به من نظر دادند. سردار صفوی با من صحبت کردند. امیران ارتش، اکثراً به من نظر دادند. امیران که تشریف دارند، امیر بختیاری برای من مطالبی را نوشتند، من استفاده کردم. سردار رشید وقت زیادی گذاشتند. خیلی چیزها را مکتوب برای من نوشتند و دادند. من خیلی استفاده کردم. خیلی از کسانی که کتاب را در اختیارشان قرار دادم، نظر دادند و من تقریباً به همه فرماندهان دوران جنگ؛ چه سپاه و چه ارتش و هر کسی در جنگ نقشی داشته، در اختیارشان گذاشتم. مثلاً حتی آقای [محمد] فروزنده، آقای رفیق‌دوست و دیگران، به هر نوعی در جنگ بودند، اگر مسائلی دارند مطرح کنند. برای خیلی از مسائل جنگ، وقتی به موضوعی برخورد می‌کردم با تک تک آن‌ها صحبت می‌کردم. بنابراین بعضی از این اطلاعات در این کتاب هست که شما احتمالاً در کتاب‌های دیگر پیدا نخواهید کرد. چرا؟ چون بسیار جزئی و ریز برای این که به یقین برسیم، روی مسائل این کتاب صحبت کردم. مثالی می‌آورم برای این که بفهمم بعد از فتح خرمشهر چه اتفاقی در تصمیم‌گیری افتاد، به بیت امام^(ه) مراجعه کردم. چندین جلسه با حاج حسن آقای خمینی^(ه) نشستم، صحبت کردم تا ایشان بالاخره روزی نامه‌ای را از حاج احمد آقای خمینی آورد و به من داد.

یعنی چه؟ تاریخ تحلیلی یعنی ما مجموعه تاریخی نوشتیم و تحلیل کردیم. البته ایشان را تأیید می‌کنم. قبول دارم، مجبور بودند این را چاپ کنند. حالا عیبی ندارد، چاپ کردند. این هم از اشکالاتی است که در نشر کتاب، در کشور ما هست. نویسنده مسئول همه چیز هست.

نکته بعدی این که بعضی از جاها را حذف کردند. مثلاً موردی را مثال می‌زنم که خیلی خنده‌دار است. من یک‌جا نوشتم حمله کمونیست‌ها به آمل. ایشان نوشته که این چه ربطی به جنگ دارد؟ این را از این زاویه نوشتم و تحلیل کردم که وقتی کمونیست‌ها هنگام جنگ به آمل حمله کردند، بخشی از توان سپاه که باید در جنگ درگیر جنگ می‌شد، از نظر اطلاعاتی، عملیاتی و ساختاری، درگیر این نوع مسائل شد. یعنی مسائل داخلی ما، حملات منافقین، کمونیست‌ها، فرقه‌گراها و دیگران روی مسائل جنگ تأثیر داشته و بعضی از این‌ها سر نخ‌هایشان به خارج از ایران وصل بود. یا مثلاً راجع به لانه جاسوسی تحلیلی نوشتم که تحلیل را مجبور شدند حذف کنند. اشکالی ندارد، انتقاد هم نمی‌کنم، دارم گزارش می‌دهم که چه اتفاقی‌هایی افتاده است. امیدوارم در چاپ دوم، ان شاء الله اگر این کار انجام شد، این کتاب هم با اسم خودش و هم با آن مطالبی که از نظر من درست و صحیح است، چاپ بشود. البته موظف هستم که تشکر کنم. اول از برادر عزیزم آقای درودیان که زحمت نظارت محتوایی این کتاب را کشیدند و تلاش زیادی کردند. دوم از برادر عزیزم جناب آقای اردستانی و همه دوستانی که در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، الان مشغول هستند و زحمت چاپ این کتاب را کشیدند. از آقای

که شکست‌ها را هم نباید تک متغیره دید. به همین خاطر به مدلی رسیدم برای موفقیت‌ها در جنگ که در این مدل، نیروی انسانی، رزمندگان داوطلب، ایمان، ایثارگری و شهادت‌طلبی حرف بالایی را می‌زند. ولی فرماندهی، ساختار، تجهیزات، طراحی عملیات‌ها و... این‌ها همه در موفقیت و پیروزی‌های ما دخیل بوده که بخشی از کتاب به این مسائل پرداخته است. در فصل‌های آخر، جنگ از این ابعاد هم مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. امیدوارم ان‌شالله آقای اردستانی بتوانند نسخه‌ای از کتاب را در اختیار دوستانی که حداقل در این جلسه هستند، بگذارند. چون قیمت کتاب هم بالا رفته است. امیدوارم دوستانی هم که [این کتاب را] خواندند، اگر نظراتی داشتند برای اینجانب ایمیل کنند. نمی‌دانم ایمیل در کتاب چاپ شده یا نه و لیکن در جاهای دیگر ایمیل من هست، بنویسند تا ما از نظرات آنها استفاده کنیم و برای چاپ‌های بعدی بتوانیم، مورد بهره‌برداری قرار دهیم.

گفت: این را بخوان و به من پس بده. این نامه در ۷ صفحه بود. من نمی‌دانم از شماها چه کسی این نامه را خوانده؟ ولی فکر می‌کنم از مسئولین جنگ، تنها کسی که حتماً خوانده، من هستم. امیدوارم روزی منتشر بشود. ما اسنادی در ارتباط با جنگ داریم، در ارتباط با تصمیم‌گیری‌ها داریم که هنوز منتشر نشده و اینها خیلی کمک می‌کند به روشن شدن جنگ. بنابراین من درباره بعضی از مسائل بعد از فتح خرمشهر، در این کتاب نظراتی نوشتم که این‌ها به نظرم مهم است و تاکنون به مذاکرات شورای عالی دفاع نتوانستم دسترسی پیدا بکنم. اگر آن هم بود، خیلی به فهم مسائل کمک می‌کرد. علی‌ای حال این کتاب را من، از همه بعد نوشتم. آخرش هم بخش‌هایی دارد که بعد موفقیت‌ها را تحلیل می‌کند.

در این کتاب به این نتیجه رسیدم که موفقیت‌های جنگ را نباید تک بُعدی دید، همانطور



مراسم رونمایی کتاب؛ اردیبهشت ۱۳۹۲

فرمانده در جنگ، واقعه‌ساز است

سردار محمد درودیان: اصلش این است که کتاب الحمدلله چاپ شد. شخصیت آقای علایی و شرایطی که توضیح دادند، منجر به نوشتن کتاب شد. ان‌شالله منجر به فروش آن هم شود و مباحثی که ایشان شروع کردند، به سطح بالاتر ارتقا یابد. فرمودند ناظر [کتاب] بنده بودم، اما خدا شاهد است از روز اولی که به من گفتند ناظر این کتاب هستم، هیچ موقع حس نظارت به معنی مرسوم آن را نداشتم. یعنی [برای مثال] بخواهم نکته‌ای را متذکر شوم، کمک کنم، جهت بدهم، ساختار را تعیین کنم و این بحث‌ها نبود. اصلاً با آقای علایی، چنین مناسباتی را نداشته و نخواهیم داشت و در تدوین این کتاب هم نبوده است. بنابراین در مطالعه این کتاب فرضی داشتم که بر اساس آن فرض، می‌خواهم دو - سه نکته را به عرض برسانم. فرض من این بود و به مرکز هم همین را گفتم که آقای علایی فرمانده جنگ، این کتاب را نوشته و مسئولیتش هم با خود ایشان است. من خواندم. نکاتی را یادآوری کردم که تجربه خودم در نوشتن بوده و بر مبنای آن، برخلاف مرسوم که هر کتابی را یک بار، ناظر می‌خواند، من سه بار خواندم که توضیحات را آقای اردستانی فرمودند. به نظرم کتاب، از سه جهت قابل توجه است. یکی از جهت مؤلف، یکی از جهت موضوع و یکی از جهت روش. از جهت مؤلف، به نظرم این کتاب را از آنجا که فرمانده جنگ نوشته، کتاب بی‌همتایی است. چرا؟ چون فرمانده در جنگ، مثل سیاستمدار در عرصه سیاست، واقعه‌ساز است. یعنی بخش‌هایی در جنگ هست که علی شمخانی، آقای رضایی و دوستان دیگر مثل آقای علایی ایجاد کردند و بنابراین از این حیث اهمیت دارد

که آن آدمی که در آن جایگاه، آن واقعه را رقم زده چه مبنایی داشته است؟ چه تفکری داشته و چگونه آن را ایجاد کرده است.

بنابراین این مهم‌ترین قوت کتاب است و به نظرم ایشان تاکنون تنها فرمانده‌ای هستند که با این سبک و سیاق، چنین کتابی نوشته‌اند. کنار این قوت، ضعفش هم درون خودش است. انتظاراتی ایجاد می‌کند که بنده اگر آن کتاب را بنویسم، صد نفر به به و چه چه می‌کنند و خودم دوست داشتم باشم که این را بگویند. ولی وقتی آقای علایی این کتاب را می‌نویسد، می‌گویند فرمانده جنگ نوشته که برجستگی و امتیازاتی در درون خودش ایجاد می‌کند. انتظاراتی که این‌ها می‌تواند ضعفش باشد که آیا آن چیزهایی که انتظار بوده، در آن هست؟ مثلاً بخش‌هایی از جنگ است که به نظرم فقط ایشان می‌تواند توضیح بدهد. مثل آن دوره‌ای که ایشان فرمانده نیروی دریایی بودند که در کتاب هم بخش‌هایی از آن آمده است. این بخش‌ها به نظرم بی‌نظیر است. ولی آن نکته‌ای هم که گفتم، هست.

درباره موضوع عرض کنم که جنگ هشت ساله است و می‌شود نگاهی کلی به آن داشت. ولی با تأثیر بیشتری همراه است که باز هم به نظرم از این جهت، کتاب بی‌همتا است. کتابی هم‌وزن کتاب ایشان که کل جنگ، تحلیل شده باشد و تقریباً بیشتر مسائل جنگ را تشریح کرده باشد وجود ندارد

استحضار دارید، نگاه کلی به موضوع، هم توانایی ذهنی و قدرت فکری می‌خواهد، هم اشراف بر موضوع و به نظرم الحمدلله هر دو را ایشان داشته است. ولی این‌که مبنای ایشان نسبت به هویت جنگ چه بوده مغفول است. این مبنای و پیش‌فرض‌ها یا گاهی در

افقی که در آینده کتاب نوشتن وجود دارد و باید به آن بپردازیم، نگاه به جنگ در مفهوم خود جنگ است. یعنی باید فراتر از آن چیزی که به عمل ما و به دفاع برمی گردد، بپردازیم. باز هم تبریک می گویم خدمت سردار علایی. تشکر هم می کنم از مرکز.

به ثمر نشستن تجربیات جنگی «حسین علایی» در کتاب

احمد نصرتی: بررسی و تحلیل ابعاد گوناگون جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و حماسه آفرینی ها و ایثارگری های بی نظیر امت انقلابی و قهرمانی ایران و آثار و پیامدهای منطقه ای و بین المللی آن، کاری بس عظیم و دشوار است. بدیهی است، قدم نهادن در این عرصه خطیر، رسالت و ادای دینی است، بر عهده اندیشمندان و پژوهشگران متعهد و به ویژه آنان که خود در دوران ۸ ساله دفاع مقدس حضوری فعال و مؤثر داشته اند.

آنان که عارفانه و عاشقانه در راه اهداف متعالی اسلام و لبیک به ندای امام^(ع) فرزانه شان، همه هستی خود را در طبق اخلاص گذاشتند و به تکلیف شرعی و میهنی خود عمل کردند. گروهی از آنان جانشان را برای خشنودی و رضایت خداوند فدا کردند و با آمادگی تمام، برای پیروزی یا شهادت در انتظارند و هرگز دچار تزلزل نمی شوند. آنان که امروز در عرصه های مختلف نظام مشغول فعالیت هستند و بر فرهیختگان و اندیشمندان آنان لازم است که در حد وسع و توان خود، در حوزه های گوناگون دفاع مقدس پژوهش نموده و آثاری وزین ارائه نمایند تا علاوه بر اشاعه فرهنگ ناب دفاع مقدس از تحریف و انحراف آن جلوگیری کنند.

کتابی که امروز برای رونمایی آن در این مکان گرد هم آمده ایم، حاصل تجربیات، مشاهدات

چهارچوب نظری در اول کتاب، گفته می شود و گاهی در لابلای کتاب است. به نظرم ایشان در لابلای کتاب است. شاید اگر مبانی به عنوان تجربیاتشان و آن نکات خاص از جنگ را در اول کتاب می آوردند، بهتر بود. بنابراین این ضعف در درون جای می گیرد.

نکته سوم روش است که من به نظرم این کتاب، با همه برجستگی هایش، یک برجستگی بزرگ دیگری دارد که باز هم ضعفش در درون خودش است. این که واقع محور و بر اساس عملیات است. یعنی اگر شما عملیات ها را از کتاب حذف کنید، کتاب از هم می پاشد. این هم دلیل دارد. ایشان فرمانده عملیات بوده است. بنابراین طبیعی است که کتاب این شکل باشد. بنابراین، این قوت و برجستگی که بر محوریت عملیات ها ادامه پیدا کرده، ضعفش هم درون خودش بوده که می شود اشاره کرد. نکته آخر را بگویم. نکته ای که هم به کتاب آقای علایی برمی گردد هم به کلیت کتاب نوشتن در حوزه جنگ ایران و عراق و هم به خود بنده که باید با تلاشمان و دعای دوستان، ان شاء الله بر طرف بشود. این که این کتاب و کل کتاب هایی که در حوزه تاریخی، نظامی، تحلیلی نوشته می شود، مشخصه این کتاب ها این است که واقع محور و در چهارچوب مفهوم جنگ دفاعی است نه مورد جنگ. در مورد جنگ دفاعی است یعنی چی؟ یعنی آن بخشی که ما در جنگ عمل کردیم، در مورد کل جنگ نیست. مثل امروز. فرض بفرمایید امریکا و رژیم اشغالگر ما را تهدید می کنند، یعنی منطق جنگ شکل می گیرد. اگر بر فرض، جنگ بشود، ما از خودمان دفاع می کنیم. حالا اگر کتاب ما در مورد کل این جنگ باشد دفاعی نیست و اگر فقط آن کاری که ما انجام دادیم را بنویسیم، «دفاعی» می شود. معتقدم مهم ترین

بیت المقدس و عملیات‌های بعدی مانند رمضان، مسلم بن عقیل، محرم، والفجر مقدماتی، والفجر ۱، ۲، ۳ و ۴ در جلد اول و دیگر عملیات‌ها از جمله والفجر ۵ و ۶، خیبر، بدر، والفجر ۸، کربلای ۱، کربلای ۳، فتح ۱، کربلای ۴ و ۵ و ۸ و ۹ و ۱۰ و فتح ۵ و والفجر ۱۰ و مرصاد در جلد دوم آمده است. موضوعات مختلفی از قبیل جنگ شهرها، جنگ نفت‌کش‌ها، حملات شیمیایی عراق، مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی، قطع‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل به ویژه قطع‌نامه

۵۹۸ و رویدادهای پایان جنگ نیز به تناسب در هر دو جلد مطرح شده است. امید است این اثر گرانمایه، مورد رضایت حق قرار گرفته و کام تشنه مشتاقان علوم و معارف دفاع مقدس به ویژه جوانان عزیز و دانشجویان گرامی را سیراب نماید.

امیر دریابان علی شمخانی: من با توجه به این‌که مستمع بیانات برادران عزیز بودم، خودم

خسته شدم. لذا بعید است دوستان آمادگی داشته باشند که من طولانی صحبت کنم. ولی آنچه را که دوستان بیان کردند، بعضی از نکاتش مد نظر من و در یادداشت‌هایم بود که تکرار نمی‌کنم. نکاتی را که دوستان بیان کردند، نکات درستی بود. عرض کنم که جنگ تحمیلی شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با واقعه کربلا دارد. من از شباهت‌ها نمی‌گویم. شباهت‌های عقیدتی‌اش، باورهایش، هدفی‌اش، تأثیر واقعه

و اندوخته‌های علمی فرمانده دلاور دوران دفاع مقدس و پژوهشگر ارجمند، جناب آقای دکتر حسین علایی، عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین^(ع) می‌باشد که در آن، سیر حوادث و رویدادهای جنگ ایران و عراق از دیدگاه فرمانده و پژوهشگر دفاع مقدس بررسی و تحلیل شده است. نظر به این‌که تاکنون کتابی با این رویکرد و این قالب تألیف نشده است، این اثر می‌تواند برای علاقه‌مندان و محققان تاریخ دفاع مقدس و همچنین عموم مردم مفید باشد و خلاء و کمبودها را در این زمینه جبران نماید. اگرچه این حوزه، آن‌چنان وسیع و گسترده است که راه برای تألیف آثاری از این دست همچنان باز می‌باشد و فقدان کتابی جامع و مانع درباره تاریخ تحلیلی دفاع مقدس همچنان احساس می‌شود. بدیهی است، تلاش محقق محترم جناب آقای دکتر علایی در تدوین ابعاد گوناگون رویدادهای جنگ به صورت تاریخی و تحلیلی شایسته قدردانی است. در واقع انجام دادن چنین پژوهشی در نوع خود کاری بس دشوار و طاقت فرسا و نیازمند تجربه و دانش فراوان و ملاحظات بسیاری می‌باشد. انتشار این کتاب، گامی مهم در تدوین تاریخ تحولات جنگ تحمیلی به شمار می‌رود و امیدواریم صاحب‌نظران و نخبگان این عرصه با پیمودن گام‌های بعدی، آثاری وزین در این زمینه عرضه کنند.

کتاب «روند جنگ ایران و عراق» یا به عبارتی «تاریخ تحلیلی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران» در ده فصل سازمان‌دهی شده است و با توجه به حجم آن در دو جلد منتشر شد. به طور خلاصه، مباحث مربوط به جنگ از ابتدای پیروزی انقلاب تا شروع تهاجم گسترده عراق به ایران، عملیات‌های آزادسازی سرزمین‌های اشغالی شامل ثامن‌الائمه، طریق‌القدس، فتح‌المبین و

امیر دریابان علی شمخانی:
متأسفانه بسیاری از مستندهای
تلویزیون، فیلم‌های سینمایی،
کتاب خاطره حتی کار بسیار
مستتر روایت جنگ و راویان
جنگ در ایام راهیان نور به
دلیل تأکید بر حماسی بودن
جنگ و برنامه بعد از بیان یک
راوی که مداحی است



— امیر دریابان علی شمخانی و دکتر حسین علایی در حال رونمایی از کتاب؛ اردیبهشت ۹۲

متفاوت، جغرافیاهای متفاوت، شهر و روستا، اشکال سنتی دیگری بر این روایت تحمیل شده است. به نحوی که برای پیرایه‌زدایی از آن حادثه بزرگ، متفکرین اسلامی مثل شهید مطهری، تحریفات عاشورا می‌نویسند.

جنگ تحمیلی تفاوتش با آن حادثه، این است که به قول غربی‌ها ثبت «آنلاین» داشته است. ضبط آنلاین داشته و ورای کتابت و انتقال سینه به سینه و زبان به زبان، انتقال تصویری، ضبطی، کتبی، فیلمی آن هم به شکل همزمان با وقوع حادثه داشته است. این تفاوت مابین حادثه کربلا با حادثه ۸ سال دفاع مقدس است که برای آن ما مجبوریم، تحریفات عاشورا بنویسیم. نباید گرفتار گردابی بشویم که همان پدیده، امروز بر این پدیده‌ای که گزارشاتش آنلاین نوشته می‌شد، مکتوب می‌شد، ضبط می‌شد، حاکم بشود که متأسفانه حاکم شده است.

من از این زاویه می‌خواهم جایگاه این کتاب را بیان بکنم. مثلی به اسم نویسنده، ناظر و ناشر،

کربلا، پیروزی خون بر شمشیرش، نقشش در برجستگی حضور مردم بر کسی پوشیده نیست. می‌خواهم تفاوت در ثبت و ضبط را بیان کنم. دوستان مستحضر هستند که واقعه کربلا از زمان وقوع تا زمان مکتوب شدنش، فاصله زمانی زیادی دارد. تعریف واقعه کربلا و صحنه رزم، انتقال از مدینه به مکه و مکه تا کوفه آغاز شده و خود ۶ ساعت درگیری و... تاریخ دقیقی در ذهنم نیست ولی ده‌ها سال بعد، تحت عنوان مقاتل، منتقل شده و مکتوب شده و بعد، زبان به زبان، سینه به سینه، به شکلی که امروز می‌بینیم به ما رسیده است. به همین دلیل، امروز از تعداد رزمنده‌های در خدمت ابی عبدالله، حتی بعضی از اعضای خانواده ابی عبدالله تا نیروی مقابل، کمیت اختلاف است. هر چند در اصل وقوع و زمان وقوع، به شکلی اجماع وجود دارد ولی در تعریف ابعاد و زوایای مختلف وقوع، اتفاق‌آرا وجود ندارد. این اصل حادثه است. اما در طول ۱۴۰۰ سال در زمان‌های مختلف، حکومت‌های

کنار هم قرار گرفتند و این اثر را به وجود آورده‌اند که هم نویسنده، هم ناظر و هم ناشر در حقیقت برجستگی‌های منحصر به فردی دارند. نویسنده، خود میدان‌دار است. ناظر نیست. در جنگ زنده است. در رده‌های عالی تصمیم‌گیری جنگ بوده است. ناظر، صاحب سبک است و کتب متعدد جنگی نوشته است. ناشر صاحب گنجینه عظیمی از اسناد منحصر به فرد است. این مثلث که مثلث مبارکی است، دست به انتشار این کتاب زده است. سردار علایی، این کتاب را مبتنی بر دو حقیقت، دو نوع کتاب یا ترکیب دو موضوع، مبتنی بر توصیف و تحلیل، تنظیم کرده است. توصیفش واقعه‌نگاری است. تحلیلش نوع نگاه به وقایع است. لذا تحلیلش، نوع نگاه خودش به وقایع است. اما توصیفش، توصیف رخدادهاست. این‌ها را باید از همدیگر تفکیک کرد. علت این که من عرض می‌کنم، ما نباید وادار شویم که کتاب «تحریفات جنگ» را بنویسیم، این است که امروز من احساس می‌کنم بسیاری از انباشتگی‌های مطالب راجع به افراد، راجع به سازمان‌ها و نحیف شدن مطالب، راجع به بعضی از افراد و سازمان‌ها، با نگاه امروز سیاسی نسبت به دیروز است. متأسفانه ما نسل جنگ را دچار سؤال و ابهام کرده‌ایم پیش از این، دوستان به این که دو واحد درسی در دانشگاه‌ها گنجانده شده است، اشاره کردند. خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: شرط پایداری یک واقعه در تاریخ، در عدم بروز نکردن تناقض آن است و گرنه محدوده تأثیرش کم می‌شود.

جنگ هم موضوع صرفاً ایرانی نیست. تنها موضوع رزمندگان ایران نیست. موضوع سرداران نیست. در کشور ما و در همه جای دنیا، پر کردن اوقات فراغت در فضای مجازی یا با وسایل دیگر، با بحران مواجهه است. باید جاذبه‌های قوی در

کتابخوانی تزریق کرد که فرد به کتاب مراجعه بکند. حالا اگر دو واحد درسی راجع به جنگ در دانشگاه گذاشتیم، [دانشجو] آمد و کتاب ارتش را خواند و راجع به پدیده‌ای، برداشتی کرد [اسپس] کتاب سپاه را خواند و برداشت دیگری کرد، خاطره فرمانده‌ای را شنید و برداشت سومی کرد، این چه خواهد گفت؟ او از درون متلاشی خواهد شد و متأسفانه بسیاری از مستندهای تلویزیونی، فیلم‌های سینمایی، کتب خاطره، حتی کار بسیار مهم روایت جنگ و راویان جنگ در ایام راهیان‌نور، به دلیل تأکید بر حماسی بودن جنگ، موضوعات و پیرایه‌هایی به جنگ بسته می‌شود که غیر از آه برای نسل جوان و نه عبرت! چیزی به ارمغان نمی‌آورد. از شهدای جنگ، اسطوره‌های غیرقابل تقلید ساخته می‌شود. این فردی که این را می‌سازد، خیال می‌کند دارد خدمت می‌کند. در حالی که این خدمت نیست. این منزوی‌سازی است. لذا داشتن یک رفرنس و مرجعی که آدم فردا وقتی می‌خواهد این کتاب، چنین خصلتی دارد. البته بی‌نقص نیست. من نقص‌ها را خواهم گفت، ولی آدم می‌تواند، در این کتاب قطور به دور از تحریفات جنگ به این کتاب ارجاع بدهد. به خاطر مختصر کردن بحث، بقیه بحث را در این چهارچوب ادامه نمی‌دهم. اما کتاب به نظرم می‌آید، با توجه به برجستگی که دارد، یعنی نویسنده‌اش فرصت اجباری پیدا کرده که در این ۸ سال، [همانطور که اشاره کرد] مطالعاتی کرده، حضوری که در جلسات داشته، همه این‌ها تلاش برده، زمان برده، عمر برده، سوال و جواب‌هایی که از افراد مختلف کرده، خود برجستگی شخصیت علمی سردار دکتر علایی، سابقه میدان‌داری و فرماندهی‌اش، این کتاب را نسبت به سایر کتاب‌ها و جامع بودن کتابش متمایز می‌کند.

ناظر محترم، این تمایز را غنا می‌بخشد. سردار

جنگ هم موضوع صرفاً ایرانی نیست. تنها موضوع رزمندگان ایران نیست. موضوع سرداران نیست. در کشور ما و در همه جای دنیا، پر کردن اوقات فراغت در فضای مجازی یا با وسایل دیگر، با بحران مواجهه است. باید جاذبه‌های قوی در

ملت ایران با پیروزی انقلاب به رهبری امام خمینی^(ع) به دست آورد و نگذاشت آن را با نقض تمامیت ارضی دچار خدشه بکنند. نسل جنگ به مفهوم ارتش، سپاه، مردم، بسیج اجازه نداد، این خواسته نا به حق قدرت‌های جهانی به دست صدام محقق شود. به همین دلیل، رزمندگان اسلام پیروز شدند. امروز استقلال اقتصادی ما، استقلال فرهنگی ما و حتی استقلال سیاسی ما تحت تهاجم است. آیا تجربه جنگ که ثابت کرد دشمنان نمی‌توانند در آن میدان، پیروزی به دست آورند، برای میدان‌داران این سه صحنه می‌تواند این موضوع را به ارمغان بیاورد که اعلام کنند، در پایان جنگ سختی که در حوزه سیاست، اقتصاد و فرهنگ رخ داده، دشمن را وادار به عقب‌نشینی و شکست بکنند؟ ان‌شالله خواهند کرد. ثمره این کتاب، در حقیقت تحقق فرمایش رهبر معظم انقلاب^(مدظله) حضرت آیت الله خامنه‌ای است که فرمودند: «این جنگ، یک گنج است.» آیا خواهیم توانست این گنج را استخراج کنیم؟ آقای علایی، قسمت عمده این معدن را استخراج کرده‌اند اما همانطور که خود ایشان اشاره کردند، اگر فرصت پیدا کنند، این کتاب جا دارد که ۲۰۰-۳۰۰ صفحه دیگر به آن اضافه شود. ده فصل، ۱۲۰۰ صفحه کتاب، پر از موضوعات و ملات‌های غیرتکراری است. امیدوار هستیم خداوند، همانطور که تا الان آقای علایی را نصرت داده که در همه حوزه‌ها موفق باشد بیش از پیش یاری دهد، علایی امروز مشهورتر از دیروز است و علایی دیروز مشهورتر از امروز است. علایی هم سردار بزرگ جنگ است هم دکتر موفق امروز. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.

امیر دریابان علی ششمخانی:
موضوعات و پیرایه‌هایی به
جنگ بسته می‌شود که غیر از
آه برای نسل جوان ندارد

درویدیان، همانطور که عرض کردم صاحب سبک در ادبیات جنگ و مرکز تحقیقات جنگ است که یکی از برجسته‌ترین مراکز صاحب اسناد جنگ است. این‌ها کنار هم مجموعه خوبی را ارائه دادند. من اعتقاد دارم، کتاب به پیش از جنگ اشاره نکرده و این بی‌وزنی است. اعتقاد دارم، آخر کتاب والفجر ۹ را توضیح داده و اشتباه توضیح داده است. این‌طوری نیست. جلسه اول شورای عالی دفاع با امام^(ع) درباره خرمشهر را اشاره کردید که جمع‌بندی اش درست نیست. هر چند در جلسه دوم تصحیح می‌کند. اگر انسان آن جلسه را فقط بخواند، برداشت متفاوتی از جلسه دوم خواهد کرد. باید حتماً جلسه اول را تشریح کنید، ولی به هر حال در توصیفش سعی کردید، توصیف کاملی باشد. تحلیلش هم که اشاره کردند، نگاه سردار علایی به جنگ است که تحلیل نسبتاً درستی است. تحلیل درست و جامعی است. تحلیل قابل اعتماد و قابل اتکائی است. به همین دلیل من توصیه می‌کنم به کسانی که در جنگ بودند، این را حتماً بخوانند. وقتی می‌خوانند، حتماً خاطرات باشکوهی در ذهنشان زنده می‌شود که فراموش کرده‌اند. من خودم ورق زدم، ولی گذاشتم که حتماً مطالعه کنم. کسانی که در زمان جنگ بودند و نبودند، [اگر] این را که بخوانند، می‌فهمند چقدر همراهی نکردن‌شان، خسران برایشان به ارمغان آورده است. کسانی که نبودند، بخوانند و عبرت بگیرند. لذا کتاب می‌ارزد. آدم حتماً با دقت آن را مطالعه کند. حتی کسانی که خود را صاحب‌نظر جنگ می‌دانند. وقتی این را می‌خوانند، حتماً یاد می‌گیرند. به هر حال، استقلال ناشی از جنگ مهمی بود که



اسناد گزارش لحظه به لحظه (شرح وقایع) قرارگاه عملیاتی خاتم ۲ در عملیات بدر

حسن دری

مقدمه:

نگین در راستای ارائه اسناد و مدارک دسته‌ی اول جنگ، از هزاران برگ اسناد این عملیات، تعدادی از صفحات گزارش‌های لحظه به لحظه‌ی عملیات بدر را به شماره‌ی آرشیو ۶۰۵۰۰ صادره از معاونت عملیات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی جهت بهره‌برداری علاقمندان حوزه‌ی پژوهش و تحقیق دفاع مقدس به چاپ رسانده است. امید است مفید باشد.

عملیات بدر در موقعیتی بسیار دشوار با اهداف تصرف جاده‌ی بصره - العماره و تسلط بر شرق دجله در تاریخ ۱۹ اسفند ۱۳۶۳ آغاز شد. رزمندگان پیشروی شجاعانه‌ای در مواضع دشمن کردند و به غرب دجله رسیدند. نقش فرماندهان در هدایت عملیات بدر، در قرارگاه‌ها و یگان‌ها در عملیات بسیار حائز اهمیت و حساس به شمار می‌رفت. فصلنامه‌ی

[illegible]

تاریخ	موضوع (متن مصاحبه)	محل (مصاحبه)	تاریخ مصاحبه	ملاحظات
۱۳۱۹	طالعه‌الایام، الله اعلم بالصواب بدر... ۱۴۰۰... ۱۴۰۱... ۱۴۰۲... و قیام حق الامون العظمی	تهران	۱۳۱۹	
۱۳۲۱	و قیام حق الامون العظمی و قیام حق الامون العظمی و قیام حق الامون العظمی	تهران	۱۳۲۱	
۱۳۲۱	و قیام حق الامون العظمی و قیام حق الامون العظمی و قیام حق الامون العظمی	تهران	۱۳۲۱	
۱۳۲۴	و قیام حق الامون العظمی و قیام حق الامون العظمی و قیام حق الامون العظمی	تهران	۱۳۲۴	
۱۳۴۱	و قیام حق الامون العظمی و قیام حق الامون العظمی و قیام حق الامون العظمی	تهران	۱۳۴۱	
۱۳۵۱	و قیام حق الامون العظمی و قیام حق الامون العظمی و قیام حق الامون العظمی	تهران	۱۳۵۱	

تاریخ	موضوع (شناسنامه)	طبقه بندی : مدت نگهداری :	محل	توضیحات
۱۳۰۴	ل. ۸ - هندوستان (۵ اسرار) - صف آینه ساعت (۱۳۰۴)	 تا		
۱۳۰۵	ل. ۸ - هندوستان (۵ اسرار) - صف آینه ساعت (۱۳۰۴)	 تا		
۱۳۰۶	ل. ۸ - هندوستان (۵ اسرار) - صف آینه ساعت (۱۳۰۴)	 تا		
۱۳۰۷	ل. ۸ - هندوستان (۵ اسرار) - صف آینه ساعت (۱۳۰۴)	 تا		
۱۳۰۸	ل. ۸ - هندوستان (۵ اسرار) - صف آینه ساعت (۱۳۰۴)	 تا		
۱۳۰۹	ل. ۸ - هندوستان (۵ اسرار) - صف آینه ساعت (۱۳۰۴)	 تا		
۱۳۱۰	ل. ۸ - هندوستان (۵ اسرار) - صف آینه ساعت (۱۳۰۴)	 تا		
۱۳۱۱	ل. ۸ - هندوستان (۵ اسرار) - صف آینه ساعت (۱۳۰۴)	 تا		
۱۳۱۲	ل. ۸ - هندوستان (۵ اسرار) - صف آینه ساعت (۱۳۰۴)	 تا		
۱۳۱۳	ل. ۸ - هندوستان (۵ اسرار) - صف آینه ساعت (۱۳۰۴)	 تا		
۱۳۱۴	ل. ۸ - هندوستان (۵ اسرار) - صف آینه ساعت (۱۳۰۴)	 تا		
۱۳۱۵	ل. ۸ - هندوستان (۵ اسرار) - صف آینه ساعت (۱۳۰۴)	 تا		
۱۳۱۶	ل. ۸ - هندوستان (۵ اسرار) - صف آینه ساعت (۱۳۰۴)	 تا		
۱۳۱۷	ل. ۸ - هندوستان (۵ اسرار) - صف آینه ساعت (۱۳۰۴)	 تا		
۱۳۱۸	ل. ۸ - هندوستان (۵ اسرار) - صف آینه ساعت (۱۳۰۴)	 تا		
۱۳۱۹	ل. ۸ - هندوستان (۵ اسرار) - صف آینه ساعت (۱۳۰۴)	 تا		
۱۳۲۰	ل. ۸ - هندوستان (۵ اسرار) - صف آینه ساعت (۱۳۰۴)	 تا		

اسناد گزارش لحظه به لحظه (شرح وقایع)

قرارگاه عملیاتی خاتم ۲ در عملیات بدر

بسمه تعالی					
معاونت عملیات - سپاه پاسداران انقلاب اسلامی					
طبقه بندی:					
گزارش لحظه به لحظه (شرح وقایع) قرارگاه مدت دوره از تا صفحه: ۵					
ردیف	زمان	فرستنده پیام	موضوع (متن پیام)	جواب (تصمیم)	ملاحظات
۲۳	۰۲۰۵	ق کربلا	ل ۸ نجف و ل ۳۱ وضعیت شان خوب است و در خط دوم درگیر هستند و به میدان مین هم برخورد کرده‌اند، در پی این هستند که از دجله عبور کنند.	ادامه دهید و عبور کنید	برادر رشید
۲۴	۰۲۱۵	ق نجف	تماس با قرارگاه نجف هنوز قطع است تی ۱۵ امام حسن از الصخره رفته است به سمت البیضه می‌رود تی ۲۱ امام رضا ابتدا و انتهای پد را گرفته و برای پاکسازی به سمت وسط می‌آید با نصر هم الحاق کرده است.	زمان کم داریم و سریعتر حرکت کنید وضعیت را هم گزارش کنید	برادر رحیم
۲۵	۰۲۲۵	ریاست جمهوری شورای عالی دفاع	آتش توپخانه از ۲۱۰۳۳۰ اسفند ماه ۱۳۶۳ بر روی شهرهای عراق قطع گردد.		
۲۶	۰۲۲۷	قرارگاه نوح	ل ۴۱ ثارالله سمت راستش با مشکل مواجه شده و درگیر نشده و سمت چپش هم هنوز درگیر نشده و با سیم خاردار برخورد کرده است	پس کی می‌خواهد درگیر شود فشار بیاورید به آن و یک پیک بفرستید و فشار بیاورید بگویند توپخانه (سپهری) از ساعت ۰۳۳۰ قطع آتش از روی شهرهای عراق بکنند.	برادر رحیم
۲۷	۰۲۳۵	قرارگاه نجف	کمین دشمن در سه راهی شعبان به و مقابله می‌کند و مانع عبور بعضی از نیروها شده است. ابتدا و انتهای پد پاکسازی شده و وسط آن هنوز پاک نشده و نیرویی که قرار بود به وسط آن بزند نتوانسته الحاق لشکرهای ۱۴، ۷ و ۵ پایان یافت و آماده می‌شوند به سمت خط دوم حرکت کنند.	آقای یاحی می‌گوید که هاورکرافتها آماده‌اند پس چرا نیروهای الغدیر ۷ ولی عصر برای سوار شدن در موضع نیستند که برادر مجیدی گفت برادر ستوده در جریان... از برادر صمدی که از قرارگاه عاشورا ... تماس بگیرند ما آمادگی داریم که به محض تأمین کامل از هاورکرات‌ها استفاده کنند.....	برادر رشید

[illegible]

[illegible]

اسناد گزارش لحظه به لحظه (شرح وقایع)
قرارگاه عملیاتی خاتم ۲ در عملیات بدر

بِسْمِ تَعَالٰی

معاونت عملیات - سپاہ پاسداران انقلاب اسلامی

طبقه بندی:

گزارش لحظه به لحظه (شرح وقایع) قرارگاه.....

مدت دوره از ۱۲/۲۱ تا

صفحه: ۲۲

ردیف	زمان	فرستنده پیام	موضوع (متن پیام)	جواب (تصمیم)	ملاحظات
		پست شود	برابر اطلاع ۰۹۱۵ یک فروند جنگنده عراقی به سرهنگ عاجل افسر رابط هوایی گزارش می‌دهد که تعداد نیروهای پیاده ایرانی در کنار مدرسه به طرف سومیر ده در حال پیشروی می‌باشند و در ساعت ۹:۱۷ سه فروند جنگنده عراقی از روی جلگه صالح به طرف نیروهای ایرانی روانه و قصد بمب‌باران قایقها و نیروهای پیاده را دارند.		
		پست شود	برابر اطلاع در ساعت ۹:۱۰ سرهنگ یاصل فرمانده عملیات و افسر رابط هوایی در منطقه هور گواهی می‌دهد که نیروهای ایرانی زیر پوشش سد در حال پیشروی به طرف منطقه عزیر می‌باشند و چند فروند قایق موتوری در حال پیاده کردن بقیه نیروهای ایرانی هستند. برابر اطلاع نیروهای ایرانی هم اکنون در منطقه شمال جزیره مجنون در حال پیشروی برج دیده بانی شماره ۲۷ در حال سقوط می‌باشد و افراد عراقی مستقر در آن در حال فرار می‌باشند. برابر اطلاع نیروهای خودی در ساعت ۹:۵۴ به یک کیلومتری خا کریز عراقی‌ها و در عراقی‌ها در منطقه البیضه رسیده‌اند و در ضمن چند فروند قایق عراقی برای مقابله با قایقهای ایرانی وارد عمل شدند.		

سال دوازدهم □ شماره چهل و چهارم □ بهار ۱۳۹۲

ملاحظات	حساب (تصميم)	ملاحظات	موضوع (مختار)	فرستاده	زمان
۱۱۱	 تا ۱۳۰۰	 تا ۱۳۰۰	طبقه بندی : مذاهب و ادیان		
۱۱۲	 تا ۱۳۰۰	 تا ۱۳۰۰	طبقه بندی : مذاهب و ادیان		
۱۱۳	 تا ۱۳۰۰	 تا ۱۳۰۰	طبقه بندی : مذاهب و ادیان		
۱۱۴	 تا ۱۳۰۰	 تا ۱۳۰۰	طبقه بندی : مذاهب و ادیان		
۱۱۵	 تا ۱۳۰۰	 تا ۱۳۰۰	طبقه بندی : مذاهب و ادیان		
۱۱۶	 تا ۱۳۰۰	 تا ۱۳۰۰	طبقه بندی : مذاهب و ادیان		
۱۱۷	 تا ۱۳۰۰	 تا ۱۳۰۰	طبقه بندی : مذاهب و ادیان		
۱۱۸	 تا ۱۳۰۰	 تا ۱۳۰۰	طبقه بندی : مذاهب و ادیان		
۱۱۹	 تا ۱۳۰۰	 تا ۱۳۰۰	طبقه بندی : مذاهب و ادیان		
۱۲۰	 تا ۱۳۰۰	 تا ۱۳۰۰	طبقه بندی : مذاهب و ادیان		

• 4.0.0.1 ۲۳

ملاحظات	مضمون (تعمیم)	طبقه بندی : مدت و روز از تا	زمان
بالدرجانی	بیت موت کید	۱۱۵۱	۱۱۵۱
	جناب خود را حفظ کنید و آتش فزونی را بن ستر کنید تا آن را با حفظ کنید	۱۱۵۲	۱۱۵۲
	توصیف کا شریح ها آمده اند و در محل حاضرند گو که بکنند جلو	۱۱۵۳	۱۱۵۳

[illegible]

[illegible]

ملاحظات	موضوع (متن مصام)	تاریخ	موضوع (متن مصام)	تاریخ	ملاحظات
ملاحظه	موضوع (متن مصام)	۱۷۴۲	موضوع (متن مصام)	۱۷۴۲	ملاحظه
ملاحظه	موضوع (متن مصام)	۱۷۴۵	موضوع (متن مصام)	۱۷۴۵	ملاحظه
ملاحظه	موضوع (متن مصام)	۱۷۴۸	موضوع (متن مصام)	۱۷۴۸	ملاحظه

شماره تسلیحات	موضوع (محل مصادف)	تاریخ	محل	موضوع (محل مصادف)	تاریخ	محل
۱۸۱۲	هنگام راهپیمایی به تبریز	۱۸۱۲	تبریز	هنگام راهپیمایی به تبریز	۱۸۱۲	تبریز
۱۸۱۷	در مسیر راهپیمایی به تبریز	۱۸۱۷	تبریز	در مسیر راهپیمایی به تبریز	۱۸۱۷	تبریز
۱۸۲۰	در مسیر راهپیمایی به تبریز	۱۸۲۰	تبریز	در مسیر راهپیمایی به تبریز	۱۸۲۰	تبریز
۱۸۲۲	در مسیر راهپیمایی به تبریز	۱۸۲۲	تبریز	در مسیر راهپیمایی به تبریز	۱۸۲۲	تبریز
۱۸۳۲	در مسیر راهپیمایی به تبریز	۱۸۳۲	تبریز	در مسیر راهپیمایی به تبریز	۱۸۳۲	تبریز

۴۰۵۰۰، ۳۱

[illegible]

معرفی کتاب

"روند جنگ ایران و عراق"

"گزارش‌های روزانه صحنه نبرد لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب در عملیات بدر"

حسن دری

روند جنگ ایران و عراق

کتاب دو جلدی "روند جنگ ایران و عراق" دارای ده فصل است که تحولات جنگ عراق با ایران را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. نویسنده‌ی کتاب سردار حسین علایی فرمانده نیروی دریایی سپاه در دوران دفاع مقدس می‌باشد. از ویژگی‌های مهم کتاب، حضور نویسنده در سطح عالی جنگ در دوران دفاع مقدس می‌باشد. بدین سبب کتاب "روند جنگ ایران و عراق" از اهمیت ویژه‌ای در کتاب‌های تحقیقاتی و پژوهشی دفاع مقدس برخوردار است. این کتاب در بیست و پنجمین کتاب فصل جمهوری اسلامی شایسته‌ی تقدیر شناخته شد. دکتر علایی، عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه امام حسین^(ع)، در فصل اول کتاب به رخدادهای مهم سیاسی در بُعد داخلی و خارجی کشور از پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر ساختار حکومتی در ایران تا آستانه‌ی جنگ پرداخته است. بیشترین مطالب فصل اول به چگونگی قطع رابطه با آمریکا و شناخت وضعیت سیاسی، نظامی، اقتصادی و ... عراق در آستانه‌ی جنگ اختصاص یافته است.

فصل دوم کتاب به علل و عوامل مؤثر در بروز جنگ می‌پردازد. فصل سوم تا فصل نهم کتاب به وقایع نظامی و سیاسی از آغاز تا پایان جنگ به طور مشروح پرداخته است. روند و ترتیب توالی رخدادهای در کتاب به صورت روند و زمان می‌باشد. نویسنده در فصول کتاب به بررسی تهاجم اولیه‌ی عراق، بکارگیری و سازماندهی مردمی

قوای ایرانی در آغاز جنگ، آزادسازی مناطق اشغالی، فتح بستان، خرمشهر و ... عبور از مرز و تعقیب دشمن و همچنین جنگ شهرها، جنگ نفتکش‌ها، به کارگیری سلاح‌های شیمیایی توسط عراق، ماجرای مک‌فارلین، جنگ آمریکا با ایران در خلیج فارس و قطع نامه‌های ۵۹۸، ۵۴۰، ۵۲۲ و ۵۱۴ سازمان ملل پرداخته و آنها را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. راهبردهای نظامی دو کشور در طول جنگ، رفتارهای دیپلماتی، سیاسی و نظامی حامیان عراق، مواضع برخی از کشورها و عملکرد سیاست خارجی از جمله مواردی است که در کتاب خوانده می‌شود.

در پایان هم به چگونگی روند خاتمه جنگ پرداخته شده و عوامل مؤثر بر پایان دادن به جنگ ۸ ساله بررسی شده است و فصلی هم به درس‌ها و تجربه‌های حاصل از جنگ اختصاص یافته است و دلایل پیروزی‌ها و ناکامی‌های قوای مسلح در جریان جنگ تحمیلی بیان شده است. همچنین فصلی از کتاب به خسارات ایران و عراق در جنگ اختصاص یافته و به عقب‌ماندگی‌های اقتصادی دو کشور اشاره شده است.

در هر فصل در قالب مطالب مطرح شده به بهره‌گیری فراوان رزمندگان اسلام از معارف قرآن مجید و سیره‌ی اهل بیت علیهم‌السلام و رهبری‌های مؤثر امام خمینی^(ره) که موجب فداکاری‌های فراوان رزمندگان جبهه‌ها می‌شده است نیز پرداخته شده است. همچنین در سال پس از پایان جنگ و پذیرش معاهده ۱۹۷۵ از سوی صدام

محققان و پژوهشگران جنگ تحمیلی خواهد شد که امیدواریم مرکز اسناد در راستای این امر مهم، تلاش فراوان نماید.

سرمدی ابتداء در مقدمه‌ی کتاب برای آشنایی و تسهیل محققان در استخراج اطلاعات دفاتر راوی در این کتاب توضیحاتی درباره با تاریخچه و چگونگی شکل‌گیری مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، روش کار راویان، دفترچه‌های ثبت رویدادها و تصمیم‌گیری‌ها (دفاتر راویان) و شیوه‌ی کار با کتاب را داده است. نویسنده، پس از مقدمه، بیوگرافی مختصری از راوی شهید الله‌داد و عملکرد وی در دوران راوی‌گری تا شهادتش را بیان کرده است.

کتاب با دفتر اول راوی، به شماره ۱۰۳۷، جلسات، مصاحبه‌ها و یادداشت‌هایی از تاریخ ۱۵ اسفند ۱۳۶۳ تا ۱۹ اسفند ۱۳۶۳، آغاز می‌شود و در ادامه‌ی دفتر دوم به شماره‌ی ۱۰۳۸ از تاریخ ۱۹ اسفند ۱۳۶۳ تا ۲۵ فروردین ۱۳۶۴ جلسات با فرماندهی بی‌سیم، یادداشت‌های راوی و مصاحبه‌ها در آن آمده است. کتاب دارای ۵ ضمیمه است که عبارتند از: گزارش مختصر عملیات بدر، خلاصه‌ی عملکرد لشکر ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب^(ع) در عملیات بدر، چند برگ از دست‌نوشته‌های راوی، کالک‌ها، عکس‌ها.

تنظیم‌کننده در صفحات آغازین کتاب گفته است نهایت دقت و رعایت امانت از متن دست‌نویس به متن تایپی و در موارد بسیار محدودی برای گویاتر شدن و روان‌تر شدن، ویرایش ادبی مختصری انجام داده است. همچنین برای شکیل‌تر و روان‌تر شدن کار و نظم بیش‌تر آن، جدولی برای نوارهای تنظیم شده و اطلاعات موجود در دفتر راوی از حیث زمان شروع و پایان، مکان، تاریخ، اعضای شرکت‌کننده در جلسه، موضوع جلسه و ... در آن جدول ارائه شده است.

کتاب که صفحه‌آرایی و طرح جلد زیبایی دارد در قطع رقعی و ۲۲۰ صفحه با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و بهای ۸۰۰۰۰ ریال به همت مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس منتشر شده است.

حسین - که به بهانه‌ی آن جنگ را آغاز کرد- به نفع ایران تمام شد، تشریح گردیده و به سرنوشت حزب بعث عراق و فروپاشی آن به عنوان حسن ختام پرداخته شده است. کتاب دارای اسناد منحصر به فردی است که ناشی از حضور نویسندگان در جبهه‌ها و نیز مذاکره با دست‌اندر دفاع مقدس می‌باشد. این کتاب برای استفاده‌ی اساتید درس دفاع مقدس در دانشگاه‌ها و نیز دانشجویان قابل بهره‌برداری است. جلد اول این کتاب دارای ۶۷۴ صفحه و جلد دوم دارای ۶۱۲ صفحه در قطع رقعی با شمارگان ۲۰۰۰ نسخه و قیمت هر جلد صد هزار ریال می‌باشد. چاپ اول کتاب نایاب شده و ناشر در صدد چاپ دوم کتاب برآمده است.

گزارش‌های روزانه صحنه نبرد لشکر ۱۷ علی بن ابی‌طالب^(ع) در عملیات بدر

اولین کتاب از مجموعه‌ی کتاب‌های منابع دست اول جنگ ایران و عراق «دفاتر راویان جنگ»، با عنوان «گزارش‌های روزانه‌ی صحنه‌ی نبرد «لشکر ۱۷ علی‌بن ابی‌طالب^(ع) در عملیات بدر» به اهتمام سعید سرمدی تنظیم و توسط مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس به چاپ رسیده است. کتاب «لشکر ۱۷ علی‌بن ابی‌طالب^(ع)» حاصل دو دفتر از شهید بزرگوار حسین الله‌داد، راوی مرکز در لشکر ۱۷ علی بن ابی‌طالب^(ع) در عملیات بدر است.

مرکز اسناد اولین بار است که پس از گذشت ۲۵ سال از پایان جنگ، گزارش‌های راویان که با حضور دائمی و مستمر خود در کنار فرماندهان قرارگاه‌ها و یگان‌های عملیات در صحنه‌ی نبرد به ثبت و ضبط کلیه‌ی جلسات و گفت‌وگوهای که مربوط به برنامه‌ریزی، طرح‌ریزی، مدیریت و هدایت عملیات مبادرت می‌ورزیدند، در قالب کتاب منتشر کرده است. سعید سرمدی تنظیم‌کننده این اثر در مقدمه‌ی کتاب به این نکته اشاره می‌کند که ارائه این اثر موجب باز شدن دریچه‌ی آرشیو با ارزش و بی‌نظیر مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس به روی

گزارش نشست نقد و بررسی کتاب

زهرا ناظری

بشود، ثبت و ضبط بشود و کار تخصصی انجام بگیرد...»
بخش‌های مختلف سپاه نیز در سال‌های اخیر، اقدام
به گردآوری و تدوین آثاری با محوریت نقش مردم و
استان‌ها در دوران دفاع مقدس کرده‌اند. سازمان حفظ
آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه و بسیج نیز در
این راستا، نشست کارشناسی کتاب‌های «نقش استان
آذربایجان غربی در دفاع مقدس» و «استان آذربایجان
غربی در تأمین امنیت پایدار» را با هدف انسجام و
هدف‌گذاری فعالیت‌های سپاه‌های استانی در زمینه‌ی
نشر کتاب نقش استان‌ها در جنگ، شکل داد. این
نشست با حضور و سخنرانی نویسندگان این دو اثر و
جمعی از صاحب‌نظران و فرماندهان دوران دفاع مقدس
هم‌چون سرداران حسن رستگارپناه، علی ناظری،
عبدالله ملکی، محمد درودیان، حسن دری و گلعلی
بابایی، آغاز شد.

لزوم تعریف مفهوم «نقش مردم در جنگ»
سردار ملکی، جانشین سازمان حفظ آثار و نشر
ارزش‌های دفاع مقدس سپاه و بسیج، در آغاز این

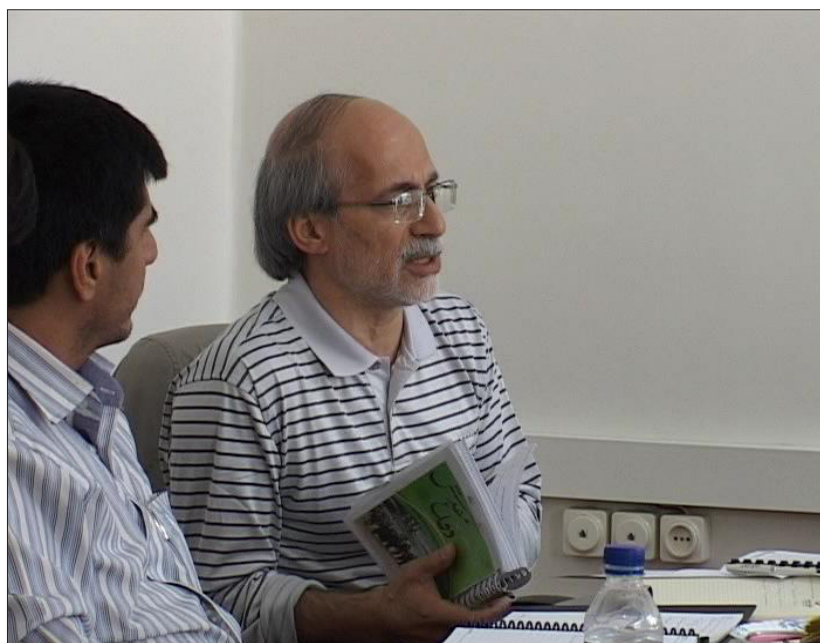
تأثیر حضور مردم در مقاطع مختلف دفاع مقدس، بر تقویت استقامت نیروهای مسلح در طول جنگ هشت ساله، بر کسی پوشیده نیست. شرکت نیروهای داوطلب در صحنه نبرد و پشتیبانی از جبهه و جنگ، با همدلی زنان و مردان و اقشار و اصناف در سراسر کشور، تنها گوشه‌ای از حمایت‌های مردمی از دفاع مقدس محسوب می‌شوند و ثبت و ضبط آنها در قالب مکتوب ضروری به نظر می‌رسد. رهبر معظم انقلاب (مدظله) نیز در بیاناتی در جمع رزمندگان و فرماندهان دوران دفاع مقدس، در تاریخ ۲۵ مهر ماه ۱۳۸۵ تأکید کرده‌اند: «دفاع مقدس، جنگ سر تا پا افتخار است. از همان روزی که رژیم صدام به تهران حمله کرد و فرودگاه را زد و تا روزی که امام^(ع) قطع‌نامه را قبول کردند و تا بعد از آن که صدام دوباره حمله کرد و باز مردم مبارز و مجاهد ما ریختند و تمام صحرای این منطقه را پُر کردند و جوانان بسیجی از سرتاسر کشور که نمایش عجیبی نشان دادند و عراق را در نوبت دوم، مجبور به عقب‌نشینی کردند، سرتاسر این دوران، دوران افتخار است. جا دارد که کار هنری

لازم است روشن شود که آیا منظور ما از مردم، همان سپاه و ارتش و کسانی هستند که به صورت سازمانی در جنگ بوده‌اند و یا منظور ما، سازمان‌های دیگری هستند که مردم در قالب آن به جبهه‌ها می‌آمدند؟ آیا کسانی که در ابتدا به عنوان شخصیت معمولی در جبهه بودند و بعد آرام آرام، در دامن حوادث، استعدادشان بروز پیدا می‌کرد و در نهایت، فرمانده محور و یا لشکری می‌شدند، آنها جزو مردم به حساب می‌آیند یا در تقسیم‌بندی دیگری قرار می‌گیرد. آیا افرادی که خلاقیت، افتخارآفرینی و تدبیری در جنگ داشتند و یا کارهایی کردند که صحنه‌ای را از شکست به پیروزی تبدیل کنند، جزو مردم محسوب می‌شوند؟ این نقش و مؤلفه‌های آن چگونه باید شناسایی و در قالب کتاب، نوشته شود؟

وی در ادامه، با طرح این سؤال که: «آیا صرفاً یک تاریخ‌نگاری معمولی برای تبیین نقش مردم در جنگ کافیهست؟»، تصریح کرد: «ما در این فکر هستیم که از نقش مردم در جنگ، هویت بسازیم و از این هویت،

نشست اظهار داشت: «یکی از مباحثی که در سال ۱۳۹۰، در نظارت‌های ستادی با حضور سردار نقدی، رئیس سازمان بسیج مستضعفین، در سپاه‌های استانی انجام شد. بحث حوادث انقلاب بود. در این دیدارها به این نتیجه رسیدیم که یکی از دغدغه‌های سپاه‌های استانی، بحث کتاب به ویژه کتاب‌های نقش استان در دفاع مقدس و سایر حوادث است. در بحث حوادث کردستان نیز مقرر شد دایره‌المعارفی از حوادث عوامل انقلاب در کردستان و در سیستان و بلوچستان تهیه شود و حتی برای این موضوع پژوهشگاهی نیز راه اندازی شود. در خصوص استان‌های دیگر هم همانطور که اشاره شد تولید کتاب‌هایی با موضوع شناخت نقش مردم در دفاع مقدس مورد نظر می‌باشد. جلسه امروز به یکی از این تولیدات در استان آذربایجان غربی می‌پردازد که نتایج آن برای سایر استان‌ها نیز قابل بهره‌برداری خواهد بود.

سپس سردار علی‌ناظری گفت: «در این بررسی، در پی شناخت نقش مردم در دفاع مقدس هستیم. در ابتدا



سردار درودیان و حسن دری در جلسه نقد و بررسی کتاب نقش آذربایجان غربی در دفاع مقدس؛ ۹۲/۳/۱

بود. در سازمان بسیج، سه یا چهار سالی است که این موضوع مطرح است، تا این که رسماً از دو سال پیش، مصوبه‌ای از سوی سردار نقدی، ریاست محترم سازمان بسیج مستضعفین، آمد و از ما خواسته شد که دنبال جمع‌آوری و تدوین نقش یگان‌ها و استان‌ها در جنگ باشیم»

معاون انتشارات سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه و بسیج، با اشاره به جهت‌دهی این طرح از طریق نامه‌نگاری با سپاه استان‌ها خاطرنشان کرد: «در حال حاضر تمامی استان‌ها مانند اصفهان، آذربایجان شرقی، کرمان و خراسان مشغول کار هستند. اما یکی از استان‌هایی که خیلی زود، اسناد را برای ما جمع‌آوری کرد و فرستاد، استان آذربایجان غربی بود. دو اثر با عناوین «استان آذربایجان غربی در دفاع مقدس» و «استان آذربایجان غربی در تأمین امنیت پایدار» نوشته‌ی اسماعیل تقی‌زاده، جبرئیل هوشمند و علی رضازاده را برای ما ارسال کردند.»

وی درباره‌ی نقش استان آذربایجان غربی در جنگ گفت: «این استان در دو جنگ داخلی و عراق درگیر بود. همچنین برای لشکر ۳۱ عاشورا در جبهه‌ی جنوب نیز نیرو می‌فرستاد. این نشان می‌دهد که این استان، ظرفیت خیلی بالایی داشته و از تعهد بالایی برخوردار بوده است. پس از دریافت ما این دو کتاب آنها را برای ۴ کارشناس محترم فرستادیم که هر کدام، در موضوع خاصی تخصص دارند. یکی آقای «گلعلی بابایی» که شروع کننده این مسیر و مبدأ این الگو بود. او کتاب را خواند و نظر خود را به صورت کتبی اعلام کرد. برادر «سردار رستگارپناه» که غیر از تجربه جنگی، در بحث بحران این منطقه تخصص دارند و تمام منابع در اختیارشان است. «حسن دری» که یکی از متخصصان مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس بوده و بر جنگ هم احاطه‌ی کامل دارد. غالب نظرات ایشان، جنبه علمی دارد. «سردار محمد درودیان» هم نظراتشان درباره‌ی این دو کتاب را اعلام کردند که نظرات ایشان بیشتر در

بازآفرینی دیگری داشته باشیم؟ اگر بتوانیم در این مسیر حرکت کنیم یعنی باز آفرینی هویت کنیم، قطعاً مسائل گذشته در آینده، کاربرد خواهد داشت. با اتفاقی که در جنگ افتاد، بخشی از انرژی مردم، با رهبری امام‌خمینی^(ع) در جنگ، بروز و ظهور پیدا کرد. این انرژی و توان جنگ را به جلو برد. این انرژی و قدرت قطعاً در مقطع کنونی هم با الگوگیری از درون دفاع مقدس، قابل تحقق خواهد بود.»

ناظری، سیر شکل‌گیری طرح تدوین نقش استان‌ها در دفاع مقدس را این‌گونه روایت کرد: «پیشینه‌ی این طرح، به کتاب «همپای صاعقه» نوشته آقای گلعلی بابایی و حسین بهزاد برمی‌گردد که از روی نوارهای راویان مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و یک سری از مدارک لشکر ۲۷ محمدرسول‌الله^(ص) نوشته شده است. آن کتاب، خدمت رهبر معظم انقلاب^(مدظله) تقدیم شد. ایشان مطالعه کردند و در چند جا، در صحبت‌های عمومی و خصوصی به آن اشاره کردند. همچنین در سفری استانی که چند سال قبل به شیراز داشتند، در جمع فرماندهان سپاه و ارتش به کتاب «همپای صاعقه» و چند کتاب دیگر مثل «دسته یک» اشاره می‌کنند. رئیس دفتر نظامی رهبر معظم انقلاب^(مدظله) نیز در نامه‌ای به فرمانده کل سپاه این‌گونه می‌نویسند: «پیرو اوامر رهبر معظم انقلاب^(مدظله)، فرمانده کل قوا، به جنابعالی در جمع فرماندهان در لشکر ۹ فجر شیراز، مبنی بر این که کتاب‌هایی مانند «ضربت متقابل» و «همپای صاعقه» باید کتاب رایج دست کارکنان در سطح سپاه و خانواده‌هایشان باشد. صدها نوار و مصاحبه وجود دارد، باید استفاده کنیم. کتاب «دسته یک»، بسیار کتاب خوبی است. موضوع بسیجی‌ها و بدنه‌ی دفاع مقدس، لشکر ۱۴ امام‌حسین^(ع)، لشکر ۸، لشکر ۵، همه لشکرهای عمده سپاه چنین کاری بکنند...». سردار جعفری، فرمانده محترم کل سپاه، بلافاصله، دستور بلند بالایی به سپاه‌ها، نیروها و نمایندگی رهبری در سپاه صادر کردند که این امر محقق شود. این مبنای کار ما

هدف‌گذاری و جهت‌دهی این حرکت مؤثر بود.»

قواره‌ی علمی تدوین کتاب را نداشتیم

در ادامه این نشست، برادر جبرئیل هوشمند، مسئول مرکز حفظ آثار شهدای استان آذربایجان غربی و یکی از نویسندگان این دو کتاب، به تشریح سیر تدوین کتاب‌های استان آذربایجان غربی در دفاع مقدس پرداخت و گفت: «وقتی در ستاد کنگره‌ی شهدای استان کار می‌کردیم، به این موضوع علاقه داشتیم و نشریه «یاد یاران» را منتشر می‌کردیم. به همین خاطر مجبور بودیم که از منطقه، سوژه استخراج کنیم. متوجه شدیم که واقعاً در حق استان آذربایجان غربی اجحاف شده است. اشخاص مؤثر و مکان‌هایی هستند که اصلاً در هیچ جایی اسم آن‌ها نوشته نشده است. از آن جایی که قبلاً این اطلاعات را استخراج کرده بودیم، گفتیم این‌ها را به شکل یک مجلد در بیاوریم که حداقل گم نشوند. اما نتوانستیم شکل کتابت آن را حفظ کنیم، چون قواره‌ی کار را نداشتیم. بخشی از این اطلاعات را در نشریه منتشر می‌کردیم و بخشی را نگه می‌داشتیم که بالاخره در این دو مجلد آمده‌اند. نقش استان آذربایجان غربی در جنگ برون‌مرزی، تأمین نیروی لشکر ۳۱ عاشورا، امداد و کمک‌رسانی این استان را به مجلد «استان آذربایجان غربی در تأمین امنیت پایدار» اختصاص دادیم. بخش گروهک‌ها، گروه‌های پارتیزانی، نقش فرماندهان استانی و خارج از آن را در کتاب «استان آذربایجان غربی در دفاع مقدس» جمع‌بندی کردیم تا بدانیم که امنیت کنونی استان آذربایجان غربی را مدیون کاوه، باکری، بروجردی و شهید بهرامی هستیم.»

علی رضا زاده، یکی دیگر از نویسندگان این دو کتاب، نیز به مشکلات پیش‌روی گردآوری اسناد مربوط به نقش این استان در دفاع مقدس پرداخت و گفت: «مسئولان استان می‌گفتند از آن جایی که اکثریت شهدای استان به دست ضدانقلاب و احزاب منحل به شهادت رسیده‌اند،

اگر این آمار و ارقام را استخراج کنید و به اطلاع مردم برسانید، این احزاب، خودشان را قدرتمند نشان می‌دهند و به این همه شهیدی که از شما گرفته‌اند، افتخار خواهند کرد. ما دیگر نتوانستیم کاری کنیم. این اسناد ماند تا دیدیم، در حال از بین رفتن هستند. بایگانی و بانک اطلاعاتی مناسب هم نداشتیم. به این فکر افتادیم که اگر این اسناد، حداقل در چند جلد گردآوری شوند، ماندگاری بیشتری خواهند

داشت. ما شاخصه‌های استان مثل عملیات‌های پاکسازی، محورهای عملیاتی، زمان‌بندی و تاریخ عملیات‌ها، تاریخ شهادت و یگان‌های عمل‌کننده را به صورت ابتکاری، تقسیم‌بندی کردیم و قواره خاصی نداشتیم که بر اساس آن پیش رویم. این کتاب‌ها در حد جمع‌آوری ابتدایی اسناد، به این شکل درآمده و امیدواریم که در این جلسه، معایب و نواقص آن رفع شود.» حسین غفاری، یکی دیگر از نویسندگان در سخنانی

کوتاه، با اشاره به اهمیت دسترسی محققان به اسناد و منابع مکتوب در هر تحقیق گفت: «درباره‌ی نقش استان آذربایجان غربی در دفاع مقدس، یک سری منابع مکتوب استانی و یک سری منابع مکتوب، خارج از استان موجودند. مثلاً بخشی از کتاب «نورالدین پسر ایران» درباره‌ی درگیری‌های مهاباد است. اما نهادهایی مانند بنیاد شهید و بنیاد حفظ آثار، اسناد و منابع را از آن خود می‌دانند و در اختیار محققان دیگر قرار

سردار ناظری:

پیشینه‌ی این طرح، به کتاب "همپای صاعقه" نوشته‌ی آقای گلعلی بابایی و حسین بهزاد بر می‌گردد که از روی نوارهای مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و یک سری از مدارک لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) نوشته شده‌اند



از چپ: سردار رستگارپناه، سردار ناظری، جبرئیل هوشمند، جلسه نقد و بررسی کتاب نقش آذربایجان غربی در دفاع مقدس - ۹۲/۳/۱

هستیم تا کتاب، براساس قالب و چارچوب مدنظر شما شکل گیرد.»

لزوم پیروی از الگوی جاری و جدید

حسن دری در ادامه‌ی جلسه‌ی کارشناسی کتاب‌های «نقش استان آذربایجان غربی در دفاع مقدس» و «استان آذربایجان غربی در تأمین امنیت پایدار»، از ابتکار جدید مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس با عنوان «نقد پیش از انتشار» یاد و تصریح کرد: «نویسنده با همراهی ناظر محتوایی و علمی، کار خود را پیش می‌برد و وقتی که کتاب در آستانه‌ی انتشار قرار می‌گیرد، دو استاد دانشگاه کتاب موردنظر را می‌خوانند و جلسه‌ی نقد پیش از انتشار، برپا می‌شود تا کلیتی از نواقص احتمالی کتاب در بیاید.»

وی خطاب به نویسندگان استان آذربایجان غربی گفت: «اگر می‌خواهید در حوزه‌ی تاریخ دفاع مقدس کار کنید، موضوع خود را محدود به منطقه‌ی خودتان نکنید، نه این‌که موضوع بزرگی را انتخاب کنید که

نمی‌دهند. در واقع، منابع محدود است و ما می‌خواهیم از همین منابع محدود، سریع خروجی بگیریم. احساس می‌کنم، کار مقداری سریع انجام شده و فقط در حد تدوین منابع بوده نه یک خروجی. بهتر است آن را در حد کتاب ببینیم و فقط در حد وقایع‌نگاری بر اساس مکتوبات ببینیم. پیشنهاد می‌کنم که نحوه‌ی تعامل، برداشت و استفاده از منابع را تعریف کنید و توالی، تقدم و تأخر زمانی، جغرافیایی و اشخاص را مورد تبیین قرار دهید تا تحقیق ما، روش مند شود.»

جبرئیل هوشمند نیز از توانایی‌ها و ظرفیت‌های استان آذربایجان غربی در زمینه تدوین کتاب‌ها دفاع مقدس یاد کرد و گفت: «برای تحقق این هدف، نیازمند شناسایی مجدد موضوع هستیم که این امر، مستلزم تعامل با یگان‌های مستقر در استان‌ها و جمع‌آوری میدانی اطلاعات است. آن‌چه ما جمع کرده‌ایم، با خواسته‌ی سازمان حفظ آثار سپاه و بسیج فاصله دارد. چون جمع‌آوری‌ها محدود است و همچنین پاسخگوی نیازهای استان نیست. ما نیازمند همکاری همه‌ی رده‌ها

«همپای صاعقه» و دو کتاب مذکور خاطر نشان کرد: «باید تلاش کنید که موضوع و حوادث و وقایع منطقه‌ی خودتان را به نگارش درآورید. به نظر من کتاب «تاریخ بیست ساله‌ی پاسداری از انقلاب اسلامی در غرب کشور؛ ۲۲ روز حماسه و ایثار در سنندج» نوشته مجید نداف، یکی از نمونه‌های شاخص در زمینه‌ی حوادث جنگ در استان‌هاست. این کتاب، فقط واقعه‌ای از جنگ را روایت کرده است. قطور بودن کتاب هم ضرورتی ندارد. کتاب باید اثری ماندگار باشد.»

سپس گلعلی بابایی، از نویسندگان و پیشگامان حوزه‌ی دفاع مقدس، به بیان موارد و نکاتی درباره‌ی دو کتاب «نقش استان آذربایجان غربی در دفاع مقدس» و «آذربایجان غربی در تأمین امنیت پایدار» پرداخت. نکاتی از قبیل اینکه:

۱. از آن جا که کتاب «استان آذربایجان غربی در تأمین امنیت پایدار» به لحاظ تاریخی تقدم دارد بر کتاب «آذربایجان غربی در دفاع مقدس» لذا پیشنهاد می‌شود این کتاب در رتبه اول باشد و آن یکی دوم.

۲. مقدمه‌ی کتاب «آذربایجان غربی در دفاع مقدس» بسیار طولانی و کمی هم شعاری است. ضمن این که مقدمه‌ی دوم هم که مقدمه‌ی شروع جنگ است، طولانی و بدون ذکر منابع و مأخذ می‌باشد. (از ص ۳ تا ۴۹)

۳. به لحاظ نشر و روایت مستند اتفاقات تاریخی و هم چنین ذکر منابع، کتاب «آذربایجان غربی در تأمین امنیت پایدار» از انسجام بیش‌تری برخوردار است و منابع

نه تنها به منابع آن دسترسی ندارید، بلکه در جایگاه بررسی آن هم قرار ندارید. گاهی شخصی مانند سردار رستگارپناه که چندین سال، فرمانده آن منطقه بوده‌اند و مسائل را از بالا می‌دیدند، کتابی تحلیلی می‌نویسند و گاهی رزمنده‌ای از نگاه خودش، اثری مانند «دسته یک» را می‌نویسد. در نگارش کتاب باید زاویه دید را مشخص کرد که متأسفانه این دو کتاب، چنین ویژگی‌ای ندارند.» مدیر اطلاع‌رسانی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ادامه داد: «ساختار و سازمان و منابع اخبار و اطلاعات، در کتاب‌های «نقش استان آذربایجان غربی در دفاع مقدس» و «استان آذربایجان غربی در تأمین

امنیت پایدار» مشخص نیست. هم چنین طرح و روش تحقیق درستی نداشته و محدوده‌ی تاریخ آنها هم روشن نیست. در ضمن ادبیات این گونه کارها نباید شعاری و مقایسه‌ای باشد و اشاره به حوادث هم نباید یکی از راهبردها باشد. اگر بگوییم که فعلاً فقط خواسته‌اید، اطلاعاتی را جمع‌آوری کنید، کار خوبی است. اما باید اطلاعات خود را محدود و مشخص جمع‌آوری

کنید. برای مثال می‌توانید، درباره موضوع یا حادثه‌ای بزرگ در جنگ متمرکز شوید. الگوی این پروژه باید الگوی جاری باشد. کتاب «همپای صاعقه» سال ۷۹ چاپ شده و نظر رهبر معظم انقلاب^(مدظله) مربوط به آن مقطع است. حدود ۱۳ سال از آن زمان می‌گذرد و هنوز هم کتابی درباره‌ی نقش استان‌ها و یگان‌ها در دفاع مقدس منتشر نشده است. رهبر معظم انقلاب^(مدظله) می‌خواستند تأکید کنند که نویسندگان باید این کار را انجام دهند؛ نه این که تصور کنید که کتاب «همپای صاعقه» یک الگوی صد در صد است.»

دری با اشاره به تفاوت محتوایی و موضوعی کتاب

سردار رستگار پناه: تاریخ جنگ در شمال غرب کشور، با در هم آمیختن چند روش تدوین می‌شود. یکی روش تاریخ نگاری براساس روش تحقیق کیفی است و دوم روش حادثه نگاری است

افزایش پیدا می‌کند. لذا نویسنده، باید بر روش علمی کار تحقیق، مسلط باشد.»

ایشان چنین ادامه دادند: «تاریخ جنگ در شمال غرب کشور، با درهم آمیختن چند روش تدوین می‌شود. یک روش، تاریخ‌نگاری بر اساس روش تحقیق کیفی است و دوم روش حادثه‌نگاری است. پس پیچیدگی روش تحقیق در موضوعات شمال غرب کشور، آن را مشکل‌تر می‌کند و درهم آمیختگی کار، مستلزم تبصر خاص نویسنده است.»

وی با تقدیر از گردآورندگان کتاب‌های «نقش استان آذربایجان غربی در دفاع مقدس» و «استان آذربایجان غربی در تأمین امنیت پایدار» گفت: «این کتاب‌ها نیاز به ساختاربندی و مستندسازی دارند. عنوان کتاب برای محتوای آن سنگین است. اگر قرار باشد کتابی درباره‌ی «تأمین امنیت پایدار در استان آذربایجان غربی» نوشته شود، باید خدمات تحقیق و عناوین و سرفصل‌های تحقیق، به نسبت آن وزن داشته باشند. من پیشنهاد می‌کنم که محققان بیایند و پنجاه حادثه و موضوع را انتخاب کرده و به صورت هدفمند پیش روند. این روش، همان مسیری است که کتاب حماسه‌ی ۲۲ روزه‌ی سنندج رفته است. با این شیوه، زودتر به نتیجه می‌رسیم و پیام دقیقی برای مخاطب داریم و نقش مردم نیز به خوبی تبیین خواهد شد. قرار نیست که حتماً کتاب «نقش استان آذربایجان غربی در دفاع مقدس»، قطور باشد. می‌توان سالی ۱۵ تا ۲۰ عنوان کتاب با محوریت حوادث و وقایع منتشر کرد و از جزء، به کل رفت و تأمین امنیت پایدار استان را این‌گونه روایت کرد. نویسنده می‌تواند، فرآیند نزول و سقوط دشمن در منطقه‌ی غرب را به خواننده القا کند. همچنین اعلام جدا بودن خط مردم از ضدانقلاب نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. اینها باید در مکتوبات به ثبت برسند.»

در پایان ایشان جمع‌بندی کلی‌ای را به ویژه در مورد کتاب «آذربایجان غربی در تأمین امنیت پایدار»

بیش‌تری را ذکر کرده است.

۴. در هر کتاب مشکل اصلی، بیان اتفاقات از زبان نویسندگان کتاب است. در حالی که برای هر کدام از اتفاقات جاری در این دو مجموعه که بسیار هم مهیج هستند اگر از خاطرات راویان استفاده می‌شد هم غنای کار را بیش‌تر می‌کرد و هم بر جذابیت آن می‌افزود.

۵. به طور کلی این دو کتاب به لحاظ نوع نگارش و بیان اتفاقات، بسیار مختصر و گذرا هستند می‌توانند با عنوان «روزشمار حوادث در این استان» به حساب آیند نه کار کارنامه‌ی عملیاتی-تاریخی استان آذربایجان غربی.

۶. اگر در همین حد هم بخواهیم این دو کتاب را به چاپ برسانیم، حتماً به بازنویسی، ویراستاری و هم چنین صفحه‌بندی قوی‌تر نیاز می‌باشد.

۷. در هر دو مجموعه و به خصوص کتاب اول نویسندگان محترم در ذکر منابع و مستندات کتاب، کم لطفی به خرج داده‌اند و بسیاری از منابع و مراجع را ذکر نکرده‌اند و این از اعتبار نوشته‌ها می‌کاهد.

۸. آنچه بیان شد دلیلی بر آن نیست که تلاش پدیدآورندگان این دو مجموعه را نادیده بگیریم، بلکه قطعاً آنها بابت این دو کتاب تلاش‌ها و زحمات بسیاری را کشیده و متحمل شده‌اند.

سپس سردار رستگار پناه، از سیر نشر کتاب «تاریخ بیست ساله‌ی پاسداری از انقلاب اسلامی در غرب کشور؛ ۲۲ روز حماسه و ایثار در سنندج» و فراز و فرودهای تصحیح آن از سوی صاحب‌نظران یاد کرد و افزود: «هر محقق از نقد کتابش خوشحال می‌شود. چون این نقدها باعث رشد و اصلاح کار نویسنده می‌شود. هرچه نقد، بیشتر باشد، پالایش محتوایی اثر

به سردشت و مهاباد به موکان توضیحات و شرح کامل‌تری آورده شود.

۷. فصلی باید به جهت‌گیری عملیات‌های آزادسازی و رسیدن به نوار مرزی با شرح کامل اختصاص داده شود.

۸. باید ضمن توجه به سیر فرآیند تأمین امنیت در منطقه آذربایجان غربی تک تک موضوعات ذیل تجزیه و تحلیل شده و اثرات آن در تأمین امنیت سنجیده شود. موضوعاتی مثل آزادسازی شهرها، تأمین محورهای مواصلاتی، عمق بخشی به امنیت، تأمین امنیت به دست مردم، رسیدن به نوار مرزی، تهدید و انهدام عقبه‌ی ضد انقلاب در عراق، به تسلیم کشاندن نیروهای ضد انقلاب، عملیات مردم یاری رزمندگان، اثرات طرح‌های فرهنگی بر مردم، راه‌سازی یگان‌های ارتش از مناطق جمعیتی، گسترش نیروی انتظامی، عادی سازی امنیت و بالاخره واگذاری امنیت به مردم.

ارائه داده و نکاتی را مطرح کردند که:

۱. در این گونه کارها باید از شهدای بومی، ارتش و ژاندارمری حتماً نام برده شود.
۲. برای همه‌ی موارد نقل شده باید منابع و سند جزء به جزء ارائه شود.
۳. بعضی از بخش‌ها ناقص و ناتمام است و پیام و حرفی برای مخاطبان ندارد که بهتر است حذف شود.
۴. در تحلیل حوادث، گاهی اغراق‌هایی صورت گرفته که با واقعیت منطبق نیست و این ارزش کار را پایین می‌آورد.
۵. در عنوان‌بندی باید فصلی به پیام‌ها و نظرات امام راحل^(ره) اختصاص داده شود.
۶. در مجموع باید در خصوص عملیات‌های مهمی مثل آزادسازی جاده‌های پیرانشهر به سردشت و مهاباد



از راست: جبرئیل هوشمند، سرداران ناظری، رستگارپناه، ملکی، درودیان و آقای دری؛ جلسه نقد و بررسی کتاب نقش آذربایجان غربی در دفاع مقدس؛ ۹۲/۳/۱

از کتاب‌های مرکز اسناد کپی برداری شده است!

سپس سردار محمد درودیان، با اشاره به غیرقابل چاپ بودن کتاب‌های «نقش استان آذربایجان غربی در دفاع مقدس» و «آذربایجان غربی در تأمین امنیت پایدار» خاطر نشان کرد: «بیش از ۷۰ درصد از محتوای فصل‌های اول تا ششم، از متن کتاب‌های مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس است. حتی عین عبارت‌ها بدون ذکر نقل قول بیان شده که این رویه‌ی درستی نیست. متأسفانه این پدیده در حوزه‌ی دفاع مقدس باب شده که در هیچ تحقیقی پسندیده نیست. رویه‌ای بعد از جنگ برای تبیین مسائل آن باب شده که بنیان‌گذار آن، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس بوده است. تفکر و روشی در تحقیق، شکل داده که من هم در آن نقش داشتم و امروز احساس می‌کنم، مهم‌ترین مشکل، فهم جنگ و روش تحقیق در جنگ شده است.»

وی در تشریح این دیدگاه، از کتاب‌های چاپ شده‌اش در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس یاد کرد و افزود: «هر کتاب برای زمان خودش

و با هدف پاسخ به شرایط خاص آن دوران نوشته شده است. اگر امروز مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، مشغول تدوین آثار جدید و جذب نیروهای محقق تازه است، همین نشانگر این است که شاید مرکز هم به متن‌های قدیمی خود التزامی نداشته باشد. یک‌بار به سردار رشید، مسئول وقت مرکز اسناد، گفتم مرکز مطالعات جنگ، خود را به روش «تاریخ‌نگاری مستند نقلی در یک سیر تاریخی» متلزم کرده است. چرا شما که جنگ را تدریس می‌کنید، به این روند التزام دارید؟ شما باید جنگ را در سطح نظامی و استراتژیک

ببینید. همین نشان می‌دهد که تحقیق جنگ در دور، باطلی افتاده است. یعنی گفتار، متأثر از یک متن بیان می‌شود و دوباره همان گفتار را به متن منتقل می‌کنیم. این حلقه باید جایی شکسته شود و بخشی از این کار، در تدوین آثار استانی محقق خواهد شد.»

وی بر لزوم بازنگری مجدد به برخی از مفروضات مطرح شده درباره‌ی جنگ تأکید کرده و اظهار داشت: «بعد از جنگ، فرضیه‌هایی درباره‌ی عراق و هدف آن‌ها از تجاوز به خاک ایران مطرح شد که ما دائماً درباره‌ی آن‌ها حرف می‌زنیم در صورتی که باید آنها را اثبات کنیم. من معتقدم که برخی از آن‌ها باید اثبات شوند. شما در بخشی از کتاب آذربایجان آورده‌اید که تجزیه‌ی کردستان، یکی از اهداف عراق از حمله به ایران بوده است. آیا واقعاً این‌طور بوده است؟ شما بر اساس چه سندی چنین حرفی را مطرح کرده‌اید؟ حتی مستنداتی که آورده‌اید، دال بر این موضوع نیست.»

این راوی جنگ، هدف‌گذاری پژوهشی کتاب‌های استانی را متفاوت با سایر آثار جنگ خواند و گفت: «اگر قرار باشد که در کتاب جنگ در خوزستان بگوییم که همه‌ی جنگ در آن جا رخ داده، دیگر جایی برای کسی باقی نمی‌ماند و همه مراکز مطالعاتی جنگ هم باید تعطیل شوند، چون همه‌ی جنگ، در خوزستان خلاصه می‌شود. بهتر بود که محققان استان آذربایجان غربی، فهرستی از مسائل استان را استخراج کرده و چارچوب کار را درمی‌آوردند و در نهایت، آن را به مثابه ظرفیت‌های استان به سازمان حفظ آثار ارائه می‌دادند. در این صورت، روش تحقیق متناسب با آن هم انتخاب و استفاده می‌شد. اهداف نویسندگان از تدوین کتاب‌های استانی باید عینی شود. یعنی اگر مقاومت مردم استان با یکی از اهداف عراق در ارتباط بوده، باید آن را اثبات کنید. وگرنه معلوم نمی‌شود که روح آن عمل، ناظر به چه نتیجه‌ای بوده است. در سطح کلان در مناطقی که بحران امنیتی داشته‌ایم،

سردار محمد درودیان:
تحقیقات جنگ در یک دوره
فصل شده است. یعنی گفتار
متأثر از یک متن بیان می‌شود
و دوباره همان گفتار را به متن
منتقل می‌کنیم. این حلقه باید
جایی شکسته شود و بخشی
از این کار در تدوین آثار
استانی محقق خواهد شد

با خلاء نظری روبرو هستیم. خلاء مبانی نظری باید با تحقیق هم‌زمان در استان‌ها و مراکز مطالعاتی رفع شود. جزئیات کار در استان‌ها استخراج شود و مبانی نظری را به مراکز مطالعاتی بسپارند. برای مثال، مبانی پیوستگی بحران‌های امنیتی در کردستان و خوزستان با جنگ چیست؟ باید نسبت این حوادث با فروپاشی ساختارها پس از انقلاب بررسی شود که هیچ اثری از این موضوع، در کتاب‌های استان آذربایجان غربی نیست. اگر قرار است که نقش مردم در جنگ مشخص شود، باید صورت مقاومت را روشن کنید وگرنه همه می‌دانند که مردم مقاومت کرده‌اند. باید این مباحث را عینی کرده و وارد جزئیات شوید. امکان بازنگری، اصلاح و نقد مبانی بسیاری از ذهنیت‌های اولیه که به درست یا غلط تولید شده، وجود دارد. این‌گونه کتاب‌ها با تلفیق سه روش تاریخ‌شفاهی، روایی و اسنادی نوشته می‌شوند. در واقع باید تحقیق جامعی انجام داد.»

ایشان هم چنین موارد و نکات ذیل را برای رفع کاستی‌ها و نواقص این دو اثر را بیان کردند:

۱. باید منظور ما از نگارش تاریخ مشخص شود. صرف تاریخ‌نگاری ارزشی ندارد. باید از این حرکت برای مردم کشورمان هویت‌سازی کنیم و از این هویت‌سازی، باز آفرینی قدرت مقابله با تهدیدات و جنگ‌های آینده بیرون بیاید.

۲. در بحث حضور مردم در یگان‌های سپاه باید به ریشه‌ها و چراها پرداخته شود. در این وادی مشکل اسنادی نداریم. مشکل ما، مشکل روش تحقیق است، روشی که ما را به آن هدف برساند. (متد و روش)

۳. انتخاب متد و روش تحقیق نیز نباید ما را به یک سری داده‌های مشابه در همه یگان‌ها و استان‌ها برساند که خسته‌کننده و تکه‌ای باشد، بلکه باید به ویژگی‌ها و اختصاصات مردم هر استان

جداگانه پرداخته شود.

۴. بحث روزشمار در شروع این گونه کارها از ضروریات و اولویت‌های کار است.

۵. باید به نقش‌های محوری و تعیین‌کننده در جنگ و پشتیبانی از جنگ نظیر فرماندهان، استانداران، امامان جمله با ذکر تأثیرات و ویژگی‌های آن پرداخته شود.

۶. به ارتباط بعضی مسائل و موضوعات یگانی و استانی با مسائل کلی نظام و کشور نیز باید اشاره شود.

۷. باید فرقی هم بین کار استان‌های درگیر در جنگ و استان‌های پشتیبانی کننده باشد.

۸. پرداختن به این‌گونه پروژه‌ها به ویژه در تاریخ‌نگاری با رویکرد شناخت نقش مردم که کار جدید و تازه‌ای است، نیاز به محققین خاص همراه با آموزش‌های مرتبط با موضوع دارد.

در پایان نشست کارشناسی کتاب‌های «نقش استان آذربایجان غربی در دفاع مقدس» و «استان آذربایجان غربی در تأمین امنیت پایدار»، سردار علی ناظری گفت: «تصور می‌کردم که نقش مردم در دفاع مقدس، به این معناست که باید نقش مردم در مقاطع غیر از عملیات‌ها استخراج شود اما با این تفاسیر، نقش مردم در عملیات‌ها و قبل از آن باید مشخص شود. ما باید وقایع‌نگاری و یا روزشمار استان آذربایجان غربی را از بعد از پیروزی انقلاب آغاز کنیم و تا پایان جنگ بیاوریم. به نظرم کتاب نقش این استان در جنگ، تلفیقی از وقایع‌نگاری، خاطره، ادبیات و تاریخ‌شفاهی خواهد بود. یعنی تاریخ‌نگاری صرف و بدون روح نیست. اما بی‌شک، استفاده از قواری علمی در این پروژه قطعی است. برای تحقق این کار، کارگاه‌های آموزشی پیش‌بینی خواهیم کرد تا نویسندگان استان آذربایجان غربی و سایر استان‌ها با روش تدوین علمی آثار، آشنا شوند.»

[illegible]

5. The Destruction of Joyber Bridge in Operation Badr

Narrated by: Sajad Jahanshir

Abstract:

The Joyber Bridge was of particular importance in Operation Badr. The bridge is located about ۲۴ kilometers to the Iran-Iraq border in northwest of the northern Majnoon Island in Iraqi territories. Joyber Bridge is over the Tigris River near the Iraqi city al-Qurna and connects the east-west Basra- al-Qurna Road to the northern Majnoon Island. The bridge was destroyed in Operation Badr at ۱:۳۰ am on November ۱۹۸۳, ۲۱ by the intelligence group of ۱۱-th Martyr Boroujerdi Brigade.

This article is a narration by Sajad Jahanshir who explains how the bridge was destructed in Operation Badr by the Islamic warriors.



6. The Iran-Iraq War and the Demise of Development

Author: Abbas Alnasrawi

Translated by: Sohrab Ganjmorad

Abstract:

This article studies the economic situation in Iraq in the eight-year war with Iran. The oil market, the role of Iraq's oil exports in OPEC and the impact of the Islamic Revolution on Iraq's oil exports have been also studied. Furthermore, the Iraqi ratio of economic growth, employing the Iraqi labor force in military services, the policy of privatization in Iraq, inflation ratio and the casualties and damages of war are amongst the other subjects considered in this article. All these factors have been considered to evaluate the Iraqi development process; a process which was ascending during the 1970s, however, started to descend in the second half of the 1980s because of a war imposed by the Iraqi Baathist regime.

Keywords: Iraqi Development, Iraqi GDP, Iran-Iraq War, Iraqi Economy, Privatization in Iraq

[illegible]

3. Two Speeches by Ali Shamkhani addressing the warriors of 7th Vali-ye Asr(AS) Division and 10th Sayyid al-Shohada (AS) Brigade

by: Hassan Dorri

Abstract:

In addition to the command and control the various aspects of the war including strategy, tactics, and etc., the IRGC high-ranking commanders attended in and addressed the gathering of warriors and commanders of the combat units during the eight-year Holy Defense and played an important role in informing and guiding them on various aspects of the war.

Ali Shamkhani the then IRGC deputy commander during the eight years of war was one of the IRGC commanders amongst the others who spoke to the assembled warriors in this regard.

This text is a summary of two speeches by the Major General Shamkhani, narrated and recorded on two tapes labeled numbers 16624 and 16719 in the Center for Holy Defense Documentation and Research Archive by Davood Ranjbar and Mohsen Rokhsattalab respectively, both the Narrators (Ravies) of the Center. In the first speech addressing the gathering of 7th Vali-ye Asr Division warriors on June 30, 1985 in Karkheh Garrison, Shamkhani explains the various aspects of the revolutionary Islam, the Islamic movements characteristics, and the role of war to maintain the Islamic Revolution. In the second one addressing the gathering of 10th Sayyid al-Shohada(AS) Brigade warriors on August 17, 1985 in Khatam al-Anbia(PBUH) Headquarters, he describes the special position of the 10th Brigade in the war within the "Limited Operations Strategy".



4. The Explanation of Iran's Geopolitical Position

By: Abulvahab Khujamli, a Ph.D. student in Geopolitical Course at Tarbiyat Modaress University

Abstract:

The geopolitical position of the countries changes gradually under effects of different elements such as the wars, the revolutions, the international developments, and changing the balances of power. Iran is one of the countries whose geopolitics has been increasingly developed during the past four decades because of a different kind of internal and external geopolitical elements. Using a narrative – analytical research approach, this study attempts to consider the trend of developments in Iran's geopolitical position before and after the Islamic Revolution and during the Imposed War. The objective of the study is to shed light on the causes of these developments in a deep and comprehensive approach.

The article concludes that the trend of Iran's geopolitical developments has been very speed in the past decades and mainly because of the internal developments and power potentials of this country and the transnational or international elements have played merely a secondary role in this regard.





Contents

Articles

The Chemical Attack of Halabja, Repeating Hiroshima Tragedy

5

✍️ **Yadollah Izadi**

The 17th Ali ibn Abi Talib(AS) Division in Operation Badr

39

✍️ **Nader Zare Zadeh**

The Chemical Attack of Halabja, Repeating Hiroshima Tragedy

59

✍️ **Hassan Dorri**

The Explanation of Iran's Geopolitical Position

71

✍️ **Abulwahab Khujamli**

The Destruction of Joyber Bridge in Operation Badr

87

✍️ **Sajad Jahanshir**

The Iran-Iraq War and the Demise of Development

95

✍️ **Written by: Abbas Alnasrawi**
Translated by: Sohrab Ganjmorad

Interview

Reporting the Meeting of Revealing the Book "The Trend of the Developments of Iran-Iraq War"

121

✍️ **Maryam Asadi Jafari**

Documents

Documentation of Time to Time Report of Operation Badr

133

✍️ **Hassan Dorri**

Book Review

Reviewing the Book "The Trend of Iran-Iraq War and the 17th Ali ibn Abi Talib(AS) Division"

156

✍️ **Hassan Dorri**

Book Review and Study

Reporting the Conference for Reviewing and Considering the Book "The Role of Western Azerbaijan province in Holy Defence".

158

✍️ **conducted by: Zahra Nazeri**



The Center for Holy Defense Documentation and Research

**NEGIN
IRAN**

Vol.12 □ No.44 □ Spring 2013

Published Quarterly by
Editorial Head and Executive Editor

Editorial Board

Executive Manager

Page Designer

Editor

Publishing Supervisor

Address

Email

Tel

Fax

Price

The IRGC Center for Holy Defense
Documentation and Research

Dr. Hussein Ardestani

Dr. Gholam Ali Rashid

Dr. Hussein Alaei

Dr. Mahmoud Yazdanfam

Hamid Aslani

Hassan Dorri

Abbas Doroodian

Zahra Nazeri

Muhammad Behrozi

No.77, Shahid Vahid Dastgerdi) Zafar
(Ave., Shariati St., Tehran, I.R.IRAN.

neginiran@gmail.com

+ 98 21 - 22909522

+ 98 21 - 22909538

60,000 R